نذیر احمد

ق الرؤیا

تیار کلام

ین

الرؤیا ... ستة واربعین جزء من النبوة

بفضل خدائی و ... سر آغاز من این کتاب لاجواب بیعدیل و نظیر مسمی به

کامل التعبیر

یعنی

خواب نامه

۱۳۰۲

باهتمام سید احمد امیر منان شریف ... ابن ... خان تاجر کتب و مالک مطبع صفدری و حیدری

در مطبع صفدری واقع بمبئی طبع شد

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس خدایرا که واحد و صمد و قادر است مالک ذو الجلال وحی قادرست و رازق خلق و عالم ضمایرست خالق سپهر

و نجوم زاهرست عالم غیب و داننده سراست ظاهرست و باطن است اول ا[...]ست و درود و تحیت بر مصطفی

پاک صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم که را بنیا و سید و سند و فاخرست چنین گو[ید] [...] **ابوالفضل حسین** ابن ابراهیم

محمد تفلیسی که چون از تصانیف کتاب صحة الابدان بپرداختم نگاه کردم در کتا[بهای] [...]ان تعبیر که بپارسی ساخته بودند کتابی

جامع و واضح نیافتم چنانچه کسی ساخته و تاویل هر خوابی را از اقوال استادان این علم که بحجت و برهان در آن بیان

کرده بودند و بطریق استخراج هر خوابی بترتیب حروف مرتب و مشروح یاد نموده پس چون برین بیان کتابی ندیدم

که مفید باشد درین سعی کردم و رنج بر خود بردم تا این کتاب ساختم از بهر مطالعت نظر همایون سلطان معظم شاهنشاه

اعظم سلطان السلاطین العرب والعجم مالک رقاب الامم عز الدنیا غیاث المجاهدین قاتل المشرکین سلطان الروم

والدمشق والشام والافرنج ابوالفتح قزل ارسلان بن مسعود ناصر امیر المومنین اطال الله و عداوه بقاوه برنسق

حروف معجم خوابها را بپارسی واضح جمع آوردم از کتبی که درین علم نفیس معروف و مشهور است چون از کتاب

وصول دانیال علیه الصلوٰة والسلام و کتاب تقسیم جعفر صادق رضی الله عنه و کتاب جامع محمد بن سیرین و کتاب

دستور ابراهیم کرمانی و کتاب ارشاد جابر مغربی و کتاب تعبیر اسمعیل بن اشعث و کتاب کنز الرؤیای مامونی و

کتاب بیان التعبیر عبید روس و کتاب تعبیر حافظ بن اسحاق و کتاب حل الدلائل والمنامات و کتاب مبادی

التعبیر و کتاب ایضاح التعبیر مخزنی و کتاب کافی الرؤیا و کتاب تعبیر طاوس و کتاب مفرح الرؤیا

و کتاب تحفة الملوک و کتاب منهاج التعبیر خالد اصفهانی و کتاب مستقدمة التعبیر و کتاب حقائ[ق]

و کتاب وجین محمد بن شاهوید و کتاب متفرق از کلمات هر کس که درین علم تصنیف کرده ا[...] [...]حل نگردد

[...]اهی کرد

این کرده باز کرده شد و ترتیب اول هر خوابی نبق حروف اول و حروف دوم و سوم شرح درین کتاب یاد کردیم و نیش کامل تعبیر نهادیم زیرا که ازین علم کتابی ازین فاضلتر بپارسی نساخته اند و آنچه الضافت همه کس را با این کتاب احتیاج باشد و هر که قول این تعبیر در نظر دارد از همه تعبیرها بی نیاز باشد و از اقوال استادان این ضعیف اقوال شش کس یاد کرده که هر یک در عصر خویش یگانه و حکیم وقت بوده اند اول دانیال حکیم که در روزگار نجیب النسب بود دوم جعفر صادق رضی الله عنه سوم محمد بن سیرین چهارم جابر مغربی پنجم ابراهیم کرمانی ششم اسماعیل بن اشعث رضی الله عنهم نخست چیزها که بیغامبران را از دانستن آن ناگزیر است در پانزده فصل بیاوردیم و هر چیز در موضع خویش بترتیب فرا نهادیم تا برخواننده و آموزاننده آسان گردد و هیچ از دقایق بر وی پوشیده نماند انشاء الله تعالی وحده والله اعلم بالصواب

فصل اول در شناختن مزاج خواب **فصل دوم** در دانستن قسمهای خواب **فصل سوم** در یاد نفس و روح **فصل چهارم** در معرفت درستی خوابها **فصل پنجم** در معرفت خواب راست و دروغ **فصل ششم** در دانستن تفاوت خوابها **فصل هفتم** در معرفت فرق میان خوابها **فصل هشتم** در دانستن علم زجر و فال **فصل نهم** در معرفت خواب فراموش شده **فصل دهم** در گذاردن خواب بقول جاهلان **فصل یازدهم** در معرفت از حال نگشتن خواب **فصل دوازدهم** در معرفت شرط و ادب تاویل **فصل سیزدهم** در نگاه داشتن معبر و سایل و اصناف **فصل چهاردهم** در معرفت آنکه تعبیر از چند روز نیست **فصل پانزدهم** در دانستن مسایل که تعبیر آن مقلوب بود و در **فصل شانزدهم** تاویل دیدار حق سبحانه و تعالی عز و جل و دیدن فرشتگان و پیغمبران بترتیب یاد کردیم پس علم تعبیر خوابها بنسق و نظام هر خوابی را در اول این یاد کردیم یعنی اگر اول آنخواب الف و با بود آنرا در حروف الف و با بجوید و اگر حرف اول الف و تا بود در حرف الف و تا طلب کند و اگر اولش الف و یا بود یا الف و سیم بود این ترتیب از اول حروف دوم نگاه دارد تا استخراج خوابها بروی آسان بود و بر هیچ دانا این طریق پوشیده نماند چون درین کتاب بتاویل نگاه کند و از حق سبحانه و تعالی توفیق یاری خواهیم به تمام کردن این کتاب و ثواب دو جهانی چشم داریم از رب الارباب والله اعلم

اندر فضیلت این علم بدانکه علم تعبیر علمی بزرگ و شریف است که حق سبحانه و تعالی عز و جل این علم را بیوسف صدیق علیه السلام داد و بروی نهاد چنانکه در کلام مجید فرموده وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ و عبدالله بن عباس رضی الله عنه گفت اول چیزیکه حضرت حق سبحانه و تعالی جل و علا بحضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم داد آن بود که فرشته مقرب را در خواب دید گفت ای محمد بشارت باد که حق سبحانه و تعالی جل و علا ترا از جمله انبیا گردانید و ترا اختیار کرد خاتم انبیا گردانید افعال رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ گفت پس چون رسول علیه السلام بیدار گشت خواب نبوت خیر و اقبال از معراج خوابی دیگر دید چنانچه ایزد تعالی فرمود لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا

بالحق لتدخلن المسجد الحرام انشاء الله آمنین تا آنجا که فرمود فتحا قریبا و در قصهٔ ابراهیم علیه السلام گفت
انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری تا آنجا که صدقت الرؤیا انا کذلک نجزی المحسنین
و در خبر چنین آمده است که این معجزهٔ یوسف علیه السلام بود و علمی که معجز پیغامبری بود و یقین که بس علمی شریف و بزرگ بود
و بعضی از انبیا علیهم السلام که مرسل نبوده اند ایشان را بخواب کرامت گشت و هشام بن عروه از پدر خویش روایت
میکند که او گفت که در تعبیر این آیت که حق تعالی جل و علا فرموده لهم البشری فی الحیوة الدنیا حق تعالی عز و جل
بدین بشری خواب صالحان خواسته است که مردم صالح خویش را خوابی ببیند یا کسی او را خوابی بیند که در تصدیق
خواب آیات و اخبار بسیار است از انس که جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد و در خبر است از انس که رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم گفت الرؤیا جزو من ستة و اربعین جزوا من النبوة یعنی دیدن خواب مرد صالح
جزویست از چهل و شش جزو پیغامبری و این خبر از بهر آن گفت که چهل سال بود که بروی وحی آمد و شصت و سه ساله
بود که از دنیا رحلت کرد میان وحی و رحلت از دنیا بیست و سه ساله بود و آنچه خواسته بودند بخواب میدیدند اندر
شش ماه از بیست و سه ساله یک بهر از چهل و شش بهر بود پس رسول علیه السلام بدین معنی گفت الرؤیا جزو من ستة
و اربعین جزوا من النبوة و پیغامبران دیگر همچنین بودند هرچه خواسته بودند حق تعالی جل و علا ایشان را از خواب
باز نمودی و در خبر است از عبد الله بن عباس رضی الله که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که خواب راست وحی است
که حق تعالی جل و علا مر بینندهٔ را از خیر و شر بوی رسد تا در دنیا مغرور نشود و از امر کردگار غافل نباشد و ابوهریره
رضی الله عنه گفت چون رسول علیه السلام بیمار شد یاران اش غمناک پیش وی آمدند و گفتند تو ما را از کار خیر خبر میدادی
اگر اکنون عیاذا بالله ناگهان ترا اجل برسد ما را که خبر دهد در اختیار کار دین و تدبیر آن چگونه خبر دانیم رسول علیه السلام
گفت بعد وفاتی ینقطع الوحی ولا ینقطع المبشرات بعد از وفات من وحی بریده شود اما مبشرات
بریده نشود گفتند مبشرات چیست گفت الرؤیا الصالحة التی یراها المرء الصالح او یری له
یعنی دیدن خوابهای صالح که مرد نیک بیند یا کسی دیگر از بهر او بیند و در خبر است از ابو سعید خدری که گفت از رسول
علیه السلام شنیدم که با یاران میگفت که چون کسی از شما خوابی پسندیده و نیک بیند باید که شکر حق تعالی گوید و آن
خواب با برادران مومن و دوستان بگوید و اگر ناپسندیده بیند و مرد صالح بود چند بار اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم بگوید و از شر دیو بپناه حق جل و علا رود و آنخواب با هیچکس نگوید تا مضرتی و گزندی بوی نرسد و در خبر
است از امیر المومنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه که او گفت چون مومنی خوابی ببیند یا وی را بخواب ببینند
واجبست دانستن تعبیر آن خواب تا از خواب نیک بهرهٔ شادی برگیرد و از خواب بد حذر کند یعنی بدعا
و عبادات و صدقات مشغول شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که
علمی طلب کند از اصلش نگردد و قیاسش تعبیر نپذیرد و طریق آن معلوم نکند مگر این علم از اصل و
از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و دیانت و همت و ارادت و نیز باختلاف وقتها [illegible] گرد

همیکرد وزیرا که وقتی تعبیر مثل با باصل باید کرد و وقتی بعد کاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر اضغاث و احلام یعنی خوابهای
شوریده و بدانکه هر عالمی که علمی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معبر باید که بضرورت علم تفسیر قرآن و اخبار مصطفی علیه السلام
و امثال و اشعار عرب و عجم و نوادر و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یکدیگر فرا گرفتن و باید
که بزرگ و لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیک بشناسد بقیاس و علم اصول نیک داند و دایم
توفیق از حقتعالی جل و علا خواهد تا او را کرم خویش راه نماید و بر زبانش صلاح و صواب راند و این چیزها حقسبحانه و تعالی
بکسی دهد که طبع او پاک باشد از همه بلقمه حرام خوردن و از سخنهای نابکار دور باشد و از معاصی احتراز
نماید تا در سلک العلماء ورثة الانبیاء درج گردد و وارث پیغمبران باشد پس بر خردمندان واجب باشد
دانستن علم تعبیر و شناختن قوانین آن زیرا که چه خاص و عام عالم و جاهل را بدین علم حاجتست مگر آنقوم را که حق
جل و علا در شان ایشان گفت اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون واللہ اعلم
بالصواب **فصل اول** در شناختن مزاج خوابها اندرین فصل بیان کنیم که حد خواب و مزاج وی چیست
بدانکه حکما گفته اند که سبب وجود خواب از انجارهای تر مستعد است که از تن بسوی دماغ بالا شود بدانکه جمله حواس
و قوی بیارامند و آسایش یابند و طعامهای خورده مضمحل شود و آمیزشهای تن پخته گردد و اینچنین خواب را پزشکان
طبعی گویند و بعضی گویند که خواب گذاشتن روح است استعمال حواس را و بعضی گویند که خواب فعلیست از فعلهای
دماغ و آن فعل طبیعی است زیرا که از وی راحتها بقوی ها برسد خصوص قوت تخیل و قوت فکر و این قوتها که یاد کرده
شد حرکات روح نفسانی اند و موضع ایشان دماغ بود و آسایش بخواب است تا روح نفسانی آرمیده
گردد و دلیل برین آنست که چون کسی بتحصیل علم مشغول گردد و بشب گرمی و خشکی بر مزاج او غالب شود و روح
نفسانی از بسیاری حرکت سست و ضعیف گردد و از این جا رنج و بیماری تولد کند و علاج آنچیزها سرد و تر باشد
چون روغن بنفشه و روغن نیلوفر و آنچه بدین ماند و حکما گفته اند خواب بر دو گونه است یکی طبیعی و دیگر غیر
طبیعی اما طبیعی حرارت غریزی بتر دهد یعنی گرمی اصلی اندرون را از اندرون نگهدارد و چون بسیار
خسپد قوای نفسانی سست گردد و بسبب آنچه تری بر روی چهره گردد و لیکن باید که رنج زایل کند و فضلها
که در تن جمع شده جمله بعرق از اندامها دفع کند و خوابیکه غیر طبیعی است بر سه گونه باشد یکی از فساد مزاج
تن دوم از زیاده شدن بعضی مساحهای تن وی یعنی خون و صفرا و سودا سوم از خوردن غذاهای غلیظ زیانکار
مزاج سرد و تر است و مایهٔ آن از سردی و تری دماغ ظاهر شود و از انجا است که دماغ گرم و خشک را خواب
کمتر آید و دماغ گرم و تر خواب بسیار کند و اگر کسی اعتراض کند و گوید که چه دانستی که خواب فعلیست از افعال
سرد و تر و راحت و قوت متخیله و متفکره است جواب آنست که ما را از طریق عقل معلوم میشود که نشستن راحت
ایستادن است اعتدال راحت بیداری و آسایش قوتهای دماغ پس یقین است که خواب فعلیست از
افعال مغز سر و شرح خواب طبیعی و غیر طبیعی و ضعف قوت تخیل و قوت ذکر و قوت فکر

بحجت و برهان از قول حکما قدیم در کتاب کفایت الطلب نهاده ایم وجمله درآن بیان کردیم

فصل دوم در دانستن وتعبیر

خواب دانیال علیه السلام گوید که خواب دراصل دو چیز است یکی آگاه کننده از حقیقت حالها دوم بیدار کردن از سرانجام
کارها واین دو فصل از چهار قسم است یکی خواب امر است یعنی فرماینده دوم خواب زاجر یعنی باززننده سوم منذر
یعنی بیم کننده وترساننده چهارم خواب مبشر یعنی مژده دهنده عبدالله بن مسعود گوید که رسول علیه السلام گوید الرؤیا ثلثة
اقسام من الله تعالی وبشری المؤمنین فی حیوتهم قسم دوم من الشیطان الذین امنوا قسم سوم اضغاث و
احلام یعنی خواب بر سه قسمت یکی از حق تعالی جل وعلا بشارت مومنانرا در زندگانی ایشان دوم قسم آنست که مردمان را اندوهگین
گرداند سوم قسم آنست که خوابهای آشفته باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اصل خواب بر سه قسم است یکی را حکم خوانند دوم قسم را
متشابه خوانند وسوم قسم را اضغاث واحلام خوانند واضغاث واحلام چهار گروه بینند گروهی که طبع ایشان بفساد مایل است وگروهی که
شارب الخمر باشند وگروهی که غذای سودا انگیز خورند چون بادنجان وعدس وگوشت نمکسود وانچه بدان ماند وگروهی کودکان
نابالغ محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید خواب بر دو قسم است اول خواب حکم که آن درست بود دوم اضغاث واحلام و
آن خواب پریشان و پراگنده بود واضغاث دستهای گیاه باشد یعنی چنانکه گیاها متفرق اند هر گونه در بستانها
واضغاث نیز مختلف است وآن نیز بر سه نوعست بعضی از غلبه طبع وهوا وبعضی از نمایش دیو وبعضی از حدیث
نفس واین هر سه نوع درست نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواب بر سه قسم است قسمی از بشارت حق سبحانه وتعالی
عزوجل وقسمی وسوسه از شیطان وقسمی از سخنی که با خود گوید واز هوس آن سخن در خواب بیند وآن راست صورت
فرشته بود که از لوح محفوظ بشارت دهد بچیزیکه کرده باشد یا بنده بحضرت حق تعالی جل وعلا بود واز شر آن
ایمن گردد که بوی رسد ازین سبب چون کسی خواب بیند وفراموش کند معبر گوید توبه کن از گناهان وفراموش
کردن خواب از معصیت باشد زیرا که نماینده خواب فرشته هست از لوح محفوظ مغربی رحمة الله علیه گوید خواب
بر دو قسم است قسمی خواب راست وقسمی خواب دروغ وخواب راست بر سه قسم است قسم اول را تبشیر خوانند وقسم
دوم را تهدید وقسم سوم را الهام قسم تبشیر آنست که حق جل وعلا فرشته بر لوح محفوظ موکل فرموده است تا هرچه
از خیر وشر بر سر فرزند آدم که خواهد گذشت از لوح محفوظ بوی رساند ونماید اورا درخواب وآن فرشته را ملک الرؤیا
خوانند پس چون کسی را بشارتی خواهد رسانید ملک الرؤیا اورا درخواب باز نماید وخواب تهدید آنست که ملک الرؤیا
اورا بترساند وآگاهی دهد از چیزیکه بوی خواهد رسید تا بیننده خواب بطاعت گراید واز گناه پرهیزد وبسبب آن
عبادت وفرمانداری کند واز شری که بوی خواهد رسید ایمن گردد قوله تعالی وَتُوبُوا اِلَی اللّٰهِ جَمِیعًا اَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ وخواب
الهام آنست که خدای تعالی الهام دهد آن فرشته را تا درخواب ایها المؤمنون لعلکم تفلحون وخواب الهام آنست که خدای تعالی الهام دهد آن
فرشته را تا درخواب نماید بنده را که صدقه باید دادن وجهاد کردن وبحق سبحانه وتعالی بازگشتن واز سر گناه درگذشتن وعدل واحسان
باخلایق کردن وخواب دروغ بر سه وجه است یکی را خواب همت گویند دوم خواب علت سوم خواب شیطانی
یعنی خواب آشفته ومختلف خواب همت آنست که مردم به بیداری چیزی اندیشند چون بخواب روند همان

ببیند وآنخواب را اصلی نباشد وتاویل وی راست نیاید وخواب علت آنست که مردم آزاری اندر اندامی نالد چون بخسپد اندر دیدار غالب شود وچیزهای منکر وسهمگین بخواب ببیند وسبب آنخواب از درد باشد وآنخواب را اصلی نباشد وخواب شیطانی آنست که او را بشستن واجب کند یا چیزی نامکن بخواب ببیند وآنرا تعبیر وتاویل نباشد قوله تعالی وما نحن بتاویل الاحلام بعالمین وامیرالمومنین علی کرم الله وجهه فرمود که از عجایبهای که حق سبحانه وتعالی عزوجل آفریده یکی خوابست وانچه در خواب همی بینیم از خیر وشر که بعد از ان حکم ایزد تعالی جل وعلا برسد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی آنست که شخص در خواب ببیند خیری ومنفعتی وراحتی ببیند یا شری وآفتی همچنان آن خیر وراحت یا شر وآفت بعینه به بیداری بوی رسد ویکی دیگر آنکه بسیار مردمان کند فهم وکند زبان باشند چنانکه در بیداری بیتی دراز ویا شعری که یاد نتواند گرفتن در خواب خوانند ویاد گیرد ودر بیداری درست باز خوانند وبسیار مردمان جاهل باشند که سخنان حکمت آمیز ولفظهای نیکو گویند چنانکه هیچ حکیم وعالم نتواند گفت وچون بیدار شود آن سخنان باز گوید جابر مغربی رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی آنست که در خواب چیزی ببیند که افزا باشد وتاویل آن چنانست که انچه در خواب ببیند فرزند یا برادر روا باشد چنانکه محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم یکی بخواب دید که بوجهل مسلمان شدی آنخواب از پس عکرمه باز گشت هم مردی دیگر بخواب دید اسد امیر که مسلمان شد آن خواب به پسران عباس بن اسد باز گشت که چون کودکی بخواب ببیند تاویلش مادر او را بود ویا بنده ببیند تاویلش خواجه او را باشد ازین عجایبها در خواب بسیار است اگر جمله یاد کنیم کتاب دراز گردد

فصل سوم در یاد کردن نفس وروح بدانکه حق سبحانه وتعالی جل وعلا در قرآن مجید فرماید اَللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ حِيْنَ مَوْتِهَا وَالَّتِيْ لَمْ تَمُتْ فِيْ مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِيْ قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْاُخْرٰى اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى ایزد تعالی عز اسمه خبر کرده است ما را که نفس با خویشتن گیرند در خواب وبیداری باز گذارد واما مرده باز نگذارد ومعنی یتوفی اینجا استیفا بود بمعنی بستدن ومیان علما وحکما در نفس وروح خلاف است بعضی گفته اند هر دو یکی اند معنی نفس وروح جانست ودلیل ایشان آنست که گویند در کلام عرب هشت معنی دارد جان وخون وآب منی وبراز وتهمت وجسم وتن وروح را گویند دوازده معنی دارد جان وباد وکلام وروح القدس باران ووحی وافسون ومسیح مریم وزندگانی وفرشته ورحمت حق جل وعلا وجمعی گویند که جان ببینده خواب از تن بیرون آید وبآسمان رود وانچه بدیده است وشنیده یاد میدارد وچون بیدار شود باز جان در تن او در آید دلیل ایشان آنست که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت بنده که بطهارت بخسپد وذکر حقتعالی بر زبان راند جان او را بر آسمان برند وبعضی معبران این آیت خبر را منع کنند وگویند این نه قول رسول است اگر خفته را جان از تن رفتی حرکات دم زدن نداشتی پس چون این حال در خفته حاصل است دلیل کند که جان همچنان در تن خفته است وبعضی در میان جان وروان فرق نهند وگویند که چون خفته در خواب رود روان او از تنش بدر آید وگرد عالم بگردد باز در تن در آید وانچه دیده باشد جان را خبر دهد ودلیل گویند که مثل جان چون قرص آفتاب است ومثل روان چون روشنائی آفتاب چنانکه قرص آفتاب در فلک چهارم است وروشنائی او در جهان وجمعی از فلاسفه گویند جان وروان چیزی یکیست وهیچ فرقی نیست میان

ایشان زیرا که صفت شان بقیاس عقلی چون یخ از آبست و آب از یخ و نزدیک ارسطاطالیس نفس مبداء اول است
و او شریف و بزرگوارتر از روح است و اما صفت نفس و روح از قول حکما پیش ازین یاد کردیم در کتابی که نام او سماء
المسائل است و انجا بیان کرده ایم تا نزدیک اهل سنت و جماعت روح امریست از امرهای باری سبحانه و تعالی عز و جل
قوله تعالی وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي یعنی ای محمد سوال میکنند ترا از جان بگو که جان از امر
پروردگار من است و اعتماد بر قول باریتعالی است و حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم و مقصود از یاد کردن
اقاویل حکما درین باب این بود تا این کتاب از ذکر ایشان و برهان خالی نباشد ایزد جل و علا ما را الطریق دین خدا و سنت
پیغمبر نگاه داد و توفیق خیر و کرامت روزی کند **فصل چهارم** در درستی خوابها بعلامتها کرمانی رحمة الله علیه گوید هر که خواهد
تا درستی خواب خویش بعلامتها و دلیلی نیک بداند باید که تا تواند بطهارت بخسپد و به پهلوی راست بخسپد و خدا را یاد
کند و طعام بسیار نخورد زیرا که آنکس که طعام بسیار خورد و خدا را یاد نکند معده او پر گردد و بخارهای طعام بدماغ
او رسد و عقل از ان متخیل گردد ازین سبب خوابهای آشفته و مختلف بسیار بیند و طعام اندک هم نخورد زیرا که چون معده
از طعام خالی باشد و گرسنه خسپد هم خواب آشفته بیند زیرا که طبیعت غذا نیابد سست و ضعیف شود او را خواب
نبرد و چون در خواب رود خواب آشفته بیند و مردم در وقت خواب باید که نه سیر باشند و نه گرسنه تا خوابی
که بینند راست و درست آید و نیز خواب را فراموش نکند و در خبر است از عبد الله بن مسعود که مرد اعرابی نزدیک رسول الله صلعم
آمد و گفت یا رسول الله دوش چنین خوابی دیدم و خوابی آشفته آغاز کردی و گفت رسول ع فرمود که چه خورده بودی گفت خرمای پخته
خورده بودم بسیار رسول علیه السلام فرمود که اینخواب را تاویل نیست و درست نیاید و از انجاست که معبران بسیار خواب را تعبیر
میکنند و تاویل آن درست نمی آید معبر باید که ازین تعبیر ها غافل نباشد و چنین چیزها از سایل بپرسد بعد از ان تاویل خواب
بکند تا انچه گوید راست و درست آید و علامتهای درستی خواب که چنین باشد که یاد کرده شد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بسیار
خوابیست که کسی بیند چون آنکس سزاوار آن نباشد تاویلش بکسی از خویشان او باز گردد یعنی بفرزند یا برادر یا پدر و بسیار بود که تاویل
خواب از مرگ او تاثیر کند و ما درین باب پیش ازین تقریر عکرمه بن ابو جهل کرده ایم که بر پدر خواب دیدند و تاویل آن بر پسر رسید چنانکه
کودک نابالغ چون خواب بیند بر پدر باز گردد پس چون معبر اصول این چیزها دانسته باشد بر وی هیچ مشکل نبود و جعفر صادق رضی الله
عنه گوید بسیار خوابست که بیننده را صعب و سهمگین نماید تاویلش بخلاف آن باشد چنانکه اندوه و بیم و تاویلش شادی و خرمی
باشد قوله تعالی وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا و گریختن از پادشاه و دشمن و دوان و انچه بدین ماند دلیل
کند که خداوند خواب در امان و زنهار خدایتعالی باشد قوله تعالی فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ
و اشکال این تاویلات بسیارست و ما هر یکی در موضع خود بیان کنیم انشا الله تعالی **فصل پنجم** در معرفت خواب
راست و دروغ دانیال علیه السلام گوید که مردمان باشند در شکل و صورت و طبایع و بالا و سخن گفتن و خواب هر کس چون
بر طبع مردم و هوا و شهر هر کس مختلف باشند و بر یکدیگر نمانند چون بر طبع مردم خون غالب شود از بسیار خوردن گوشت و حلوا
و شراب و چیزهای دیگر که از وی خون بیفزاید در خواب رگ زدن و حجامت کردن و لب تافتن و عشرت کردن و آوازها

جنگ وجنازه شودن آنچه بدین ماند پس چون معبر در وی نگاه کند و گونه وی سرخ بیند و تن فربه و در وی نشاط و شادی بیند
نه بوقت هنگام خویش بداند که آن از علت غالب شدن خونست و آن خواب را اصلی نباشد و چون بر طبع مردم صفرا
غالب باشد از خوردن چیزهای صفرائی چون سیر و پیاز و پلپل و چیزهای گرم و خشک در خواب آتش و چراغ و شمع
و قندیل و گرما و چیزی بسیار بیند چون معبر او را زرد گونه و لاغر بیند و در وی تیزی و حرکت بیند و سخن بسیار گوید داند که صفرا
بروی غالب است و خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع وی بلغم غالب شود از خوردن چیزهای بلغم افزا چون دوغ
و ماست و شیر و آنچه بدین ماند در خواب برف و باران و آنچه بدان ماند بسیار بیند چون معبر گونه او سفید و تن فربه بیند و در سخن
او گرانی باشد داند که بر مزاج او بلغم غالبست و داند که خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع سودا غالب شود از خوردن
چیزهای سودا انگیز چون گوشت نمک سود و برشها و بادنجان و آنچه بدین ماند خوابهای با بیم و ترس و مار و کژدم و تاریکی و چیزهای
سهمگین و سیاهی بسیار بیند و چون بیند که رنگ در روی او زرد اندیشه متفکر است و بی سببی بر روی و ریش خود
دست مالد معبر بداند که سودا بروی غالب است و خواب او را اصلی نیست پس از راه خود واجبست که معبر درین چیزها
که گفتیم تامل نگاه کند و خواب هر کس را نیک بپرسد و بر آن واقف گردد تا تاویل خواب بر وفق صواب آید
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خواب آن کسانیکه اصحاب همت باشند چون عاشق معشوق را بخواب بیند یا ارباب حرفت
که پیشه او بخواب بیند مثلا جولاه کرباس را یا آهنگر آهن را بیند بر معبر واجبست که خواب باز پرسد که دوش چه خورده
بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان برف و باران یخ و سرما گرفتار است چون بیدار
شود جامه خواب از وی دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن بسبب برهنگی باشد و بی جامگی او بود و آنخواب را اصلی
نباشد و اگر بخواب بیند که اندر گرما بود و یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود پیچیده باشد
و آن گرمی یافتن بسبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیند که از علتی می نالید و دردی در اندام وی
افتاده بود دیر از بخور رسیده انگشت و همان درد دارد و آنچه در خواب بیند که بول میکرد چون بیدار شود بیند که در جامه خواب
بول انداخته بود و یا بول بر وی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد **فصل ششم** در دانستن تفاوت
میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از دو حال بیرون نیست یا مؤمن است
یا کافر و این اصل را چهارده نوع است نوع نوع اول خواب پادشاهان دوم خواب قاضیان سوم خواب منقیان
چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادگان ششم خواب بندگان هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب
صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم خواب توانگران دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بانوان
چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خوابها پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهان
را بر دیگران چندان فضیلت است که پادشاهان را بر رعیت چه ایزد سبحانه و تعالی اجل و علا پادشاهان را برگزیده
و سروری داده و ظفر افزوده تا اطاعت وی بجا آورند قوله تعالی یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوْا اَطِیْعُوا اللهَ وَاَطِیْعُوا
الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مَنْ اَطَاعَ الْاَمِیْرَ فَقَدْ اَطَاعَ الله

وَدَسُوكَر وپس هرچند خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیند آن خواب مقرون پادشاه را نزدیک بود و بخواب پادشاه نزدیک تر و خواب
او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر کردن در کارهای خاص
و عام بستن و کشادن با مو خلایق همه از قاضیان بود و خواب فقها را فضیلت است بر خواب عوام چه ایشان دانا اند با صول فقه
و حدود مسلمانی و فرایض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان بتوان دانست و خواب آزاد ان را فضیلت است بر خواب بندگان
از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا شرف و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علما را فضل از برای
آنست که حق سبحانه و تعالی ایشانرا شرف و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت
نمایند و خواب بنده خداوند را منفعت دهد که بنده را از ان نصیب باشد و خواب مرد ان را بر زنان فضیلت است
از برای آنکه باری سبحانه و تعالی ایشان را برگزید و بر زنان بچند چیز رجحان داده تفضیل نهاد قوله تعالی
اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ و پیغامبران را علیهم السلام فرستاد همه مردان بودند و جای دیگر فرمود فَرَجُلٌ
وَّامْرَاَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ و دیگر عقل است صبر و جود و رای و شجاعت و سخاوت و علامت
و خدم و امثال آن همه در جبلت مردان مذکور گردانیده و خواب زنان نزدیک است بخواب بندگان و خواب
صالحان را فضیلت بر خواب فاسقان از بهر آنکه خواب اهل صلاح بطاعت میل می کنند و از معصیت دور باشند
و خواب فاسقان که روز قیامت بر ایشان حجت باشد چنانچه بر کافران زیرا که فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب
توانگر بر خواب درویش فضل دارد زیرا که توانگر زکوة و صدقه دهد و حج و غزا کند و رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که یَدُ الْعُلْیَا خَیْرٌ مِّنْ یَدِ السُّفْلٰی یعنی دست بخشنده به از دست ستاننده است و گروهی از معبران گویند
که خواب درویشان را اصلی نباشد زیرا که همواره دل ایشان پریشان باشد از غم کسب و عیال چون درویش خواب نیکو بیند
اثر آن دیر پدید آید و چون بد بیند اثر آن زود ظاهر گردد و خواب توانگران خلاف این باشد و خواب اهل بلوغ معتبر باشد
زیرا که شهوت بر ایشان غالب باشد و نابالغ ادب و عقل ندارد و بعضی از معبران گویند که خواب کودک نابالغ چون نیک
باشد نیکی آن بپدر و مادر رسد و بدی آن زیان دارد و خواب کودک نابالغ را دو قول است قولی آنست که خواب ایشان راست
و درست باشد حکمش پدید آید زیرا که دل کودک از گناه صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قولی دیگر خواب
کودکان را عقل و تمیز چنانچه باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حایض درست باشد چنانچه صفیه بنت سنده بخواب دید که
ماه و آفتاب از آسمان هر دو بکنار وی افتادند چون بیدار شد امیر خیبر را ازین خواب آگاه کرد امیر خیبر طپانچه بر روی
وی زد و گفت اگر این خواب راست بیگوئی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم خیبر بستاند و ترا زنی کند دیگر روز رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم خیبر بگرفت و لشکر اسلام صفیه را پیش بردند رسول صلی الله علیه و آله و سلم از صفیه پرسید که این کبودی که بر روی
تست از چیست صفیه این صورت خواب بازگفت همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب او راست آمد و الله اعلم بالصواب

وفصل هفتم در معرفت فرق میان خوابها کرمانی رحمة الله علیه گوید که خواب مسلمانان راست تر از خواب کافران
باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی اَمْ حَسِبَ الَّذِیْنَ اجْتَرَحُوا

السَّیِّئَاتِ اَنْ نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَوَآءً مَّحْیَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَآءَ مَا یَحْكُمُوْنَ
وخواب پیران بهتر و راست تر از خواب کودکان و خواب زن آزاد بهتر از خواب کنیزک بود و در خواب هر کس معبر را باید که در وقت
گذاردن خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سؤال کند و الفاظ پراگنده که شنود همه را القیاس عقل راست
کند چنانکه لفظ اول با آخر بود و از آن آخر ها اول آرد آنگاه تعبیر کند و هر کدام که لفظ قوی تر بیند با صول همان لفظ
تعبیر کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد او را غلط نیفتد و آنچه گوید صواب گوید زیرا که علمای قدیم قیاس چنین کردند
و صواب و راست آمدی **حکایت** چنین گویند مردی از ابن سیرین رحمة الله علیه سؤال کرد که بخواب دیدم که بانگ
نماز گفتم ابن سیرین گفت حج اسلام بگذاری هم در آن وقت مردی بیامد و گفت که بخواب دیدم که بانگ نماز
میگفتم گفت ترا بدزدی متهم کنند شاگردان گفتند که این دو خواب یکصورت داشت که بانگ نماز می گفتند چگونه تعبیر این
مخالفت کند گفت آن را سیمای صلاح دیدم گفتم که حج بکنی قوله تعالی وَاَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَاْتُوْكَ رِجَالًا و دران
دیگر سیمای اهل فساد دیدم مخالفت در تعبیر گفتم که ترا بدزدی بگیرند قوله تعالی فَاَذَّنَ مُؤَذِّنٌ اَیَّتُهَا الْعِیْرُ
اِنَّكُمْ لَسٰرِقُوْنَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید که وقتی باشد که خوابی بینند و تاویل آن هم در آن روز باشد
و خوابی اندر شب بینند و تاویل آن یکسال باشد و خوابی در شب بینند و تاویل آن شش ماه باشد و وقتی باشد
که خوابی بینند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه در کشتن امیر المومنین حسین رضی الله عنه
و آن چنان بود که رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخواب دید که سگی خون وی بخوردی و بعد از چهل سال درستی آن خواب
پدید آمد که او را شهید کردند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید که تاویل خواب شب قویتر از خواب روز باشد و خوابی
که اول شب بینند درست نباشد اکثر از کثرت اندیشه و اشغال و خوابی که در نیمشب بینند هم از قسم اضغاث احلام
بود و لیکن درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشتهٔ مقرب از لوح محفوظ بر دم نماید ازین سبب تاویلش
درست و راست بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوابیکه در اول شب بینند تاویلش به پنج سال پیدا شود و اگر میانه
شب بینند تاویلش به پنجاه پیدا شود و اگر در سحرگاه بینند تاویلش تا ده روز پیدا شود و علی الجمله هر چند که شب بروز
نزدیکتر بود خواب درست تر و زودتر بود تاویل آن **فصل هشتم** در دانستن خواب جذر تا بر معبر راست آید دانیال
علیه السلام گوید که هر که بخواهد که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم جذر و فال را که استادان قدیم را بود نیک بداند چنانکه
اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سائل بپرسد اگر نامش نیک باشد دلیل بر نیکی کند چنانکه محمد و احمد و حسین
و فضل و سهیل و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین ماند بدانکه این جمله دلالت بر خیر و فرح بود بر آنکس که رسیده اگر نام
بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر وی رسد و چون سایل از وی تعبیر خواب پرسد معبر در آن زمان
پیش اسپ یا استر یا خر بیند بداند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز ببیند که خواب سفر کند خاصه که اسپ
و استر با زین و لگام بیند قوله تعالی وَّالْخَیْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِیْرَ لِتَرْكَبُوْهَا وَزِیْنَةً و اگر سایل از وی
تعبیر خواب پرسد و آن زمان کلاغ سه بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکی کند و اگر کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر بدی

بود که بوی رسد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید شخصی خوابی دید پرسید عبد الله ابن عباس را آنحال کلاغی بیامد و بر دیوار آن خانه نشست و دو بانگ کرد عبد الله ابن عباس گفت
دلیل کند نمی شود هم در آنشب دزدی بخانه وی رفت و سوراخی کرد و هر چه داشت برد عبد الله گفت که من با یاران گفتم که اگر کسی تعبیر خواب
بپرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مضرت و زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکویی و اگر پنجبار
کند بد باشد و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بانگ کلاغ چون طاق باشد دلیل
بر خیر باشد و چون جفت باشد دلیل بر تباهی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مردی بخسپد به نیت آنکه خوابی ببیند و از آن خواب
احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گوسپند یا بره یا گاو یا اسپ و مانند این باشد که گوشت وی چیزی خورند دلیل بر تباهی
کار او باشد اگر ببیند در بسته از بهر او گشادند یا طعامی شیرین یا نبات خورد دلیل بر نیکی کند **فصل هفتم** در طریقی که
فراموش کرده باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی خوابی دیده باشد و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او
براند طریق آنست که نامش بپرسد و حرفهای نامش بشمارد و بحساب ابجد نه نه از وی بیندازد و نگاه کند که چند
مانده است مثلا اگر نه مانده باشد شهر را بخواب دیده تاویلش دلیل بر فساد کند قوله تعالی وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ
رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ و اگر هشت مانده باشد سفر یا تزویج دیده باشد قوله تعالی
ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ و اگر هفت مانده باشد دوان یا سگان دیده باشد قوله تعالی
يَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب مستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل
صلاح را بخواب دیده باشد تاویلش تمامی اشغال وی باشد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد بخواب
دیده باشد دلیل بر تباهی حال او کند قوله تعالی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ
و اگر پنج مانده باشد اسپان و سلاحها بخواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان بخواب دیده باشد فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ
سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ و دیگر
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا اگر دو مانده باشد یا یک دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ
لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ تاویلش آنست که از آنچه میترسد ایمن گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون کسی خوابی دیده باشد
و فراموش کرده بود و معبر خواهد که خواب براند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی نه از اعضای خویش اگر بر سر نهد کوه در خواب
دیده باشد و اگر بر چشم نهد چشمه آب شور دیده باشد و اگر بر بینی نهد دامن کوه دیده باشد و اگر بر رخسار نهد مرغزار دیده باشد
و اگر بر دهان نهد چشمه آب خوش دیده باشد و اگر بر گوش نهد شگافها و مغاکها دیده باشد و اگر بر ریش نهد گیاهها در خواب
دیده باشد و اگر بر شکم نهد رودخانه در خواب دیده باشد و اگر بر عورت نهد خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش
نهد کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد درخت میوه دار دیده باشد و اگر بر انگشتان نهد شاخهای خورد درخت
دیده باشد و اگر بر مقعد نهد مزبله دیده باشد و اگر بر زانو نهد گریوه دیده باشد و اگر بر ساق نهد درخت بی بر دیده
باشد و دانیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب بیند و فراموش کند از چهار چیز بوده باشد یکی از بسیاری گناه دوم از
کردار مختلف سوم از ضعف نیت چهارم اختلاف طبع که چون از حال بگردد لاجرم خوابها را فراموش کند **فصل دهم**

درگذاردن خواب بقول جاہلان کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اہل علم و حکمت جایز نداشتہ اند کہ کسی خواب پیش جاہل گوید یا تعبیر آن
از جاہل بپرسد و اینکہ گویند اگر کسے خوابی دیدہ از نادانی بپرسید و او تعبیر کرد و انچہ معبر گفتہ باشد واقع شود و این
محالست زیرا کہ نمایندہ خواب فرشتہ ایست و ہرگز خطا نہ اندیشید و انچہ گوید حق باشد و حق بقول نادان باطل نگردد
و میان عالم و جاہل فرق بسیار است قولہ تعالی قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ و رسول صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم فرمود لَا يَسْتَوِي الْعَالِمُ وَالْجَاهِلُ و چون نمودار خواب فرشتہ ایست کہ از لوح محفوظ گفتہ باشد اگر بیند
کہ خیر خواہد رسید یا شر و ہر کہ عالم و جاہل خواہند کہ آنرا اگردانند و انچہ رسیدنی بود برسد مگر قضای معلق بود کہ بدعا و صدقہ
دفع شود و چون ملک ریان ان خواب بدید چنانکہ حق تعالی فرمود قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ
بِعَالِمِينَ قوم خویش را بخواند و این خواب بپرسید و گفت قولہ تعالی يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ
لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ یعنی ای بزرگواران فتوی کنید مرا درین خواب قوم او گفتند با تعبیر این خواب نمیدانیم لیس یوسف علیہ السلام
تعبیر کرد و حدیث ہفت سالہ قحط بگفت بدین عجب دانستیم کہ ہرچند جاہلان تعبیر خواب کنند حق باطل نگردد **فصل یازدہم**
در معرفت خوابہا از حال با وقات و اصناف و ہیأت ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید خواب باوقات گردد چنانکہ اگر کسے
بشبہ خواب بیند کہ بر سبیل نشستہ است دلیل کہ بزرگی لند و شغلی کہ او را باشد اندران منفعت اندک بود و اگر اینخواب
بروز بیند دلیل کہ زن را طلاق دہد و اگر بشب بیند کہ مرغ سنگ را بگرفت دلیل کہ او را با مردی ابلہ کار افتد و اگر بروز
بیند بیمار گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ خواب از اصل نگردد بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب گردد چنانکہ تاویل ایمان
خواب بر کید گر عذاب بود قولہ تعالی غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا چون این خواب مردی صالح بیند دلیل کہ دست ان
گناہان و کارہای ناسزا باز دارد چنانکہ محمد بن عبدالعزیز روایت کند باسناد درست از عبدالرحمن سلمی کہ پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم میان
ابوبکر صدیق و سلمان پارسی رضی اللہ عنہما برادری کردہ و او و سلمان خوابی دید مر ابوبکر را گفت و سبب آنخواب از دی دور شد و ابوبکر را
رضی اللہ عنہ گفت کہ دست از سر تو کوتاہ شد تا بقیامت سلمان رضی اللہ عنہ از آنخواب سید عالم را صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم خبر داد تاویل
ہمان فرمود کہ ابوبکر رضی اللہ عنہ گفتہ بود و ابو سلم رضی اللہ عنہ روایت کرد از عطا ابن خباب کہ محمد بن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ
تاویل خواب کسیکہ بر منبر بود چنین کرد کہ اگر از اہل صلاح است شرف و بزرگی یابد و اگر از اہل فساد است بر دارش کنند و در
عدید الحدیث آمدہ است کہ احمد بن معدر روایت کرد از ابو عبیدہ کہ زنے از محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم پرسید بخواب
دیدم کہ ستون سقف خانہ من بر من شکستہ بود گفت کہ شوہرت از سفر باز آید بار دیگر ہمین خواب و بدید پیش ابوبکر رضی اللہ عنہ
رفت و از وی پرسید گفت شوہرت بمیرد خواب ہر دو یکی بود اما تاویلش از اختلاف وقت بگشت و ابو حاتم روایت
کند از اصمعی کہ اشعری پرسید کہ بخواب دیدم کہ گندم بجو فروختمی گفت شعر بقران بدل کنی گندم جو از اصل نگردانید
از گشتن حال مرد و اگر کسے ہمین خواب بیند باشد کہ صاحب اصمعی حدیث بود و کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید ہر خواب
کہ در فصل بہار بیند امید وار باشد و نیکو اما در حکم تاویلش تاخیر بود و خوابیکہ در فصل تابستان بیند حکم تاویلش
زود تر و قوی تر باشد و ہر خوابیکہ در فصل خزان بیند تاویلش درست نیاید و بر درستی این سخن دلیل

آنست که مردی از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید که بخواب هفتاد برگ شمرده از درختی بمن داده اند ابو بکر گفت هفتاد چوب
بر تو زنند در آن هفته هفتاد چوب بر وی بزوند پس همین سال دیگر همین خواب دید همان هفتاد برگ از ابو بکر صدیق رضی الله
عنه پرسید گفت هفتاد هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المومنین پارسال همین خواب دیدم تاویل آن هفتاد چوب
بود امسال هفتاد هزار درم مرا گفتی از فضل این خبر کن گفت پارسال در فصل خزان دیده بودی در آنوقت درختان
همه خشک می شدند و برگ می ریخت تاویل آن آن بود و امسال بهار است و درختان روی با قبال دارند تاویلش منفعت
آمد و هفتاد هزار درم یافت و دانیال علیه السلام گوید که چون کسی در اقبال خواب بیند یعنی از بامداد تا نیم روز حکم تاویلش بر
اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شبنگاه دلیل بر شر و فساد بود و تعبیر آن خواب بروز ابر و برف و باران و بوقت
آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید جابر مغربی رحمة الله علیه گوید راست ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب
بر آمدن بیند یا استوار آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تاویل خواب و شگفتن درختان و رسیدن
میوه با خوابهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خوابیکه روز زمستان بیند حکم تاویلش ضعیف باشد و در زمستان
باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است

فصل دوازدهم در معرفت شرایط آداب با اهل خواب

دانیال علیه السلام گوید معبر باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و علیم و از عصیان دور باشد و بوقت آنکه از وی
تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سایل باحتیاط تمام بشنود و بداند که سایل پادشاهست یا رعیت یا کهتر
یا مهتر عالمست یا جاهل آزاد است یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا درویش مرد است یا زن فارغ دلست
یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بداند هر یکی را به قیاس عقل چنانکه استادان
این علم گفته اند تاویل کند و از خود نگوید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم امام و یگانه بود و با اینهمه فضل خوابهای
که تعبیر آن ندانستی نگفتی و ابو حاتم روایت میکنند از اصمعی از ابو المقدم که ابن سیرین از سی تا چهل که پرسیدندی
یک جواب بگفتی و باقی را تعبیر نگفتی پس معبر باید که اول سخن بیننده خواب نیکو بشنود و آنرا بتعبیر نیک بداند و در آن تامل
کند و اگر سخنی درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنگاه تعبیر کند و اگر حشوی در میانه سخن باشد
آن حشوی جدا بفگند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ بیکدیگر نماند اضغاث و احلام است و تاویل آن
نکنند و اگر تاویل آن بد باشد بر وی از آن معنی بپرسد از سایل که تنگ دلست یا خوشدل و آنچه از وی بشنود بنای تاویل
خواب بران نهد و اگر نتواند گفتن و معبران خواب نتوانند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبع عبارت و گفتار و زشتی و نیکوی و دروغ
و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود نگوید و بر وی پوشیده دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اصل خواب بر سه چیز است
یکی جنس دوم صفت سوم طبع و جنس چون درختان و مرغان بود اینهمه در تاویل مردان باشد و صفت آنست که معبر بداند
که درخت کدام است و این مرغ از چه جنس است و از چه صفت است و اگر درخت گردگان است بقیاس بداند که مردی عجمی است
زیرا که در عرب درخت گردگان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد مردی عربی بود و طبع
آنست که بداند طبع اندرخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کند اگر درخت گردگان بود مردی

توانگر بود ولیکن بد معامله و بخیل و تشنیع بود زیرا که چون کردگان بجنبانی بانگ کند و تا نشکنی مغزش بیرون نیاید واگر درخت خرما باشد کاری اختیار کند که آسان باشد کشجرةٍ طیبةٍ اصلها ثابتٌ وفرعها فی السماء و شجرهٔ طیبه آنجا درخت خرما بود واگر مرغی باشد که هیچ پر د براند که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز بباید دانستن که اگر کلاغ باشد مردی بد عهد بود ونیز بینندهٔ خواب باید که مردی راست و با دیانت باشد و هیچ سخن را نچه دیده باشد زیادت ونقصان نکند زیرا که همهٔ خواب را بزبان آورد واگر کسی خوابی بیند و ازان بترسد باید که سه بار آیت الکرسی بخواند و باد بر خویشتن بدمد و بگوید
أعوذ برب موسى وابراهيم الذي ومن شر الرؤيا التي رأيتها من مناجي ان تضرني في ديني ودنياي ومعيشتي عزّ جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك پس ازان دو رکعت نماز بخواند و صدقه دهد شر آن خواب بگردد مغربی رحمة الله علیه گوید ابلیس علیه اللعنه در همهٔ خوابها اعتراض کند و بهمه چیز خویشتن را مانند کند مگر بخدای عزوجل و فرشتگان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماهتاب و ستارهگان خود را بدان تشبیها مانند نتواند کردن واگر ویرا قوت آن بودی که خود را مانند این چیزها نمودی میان خلایق فتنه افگندی که گاهی خود را بصورت پیغمبران نمودی وگفتی که من از تو خوشنود م هرچه خواهی بکن یا دیگری بگفتی که من آفریدگار توام گناهان ترا عفو کردم و ترا آمرزیدم و چیزها گفتی که بندگان خدایتعالی عزوجل را گمراه کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هرگاه ابلیس علیه اللعنه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید از آسمان آتشی فرود آید و آنرا بسوزاند و صعبترین کارها بر ابلیس علیه اللعنه آن باشد که دل مؤمن روشن بود و حق تعالی عزوجل را بداند و خوابهای او راست باشد

فصل سیزدهم

در آداب نگاهداشتن سائل معبر کرمانی رحمة الله علیه گوید نگاهداشتن معبر آن بود که آهستگی و هوشیاری سرمایهٔ خود سازد بوقت سوال تا خواب نیکو بشنود و در باب بد و بر دین و مذهب و اعتقاد او واقف گردد تا بداند که سخن او راستست یا نه که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود اصدقکم رؤیا اصدقکم حدیثا هر که راست گوتر است خواب را او راست تر گو بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید واجب است هر عاقل که باطهارت خسپد و بهنگام خفتن خدایتعالی را یاد کند و این دعا وقت خفتن بخواند اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک وفوضت امری الیک والجأت ظهری الیک لا ملجأ منک الا الیک تبارکت ربنا وتعالیت انت الغنی ونحن الفقراء استغفرک واتوب الیک اللهم ارنا الرؤیا صادقةً غیر کاذبةٍ صالحةً غیر فاسدةٍ غیر مجهولةٍ نافعةً غیر ضارةٍ وچون بخسپد بر دست راست بخسپد و چون بیدار شود همچنین حق سبحانه وتعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد واگر خواب شوریده دیده باشد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و قل هو الله احد تمام بخواند و باد بر سوی دست چپ خویش دمد و گوید یارب تو دانی و من ندانم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان واگر شر است شر این خواب از من و از جمله مسلمانان دور دار یا مجیب دعوة المضطرین یا اله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و برخواستن و ابتداء کاری که کند این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیءٌ فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم و بامداد چون از نماز فارغ شود و در د خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه برخیزد و نزدیک معبر و دیگر

وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیادت و نقصان نگوید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شرط معبر آنست که چون خواب شنود با ملهات باشد و اگر کسے دشمن او باشد از بهر دشمنی خلاف نگوید و شر شخصی که بداند با دیگران نگوید مغربی رحمة الله علیه گوید هر که خوابی بیند باید که زیادت و نقصان نگوید و از دروغ احتراز کند که در خبر است که خواب راست وحی می باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی البته باشد و خواب امانتی است میان خدا تعالی و بنده و رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر که بر من که رسولم دروغ بگوید بر نسب فساد میکند و گواهی تباهی بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ افترا میکند بقول رسول صلی الله علیه و آله و سلم عاصی میشود و این دلیل است بر تعظیم و بزرگی خواب و شرط ادب نگاهداشتن بر معبر و سایل واجبست **فصل چهاردهم** در معرفت آنکه تعبیر از چند نوع باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معبر باید که نخستین نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم سایل معلوم کند و وقت دیدن خواب که در روز دیده یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خواب بر چه نسق میگذارد و فصل ماه پارسی و روز ماه تازی بداند انگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند دانیال ع گوید چون کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه جنس و فال دلیل کند بر خیر و بشارت و خرمی و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند دانیال علیه السلام گوید خواب در اول روز یکشنبه نیکو بود که تعلق با آفتاب دارد و در اول روز دوشنبه تعلق با ماه دارد نیکو باشد و در اول روز سه شنبه تعلق بمریخ دارد پرسیدن خواب نشاید و در اول روز چهارشنبه تعلق بعطارد دارد و قوم هود و اصحاب الرس هلاک شدند هم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه مشتری را باشد اول روز خواب دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آدینه زهره را بود دلیل طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمعیت خاطر باشد مغربی رحمة الله علیه گوید معبر باید که او را تجربه بسیار می باشد در گزاردن خواب چنانکه طبیب را تجربه به بیمار و معالجت او **حکایت** امیر المومنین مهدی شبی بخواب دید که روی او سیاه گشته بود و چون بیدار شد بترسید و معبران را جمع کرد و خواب بگفت در تاویل متحیر درماندند و تاویل آن ندانستند ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه که استاد معبران بود حاضر آوردند خواب خلیفه بشنید گفت ترا دختری آید معبران گفتند ترا دلیل برین چیست گفت وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِالْاُنْثٰى ظَلَّ وَجْهُهٗ مُسْوَدًّا وَّهُوَ كَظِيْمٌ پس امیر المومنین هزار درم بکرمانی داد هم در آن روز او را دختری آمد ده هزار درم دیگر با براهیم کرمانی بخشید **حکایت** مردی بخواب دید که او را خصی کردند نزدیک معبر آمد و پرسید گروهی گفتند این مرد زود بمیرد و دیگرے گفت از فرزندان جدا گردد و دیگری گفت حدها او را نقصان کند دیگری گفت نسل او بریده شود و دیگرے گفت زن را طلاق دهد پس روزگاری برنیامد که زن را طلاق داد و فرزندان برگرفت و عزم سفر کرد و در دریا در کشتی نشست بادی مخالف برخاست و کشتی غرق شد و در میانه دریا ماهی ذکر و خصیتین او بخورد و مال و فرزندان او جمله هلاک شدند و تعبیر خواب چنان آمد که معبران گفته بودند کرمانی رحمة الله علیه گوید باید که معبر در گورستانها تعبیر خواب نکند و سایل در وقت سوال راست گوید که در زندان یوسف علیه السلام گفت قُضِیَ الْاَمْرُ الَّذِیْ فِیْهِ تَسْتَفْتِیٰنِ هر دو فال که رسیدند راست آمد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار کرده خواب پرسیدن روا نباشد یکی از بیدینان دوم از زنان سوم

از جاهلان چهارم از دشمنان **فصل پانزدهم** در دانستن مسائل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار مسائل بود که سائل پرسد که تعبیر آن مقلوب بود
چنانکه ما بعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر معلم پوشیده نماند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که طاعون در خواب دیدن کارزار باشد
در بیداری و گریستن در خواب شادی بود و به بیداری و حجامت کردن در خواب قباله نوشتن بود و درد دندان و مجهولی دیدن
خود را دلیل کند که در گورش کنند و در خواب خود را در گور دیدن دلیل کند که در زندانش کنند به بیداری و در خواب خانه خراب شدن
دختران زادن بود و دختران زادن در خواب کشت کردن بود و قوله تعالی نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم
نیکی در خواب کرباس تنیدن بود و کرباس تنیدن در خواب نیکی کردن بود و انجیر خوردن پشیمانی خوردن بود و سیل بجای آمدن
دشمنی بود در بیداری و آمدن همه چیز که نو آنرا نیک باشد کهنه آنرا بد باشد و هر چیز که در خواب کهن آن به باشد نو آن نیک باشد چنانکه
موزهٔ نو اگر کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با سلاح موزه کهنه پوشیده بود. در خواب جلوا در بیداری
خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر بفروخت نیک باشد و اگر کنیزک می خرید نیک باشد
و اگر می فروخت بد باشد از این قسم معکوسات بسیار است اگر جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد ولیکن شرح هر یکی در موضع
خویش بگوئیم انشاء الله تعالی **فصل شانزدهم** در دیدن خدا تعالی و فرشتگان و پیغمبران علیهم السلام میگوید
مصنف این کتاب رحمة الله علیه که استاد این ضعیف بود تاویل دیدن خداوند تبارک و تعالی و فرشتگان و پیغمبران
در اول کتاب یاد کرده اند بنابرین مقدمه ما نیز صواب چنان دیدیم که در اول کتاب یاد کنیم بر تاویل کتابها و خوابهای دیگر بر
نسق حروف معجم بترتیب چنانکه در دیباچه ذکر کردیم باز نمائیم تا استخراج آن بر خواننده و آموزنده آسان گردد تاویل
دیدن خداوند تبارک و تعالی دانیال علیه السلام گوید هر بندهٔ مومن که خدای تعالی عز و جل را در خواب بیند بیچون و بیچگون
چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش روزی گرداند و حاجتهای او روا کند و اگر چنان بود که ایستاده
بود خدای عز و جل او را امید بد دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد و بمغفرت مخصوص گردد و اگر گناهکار بود توبه کند
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی راز می گفت دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی
گرامی گردد قوله تعالی و قربناه نجیا اگر بیند که از پس حجاب با وی سخن گفت دلیل کند که او را در دین خللی یا خطائی باشد
قوله تعالی و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید
و با وی حساب کرد او را بیامرزید دلیل کند که او را بیامرزد و اما در دنیا بلا بوی گمارد و اگر بیند که خداوند عز و جل
او را پند میداد دلیل کند که رضای خدای عز و جل در آن بود لقوله تعالی یعظکم لعلکم تذکرون اگر بیند
که حق تعالی او را مژده داد به نیکی دلالت کند بر خوشنودی خدای تعالی و اگر بیند که او را بیم کرد دلیل
کند بر غضب خدای عز و جل و اگر بیند که پیش خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر در پیش افکنده دلیل کند
که غم و اندوه رسد قوله تعالی و لو تری اذ المجرمون ناکسوا رؤسهم عند ربهم کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر
بیند که خدای تعالی او را چیزی داد دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بر وی گمارد و اگر بیند که بنظر لطف
در وی بدید دلیل کند که بهشت کند و در خیر بر وی گشاده شود و ابراهیم را اگر بخواب بیند حج اسلام

بگذارد و بعضے از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بدخوئی کند با مادر و پدر اسمٰعیل علیه السلام
را اگر بخواب بیند بشارت فتح و غنیمت یابد بقوله تعالے وبشرناه باسحق نبیا من الصالحین یعقوب علیه السلام را اگر
بخواب بیند از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یابد یوسف علیه السلام را اگر بخواب بیند خویشان
بروی بهتان نهند و عاقبت بزرگی یابد شعیب علیه السلام را اگر بخواب بیند خصم بروی غلبه کند و بعد از آن بروی
ظفر یابد موسی علیه السلام را اگر بخواب بیند مبتلا گردد با اهل و عیال و بعد از ان حالش نیکو گردد
و بر دشمن ظفر یابد بقوله عز و جل و وهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نبیا و بعضے معبران گویند که موسی علیه السلام
را بخواب دیدن دلیل که پادشاه در اندیار هلاک شود داؤد علیه السلام را اگر بخواب بیند حقتعالے او را بزرگی
و پادشاهی و نعمت و مال و جاهش زیاده گرداند زکریا علیه السلام را اگر بخواب بیند حق تعالے ویرا توفیق دهد
در طاعت یحیی علیه السلام را اگر بخواب بیند حق تعالی او را توفیق دهد در خیر خضر علیه السلام را اگر بخواب بیند سفر
دراز کند با امینی و رزق و عمر دراز یونس علیه السلام را اگر بخواب بیند از غمها فرج یابد و از تاریکی در روشنائی آید
انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را اگر بخواب بیند کارهای مرده بروی زنده گردد و توفیق طاعت و خیرات یابد حضرت
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم را اگر بخواب بیند از همه غمها فرج یابد و اگر وام دار باشد وامش گذارده شود و اگر
بند در زندان بود رهائی یابد و اگر ترس باشد ایمنی یابد و اگر در قحط و تنگی بود فراخی یابد و بعضے گفته اند که هر کس که توانگر
بود درویش شود و ابوهریره رضی الله گفت از رسول صلی الله علیه و آله وسلم شنیده ام هر که مرا در خواب دید حق دیده
باشد که من رآنی فقد رای الحق فان الشیطان لا یتمثل بی بدرستی و راستی که شیطان بصورت من متمثل نشود و اگر کسے
مرا در خواب بیند غم و اندوه بوی نرسد عجب مدار که تاویل دیدار من بر سعادت آخرت بیشتر باشد اما اگر محمد صلعم
را ترش روی بخواب بیند دلیل بر سستی دین و آشکارا شدن بدعت در آندیار بود و اگر رسول صلعم را در خواب بیند
که در جائے بانگ میکرد دلیل که اگر آن دیار خراب بود آبادان گردد و اگر او را دید که چیزے میخورد دلیل که صدقه
و زکوٰة باید دادن و اگر ویرا در جائے بیند که در آنجا هیچ بلا و محنت نبود اهل آنموضع را نعمت زیاده گردد خاصه که اگر او را
در مسجد بیند و اگر او را غمناک یا بیمار بیند دین او ضعیف بود کرمانی رح گوید که اگر محمد مصطفی صلعم را در شهری یا جای بیند دلیل
که در آنموضع نعمت فراخ شود و مردم را جمعیت پدید آید و اهل آنموضع بر دشمن ظفر یابند و اگر بیند که اندامی از اندامهای
رسول صلعم کم بود دلیل که مردم آنجا در راه شریعت سست باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصان دین او باشد و اگر بیند
که مصطفی صلعم از میوهای تر یا خشک بوی داد او را در دین و پارسائی مرتبت حاصل شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی رسول صلعم را ناقص بیند نقصان آن به بیننده باز گردد زیرا که رسول الله صلعم را مردم نیک بخواب بیند
و مردم نیک را مژده دهنده بود بچیزی با نیکه بوی خواهد رسید و مردم بد را حذر فرماید از معصیت کردن تا از عقوبت
رسته گردد زیرا که رسول الله صلعم بشیر و نذیر بود بشیر مؤمنان و نذیر کافران و اگر او را خشمگین بیند بد باشد
عبدالله بن عباس رضی الله عنه که اگر کسے جنازه رسول صلعم بخواب بیند در آندیار رنج و مصیبت

بسیار بود و اگر دید که از پس جنازه رسول الله صلعم میرفت دلیل بر ہوا و بدعت باشد و اگر بیند که او را زیارت میکرد دلیل کہ مال و نعمت
و ولایت یابد و اگر بیند کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بروی افسوس میکرد دلیل کہ کافر شود کقولہ تعالیٰ قل أ باللہ وآیاتہ
و رسولہ کنتم تستہزؤن لا تعتذروا قد کفرتم بعد ایمانکم جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ زیارت پیغمبران در خواب بر دہ وجہ
بود یکے رحمت دوم نعمت سوم عزت چہارم بزرگی پنجم دولت ششم ظفر ہفتم سعادت ہشتم جمعیت نہم قوت دہم خیر دوجہانی
و نیکوئی مردم آن موضع کہ این خواب بینند تاویل رویۃ الراشدین اول امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی
رضی اللہ تعالیٰ عنہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ اگر کسے ابوبکر را رضی اللہ عنہ در خواب بیند دلیل شادی
و کرامت بود و کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ اگر کسے ابوبکر را رضی اللہ عنہ زندہ در شہرے بیند دلیل کند کہ مردم آن دیار
و آنشہر زکوۃ و صدقہ بسیار دہند چون او را گشادہ روی و خوش طبع بینند و اگر ترش روی بیند و خوش طبع نبیند
بخلاف این بود امیر المومنین عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ ابن سیرین رحمۃ اللہ گوید کہ اگر کسے امیر المومنین عمر خطاب را
رضی اللہ عنہ بخواب بیند دلیل کہ دادگر و با انصاف بود و اگر او را در شہرے گشادہ روے و خوش طبع بیند دلیل کہ در آن
شہر عدل و انصاف پدید آید امیر المومنین عثمان ابن عفان رضی اللہ عنہ ابن سیرین رحمۃ اللہ گوید کہ اگر کسے امیر المومنین
عثمان ابن عفان را رضی اللہ عنہ در خواب بیند دلیل کہ ورع ورزد و پرہیزگاری اختیار کند و اگر او را در شہرے خوش طبع
و گشادہ روی بیند دلیل کہ مردمان آنشہر بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المومنین علی مرتضیٰ رضی اللہ عنہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ
گوید اگر کسے امیر المومنین علی را رضی اللہ عنہ بخواب بیند خندان و خوش طبع دلیل کہ کرامت و شجاعت و سرورے یابد و اگر در
شہرے بیند آنشہر بعدل و انصاف موصوف گردد ولیکن گاہ گاہ میان ایشان خصومت بود تاویل صحابہ رضوان
اللہ علیہم اجمعین ابن سیرین رح گوید کہ اگر کسے صحابہ را بخواب بیند دلیل کہ در راہ دین و اسلام یگانہ باشد و در میان مسلمانان
صادق القول گردد و بدیانت موصوف گردد کقولہ علیہ السلام اصحابی کالنجوم بایہم اقتدیتم اہتدیتم ترجمہ گفت صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم یاران من ستارگانند ہر کہ اقتدای آنہا کند راہ یابد امیر المومنین حسن و حسین رضی اللہ عنہما را اگر بخواب
بیند خیر و راحت برسد و عاقبت درجہ شہدا یابد جعفر طیار رضی اللہ عنہ را اگر بخواب بیند دلیل کہ حج و غزا کند ابوہریرہ
و انس بن مالک رضی اللہ عنہما را اگر بخواب بیند دلیل کہ بسنتہا راغب بود و علم و شریعت دوست دارد سلمان فارسے را
رضی اللہ عنہ بخواب بیند دلیل کہ حق جل و علا او را علم قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد عبد اللہ بن عباس
و ابن مسعود رضی را اگر بخواب بیند دلیل کہ بکار دین مجتہد باشد بلال حبشی رضی اللہ را اگر بخواب بیند دلیل کہ معروف
گردد و ثواب مؤذنان یابد و براہ سنت و جماعت رود فی الجملہ دیدن یاران رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم دلیل
بر خیر و منفعت دنیا و آخرت و دین باشد و اگر کسے را از علما و حکما و زہاد بخواب بیند دلیل کہ بکارہای خیر و طاعت توفیق
یابد و علم حاصل کند زیرا کہ علما وارثان مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و راہ نمایان مسلمانان و اگر بیند کہ در شہرے و یا در
محلتی گروہ علما و حکما جمع آمدہ بودند دلیل کہ مردم آنشہر را نصرت باشد بر جاہلان بگفتار و کردار امر و نہی منکر تمام
شد سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابہ و تابعین بعد ازین تعبیر چیزہائی

بعضی از معبران گفته اند که بیمار شود اما شفا یابد مغربی رحمة الله علیه گوید که هر که ملک الموت را بخواب بیند خرم و شادمان دلیل که
زندگانی او دراز باشد و اگر بیند که ملک الموت بروی سلام کرد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و خاتمهٔ کار وی بر شهادت
بود و اگر بیند که ملک الموت بوی چیزی شیرین داد دلیل که جان کندن بروی آسان بود و اگر بیند که ملک الموت بروی
بخشم نگریست دلیل که با خطر مرگ او باشد و اگر بیند که ملک الموت بوی چیزی تلخ داد دلیل که جان کندن بروی دشوار
باشد و اگر بیند که او را خبر دادند که ملک الموت بفلان جاست و آواز در درگاه کرد دلیل که او را بپادشاه کار افتد
و اگر بیند که ملک الموت را بکشت دلیل کند که او دشمن خلق گردد دیدن حملة العرش آن فرشتگانی اند که عرش را
بامر حق جل و علا برداشته اند اگر کسی ایشان را بخواب بیند دلیل که با سلطانی کار افتد و مراد یابد و اگر بیند که ایشان
پیوستگی داشت دلیل که او را بپادشاهی بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیند کرمانی رحمة الله علیه
گوید دلیل که باکسانیکه اهل دین باشند پیوستگی کند و حج گذارد قوله تعالی و تری الملائکة حافین من حول العرش
یسبحون بحمد ربهم و اگر فرشتگان او را بنواختند و به بندگی خویش باز داشتند دلیل که اجلش فرا رسیده باشد
کراماً کاتبین موکلانند که کردار و گفتار خلایق از نیک و بد می نویسند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی کراماً
کاتبین را بخواب بیند اگر مصلح باشد خیر و صلاح دو جهانی حاصلش شود و اگر مفلس بود غم و اندوه بسیار کشد قوله تعالی
یعلمون ما تفعلون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرشتگان با هم جنگ و نبرد میکردند دلیل که گنهگار و عاصی
بود و مستوجب عذاب حقتعالی باشد قوله تعالی انا نبشرک بغلام اسمه یحیی و اگر بیند که فرشتگان منتظر ایستاده بودند
تا چیزی از و بستانند مال و نعمت او در زوال افتد و اگر بیند که فرشتگان در یک موضع استاده بودند در آن موضع
ایمنی باشد و اگر بیند که فرشتگان در حرب مشغولند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که فرشتگان در رکوع اند یا در
سجود دلیل کند که احوال دنیا و دین او مستقیم گردد و اگر بیند که فرشتگان بر صورت زنانند دلیل که بیننده
خواب بر خداوند عزوجل دروغ گوید قوله تعالی افاصفاکم ربکم بالبنین واتخذ من الملائکة اناثا انکم لتقولون قولاً عظیماً
و اگر بیند که پر داشت و با فرشتگان می پرید اجلش نزدیک بود و یا توبه از دنیا برود و اگر بیند که از دور فرشتگان را
بدید و پیش ایشان نتوانست رفت دلیل که او را مصیبتی رسد قوله تعالی یوم یرون الملائکة لا بشری یومئذ
للمجرمین و اگر بیند که فرشتگان او را اطاعت خود فرمودند دلیل که او از اهل خیر و صلاح باشد شادی و خرمی بیند
و اگر از اهل فساد باشد رنج و اندوه بوی رسد قوله تعالی اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا اگر بیند که فرشتگان
بروی سلام کردند بحرمت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و عاقبت کارش محمود گردد و اگر بیند که ملائکه در یک مقام
فرود آمدند دلیل که اهل آن مقام از غم و اندوه فرج یابند زیرا که فرشتگان
پیوسته بنصرت پیغمبران آمده اند کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن فرشتگان پند
و موعظت باشد خداوند خواب را و اگر بیند که فرشته او را وصیت کرد و پند داد از دنیا
شهید برود و اگر فرشتگان مقرب را در جایی بیند که آنجا اهل اسلام باشند

و با کافران جنگ میکنند اهل اسلام را ظفر باشد و اگر در انجا رنج و قحط و سختی بود حق سبحانه و تعالی اهل آنموضع را از سختی و تنگی
خلاصی دهد و اگر بیند که فرشته گشت و باسمان رفت دلیل که در دنیا زهد و ورع اختیار کند و دست از دنیا بردارد
و راه آخرت جوید و اگر بیند که با فرشتگان باسمان رفت و باز نیامد زود از دنیا برود و نامش در جهان بنیکی یاند
جابر مغربی رح گوید اگر بیند که فرشته مقرب در وی بچشم حرمت نگاه کرد دلیل کند که از بیماری زود شفا یابد و لعدالمن
حج کند و غزا و خیرات بسیار کند و اگر خود را بصورت فرشته بیند دلیل کند که از غم فرج یابد و اگر وام دارست وامش گذارده شود
و اگر مال دارست مالش زیاده شود و اگر درویش باشد توانگر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که فرشته او را بکاری مژده
داد دلیل که بزرگی او را شغل بازدارد و اگر بیند که فرشته او را عطا داد عطا و بزرگی یابد و اگر بیند که گروهی فرشته او را
استقبال کردند دلیل که دولت دوجهانی یابد و اگر بیند که فرشتگان بدیدن او آمدند و شمعها و چراغها داشته اند دلیل که او را فرزندی عالم
و دانا آید و اگر بیند که فرشتگان او را جامه سفید یا سبز دادند دلیل که کسی از خویشان او بمیرد یا اجلش برسد و اگر بیند که در وی
بخشم می نگاه کردند عاقبت کارش بسعادت بود و اگر بیند که فرشته او را جامع قرآن داد یا خطی نبشته دلیل که کسی بروی داوری
کند و بروی غالب گردد تاویل رویه پیغمبران علیهم السلام ابن سیرین رح گوید که مراتب پیغمبران علیهم السلام بر سه گونه است اول اولو العزم
دوم مرسلند سوم نبی و پیغمبران اولو العزم شش اند اول آدم دوم نوح سوم ابراهیم چهارم موسی پنجم عیسی ششم محمد
مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم و مرسل آنها اند که جبرئیل بر ایشان وحی آورد و ایشان سیصد و سیزده اند و انبیا آن پیغمبرانند که جبرئیل
بایشان نیامده و هر که اولو العزم را بخواب بیند دلیل که عزت و جلالت یابد و اگر مرسل را بخواب بیند بر دشمنان ظفر یابد و اگر اهل
آنموضع در غم و اندوه و سختی و ملالت باشند ایشان را بشارت بود بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا و اگر بیند که پیغمبران از جای
نقل میکردند و بر اهل آنموضع دعای بد میکردند دلیل که خدای تعالی بلای عظیم بر اهل آنموضع فرستد اگر توبه کنند و بخدای تعالی بازگردند
کرمانی رح گوید هر بندهٔ مومن که پیغامبری را در جای خود تازه روی و شادمان بیند دلیل که عز و جاه و نصرت یابد و اگر از چیزی
خشمگین بود دلیل بر بدحالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل که از علم آن پیغامبران بهره یابد و
شادمان شود و اگر بیند که پیغامبری را بکشت دلیل که خیانت کرده باشد کقوله تعالی فبما نقضهم میثاقهم وکفرهم بآیات الله
وقتلهم الانبیاء بغیر حق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر آدم علیه السلام را بخواب بیند بزرگی و ولایت یابد قوله
تعالی وعصی آدم ربه فغوی ثم اجتباه ربه فتاب علیه وهدی و اگر بخواب بیند که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل
که علم آموزد قوله تعالی وعلم آدم الاسماء کلها و اگر بیند که آدم علیه السلام دست او بگرفت بزرگی و مملکت یابد و اگر بخواب بیند
که آدم را طاعت نبرد دلیل که عاصی و بدبخت شود حوا علیها السلام را اگر بخواب بیند دلیل که دولت و اقبال یابد و عیش
و خوشی و نعمت فراوان و عمرش دراز گردد نوح علیه السلام را اگر بخواب بیند عمرش دراز گردد و لیکن از دشمن رنج
و سختی بیند و عاقبت بمراد رسد ادریس علیه السلام را اگر بخواب بیند کارش نیکو شود و عاقبت محمود گردد هود علیه
السلام را اگر بخواب بیند دشمنان بروی افسوس کنند و عاقبت بر ایشان ظفر یابد لوط علیه السلام را اگر
بخواب بیند کارش بصلاح بازآید و مراد دل بیند صالح علیه السلام را اگر بخواب بیند از جای بجای تحویل

ولقای خود او را روزی کند واگر بیند که او را از متاع دنیا چیزے داد دلیل که بیماری سخت بکشد واز ان اجر و ثواب یابد بعضے
از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت گردد واگر خدای را عز وجل بیند اگر کسے او را گوید که این خدای عز وجل است
دلیل که او را با پادشاهی حاجت افتد واگر بیند که خدای عز وجل بر زمین فرود آمد یا در موضعے دلیل کند که اہل آنموضع
مظلوم باشند وحقتعالی اہل آنموضع را نصرت دہد واگر در آنموضع قحط وتنگی بود بفراخی مبدل گردد واگر اہل آن موضع
گناهگار و عاصی باشند حق سبحانه وتعالے ایشان را توبه دہد واگر بیند که حق سبحانه وتعالی درخانه فرود می آید و بلطف دستے
بر سر وے مالید یا او را خلعتی پوشانید یا بر گرفت یا برنجانید اینهمه کرم حق سبحانه وتعالی باشد اما در دنیا رنج و
بیماری بکشد واگر خدای تعالے را بر مثال نورے بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد آن را دلیل بر غم واندوه کند
واگر بیند که خدا تعالی او را نامی دیگر نهاد دلیل که شرف وبزرگی کند واگر بیند که بر وی خشم گرفت دلیل که زہد
و پارسائی یابد واگر بیند که خدا تعالے او را نزدیک خود خواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر کسی خدای را عز وجل در شهرے یا در دهی بیند دلیل کند که آنموضع آنانکه مصلح اند عز وشرف وقربت
یابند و دست ظلم از آنموضع دور شود قوله تعالے الله یحکم بینکم فیما کنتم فیه تختلفون واگر بیند که خدائے عز وجل بر اہل
آنموضع خشم گرفت دلیل کند که قاضی آنشهر میل مداهنت کند یا امیر آنشهر با رعیت ظلم کند یا عام آنشهر بد دین باشند واگر انخواب
دزدی بیند دلیل کند که دست و پای وی ببرند و در آنشهر فتنه وبلا افتد وقتل واقع گردد قوله تعالی وهو القاهر فوق عباده ویرسل
علیکم حفظة حتی اذا جاء احدکم الموت توفته رسلنا وهم لا یفرطون عبد الله بن عباس رضی الله عنهما گوید اگر کسے خدای
عز وجل را بیچون وبیچگون در خواب بیند از ترس وبیم ایمن گردد واگر کافر باشد مسلمان شود واگر مسلمان بود در آخرت
دیدار حق تعالے بیند قوله تعالے للذین احسنوا الحسنیٰ وزیادة مفسران تعبیر در لقاے حق سبحانه وتعالی گفته اند
که اگر او را بصورتے بیند که مثل آنصورت ندیده باشند دلیل کند بر فضل وکرم خداوند تعالے واگر بصورت
مردے بیند دلیل کند که آمرزگار قاهر ونامدار گردد واگر خداوند تبارک وتعالے را در نماز وتسبیح بیند دلیل کند
بر رحمت وآمرزش آنکس که دیده باشد واگر خدائے تعالے را غازیان در غزا ببینند دلیل که آن غازیان را
نصرت باشد واگر خدا تعالی را بر سر تربت مردگان ببیند دلیل کند که آمرزگار ایشان را بیامرزد واگر بیند که خدای عز وجل
را دشنام میداد دلیل کند که آنکس کافر گردد واگر ببیند که خدا تعالی بر تختے نشسته بود یا خفته اینهمه صفات ناسزا
است دلیل کند که بینندهٔ این خواب بد دین وعاصی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید تاویل دیدن خدا تعالے
بر هفت وجه بود اول عفو ومغفرت دوم ایمنے از بلا ومحنت سوم نور وهدایت وقوت در
دین چهارم ظفر بر اہل ظلم پنجم ایمنی از بلا وعقوبت وعذاب آخرت ششم در ان دیار آبادانی
وعدل پادشاه هفتم عز وشرف وبلندی در دنیا وآخرت چون برحمت نظر کند
واگر نعوذ بالله منها بنظر قهر نگاه کند بر خلاف آن باشد واگر قاضے بیند که خداوند
تعالے عز وجل با وے بخشم بود دلیل که از شرع تجاوز کند واد مظلوم ندهد

رؤیة الملائکة

واگر پادشاه بود دلیل بر بیعدلی کند واگر عالم بود در دین واعتقاد او خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر گرا
بنظر قهر بیند زحمت و عذاب بود و حجت ما آنست که گوئیم خدای عز و جل موجود است و دیدن او را از راه عقل باشد پس باید
که بخواب دیدن خدای تعالی عز و جل منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست
تر از آن نباشد که حق تعالی عز اسمه را بخواب بیند بیچون و بی چگون رؤیة الملائکة تاویل دیدن فرشتگان دلیل کند
بر پادشاه کامگار با دین و با دیانت و یا عالمی پرهیزگار و بزرگترین ملائکه چهار اند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و
عزرائیل علیهم السلام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی جبرائیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و
گشاده روی دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بمراد برسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بخواب
بیند که او را جبرئیل مژده داد یا وعده نیکو یا از کاری بازداشت دولت و عزت و جمعیت یابد و اگر بیند که جبرائیل
او را چیزی داد دلیل که از پادشاه قدر یابد بعضی از معبران گفته اند که اگر جبرئیل بوی چیزی داد دلیل بر ترس
و بیم عظیم بود که بوی رسد و اگر در خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرئیلی دلیل کند که سخندان فصیح گردد
و مراد بیابد و با امانت و دیانت مشهور گردد و اگر کسی میکائیل علیه السلام را در خواب بیند چنانکه صورت
اوست دلیل که خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرائیل آرنده عذاب و میکائیل آرندهٔ بشارت و خیر و نعمت است
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی در خواب بیند که میکائیل او را عطا داده دلیل که خیر و بزرگی یابد و اگر بخواب
بیند که گویند که تو میکائیلی دلیل که از وی خیر و بشارت بمردم رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد دیدن اسرافیل ع را
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اسرافیل را بخواب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علم و
دانش بود در هر دیاری که او را ببینند دلیل بر ایمنی و آبادانی آن دیار بود و اگر کسی بیند که صور در دست داشت
و میدمید دلیل بر بلا و فتنه کند زیرا که او را از خدای تعالی بدمیدن صور است و هر جا که دمیدن صور پیدا شود
سبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی الارض و اگر بیند که اسرافیل
علیه السلام صور در دست داشت و میدمید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس افتد و اگر بیند که اسرافیل در
خانهٔ او آمد و او خفته بود و در و دمید ار شد دلیل که پادشاه آن شهر بروی خشم گیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر اسرافیل
را بخواب بیند که اندوهگین بود و صور میدمید و او تمنا آواز صور روی می شنید دلیل که در آن دیار و زمین مرگ بسیار
بود و ظالمان هلاک شوند و اگر بیند که اسرافیل تازه روی بود و شادمان در وی نگاه میکرد دلیل که او را از
پادشاه خیر و ایمنی رسد و اگر بیند که اسرافیل ع بر نامه مهر کرد و بدو داد دلیل که اجلش نزدیک باشد و اگر بیند
که اسرافیل بروی بانگ زد و ناپدید شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد دیدن عزرائیل علیه السلام
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر زمین دلیل در کاری که بود معزول
شود و اگر ملک الموت را نزدیک خود بیند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند
دلیل که شهید گردد و اگر بیند که با ملک الموت کشتی گرفت و افتاد دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که ملک الموت را بیند رخت

آبادانی

دیگر که بیند بر حروف معجم بیان کنیم بعون الله تعالی حرف الالف من کتاب کامل التعبیر آبادانی ابن سیرین
گوید اگر بیند که جایگاه خراب را آبادانی همی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و
خرد و ثواب آخرت که ویرا حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان همی کرد چون سرا و دکان و مانند
این دلیل کند که خیر و فایده اینجهان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان بیفتاد و خراب شد دلیل کند که اهل آنجایگاه را
بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که اگر کسی خویشتن را بخواب در جایگاهی آبادان مقیم بیند دلیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر
آبادانی که دیده بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی
بخواب بر چهار وجه بود اول بر صلاح کارهای اینجهانی دوم خیر و منفعت سیوم مراد و کامرانی چهارم بر گشایش کارهای
بسته

آب

آب بدانکه زندگانی همه چیزها با آبست قوله تعالی وجعلنا من الماء کل شیء حی ابن سیرین گوید که بر فراز آب همی رفت
چون آب دریا و رودخانه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر قوت ایمان و اعتقاد پاک وی و اگر بیند که آب صاف خوشگوارے
بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز بود و معیشت وی خوش بود و اگر بیند که آب تیره یا شور همی خورد تاویلش بخلاف
این بود و اگر بیند که از دریا آب صاف خوش همی خورد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند
که جمله آب دریا را بخورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بگیرد و بعضی گویند که بقدر آن از آب دریا خورده بود ویرا
بزرگی و مال و نعمت حاصل گردد و چون آب روشن و صافی بود اما اگر تیره بود آنچه بدو رسد با رنج و سختی و بیم و ترس بود
کرمانی گوید که اگر بیند که آب گرم همی خورد دلیل بود که بیماری و رنج کشد و اگر بیند که بروی آب گرم همی ریختند چنانکه
او را خبر نباشد دلیل کند که بیمار گردد یا غمی سخت بدو رسد و اگر کسی بیند که در آب بیفتاد دلیل کند که در رنج و غم گرفتار
گردد و اگر بیند که آب بجام بر داشت دلیل کند که بر مال و زندگانی فریفته گردد و اگر بیند که در کاسه آبگینه بزن خویش داد
و کاسه آبگینه را نسبت بجوهر زنان کرده اند و آب که در کاسه آبگینه بود فرزند و طفل بود که در شکم مادر باشد و اگر بیند که
کاسه بشکست و آب بر نریخت دلیل کند که جفت بمیرد و فرزندش بماند و اگر بیند که آب بریخت و کاسه تهی ماند دلیل کند که
فرزندش بمیرد و زن او بماند و اگر بیند که بی بها آب بمردم همی داد دلیل کند که در دنیا و آخرت خیر او بمردم برسد و جایگاه خراب
را آبادانی کند و اگر بیند که در خانه که اندران آب ریخته بود داخل شد دلیل کند که غمگین و متفکر گردد و اگر بیند که آب صافی پیاله
مانند سگی خورد دلیل کند که زندگانی بعیش و عشرت گذارند اما کارے کند که بلا و فتنه بدو رسد که مال جمع را اندک اندک
بمردمان بخشد و بخیرات خرج کند جابر مغربی گوید که آبها که بوقت زیاده شود دلیل کند که در آنسال فراخی و نعمت بود
و اگر آبهای بسیار دید که بزمین خورد دلیل کند که مردمان عامه را سلامت و عافیت بود قوله تعالی وقیل یا ارض ابلعی ماءک
و یا سماء اقلعی وغیض الماء و اگر بیند که آبها از سر مردمان فرو می آید دلیل کند که در آنسال نعمت و فراخی بود در آن دیار قوله
تعالی انا صببنا الماء صبا و اگر بیند که در خانه او آب صافی بود دلیل کند که نعمت و خرمی و معیشت یابد و اگر بیند
که در خانه وی آب تیره ایستاده باشد تاویلش بخلاف این بود دانیال گوید که آب دادن باغ و کشت از جویها
و رودها دلیل کند بر مال و رستگاری از غم و اندوه و آب دادن مردمان را دلیل کند بر دین و دیانت و کردارهای نیک

وپسندیده بود واگر بیند که با آب اندر همی رفت واندران وقت تن او قوی بود دلیل کند که بشغل صعب مشغول گردد از جمل رئیسی
و قول او واندران مقبول بود خاصه کاری اندران کار ظاهر گردد واگر بیند که در آب صافی رفت و تن او پوشیده بود دلیل
بر قوت دین بود و توکل کردن بر ایزد تعالی و استقامت کار وی واگر بیند که آب بباغ همی برد دلیل کند که زن خواهد
یا کنیزک خرد واگر کسی بیند که آب پاک بروی ریخت دلیل کند که از ان کس خیر و منفعت بدو رسد واگر بیند که آب تیره بروی ریخت
تاویلش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب فرو رفتن بخواب معبران بر پنج وجه تعبیر کنند اول
یقین دوم قوت سیم کار دشوار چهارم ندیمی پنجم عمل از جهة رئیس شهر بدانکه تاویل باران در حرف بی بیان کنیم و تاویل آب
چشمه و آب چاه و آب جوی را بحرف جیم و آب دریا را بحرف دال و آب رود را بحرف را و آب کاریز بحرف کاف و هم
برین قیاس خوابهای دیگر را بترتیب هر چیزی بموضعش باز نمائیم تا معلوم بود **آب منی** دانیال گوید که آب منی دلیل
بر فرزند بود واگر بیند آب از منی او همی آمد دلیل کند که ویرا فرزند آید واگر بیند که از منی او خون بیرون آمد همین دلیل کند کرمانی
گوید اگر بیند که از منی او آب فرود می آمد دلیل کند که وامش گذارده شود و از رنج و سختی و غم برهد واگر بیمار بود شفا یابد ابن سیرین
گوید که آب منی در خواب فرزند بود ولیکن اگر بیند که آب منی بر اندام او افتاد دلیل کند که ویرا پسر آید واگر بیند که بر زمین افتاد
دلیل کند که دختر آید واگر بیند که آب منی بر زن خویش افتاد دلیل کند که زن او آبستن گردد ولیکن فرزند را بیفگند واگر بیند
که زن بروی آب منی افگند دلیل کند که او را پسر آید واگر بیند که آب منی در سرای همسایه افگند دلیل کند که زن همسایه خیانت
کند واگر بیند که آب منی خود را در بستر مردی افگند همین دلیل کند ابن سیرین گوید اگر بیند که آب منی خود را همی خورد دلیل
کند که مال خود را بر عیال خود بذل کند اگر بیند که آب منی زن خویش را همی خورد دلیل کند که او را فرزند شود واگر بیند که آب
منی او سیاه و تیره بود دلیل کند که فرزند او را اندوه و مصیبت رسد واگر بیند که آب منی او زرد بود دلیل کند که فرزندش بیمار
گردد **آب تاختن** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آب تاختن کند بجایگاهی که موضع آن نباشد اگر خداوند خواب
غمگین و وام دار بود دلیل کند که از غم فرج یابد و وامش گذارده گردد واگر بیند در خواب توانگر گردد دلیل کند که مالش
نقصان آید بر قدم آب تاختن دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در جایگاهی مجهول آب تاختن کند دلیل بود که از اهل آن موضع زن
خواهد یا کنیزک خرد اگر بیند که بجای آب تاختن خون همی رفت دلیل کند که او را ناقص آید واگر بیند که بجای آب تاختن ریم همی رفت
دلیل کند که او را فرزندی آید بتن معلول و بعضی معبران گفته اند که آب تاختن مال حرام بود واگر بیند که آب تاختن همی خورد دلیل
کند که مال حرام خورد کرمانی گوید اگر بیند که اندر چاهی آب تاختن کرد دلیل کند که از کسی مال حلال حاصل کند واگر بیند
که آب تاختن همی کرد دلیل کند که او را فرزندی که قرآن ظاهر خواند و عالم و دانا گردد واگر بیند که برخی از آب تاختن ریخت
و برخی با خود داشت دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد واگر بیند که مردمان از آب تاختن
وی مسح همی کردند دلیل کند که او را فرزندی آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند جابر مغربی گوید اگر بیند که در مسجد
آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش خزینه کند نه بر وجه خویش واگر بیند که جامه وی به آب تاختن آلوده گشت دلیل کند
که مال خویش بر فرزند خویش خزینه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تاختن در خواب بموضع خویش مردم را توانگری است

آب منی

آب تاختن

اما آنانکه درویش باشند و بنده را آزادی بود و بیماری را شفا بود و محبوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و عامل را معزولی
بود و خلیفه را مرگ بود و قاضی را عزل و بازارگان را زیان بود در تجارهٔ اسمٰعیل اشعث گوید که اگر کسی بیند که در خانهٔ خویش بخوش
آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش بر عیال خویش هزینه کند لیکن عوض آن باز آید قوله تعالیٰ وَمَا اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیْءٍ
فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِیْنَ

آبخانه

آبخانه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که آبخانه همی ساخت دلیل کند
که بجمع کردن مال دنیا حریص گردد و راغب گردد و نخواهد که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند دلیل کند که زن
جادویه وی را حاصل گردد و آن زن حرام خوار و بی دیانت بود و اگر بیند که در آبخانه بول و غایط همی کرد دلیل کند که مال خویش
را هزینه کند و اگر بیند که در آبخانه بیفتاد و یا در چاه آبخانه افتاد دلیل کند که در جمع مال غریق بود و اگر بیند که کسی در چاه آبخانه
خورا فته دلیل کند که مال کسی بغصب بستاند اگر بیند که چون بیفتاد دست و پای او بشکست دلیل کند که بلای سخت بدو رسد
حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آبخانه در خواب بر پنج وجه بود اول مال حرام دوم عیش دنیا سیوم خزینه چهارم
شروع در حرام پنجم زن خادمه و حرام خوار

آبدستان

آبدستان ابن سیرین گوید که آبدستان در خواب خزینه دار و صاحب تدبیر
بود که خرج و دخل در دست او بود و اگر بیند که پادشاهی آبدستان بوی داد دلیل که خزینه دار و مدبر پادشاه بود و اگر او کسی
دهد هم برین قیاس بود کرمانی گوید که آبدستان در خواب خادم بود بقول خدای عز و جل قوله تعالیٰ یَطُوْفُ عَلَیْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُوْنَ
بِاَکْوَابٍ وَّاَبَارِیْقَ و اگر بیند که آبدستان بشکست یا ضایع شد دلیل کند که زن از وی جدا گردد یا بمیرد و اگر بیند که از
آبدستان آب همی خورد دلیل کند که وی را فرزندی حاصل گردد خاصه که آب را صافی بیند و خوش طعم حضرت صادق گوید که دیدن
آبدستان در خواب بر پنج وجه بود اول خادم دوم خزینه سیوم مدبر کار چهارم فرزند پنجم روزی اندک از جائی که امید ندارد

آبستنی

آبستنی
ابن سیرین گوید اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود چون زن آبستن دلیل کند که او را مال و نعمت دنیا حاصل گردد و هر چند که
شکم بزرگتر بیند مال دنیا بیشتر بود کرمانی گوید اگر فرزند نابالغ خود را آبستن بیند دلیل که اگر پسر بود پدر را نعمت و مال
حاصل گردد و اگر بینندهٔ خواب دختر بود مادر را نعمت و مال حاصل گردد

آبکامه

آبکامه ابن سیرین گوید که خوردن آب کامه در خواب
دلیل که بر رنج و بیماری تن کند اگر بیند که آب کامه همی خورد دلیل کند که بقدر آن وی را بیماری بود کرمانی گوید اگر بیند آبکامه
بریخت و از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن
آبکامه را بر پنج وجه گفته اند اول بیماری دوم غم سیوم خصومت چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال

آبگینه

آبگینه
دانیال گوید که آبگینه در خواب زن بود اگر بیند که در آبگینه آب همی خورد دلیل کند که زن خواهد و مال یابد اگر بیند در آبگینه
بکسی شراب داد دلیل کند که از هر کسی زن خواهد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که آبگینه سفید داشت و نامش بر آنجا نوشته بود
دلیل کند که دولت دینی و دنیائی یابد و حاجت او روا گردد و اگر بیند که بر آن آبگینه نام پادشاه نوشته بود دلیل کند
که اجلش نزدیک بود اگر بینندهٔ خواب پادشاه باشد و اگر نباشد دلیل کند که بر قدر و اندازهٔ آن خیر و خرمی یابد
جابر مغربی گوید اگر بیند که آبگینه داشت بیفتاد و بشکست دلیل کند اگر زن دارد طلاق دهد و اگر زن ندارد زن
از خویشان وی رحلت کند و بد آنکه آبگینه کرتا دیل بمنزلهٔ خداوند کار بود و بعضی از معبران گفته اند که آبگینه گر کسی بود

آبله

که کارهای زنان گذارد و پیوسته او را با زنان مخالطت بود **آبله** ابن سیرین گوید که آبله در خواب زیان مال بود و اگر ببیند که
بر تن او آبله بود که بقدر آن خواسته مال او را حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آبله بود دلیل بود که بقدر آن از مال حرام حاصل
شود حضرت صادق ؑ فرماید که آبله بر تن دیدن بر پنج وجه بود اول زیادتی مال دویم زن خواهد سیم لشکر پیش آید چهارم حاجت روا شدن

آبنوس

پنجم از ترس و بیم امین گردد چون آبله سفید **آبنوس** ابن سیرین گوید که دیدن آبنوس در خواب مردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما
توانگر و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب زنی بود و هم برین صنعت که یاد کرده شده حضرت

آتش

صادق میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت که گفته گردید **آتش** دانیال گوید اگر کسی آتش بی دود بیند
در خواب دلیل که بپادشاهی نزدیک گردد و کار بستهٔ او کشاده گردد و اگر بیند که کسی وی را در آتش افگند و آتش
وی را سوخت دلیل که پادشاه بروی ستم کند لیکن زود خلاصی یابد و بشارت و نیکوئی یا بد چنانکه ایزد تعالی
در کلام مجید فرموده قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ و اگر بیند که آتش وی را بسوخت
دلیل کند که روی بکراهت سفری کند و اگر آتش را با تف و سوز و سوز بیند دلیل کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بیند که
آتش اندام وی را بسوخت دلیل کند که بقدر آن سوختگی وی را رنج و مضرت رسد و اگر کسی بیند که آتش در خانهٔ وی افتاد
و همه اندام او را بسوخت و زبانه همی زد و از وهم و ترس در دل او نیامد دلیل کند که از محنت و مصیبت که بدو
رسد سبب بیماری و ضعف بود چون سرسام و طاعون و آبله و سرخه و آنچه بدین ماند و اگر بیند که از آن آتش فرا گرفت
دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را دود بود دلیل کند که مال حرام وی را برنج و عنا
حاصل گردد با جنگ و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و طپش بوی میرسید دلیل کند که کسی وی را از دور غیبت کند کرمانی
گوید اگر بیند که شعلهٔ آتش بر دامان همی انداخت دلیل کند که در میان مردم عداوت و دشمنی افگند و اگر بازرگانی بیند
که آتش در دکان و کالای او افتاد دلیل کند که کالائی که دارد بر باد دهد یا آنچه بدرمی ارزد بسه درم دو شد و
بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانهٔ کسی افتاد دلیل که آنکس در جنگ و فتنه و جور سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامهٔ او را
بسوخت و اگر بیند که آتش جامه او را بسوخت دلیل که با خویشان جنگ و خصومت کند و از سبب مال اندوهگین گردد و اگر کسی آتش عظیم در
زمین بیند دلیل کند که در آنموضع فتنه و جنگ افتد و اگر چیزی سوخته بیند دلیل کند که از جهت زنان وی را با کسی خصومت کند
و اگر بیند در شهری یا در محله یا در سرائی آتش افتاد چنانچه هر چه بود همه را بسوخت آن آتش زبانه میزد و آواز سهمگین
همی داد دلیل کند که در آنموضع جنگ و کارزار بود یا بیماری صعب افتد و اگر بیند که آتش بر چیزی افتاد و بسوخت
و برخی رها کرد و آواز سهمگین نداشت دلیل بود بر جنگ و کارزار در آنموضع و اگر زبانه و فروغ نداشت دلیل بر بیماری
صعب کند و اگر آتش را با دود بیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کارها و اگر بیند که آتش از آسمان بیفتاد شهری یا
محله یا سرائی بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر اهل آنموضع شهر بود و اگر بیند که آواز سهمگین داشت و زبانه
همیزد و در جائی افتاد لیکن کژ بود و زبانه نمیکرد دلیل بود که در میان اهل آنموضع گفت گوی و خصومت افتد
بزبان و اگر بیند که از زیر زمین آتشی سهمگین برآمد و سوی آسمان شد دلیل بود که آنموضع دوستان با حق تعالی حرب کنند

بدروغ و بهتان گفتن بروی بقدر و قوة آن آتش که دیده بود و اگر بیند آتشی از جائی بجائی همیرفت و آن آتش هیچ گزند نمیکرد بلکه دلیل بود که در آن منفعت یا بد و اگر درویش بود توانگر گردد و اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی بیند که از آسمان مانند باران آتش میبارد دلیل بر بلا و خون ریختن بود از جهت پادشاهان در آنموضع و اگر بیند که آتشی از آسمان بیامد و چیزهای خورد نی که از آن و بود بسوخت دلیل کند که طاعتهای وی نزد حق تعالی پذیرفته گردد قوله تعالی بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ و اگر بیند که از آسمان آتش همی آمد و کسی را بسوخت بیم حق تعالی باشد قوله تعالی هٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ و باشد که از پادشاه و برا بیم بود و اگر بیند که بر سر آتشی بزرگ گرم میشد دلیل کند که بپادشاهی بزرگ نزدیک گردد و اگر بیند که بر آتشی چیزی همی پخت که شغل دینی و دنیاوی تمام گردد و اگر بیند که آتشی از آسمان فرود آمد و نبات زمین را بسوخت دلیل بود که در آن دیار نعوذ بالله مرگ مفاجات بسیار بود و اگر بیند که آتشی بزرگ قبهٔ یا مناره بسوخت دلیل کند که پادشاه آنموضع هلاک گردد و بعضی از معبران گویند که اگر کسی بیند که آتشی از زمین برآمد و فروغ میداد دلیل کند که در آنموضع گنج بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند که پارهای آتش میخورد دلیل کند که مال یتیمان میخورد قوله تعالی اَلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا و اگر بیند که از دهان وی آتش بیرون می آید دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر بیند که هر جائی آتشهای سوزنده میگرفت دلیل کند که از هر جائی میانجی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر بیند که در پهلوی او آتشی افروخته بود و او از آن زیان نداشت دلیل کند که بدو خیر و نیکی رسد قوله تعالی أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ و اگر بیند هیزم آتش عظیم میسوخت دلیل بر جنگ و فتنه کند در آن دیار قوله تعالی كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ و اگر بیند که آتش در مردم میزد دلیل نصرت بود او را بر دشمنان و اگر بیند که آتش وی را بسوخت و آن آتش نور نداشت دلیل کند که از علت سرسام بیماری کشد و اگر بیند که آن آتش را نور بود دلیل بود که کسی را از خویشان و فرزندان وی فرزندی آید که مردمان بروی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در رزمگاه آتش بیند دلیل کند بر بیماریهای صعب چون آبله و طاعون و سرسام و مرگ مفاجات نعوذ بالله و اگر آن آتش را با دود بیند دلیل کند که از پادشاه او را ترس و بیم بود و اگر آتش را در بازار بیند دلیل کند بر بیدینی اهل بازار و آنکه اهل بازار در تجارت انصاف ندهند و بر خریده دروغ گویند و اگر در دیاری آتشی افتاده بیند دلیل کند که مردم آنجا مصادره بود از پادشاه و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر در راه مجهول آتش بیند دلیل بیدینی بود و اگر آتش در جامهٔ کسی افتاده بیند دلیل کند که آنکس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خویشتن را بر آتش ایستاده بیند دلیل که او را رنج رسد آتش افروختن ابن سیرین گوید که آتش افروختن بخواب پادشاه را قوت بود و آتش بی دود فروغ قوت بود و خواسته آتش با دود پادشاه ستمگر و غم و اندوه و زیان بود و اگر بیند که آتش برافروخت تا گرم گردد یا کسی دیگر بدان گرم شود دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بیند که بفایده آتشی برافروخت دلیل کند که بی سببی جنگ و خصومت کند و اگر بیند که آتشی برافروخت تا چیزی بریان کند دلیل کند که کاری پیش گیرد بسبب غیبت مردمان تا طلب مال کسی کند و اگر بیند که از آن بریان بخورد دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد

باغم واندوه واگر بیند که بزیر دیگ آتش می افروخت ودر دیگ گوشت بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که ازان
کار کد بانوی خانه را منفعت رسد واگر بیند که دران دیگ هیچ طعام نبود دلیل کند که ازان کار او را غم واندوه بود واگر بیند
که آتشی برافروخت از برای روشنائی دلیل کند که کار برا نجحت وبرهان روشن گرداند واگر بیند که آتشی برافروخت
که حلوا سازد دلیل کند که او را سخنی نیکو گویند کرمانی گوید اگر بیند در جایگاهی آتشی برافروخت تا اهل آن جایگاه را
بسوزاند دلیل بود که اهل آن موضع را غیبت کند بدی گوید واگر بیند آتش را در تنور یا در آتشدان همی افروخت بی آنکه
طعام پزد دلیل کند که با مردی از خویشان و یا اهل بیت او را جنگ و خصومت افتد واگر بیند که خواست تا آتش برافروزد از
بهر منفعت خویش وآن آتش برنمی افروخت و روشنائی نمیداد دلیل کند که از علم خویش برخورداری نیابد واگر آن کس
پادشاه بود عز وجاه ودولتش افزون گردد واگر بیند که آن آتش که افروخت بمرد دلیل کند که هلاک گردد جابر گوید اگر بیند
که در بیابان آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و هر کس بموضع و مقام خویش میرفتند دلیل کند که
مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست گیرند واگر بیند که آن آتش فرو میرود و نور او زایل میگردد دلیل کند که احوالش
متغیر و باشد که از دنیا رحلت کند واگر بیند که آن آتش در بیابان افروخت نه بر راه راست می درخشید دلیل کند که علم او مردمان
براه ضلالت برد واگر بیند که آتشی در موضعی برافروخت تا آن موضع را بسوزد و آتش آنرا بسوخت وآن بازرگان
بود دلیل که خرید و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود واگر بیند که از خانهٔ همسایه آتش همی برد دلیل کند که مالی حرام
بدو رسد **روشنائی آتش** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش بیند چنانکه بدان روشنائی
راه توان رفت دلیل کند که زاهدی یابد واگر روشنائی آتش را ایستاده بیند دلیل کند که سبب دولت او همانجا بود
واگر اخگر افروخته بیند دلیل کند که در آن دیار رؤیت سلطان پدید آید واگر در خانهٔ خود اخگر دید چنانکه از نور آن خانه
روشن بود دلیل کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده گردد واگر بیند که آن اخگر را کشت دلیل که در خاندان او خصومت
و داوری بود **آتش پرستیدن** دانیال گوید اگر بیند که آتش را می پرستید و سجده میکرد دلیل که پادشاه ستمگر را
سجده کند و بخدمت او مشغول گردد چنانکه او را نشکیبد اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجده میکرد دلیل که بخدمت زنان
مشغول گردد واگر بیند که آتش را بوسه همی داد و می پرستید دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گردد واگر بیند که در میان
آتش درآمد و همیکرد دلیل که با پادشاه بطوع و رغبت بازرگانی کند ولیکن عاقبت کارش بر خطر بود خاصه که از آتش بر تن
او گزندی رسد واگر از آتش تن او را هیچ گزندی نرسد دلیل کند بر همه حالت سلامت نفس و جمعیت یا روزگار او از پادشاه
وقت واگر بیند که در میان آتش رفت دلیل که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد واگر بیند که آتش از روی یا از جامه یا از
دست او روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او متحیر بودند دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مراد و جهانی حاصل گردد قوله تعالی ق
اَدۡخِلۡ یَدَکَ فِیۡ جَیۡبِکَ تَخۡرُجۡ بَیۡضَآءَ مِنۡ غَیۡرِ سُوۡٓءٍ واین معجزهٔ حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل اشعث گوید
که اگر کسی در خواب بیند که آتش میپرستید دلیل کند که بازداری و عوانی کند و آن آتش که میپرستید اگر شکل اخگری بود که غرض او از دین
جمع کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند **شرارهٔ آتش** ابن سیرین گوید که شرارهٔ آتش در خواب سخن بد باشد که بوی

روشنائی آتش

آتش پرستیدن

شرارهٔ آتش

رسد واگر بقیاس شرارهٔ آتش در وی می افتاد دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار گردد کرمانی گوید اگر
بیند که در شهری یا کوچهٔ شرارهٔ آتش می افتاد دلیل کند جنگ و فتنه در آن موضع پدید آید و اگر بیند که شرارهای
آتش سخت بزرگ بود دلیل بود که عذاب خدای عز و جل بدو رسد یا بدان موضع رسد قوله تعالی
اِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ كَاَنَّهٗ جِمَالَتٌ صُفْرٌ واگر بیند که شرارهٔ آتش در میان
مردمان افتد دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر جنگ و خصومت افتند و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخت
زشت گفتن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که پارهٔ آتش در دست داشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و
اگر بیند که با آن آتش دود بود دلیل کند که در آن کار او را بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست وی فرو مرد
دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر بیند که از آن آتش پاره مردم را همی داد دلیل کند که از
کردار وی مردم را رنج و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند که چیزی از خوردنی بر وی همی پخت و بخورد
دلیل کند که سخنهای خوش شنود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در خواب بر بیست و پنج وجه بود
اول فتنه دوم کارزار سیم فساد چهارم مرلعب پنجم خصومت ششم سخنهای زشت هفتم منع از کام و مراد هشتم خشم
پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم بیراهی دوازدهم علم و حکمت سیزدهم راه هدی چهاردهم مصیبت پانزدهم
ترس شانزدهم سوختن هفدهم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم سرسام بیستم آبله بیست و یکم گشایش کارها
بیست و دوم فضیلت بیست و سوم مال حرام بیست و چهارم روزی بیست و پنجم منفعت **آتشدان** ابن سیرین گوید
که آتشدان بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتشدان آهنین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل
آن خانه بود و اگر آتشدان چوبین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل آن خانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتشدان
از گل بود دلیل بود که آن زن اهل گردن کشان باشد و از مشرکان نیز بود حضرت صادق رح میفرماید که دیدن آتشدان
بخواب بر دو وجه بود اول زن خادمه دوم کنیزک **آتش زنه** ابن سیرین گوید که آتش زنه و سنگ آتشدان
این هر دو انباز باشند که از ایشان یکی قوی و دلیر بود و دوم سخت دل بود و این هر دو مردمان را بر شرف
و کارهای بزرگ در آورند کرمانی گوید اگر بیند که از آتش زنه آتش بیرون می آورد و از او شمع یا چراغ برافروخت اگر
بیننده پادشاه بود دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش یابند و اگر بیننده خواب عالم بود دلیل کند که مردم
از علم و دانش او بهره یابند و اگر بازرگان بود دلیل کند بر آنکه با مردمان خیر و جود و احسان کند و اگر درویش بود دلیل کند
که مردمان از سیرت و کردار وی منفعت یابند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که اگر بیند که از آتش زنه بیرون آورد دلیل
کند که مال حرام از جهة پادشاه حاصل کند یا بشغل او مشغول گردد و از رشوت مال بدست آورد و اگر بیند که از آتش زنه نتوانست
افروختن دلیل کند که مال طلب کند و نیابد **آتشکده** ابن سیرین گوید که آتشکده بخواب جایگاه گروه بود کرمانی گوید که
آتشکده جایگاه مردم احمق و خالی بود و اگر بیند که در آتشکده رفت و از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که از آن قدر مذلت و خواری
بوی رسد لیکن از بدی برهد و سرانجام پشیمانی خورد **آزرگون** بدانکه آزرگون شگوفه ایست دیدنش در خواب دلیل بر رنج و بیماری

بود آرد و دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی رنج بوی رسد دانیال گوید اگر بیند که آرد چون برف از هوا می آمد دلیل کند
که بقدر آن مال و نعمت حلال او را حاصل گردد از آنجا که امید ندارد و ابن سیرین گوید آرد جو تا دلیل درستی دین بود و آرد
گندم مالی بود و از تجارت که بسیار فایده بود و آرد گاورس مال اندک بود که حاصل گردد جابر مغربی گوید که آرد فروش بخواب
دیدن مردی باشد که دین خود را بدنیا آورده بود **آرد و بیز** کرمانی گوید که آرد بیز بخواب مردی باشد که در میان دوستان
و خویشان همی گردد ابن سیرین گوید که آرد بیز بخواب زنی بود فضول یا خادمی بود بد اگر بیند که آرد بیز بزرگ بود فرا گرفت یا کسی
بوی داد دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتگار دوست وی گردد و بعضی از معبران گویند که مردی مصلح که در خدمت
او مقیم بود دوست وی شود حضرت صادق علیه السلام گوید آرد بیز بر چهار وجه بود اول مردی مصلح دویم زنی فضول
سیم خادم چهارم منفعت اندک **آروغ** کرمانی گوید که اگر بیند که در خواب آروغ بر می آورد دلیل بود که سخنی گوید که او را
از آن حرمتی بود و اگر بیند که با آروغ طعامی بود و از گلویش بیرون آمد دلیل کند که اجلش نزدیک بود محمد بن سیرین گوید
اگر بیند که آروغ ترش و ناخوش بر آورد دلیل کند که سخنی گوید که از آن مضرت و خطر بیند و اگر بیند که آروغ همچون دود
بر آورد دلیل کند که بی هنگام سخنی گوید که از آن آنرا عیب گویند و ملامت کنند و سرانجام از آن پشیمانی خورد **آزاد شدن**
دانیال گوید اگر کسی بیند که آزاد شد یا کسی او را آزاد کرد دلیل کند اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده
شود و اگر حج نکرده باشد بگذارد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر گناهکار بود توبه کند و اگر غمگین بود شادمان گردد
و از غم فرج یابد و اگر محبوس بود خلاص یابد و علی الجمله آزادی در خواب بغایت نیکو و پسندیده است **آستانه** کرمانی
گوید آستانهٔ بالایین در خواب کدخدائی خانه بود و آستانهٔ زیرین کدبانوی خانه و اگر بیند که آستانهٔ بالایین در وی بیفتاد
و خراب شد دلیل کند که کدخدائی خانه بمیرد و اگر کدخدای خانه بیند که آستانهٔ زیرین خانه بیفتاد و یا بسوخت دلیل کند که کدبانوی
خانه بمیرد و ابن سیرین گوید اگر بیند که خداوند آستانهٔ زیرین با آستانهٔ بالایین نو و بدل گردد دلیل کند زن را طلاق دهد و زن
دیگر بخواهد و اگر بیند که آستانهٔ بالایین را بکند دلیل که خود را هلاک کند و اگر بیند که هر دو آستانهٔ خویش را بکند و خراب گردد دلیل
کند که کدبانو و کدخدا هر دو هلاک گردند **آسمان** دانیال گوید که اگر کسی خویشرا در آسمان اول بیند دلیل کند که اجل وی
نزدیک آمده بود و اگر خود را در آسمان دویم بیند دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان سوم بیند دلیل کند که عز و
اقبال انجهانی یابد و اگر بر آسمان چهارم بیند دلیل که با پادشاه را دوست و مقرب گردد و اگر بر آسمان پنجم بیند دلیل کند
که هیبت و ترس ربیم یابد و اگر بر آسمان ششم بیند دلیل کند که بخت و دولت و نیکوئی یابد و اگر بیند که بر آسمان
نخستین برشد ولیکن در رابسته دید دلیل کند که کارهای وی بسبب مردی بزرگ بسته گردد و اگر بیند که در آسمان نیارست
نگاه کردن و سر را فرو افگنده بود دلیل که از دیدار مردی بزرگ جدا گردد و اگر بیند که فرشتگان از آسمان فرود آمدند و
بر وی بگذشتند دلیل کند که درهای علم و حکمت بر وی گشاده گردد و ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر آسمان بیند دلیل
که او را سفری پیدا شود و در آن سفر او را مرتبت دنیا و عزت حاصل گردد و اگر بیند که بر پهنای آسمان می پرد هم سفری بود با نعمت
و برکت و اگر بیند که همچنان راست میپرید تا با آسمان رسید دلیل کند که مضرت و رنج بیند و اگر بیند که با آسمان رفت

بران نیست که بزمین باز نیاید دلیل کند که بزرگی و پادشاهی یابد و کاری بزرگ طلب کند و بیابد و اگر بیند که از آسمان بانگ و ندا می شنود دلیل کند بر خیر و سلامت و اگر بیند که مرغی از آسمان با وی سخن میگفت دلیل بود که شادمان گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر در آسمان بنیاد نیست چنانکه مردمان را در زمین بنیاد بود دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که بنیاد دوی چون بنیاد دنیا از خشت و گل و گچ و آجرها دلیل بود که خداوند خواب در دنیا مغرور گردد و اگر بیند که از آسمان انگبین می بارید دلیل کند که مردمان را چیز و نعمت و غنیمت بود و اگر بیند که از آسمان ریگ یا خاک میبارید و اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار بود دلیل آن بد بود و اگر بیند که از آسمان کژدم یا مار یا سنگ می بارید دلیل بود بر عذاب خدای عز و جل اندران دیار و اگر بیند که خود را از آسمان فرو آویخت دلیل کند که کار او بلند گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بر بالای آسمان رفت بجائی که وهم آنجا نگنجد و فرو نیامد دلیل که اجل او نزدیک آمده بود و خاتمت کردارش پسندیده بود و اگر خداوند خواب مستور بود و مصلح و بیند که در آنجا فرو آمد دلیل که در راه دین زاهد گردد و اگر خداوند خواب مصلح و مستور نباشد دلیل بود که توبه کند یا هلاک گردد و اگر بیند که از آسمان بزمین آمد دلیل کند که از رنج و بیماری بسر حد هلاک رسد و بعد از ان شفا یابد و اگر بیند که در میان آسمان و زمین بنیادی بود چون قبه یا کوشکی که از سنگ و آجر بود دلیل بود که خداوند خواب در اهل و عمل مغرور گشته بود و اگر بیند که درهای آسمان گشاده شدند دلیل کند که دعا در آن سال مستجاب گردد و باران بسیار بارد و آبها فراوان بود قوله تعالی فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ وَّفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُوْنًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلٰى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ و اگر بیند که در آسمان دری از بهروی یا از بهر مردم آن دیار گشاده گردید دلیل کند که بر خیر و نعمت مردمان آن دیار خاصه که با گشادن آن در اثر خیر ظاهر گردد و اگر بیند که آسمان بیفتاد دلیل کند که ایزد تعالی با وی بخشم بود امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند که آسمان بگونه سبز بود دلیل بود که در آن دیار خیر و صلاح و ایمنی بود و اگر بیند که بگونه سفید بود دلیل که در آن موضع رنج و بیماری بود و اگر بیند که آسمان سرخ بود دلیل کند که در آن دیار جنگ و خون ریختن بود و اگر بیند که آسمان سیاه بود دلیل که در آن دیار بلا و فتنه عظیم بود و اگر بیند که آسمان روشن تر از آن بود که بود دلیل کند که او را حق تعالی روشنی تمام در دین حاصل گرداند و اگر بیند که بر ابر او در آسمان گشاده شد دلیل کند بر خیر و روزی بر او گشاده گردد و عالم و حکیم گردد و از وی روزی بسیار بمردم رسد و اگر بیند که در آسمان علامتهای سرخ بود یکردار عمودها دلیل کند که پارسایان آن موضع را ملامت و لغزش بود و اگر بیند که آسمان همی برشتید دلیل کند که بدین و گمراه گردد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که از آسمان سنگ چون باران می آید دلیل کند که بلای سخت و عذاب باهل آن موضع رسد قوله تعالی وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيْلٍ و اگر بیند که از آسمان گندم و جو میبارید دلیل کند که اندران دیار نعمتهای الوان بقیاس بود و خلق را ایمنی و کسب معیشت بود

آستانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آستانه خانه وی بلند گردید دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت یابد و شرف و منزلت و اگر بیند که آستانه خانه او بیفتاد دلیل که از شرف و منزلت بیفتد و نزد مردمان خوار گردد و اگر بیند که آستانه خانه و آب صافی چون باران همی بارید دلیل که بقدر آن مال و نعمت باشد و اگر بیند که از آستانه خانه وی مار و کژدم همی افتاد دلیل که از پادشاه یا از بزرگی او را غم و اندوه رسد کرمانی گوید اگر بیند که آستانه خانه بروی بیفتاد و در زیر آن گرفتار گردید دلیل کند که او را بیم هلاک بود قوله تعالی

فخرّ علیهم السّقف من فوقهم واگر بیند که آستانهٔ خانه او برنگهای ملون و منقش بود دلیل کند که بزینت و آرایش دنیا مشغول
گردد **آسیاب** دانیال گوید اگر بیند که در آسیاب غله برد و آرد همی کرد دلیل کند که از خداوند آسیاب بدو خیر و منفعت
رسد اگر بیند که سنگ آسیاب بشکست و از کار بیفتاد دلیل که خداوند آسیاب هلاک گردد اگر بیند که سنگ آسیاب بشگافت یا خللی
در وی پدید آمد دلیل که در معیشت خداوند آسیاب سستی و خللی پدید آید اگر بیند که سنگ آسیاب را کسی بدزدید دلیل که خداوند آسیاب را
مفضت او مضرت شود ابن سیرین گوید که دیدن آسیاب بخواب جنگ و خصومت بود اگر کسی خود را در آسیاب بیند دلیل کند که او را
باکسے جنگ و خصومت افتد واما اگر داند که آسیاب ملک او بود آسان تر بود واگر بیند که در آسیاب غله نداشت لیکن نگاه میکرد که آسیاب
چگونه میگردد دلیل که بسفر شود واگر بیند که سنگ آسیاب از مس یا از برنج یا از آهن بود این جمله دلیل بر جنگ و کارزار بود
واگر بیند که سنگ آسیاب از آبگینه بود دلیل که خصومتش با زنان بود واگر بیند که آسیاب سنگ یا آهن بجای غله آرد میکرد
دلیل کند که او را باکسے جنگ و خصومت سخت افتد ولیکن اگر بیند که آسیاب را بدست میگرداند دلیل کند که او را آلبنا
سخت دل بود و بواسطهٔ او کارش بنظام نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که آسیاب در خواب دیدن دلیلش برپنج وجه
بود اول پادشاه دویم رئیس سیوم توانگری چهارم مرد دلیر جلد پنجم خوالسالار پادشاه و دیدن جایگاه آسیا جای
رئیس بزرگ بود واگر بیند که آسیاب را خراب همیکرد دلیل که اندران چیزی که بآسیاب منسوب است خراب گردد
آسیابان در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میگردد و چیزی بدست می آورد تا اهل خانه بدان
تعیش کنند ابن سیرین گوید که دیدن آسیابان در خواب مردی بود که مردم را در دست او روزی بود و چون آسیابان جوان
بود دلیل نیکو باشد واگر بیند که آسیا بخر میگردید یا باشتر و از وی نیکو فرو می آمد دلیل بود که آسیابان را دولت و اقبال
بود واگر بوقت گردیدن آسیابان بانگ سنگ آسیاب میشنود دلیل کند که کار وی قوی گردد **آشتی**
کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی آشتی کرد دلیل که عمرش دراز گردد واگر بیند که در آشتی کسی را لفساد دین خواند
دلیل که وی را بصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که در خشم کسے را بصلاح دین میخواند دلیل که وی را بفساد و راه شر خواند
حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آشتی کردن در خواب دلیل کند بر سه وجه اول درازی عمر دویم بر قوه سیوم
بر سرت اعتقاد دل پسندیده **آغوش گرفتن** کرمانی گوید اگر کسے بیند که معروفے در آغوش گرفت دلیل کند که
اگر آنکس مستور بود و مصلح از وی خیر دین یابد واگر بیند که کودکی را در آغوش گرفت دلیل بود که خواستگار و محب فرزند
بود واگر بیند که غیر یرا در آغوش گرفت دلیل بود که با دشمن صلح کند **آفتاب** دانیال گوید که آفتاب در خواب پادشاه
بود یا خلیفهٔ بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان فرا گرفت یا وی را بملک خویش گرفت دلیل که پادشاهی و بزرگی یابد یا
دوست و مقرب پادشاه گردد واگر بیند که خود آفتاب شد دلیل کند که بادشاه گردد بر قدر روشنائی آفتاب اگر از
اهل آن نباشد بر قدر و همت و اصل خویش بزرگی و حشمت یابد واگر بیند که با آفتاب بجنگ بود دلیل که پادشاه با او
جنگ و خصومت کند واگر بیند که جایگاه آفتاب جایگاه ماه مقیم شد دلیل که پادشاه گردد و مملکت بروی مقیم
گردد و قرار گیرد واگر بیند که نور آفتاب بستد دلیل که ملک از پادشاه بزرگ بستاند واگر بیند که آفتاب را

آسیاب
آسیابان
آشتی کردن
آغوش گرفتن
آفتاب

فرا گرفت لیکن نه از آسمان و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بیند که آفتاب تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود و ابن سیرین گوید که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود و ماه وزیر او و زهره زن پادشاه و عطارد دبیر پادشاه و مریخ پهلوان پادشاه و ستارگان دیگر لشکر او بود و جابر مغربی گوید که آفتاب در خواب پدر بود و ماه مادر بود و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حق تعالی در کلام خود در قصه یوسف علیه السلام یاد کرده است قوله تعالی إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ و هر زیادت و نقصان که در آفتاب و ماه بیند دلیل بر پدر و مادر و برادران بود و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه بر آمد و در خانه وی تافت دلیل کند که از خویشان خود زن خواهد اگر بیند که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بپوشانید دلیل که حال بر پادشاه متغیر گردد و احوالش بد شود خاصه وقتی که بیند که آفتاب منکسف گردید و اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد لیکن زود به شود و اگر بیند بر سر آفتاب رسنی یا رشته فرو بسته بود و او دست بر آن رسن زند دلیل که از پادشاه او را یاری و قوت بود و اگر بیند که آن رسن بگسست و او بیفتاد دلیل که از بزرگی و منزلت بیفتد و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجده کرد دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر گردد و اگر بیند که آفتاب یا ماه یا جمله ستارگان در یکجا جمع شدند و او جمله را بگرفت و نور ایشان بستد دلیل که پادشاهی جهان بگیرد و پادشاهان جهان جمله مطیع او شوند و اگر بیند که آفتاب و ماه و ستارگان را بگرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل کند که بیننده خواب هلاک گردد خاصه که ظالم و ستمگر بود و کرمانی گوید اگر بیند که در میان آفتاب نقطه سیاهی بود دلیل کند که پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت بود دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آفتاب بر زمین فرود آمد و هیچ نور نداشت دلیل بود که پادشاه آن دیار معزول گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش دید سیاه گردیده دلیل که پادشاه را غمی بزرگ رسد و او را نیز از آن بهره بود و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شد و ناپدید گردید دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند و عامه مردم را غم و اندوه و آزار رسد و اگر بیند که ابر آفتاب را و ستارگان را همی پوشانید دلیل که پادشاه و لشکرش از پیش دشمنش منهزم شوند و اگر بیند که آفتاب را همی پرستید دلیل که با پادشاهی بزرگ مقرب گردد و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی دید بر فلک نشست و روی با آفتاب کرد پس دیگر بار روی از آفتاب بگردانید دلیل که آن کس نخست کافر بود و پس مسلمان گردد و لعاقبت کافر گردد و اگر بیند که آفتاب باز دید دلیل بود که پادشاه آن دیار را از جهت چیزی جزوی رنجی رسد از جائیکه امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت دلیل کند که از پادشاه جاه و حشمت و بزرگی یابد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که تاویل دیدن آفتاب بر هشت وجه بود اول خلیفه دوم سلطان بزرگ سیم رئیس چهارم عامل بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت رعیت هفتم مرد را زن و زن را شوی هشتم کار روشن نیکو و هم او گوید اگر بیند که آفتاب را سجده کردی دلیل که سلطان او را بنوازد و مقرب خود گرداند و کار وی بالا گیرد و عدل و انصاف رئیس و امیران دیار پدید آید و شعاع آفتاب بخواب دیدن ضد آن بود که گفتیم **آفتابه** ابن سیرین گوید که آفتابه در خواب زن خادمه بود یا کنیزک که چراغ خانه بدو تسلیم کنند و بعضی از معبران گفته اند که آفتابه خادم قومی بود که آن قوم بطاعت او گرد آیند و از معصیت پرهیز

کنند واگر بیند که آفتابه نور داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا خادمه یا کنیزکی حاصل گردد بدین صفت که گفتیم واگر بیند که آفتابه بشکست دلیل که خادمه یا کنیزک بیمار گردد یا بمیرد واگر بیند که آفتابهٔ او ضایع گردید دلیل که خادمه یا کنیزک او بگریزد یا از او جدا گردد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آفتابه در خواب بر نه وجه بود اول زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم قوام پنجم تن ششم عمر دراز هفتم مال ونعمت هشتم خیر وبرکت نهم راحت از جهت زنان **الج** بدانکه الج را بتازی رغرو گویند اگر کسی در خواب بیند که الج همی خورد دلیل که او را رنج وبیماری رسد بقدر آن کرمانی گوید که اگر بیند که الج داشت یا بکسی داد یا آنرا از خانه بیرون ریخت واز او نخورد دلیل که از رنج وبیماری ایمن گردد وعلی الجمله خوردن الج در خواب در او هیچ خیر ومنفعت نباشد **آماس** ابن سیرین گوید که دیدن آماس در خواب مال بود اگر بیند که بر تن او آماس پدید آمده بود دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل گردد خاصه چون که در آن آماس ریم بیند که بسیار بود کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آماس بود چنانکه او را رنج نماید دلیل که بقدر آن مال حلال یابد واگر آماس چنان نباشد که بدو رنج نماید دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آماس بر تن بر پنج وجه بود اول مالش زیاده گردد دویم زنی با منفعت خواهد سیم پسر آورد چهارم حاجتش روا گردد پنجم ایمن گردد از غمها واگر همه تن خود را آماس بیند دلیل که این هیچ چیز که یاد کردیم او را حاصل گردد **آهک** دانیال گوید که اگر کسی بیند که با آهک موی از تن بسترد دلیل که اگر مال دارد بقدر آن موی که بسترده بود او را مال حاصل گردد واگر غمگین بود از غم فرج یابد واگر وام دارد وامش گذارده گردد ابن سیرین گوید آهک کردن در خواب توانگر را زیادتی مال بود ودرویش را گذاردن وام وکافر از ایشان مسلمانی باشد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آهک در خواب بر سه وجه بود اول خبر بد بود دوم سخنهای زشت ناخوش سیم کارهای دشوار وعمارت کردن با آهک در تاویل بد بود **آهن** ابن سیرین گوید که آهن معمول بخواب دیدن خادم بود واگر نه معمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آهن واگر بیند کسی که آهن بوی دادند دلیل که از متاع دنیا بقدر آن آهن کسی چیزی بدو بخشد کرمانی گوید که هر آهن که کسی بخواب بیند که آن سبب صلاح دارد از منسوب بپادشاه بود چنانکه خدای عز وجل در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ واگر بیند که آهن را از سنگ بیرون می آورد دلیل کند که او را همی پیش آید قوله تعالی قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ جابر مغربی گوید اگر کسی بخواب بیند که آهنگری میکرد ونه از اهل آن کار بود دلیل که او را با کسی خصومت افتد واگر آهنگر بود دلیل کند بر خیر ومنفعت وبعضی از معبران گفته اند که آهنگر بتاویل پادشاه بزرگ بود وداد گر ابن سیرین گوید که دیدن آهنگر بخواب چون معروف بود دلیل پادشاه بود واگر معروف نبود تاویل نیک وبد آنچه دیده بود با آهنگر باز گردد واگر بیند که آهن پاس همی گداخت دلیل کند که این کس مردمان را غیبت کند ودرشتی گوید حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر چیزی که از آهن بخواب بیند که از سوزن بود آن سیم منفعت وقوت وولایت وتوانائی وظفر یافتن بر دشمن بود **آهو** دیدن کرمانی گوید اگر بیند که آهو را فرا گرفت دلیل که کنیزک خوب روی او را حاصل گردد واگر بیند که گلوی آهو را ببرید دلیل که دوشیزگی دختری را بر گیرد واگر بیند که آهو را از قفا گلو ببرید دلیل که با کنیزکی بخلاف شریعت مجامعت کند واگر بیند که پوست آهو را بکند دلیل کم

بازنی غریب زنا کند و اگر بیند که پوست آهو را همی خورد دلیل که او را از زنی خوبروی مالی حاصل گردد و اگر بیند که پوست آهو یا گوشت
یا پیه او را باید شد دلیل که او را از زن مالی رسد و اگر بیند که آهو را بکشت دلیل که از قبل زن اندوهگین گردد ابن سیرین گوید اگر
بیند که بی آنکه گرد آهو رود بیفگند دلیل کنیزکی یا زنی را دوشیزگی ببرد و اگر بیند که آهو را وقت شکار بیفگند دلیل که غنیمت یابد و اگر
بیند که آهو در خانهٔ او بمرد دلیل که از جهة زن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که آهو را بسنگ یا به تیر زد دلیل که سخنی ناسزا گوید زنی را جابر
مغربی گوید اگر بیند بچهٔ آهو را گرفت یا کسی بدو داد دلیل که وی را کنیزکی فرزند آید حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آهو
در خواب بر چهار وجه بود اوّل زن دوم کنیزک سیم فرزند چهارم منفعت از زنان **آواز** ابن سیرین گوید که آواز مرد در خواب
چون بلند بود دلیل کند که در میان مردم بزرگی یابد اگر کسی بیند که آوازش بلند گشته بود دلیل کند بر قدر بلندی آواز و نام
و بانگش بلند گردد اگر بیند که آوازش ضعیف گشته بود دلیل که بانگ و نامش ضعیف گردد چنانکه کس یاد او نکند کرمانی گوید بلندی
آواز مردانرا دلیل شرف و بلندی نام کند اما بلندی آواز زنان در خواب نیکو نباشد بخلاف آواز مردان بود و بسیاری
آویختن دانیال گوید اگر کسی بیند که پادشاه فرمود تا او را بیاویزند دلیل که از پادشاه حشمت و جاه و بزرگی یابد لیکن دلیل
که در دینش خلل افتد و اگر بیند که هنگام آویختن مردمان نظر در وی میکردند دلیل که بر عدد آن قوم مهتری و فرمان روائی
یابد اگر بیند که گروهی جمع شدند و وی را بیاویختند دلیل که بر آن قوم مهتر و فرمان روا گردد اگر بیند که مردی مجهول وی را بیاویخت و
مردمان بنظارهٔ او همی بودند دلیل که بر خلق جهان فرمان روا گردد چون بیند که خویشان بنظارهٔ او همی بودند و اگر بیند که خویشتن را
بیاویخت و هیچکس در وی نظاره نکرد بلکه خود را آویخته همی دید دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند و لیکن کسی مطیع
او نگردد جابر مغربی گوید چون وی را آویخته بودند ریسمان ببرید و بیفتاد دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت بیفتد **آئینه**
ابن سیرین گوید که آئینه در خواب جاه و ولایت بود و اگر بیند که آئینه داشت یا کسی آئینه بوی داد دلیل کند که بقدر بزرگی
آئینه جاه و منزلت و ولایت و نعمت یابد و اگر بیند که آئینه بکسی داد دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی نهد و اگر بیند
که در آئینهٔ سیمین نگاه میکرد دلیل که از حرمت و جاه خویش کراهت بیند زیرا که معبران آئینهٔ سیمین را مکروه دانند
کرمانی گوید که اگر مردی در آئینهٔ آهنی همی نگرید دلیل که اگر زن وی حامله بود پسر آورد که همه چیز با مانند پدر بود و اگر زن بیند
که در آئینه می نگریست و آبستن بود دلیل که دختری آورد که همه چیز با مانند مادر بود و اگر زن آبستن نباشد دلیل که شوهر او را
طلاق دهد و زن دیگر بخواهد و آن زن شوهری دیگر کند و اگر پسری بیند که در آئینه نظر میکرد دلیل که او را برادری آید
و اگر دختری نگاه کند وی را خواهری آید و اگر پادشاه یا عاملی نگاه کند معزول گردد و ولایت از دست او برود و کسی
دیگر بجای او نشیند جابر مغربی گوید که روی نیکو در خواب اگر در آئینه دید چون معروف بود پادشاه بود و اگر معروف
نباشد تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد با آئینه باز گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آئینه
بخواب بر شش وجه بود اوّل زن دوم پسر سیم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم انباز ششم کار روشن
و هم او گوید اگر مردی غریب آئینه در خواب بیند دلیل که زن خواهد و بزرگی یابد و اگر دختر بیند دلیل
که شوهر خواهد و بر شوهر عزیز و گرامی بود و اگر بیند که مردی مجهول آئینه بدو داد و در وی نگریست دلیل که بدیدن دوستی

غایب شادمان گردد ابر دیدن درخواب دانیال گوید که ابر بخواب دیدن بر شش نوع بود اول ابر سفید و سیاه و زرد و سرخ و ابر ازرق
و نا باریده و هر یکی را تعبیر مخصوص است و اگر کسی خویشتن را در زیر ابر سفید بارنده دید دلیل که خدای عزوجل ویرا علم و حکمت ارزانی
دارد و مردمان را ازاو منفعت رسد و اگر بیند که در زیر ابر زرد بود دلیل که بیمار گردد و بعضی از معبران گفته اند که زنی خواهد و از
وی رنج و غم و اندوه کشد اگر بیند که در زیر ابر سرخ بود دلیل که بر محنت و بلا گرفتار گردد زیرا که خدای عزوجل بر قومی که
عذاب فرستادی نخست ابر سرخ بر فراز آن ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز ابر بر سر راست بایستاد دلیل که بقدر آن عز و شان
روائی یابد و اگر بیند که ابر بر سر او همی گذشت دلیل که او را با کسی نیکو جاه و نیکو عهد صحبت افتد و مرادش از وی حاصل
گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که ابر را در هوا همی راند دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را پادشاه
بیند دلیل که در ولایت خویش رسولان و صاحب خبران فرستد و اگر بیند که ابر را از هوا گرفت و بزمین آورد دلیل که کارش
نیکو گردد و بزرگی یابد و علم حاصل شود و اگر بیند که ابر بر سر وی سایه همی کرد دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد
قوله تعالی وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا اگر بیند که از ابر جامه در دوخته
بود و در پوشیده دلیل کند که چندان علم حاصل کند که کس را نبود و اگر بیند که ابر همه جهان را پوشیده و هیچ باران نبود
دلیل که بد بود کرمانی گوید که اگر بیند که ابر را جمع کرد یا برداشت یا بخورد دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش
یگانه گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که ابر را همی خورد دلیل کند که معیشت او از حکمت بود و اگر بیند که ابر سیاه بر فراز
موضع جائی گسترده بود دلیل بر خشم و عذاب حقتعالی بود در آن دیار پس هر که اندر آن ابر نزدیک تر بیند در عذاب حقتعالی
نزدیک بود و اگر با ابر باران بیند دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر بیند که از ابر باران همی خورد دلیل که بقدر آن وی را رحمت
و نیکوئی رسد و اگر با ابر باران رعد سخت بود دلیل کند بر ترس از دعای مادر و پدر یا از دعای مسلمانان و اگر با رعد برق
بیند این عذابها سخت تر و تیز تر بود و اگر بیند با برق صاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بیند که در خانه وی و جایگاه نشستن
ابر گسترده شده است دلیل کند که فرزند و اهل بیتش را حکمت بود و دانش نیز حاصل گردد بر قدر تنگی و تاریکی حضرت
صادق علیه السلام فرماید که ابر بخواب دیدن بر نه وجه بود اول حکمت دویم ریاست سیم پادشاهی چهارم رحمت
پنجم پرهیزگاری ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل اشعث گوید که ابر سیاه بخواب دلیل غم و
ترس و سختی بود و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن ابر که از کنار دریا آرند که بتازی آنرا الصنعج
خوانند دیدن وی درخواب غنیمت بود بر قدر آنچه دیده بود

ابروها

ابروها ابن سیرین گوید ابروها دیدن بخواب دین بود و اگر
بیند که ابروهایش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود دلیل کند که زینت وی تمام و کمال بود و اگر بیند که ابروهایش
فرو ریخت تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که ابرو نداشت یا موی ابرویش فرو ریخت دلیل که آهنگ چیزی
کند که از آن چیز وی را بدنامی و فساد دین حاصل گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که قصد چیزی کند که وی را نیکنامی و صلاح
دین حاصل آید و اگر بیند که ابروهایش سفید گشته بود دلیل که علم و آهستگی وی زیاده گردد و لیکن مالش را نقصان بود جابر مغربی گوید
اگر یک ابروی خویش را ریخته دید و یک دیگر پراکنده دید دلیل کند که در مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل

بر نقصان زینت دین وی کند **ابریشم** بدانکه تاویل ابریشم همچو تاویل قز بود و در حرف قاف گفته میشود و خواهد شد **ابلیس** لعنة الله
علیه دانیال گوید که دیدن ابلیس بخواب دلیل بر دشمنی بود بد دین و دروغ زن و فریبنده و بی شرم و نومید از نیکی و مردمان را
همه بدی آموزد و شر و فساد اگر بیند که با ابلیس در جنگ و نبرد بود و او را قهر کرد دلیل که وی را بخیر و صلاح میل بود و اگر بیند
که ابلیس بر وی غلبه کرد دلیل کند که براه شر و فساد مایل بود و اگر بیند که ابلیس با وی سخن میگفت دلیل کند که او را از راه
بگرداند و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که ابلیس او را نصیحت میکرد و وی را خوش می آمد دلیل که او را هم بمال و هم بتن بمضرت
رسد و اگر بیند که ابلیس دست او بگرفت و بجائی میبرد و او گفت که **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ**
دلیل که بگناه بزرگ مبتلا گردد و بعد از آن بنصیحت کسی از آن گناه باز ایستد و اگر بیند که ابلیس را بر گردن غل نهاد دلیل که
اهل دین و صلاح را شادی رسد اگر بیند که ابلیس ضعیف و درمانده بود دلیل که علما و مردمان مصلح را قوت بود کرمانی گوید
اگر بیند که ابلیس را مطیع شد دلیل که بهوای نفس مبتلا گردد و اگر بیند که ابلیس چیزی را عطا داد اگر آن چیز نیک بود دلیل
که مال حرام یابد و اگر آن چیز بد بود دلیل بر فساد دین کند و اگر بیند که ابلیس شاد و خرم بود دلیل که کار مردمان بفساد
قوی گردد و اگر بیند که ابلیس را خواست که بشمشیر زند و هلاک کند بگریخت دلیل کند که ولایتی بدست آورد و عدل و انصاف
کند اگر بیند که ابلیس را بکشت دلیل که نفس خود را قهر کند و راه صلاح ورزد **ارزیز** ابن سیرین گوید اگر بیند که ارزیز
بسیار داشت دلیل که بر قدر آن وی را چیزی از متاع دنیا حاصل گردد که در زیر آلتها بود چون کاسه و طبق و مانند این و داند
که ملک اوست دلیل که بقدر آن وی را خدمتگار و چاکر بود کرمانی گوید اگر بیند که ارزیز همی گداخت دلیل بود که در زبان مردم
افتد ببدی حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن ارزیز در خواب سه وجه بود اول منفعت دوم خدمتگار سیم متاع
خانه **ارش** ابن سیرین گوید اگر بیند که ارش یا چیزی دیگر بارش همی پیمود او را سود و منفعت بود جابر گوید اگر بیند که رسن یا جامه
پشمین بود دلیل که در سفر مال حرام بقدر آن بدست آورد **اره** ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که پاره درختی را کند
دلیل کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد مفارقت جوید و او را بیازارد و تاویل هر درختی در حرف دال بیان کنیم و
اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را باره بدو پاره ببرید دلیل که مانند آن وی را فرزندی دیگر بیاید یا برادر یا خواهر کرمانی
گوید اگر بیند که اره فرا گرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل که اگر پسر دارد وی را پسری دیگر آید و اگر دختر دارد وی را دختری
دیگر آید و اگر فرزند ندارد چهارپای دارد دلیل که چهارپایی مثل آن وی را حاصل گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که اره در خواب
دیدن بر سه وجه بود اول فرزند دوم خواهر یا برادر سیم انباز **ایزار** ابن سیرین گوید که ایزار در خواب زن بود و اگر
بیند که ایزار در میان ببست دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خواهد و اگر بیند که ایزار وی ضایع شد دلیل که از زن جدا گردد
و اگر بیند که ایزارش بدرید دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر بیند که ایزار وی با تش سوخت دلیل آفت و بیماری
زن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که ایزارش پشمین یا پنبه بود دلیل که زن او پاکیزه و دین دار بود اگر بیند که ایزار کهن و چرکین داشت تاویلش بخلاف
آن بود و اگر بیند که ایزار قزین یا ابریشمین داشت دلیل که وی را زنی معاشر یا متکبر بود **پیغمبری** دانیال گوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله
پیغمبران و خلق را بخدا میخواند و راه توحید همی نمود دلیل که بمحنت و بلا گرفتار گردد و بعد از آن بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که زاهد و مصلح داشت

همین دلیل کند لکن محبت و بلای وی در دنیا کمتر از آن بود و اگر بیند که او محتشم و توانگر گردید نعمت دنیا بر وی فراخ گردد اما دین او
تباه گردد کرمانی گوید اگر بیند که نام وی متغیر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی و مثل
این دلیل بود که او را بخیر و نیکی یاد سازند و اگر بخلاف این بیند مردمان وی را بشر و بدی یاد کنند و اگر بیند
که او پادشاه یا امیر یا قاضی شد دلیل که در شغل خویش عدل و انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بیند
دلیل شر و بدی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بعلت صلاح بفساد مبدل شده دلیل کند بر رنجی و ادباری وی
و اگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد و اقبال در دین و در دنیای وی **اژدها** ابن سیرین گوید اژدها را
بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بیند که اژدهائی داشت دلیل که با بزرگان پیوند د اگر بیند که با اژدها
جنگ و نبرد میکرد و بر او چیره شد دلیل که با دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سرانجام دشمن را قهر کند اگر بیند که اژدها
را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال بستاند و بهره کند جابر مغربی گوید که اگر اژدها وی را فرو
خورد دلیل که بیم از دشمن بود که دشمن وی را هلاک گرداند اگر بیند که بر پشت اژدها نشسته بود و اژدها مطیع و فرمان بردار او
بود دلیل که دشمنی بزرگ وی را مطیع و فرمان بردار گردد و کارهای او بنظام گردد **اسپندان** کرمانی گوید اگر اسپندان
بیند دلیل غم بود اگر بیند که اسپندان همی خورد دلیل که بقدر آن وی را غم و اندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بدو داد
دلیل که غمی از آنکس بر دل وی حاصل گردد و اگر بیند که اسپندان او بکسی داد غمی از وی بر دل او حاصل گردد اسمعیل اشعث
گوید اگر بیند که اسپندان داشت لیکن نخورد یا بکسی داد یا از خانه بیرون افگند دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود **اسپ**
دانیال علیه السلام گوید که اسپ تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی و عز و جاه بود اگر بیند که بر اسپ تازی نشسته بود
و آن اسپ مطیع و بفرمان او بود دلیل که عز و بزرگی و دولت یابد بر قدر نیکوئی و قیمت اسپ اگر بیند که اسپ را فرا گرفت
و نه تازی بود یا کسی بدو داد و بر وی نشست دلیل که شرف و بزرگی یابد لیکن کمتر از آن که در اسپ تازی گفتیم
و اگر بیند که از آن اسپ چیزی کم بود یا زین یا نمد زین یا لگام دلیل که بر قدر آن نقصان در بزرگی او بود و اگر بیند
که اسپ او را دنب انبوه و دراز بود دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و چاکران و اگر بیند که دنب اسپ او
بریده بود دلیل که وی را خادمان و چاکران نباشند اگر بیند چیزی از اندام اسپ او ناقص بود دلیل که بقدر آن از عز و
شرف او نقصان بود و اگر بیند که با اسپ جنگ و نبرد همی کرد و اسپ غالب بود و فرمان بر وی نبود دلیل که معصیت
و گناه کند محمد ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که بر اسپ برهنه نشسته بود دلیل که مصیبت و معصیت و گناه او بیشتر شود
اگر آن اسپ از کسی دیگر بود و آنچه گفتیم خداوند اسپ را بود و اگر بیند که اسپ برهنه بود لکن مطیع او شد دلیل بر بزرگی و شرف
او بود و اگر بیند که بر اسپی نشسته بود و آن اسپ بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود دلیل آنچه گفتیم از گناه بیشتر و صعبتر
کند و اگر بیند بر اسپی نشسته بود و آن اسپ در هوا می پرید یا بیند که اسپ را پرها بود چون مرغ همی پرید دلیل که وی را
شرف و بزرگی بود در دین و دنیا و باشد که خداوندش سفر کند کرمانی گوید اگر بیند که بر اسپ ابلق نشسته بود دلیل که کاری کند
که بر وی گواهی دهند و اگر بیند که بر اسپ سیاه نشسته بود دلیل که کاری کند که وی را مال و بهتری حاصل گردد و اگر بیند

اژدہا
اسپندان
اسپ

که بر اسپ کمیت نشسته بود دلیل که از پادشاه قوت و بزرگی یابد و اگر بیند که بر اسپ اشقر بود دلیل کند بر صلاح دین و حرمت او
از پادشاه و اگر بیند که بر اسپ زرد بود دلیل که اندک بیماری یابد و بر اسپ سمند همین دلیل بود و اگر بیند که بر اسپ جرمه بود دلیل
کند بر خیر و صلاح و اگر بیند که بر اسپ بلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر بیند از اسپ فرود آمد دلیل که از شرف و بزرگی
بیفتد و اگر بیند که از اسپ برهنه فرود آمد دلیل که از گناه و معصیت باز ایستد و اگر بیند که بر اسپ نشسته بود و سلاح تمام پوشیده
بود دلیل که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس را از ان مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بیند که اسپ ابهی تاخت تا جنگ کند
دلیل که از وی گناهی در وجود آید یا ترس و وهمی بدو رسد بر قدر تاختن اسپ و اگر بیند که بر اسپ نشسته بود و اسپ او را در مسجد
برد دلیل که هیچ خیر اندرین نبود مگر بیند که اسپ را از انجا بیرون آورد و اگر بیند که اسپ را امراغه همی کرد دلیل که مال و دولت یابد و اگر بیند که اسپ با وی
سخن گفت دلیل که خواری کند که مردمان از ان شگفت آیند و اگر بیند که بیگانه در سرای وی در آمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دار در سرا یا در کوچه او
غایب کرد و غایب گردد در سرای وی در آمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دار در سرا یا در کوچه وی در آید بقدر و قیمت اسپ و در انجا
مقام سازد و اگر بیند که اسپی از کوچه او بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف نامدار در کوچه او غایب گردد یا بمیرد چنانچه
گوید اگر بیند که اسپ مادیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و بر وی نشست دلیل کند که زن خواهد و بر وی مبارک بود و اگر بیند
که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار باشد و اگر بیند که آن مادیان ابلق بود دلیل کند که زن را
مادر و پدر از یک اصل نباشند و اگر آن مادیان سبز باشد دلیل کند که آن زن خوب روی و با جمال بود و اگر آن مادیان
سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پرهیزگار باشد و اگر اشقر بود دلیل که آن زن عزیز و خداوند جاه بود و اگر کمیت بود
دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود و اگر بیند که آن مادیان کره داشت دلیل کند که زن را فرزند بود چنانکه اگر
کره او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود و اگر بیند که گوشت اسپ همی خورد
دلیل که پادشاه او را خواستگار گردد و بخویشتن نزدیک کند و اگر بیند که در پس کسی با اسپ نشسته بود دلیل کند
که آنمرد که در پس وی نشسته بود تابع او گردد و اگر بیند که اسپان بسیار پیرامن سرا یا کوچه او بودند دلیل که در آن موضع
باران بارد یا سیلاب روان گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بر اسپ رهوار نشسته بود دلیل که زن تو انگر با صلاح
بزنی بخواهد و اگر اهل آن نباشد زیرا که با چنین زنی مصاحبت افتد و از او منفعت و نیکوئی یابد و اگر بیند که گوش اسپ
او بریده بود دلیل کند که بنیام مهتران از وی بریده گردد و اگر بیند که اسپ لبهر در آمد و زود برخواست دلیل کند که در بعضی
از شغل وی خلل افتد و دیگر بار بصلاح باز آید و اگر بیند که اسپی خرید بی دم و بر او نشست دلیل کند که زنی بی اصل را بزنی
بخواهد و اگر بیند که با اسپ بهوا بر شد و بعد از ان از هوا فرود آمد دلیل کند که بر دست پادشاه هلاک گردد و اگر بیند
که اسپ وی را لگد زد یا بگزید دلیل که عیالش بهانه مشغول گردد و اگر بیند که کسی اسپ وی را بزد بیم بود که عیالش
هلاک گردد و اگر بیند که اسپ وی کشند دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که اسپ خود را بفروخت دلیل که عز و جاه
او کم گردد یا عیال از وی جدا گردد و اگر بیند که بر اسپ واژگون نشسته بود دلیل که از وی بقصد کاری منکر پدید
آید که در ان وی را مضرت و ملامت بود جابر گوید که اسپ در خواب هوای بیننده نفس خواب بود و اگر اسپ خویشتن اگرش

بیند دلیل کند که هوای نفس او سرکش باشد و اگر بیند که اسپ خویش مطیع و فرمان بر بود دلیل که هوای نفس او صعب تر بود ببدی و برانکه
هر اندامی از اندامهای اسپ را نشانی بود از پادشاه و اگر خون پادشاه را بر اسپ بیند عز و رفعت او بود و مردم عامه را اسپ
بخواب دیدن عز و بخت بود و اگر بیند که اسپی مجهول از محلی بیرون آمد دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برود اما خالد اصفهانی
گوید که اسپ پالانی بخواب بخت مرد بود و هر چند پالانی فرمان بردارتر باشد بخت او مطیع تر و فرمان بردارتر بود و الا بیند پالانی
در شهری یا در دهی یا در سرائی شد دلیل که مردی غریب عجمی در آنجا پدید آید و اگر بیند که بر اسپی دراز دم نشسته بود دلیل کند
که وی را طبع زیاده گردد بقدر درازی و سم اسپ و اگر بخلاف این بیند دلیل که حال بر وی بدگردد و عیش بر وی تنگ گردد حضرت
صادق علیه السلام فرماید دیدن اسپ در خواب بر پنج وجه بود اول عز دوم مرتبت سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم
خیر و برکت چنانکه رسول خدا فرمود الحدیث الخیر معقود بنواصی الخلیل والبرکت الی یوم القیمة والذل فی ادبار البقر و اگر بیند
که بوزینه بر اسپ او نشسته بود دلیل که جهودی با زن وی فساد کند و اگر بیند که سگی بر اسپ او نشسته بود دلیل کند که مخنثی
با زن او فساد کند **استر** ابن سیرین گوید که چون استر در خواب بیند اگر مطیع نبود مردی بدخوی و چون مطیع بود نیک بود و اگر بیند
که بر استری بی زین نشسته بود و ندانست که استر از آن کیست دلیل کند که بسفر رود و اگر بیند که بر استر خویش نشسته بود چون سفر کند
با سود و منفعت آید و اگر بیند بر استر زین یا پالان یا عماری نهاده بود دلیل کند که زن او نازاینده بود خاصه که داند استر
ملک او بود یا کسی بر او بخشیده بود کرمانی گوید اگر بیند که بر استر ماده سیاه نشسته بود و بلند بالا بود دلیل که زنی خواهد
که خداوند حرمت بود و اگر استر را بگونه سفید بیند آن زن که خواهد با جمال و خوب روی بود و اگر استر بگونه سبز بیند دلیل
که آن زن دین دار و پرهیزگار بود و اگر اشتر بگونه سرخ بیند دلیل که آن زن مطرب و معاشر دوست بود و اگر اشتر بگونه زرد
یا اشقر بیند دلیل که آن زن بیمارگون و زردروی بود و اگر اشتر را برهنه و رام کرده بیند دلیل کند بر مردی ضعیف
جابر مغربی گوید که اشتر ماده در خواب مولازاده بود و اگر اشتر نر بود سفر بود و بعضی از استادان این صناعت گفته اند
که استر نر مرد بود و استر ماده زن و اگر بیند که از کسی استر ماده بخرید دلیل که از کسی کنیزک بخرد و اگر بیند که استر ماده بفروخت
دلیل که کنیزک بفروشد یا از کنیزک جدا گردد و اگر بیند که بر استر ماده نشسته بود دلیل که زنی کند که هرگز وی را فرزند نیاید و اگر
بیند که بر استر نشسته بود دلیل که عمر وی دراز بود و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که استر از پس وی میدوید دلیل که وی را غمی رسد
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند اشتر نوحه همی کرد دلیل کند بر زیادتی مال از جهت زنان و اگر بیند که استر وی سخن گفت دلیل کند که کار عجب
وی را پیش آید که مردمان از آن شگفت آید اگر بیند که استر وی بر انجشت دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که استر وی بمرد یا ضائع شد دلیل کند
یا از زن یا از کنیزک جدا گردد و اگر استر نر بود دلیل که از صحبت مردی جدا گردد و بدانکه گوشت و پوست استر مال بود و بعضی از معبران گفته
اند که گوشت استر بیماری بود و اگر بیند که شیر اشتر همی خورد دلیل کند بر دشواری و ترس و بیم وی بقدر شیر که خورده بود حضرت صادق علیه السلام
فرماید که دیدن اشتر در خواب بر پنج وجه بود اول سفر باشد دوم زندگانی دراز سیم ظفر بر دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد احمق
بود و استر ماده زن نازاینده بود و استر کره منفعت و یا فتن مراد بود **استخوان** ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مالی
بود که مردم بدان معیشت کنند و اگر بیند که استخوان فرا گرفت و بر آن استخوان گوشت بود دلیل کند بر قدر آن گوشت خیر و مال یابد

استغفار
اسطرلاب
اسفناج
اشتر

واگر بیند که بی گوشت بود دلیل کند که اندکی خیر بوی رسد واگر بیند که او بکسی استخوان داد دلیل که از او بدانکس خیر رسد کرمانی گوید اگر بیند
که استخوان کسی را شکسته بود می لبت دلیل کند به بزرگی و صنعتهای گوناگون یا بدو کردار نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار بنوا
از وی بنوا گردد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن استخوان بخواب هفت وجه بود اول امل و مال دویم خویشان سیم فرزندان
چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم یار و انباز بود **استغفار** بدانکه استغفار کردن استغفر الله بود
یعنی آمرزش خواستن از خدای عزوجل ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب استغفار میکرد دلیل که خداوند تعالی بر او مال و فرزندان
ارزانی دارد چنانکه در کلام مجید فرموده است قوله تعالی وَاسْتَغْفِرُوْا رَبَّکُمْ اِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُمْ
مِدْرَارًا وَیُمْدِدْکُمْ بِاَمْوَالٍ وَبَنِیْنَ حضرت صادق علیه السلام فرماید که استغفار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم
فرزند سیم آمرزش از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناهان **اسطرلاب** کرمانی گوید اسطرلاب در خواب بتاویل اصحاب سلطان
بود و مهتر بزرگ اگر بیند که اسطرلاب داشت یا از کسی بخرید یا کسی بوی داد دلیل که از اصحاب سلطان گردد و مهتر قومی گردد
واگر بیند که اسطرلاب او ضایع گردید یا بشکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که در اسطرلاب
بآفتاب نگاه میکرد دلیل که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول گردد و از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از
معبران گفته اند که اسطرلاب در خواب مردی بود که ویرا ثباتی نباشد و بر کارها پاینده نبود **اسفاناج** ابن سیرین
گوید دیدن اسفاناج در خواب دلیل اندیشه و غم بود و خوردن وی دلیل بر مضرت و نقصان مال بود اما اگر بیند که بگوشت
پخته بود و روغن و از او همی خورد دلیل بر خیر و منفعت کند بر قدر آنچه خورده بود **اشتر** ابن سیرین گوید اگر کسی
خود را بر اشتری مجهول بیند که بشتاب همی رفت دلیل کند که بسفر رود واگر بیند که بر اشتری جولان همی کرد دلیل که غمگین و
متفکر گردد واگر بیند که بر اشتری نشسته بود و راه گم کرده میراند و ندانست که راه راست کجا است دلیل که در راه خویش فرو ماند
و هیچ تدبیر او نتواند ساخت واگر بیند که ماده شتری یافت دلیل کند که زن خواهد واگر شتر با بچه بود آن زن که خواهد با فرزند
بود واگر بیند که اشتر از پس او همی دوید دلیل که غمگین گردد واگر بیند که اشتر از وی روی بگردانید و مطیع او نشد دلیل که اندوهگین
گردد دانیال گوید اگر بیند که بر اشتر مست خشم آلود نشسته بود دلیل که مردی بزرگ غلبه کند واگر بیند که با اشتر جنگ و نبرد
میکرد دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود مر او را با وی خصومت افتد واگر بیند که رمهٔ اشتران را همی دوشید دلیل که از
دانست که از ملک او بود دلیل کند که وی را ولایتی بود و بر مردم آن ولایت فرمان روا گردد واگر بیند که اشتر را همی دوشید
دلیل که از پادشاه مال یابد بر قدر آن شیر که دوشیده بود واگر بیند که بجای شیر از پستان شتر خون آمد دلیل که آن مال که بدو
رسد حرام بود واگر بیند که ماده شتری کسی بدو بخشید یا از کسی او بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک بخرد اگر بیند که ماده شتری که از آن
او بود دیگری بخت یا دزد ببرد دلیل که از زن جدا شود یا در میان ایشان خصومت افتد واگر بیند که ماده شتر او بمرد دلیل که زنش
بمیرد اگر بیند که شتر بچه آورد دلیل که زنش بچه آورد و مالش زیاده گردد واگر بیند که ماده شتری دید بامیدی که دارد برسد واگر بیند که گوشت
اشتر میخورد دلیل که بیمار گردد کرمانی گوید اگر بیند که گوشت اشتر بسیار بدو داد دلیل که مال یابد بمقدار گوشت اشتر واگر بیند
که اشتر را قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان گردد یا بمیرد واگر بیند که اشتری مجهول

دربس او همی آمد دلیل که سرگشته و متفکر گردد و اگر بیند که اشتر برا قهر و زبون خویش کرد دلیل که دشمن را مقهور و زبون خویش گرداند و اگر بیند
که رمه اشتران در زمینی یا در دهی جمع میگردیدند دلیل که در آنجا دشمن جمع شود دلیل زیرا آنجا خرابی کند یا بیماری در مردم آن موضع
مستولی گردد و اگر بیند که اشتران بار گندم و جو داشتند دلیل که از آن دشمن در آنجا خیر و برکت بود جابر گوید اگر بیند که بر اشتر
یکساله نشسته بود دلیل که اندوهگین گردد و اگر بیند که از اندام شتر وی خون روان شد دلیل که سعادت و نعمت دنیا یابد بقدر آن
خون و اگر بیند که مهار شتری میکشید دلیل که با مردی فرمان بردار او را خصومت افتد اگر بیند که در بیابان اشتر بسیار یافت
دلیل که بزرگی و فرمانروائی یابد بر جماعت بیابان گرد و اگر بیند که دو اشتر بیافت دلیل که مال یابد و اگر ببیند که کسی
وی را اشتری داد دلیل که بقدر و قیمت آن شتر منفعت یابد از کسی اگر بیند که قومی شتری بکشتند و گوشت آنرا قسمت کردند
دلیل کند که در آن موضع مردی بزرگ بمیرد و مال وی را قسمت کنند بمیراث اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اشتران بسیار داشت و
دانست که آن جمله ملک ویست و از اشتران اعرابی بودند دلیل که در دیار عرب پادشاه گردد و اگر اشتران عجمی بودند دلیل
که در دیار عجم پادشاه گردد و اگر زنی بیند که اشتر بر انجورد دلیل که از پادشاه مال و نعمت یابد و بدانکه پوست اشتر نیز همین دلیل
دارد و بعضی از معبران گفته اند که میراث یابد اگر بیند که اشتر با او سخن گفت دلیل که خیر و نیکی بدو رسد حضرت صادق علیه السلام
فرماید دیدن اشتر در خواب بر ده وجه بود اول پادشاه عجمی دویم مردی امیر سیم مرد مومن چهارم سیل پنجم فتنه ششم آبادانی
هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و اشتر عربی دلیل بر مردم عرب کنند و اشتر عجمی دلیل بر مردم عجمی و بدانکه اشتر بالی
بتاویل خداوند تدبیر و ولایت بود و راست کننده کارها بود و همچنین است **اشتر مرغ** ابن سیرین گوید که اشتر مرغ در خواب
مرد بیابانی بود و اگر اشتر مرغ ماده بود زن بیابانی بود و اگر بیند که اشتر مرغ ماده گرفت یا کسی بدو داد دلیل که زنی بدین صفت
که گفتیم بخواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که بر اشتر مرغ نشسته بود دلیل کند که بسفر بیابان رود و بعضی از معبران گفته اند که بر مردی
بیابان نشین غالب گردد و بکاری بزرگ رسد کرمانی گوید اگر بیند که اشتر مرغ را بکشت دلیل که بر مردی بیابانی
دست یابد و او را قهر کند و اگر بیند که خانه اشتر مرغ یا پر یا استخوان او داشت دلیل که از مردی بیابانی وی را مال حاصل
گردد و اگر بیند که بچه اشتر مرغ داشت دلیل کند که فرزند مرد بیابانی او را حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که با اشتر مرغ
بنشست و آن اشتر مرغ او را مطیع بود و او را در هوا برد و دیگر باره از هوا بزمین آمد دلیل که با مرد بیابانی بسفر دور
شود و باز آید با سود و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بیند بد بود **اشتر غاز** ابن سیرین گوید که دیدن اشتر غاز
بخواب دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که اشتر غاز فرا گرفت یا کسی بدو داد و از او همی خورد دلیل کند که بقدر
آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که وی آنرا بکسی داد یا بفروخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که اشتر غاز داشت
و بخورد و اشتر همی داد دلیل که آنکس از بهر آن اشتر اندوهگین گردد **اشک** کرمانی گوید اگر بیند که اشک سرد از چشم او
بارید دلیل کند که شادی و خرمی یابد اگر بیند که اشک بارید دلیل که غمگین و دردمند گردد و اگر بیند که بی گریستن
اشک بروی او بود دلیل که وی را بسخن طعنه زنند اگر بیند که در چشم وی بجای اشک گرد و خاک جمع شده بود دلیل
که بقدر آن مالی حلال بی رنج بدو رسد و اگر بیند که اشک بر روی او فرود آمد دلیل کمال خویش را ظاهر کند حضرت صادق

اشتر مرغ

اشتر غاز

اشک

علیه السلام فرماید که درخواب دیدن اشک که از چشم آید بر سه وجه بود اول شادی وخرمی دویم غم واندوه سیم نعمت بود **اشنان**
ابن سیرین گوید دیدن اشنان بخواب دلیل برغم واندوه کند وخوردن او دلیل بر بیماری **اصلع** بدانکه اصلع بفارسی داغ سر بود
ابن سیرین گوید اگر کسی اصلع سر بخواب بیند که بر سر او موی رسته بود دلیل که او را مالی اندک حاصل گردد واگر بیند که او اصلع شد
دلیل که غم واندوه رسته گردد اما اگر زنی بیند که اصلع شد دلیل که در زینت وآرایش او نقصان پذیرد کرمانی گوید که اصلع
دیدن بخواب بازرگان را فایده بود و پیشه کار را کسب وصناعت و پادشاه را تفکر و زنان را نقصان زینت بود **افروشه**
ابن سیرین گوید که افروشه آن بهتر بود که در وی زعفران نباشد چون اندک بیند سخن خوب ولطیف وخوش بود و چون بسیار
بیند مالی گوید که برنج وسختی بدست آورد اگر بیند که اندک افروشه کسی باو داد و بخورد دلیل کند که از آنکس سخن لطیف شنود چنانکه
موافق طبع بود اگر بیند که افروشه بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن مال برنج وسختی حاصل گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید
که خوردن افروشه بخواب بر سه وجه بود اول سخن لطیف دویم مال سیم مراد یافتنی که در دل بود **افسرده** کرمانی گوید که خوردن
افسرده درخواب غم واندوه بود اگر بیند که چیزی افسرده همی خورد دلیل که بقدر آن ویرا غم واندوه رسد اگر بیند که افسرده
کسی بدو داد وازوی بخورد دلیل کند که با کسی او را جنگ وخصومت افتد واگر از وی هیچ نخورد اندوهی بوی نرسد جابر
مغربی گوید که خوردن افسرده درخواب دلیل کند که او را جنگ وخصومت افتد وعلی الجمله هیچ خیر در خوردن افسرده نباشد
افسون ابن سیرین گوید که افسون کردن درخواب فریفتن مردم بود دیگر آن افسون که بنامهای خدای عز وجل وبا آیات قرآن
بود و چون افسونگر درخواب بیند که از ان ویرا یا کسی دیگر را شفا وراحت پدید آمد دلیل که از غم وراحت کام دل رسد واگر بخلاف
این بیند دلیل بر غم واندوه کند کرمانی گوید که افسون کردن بخواب کار باطل بود و چون بوقت افسون ذکر خدای عز وجل نگوید
واگر افسون بقرآن وثناهای حق تعالی کند دلیل که آنکس کاری کند بحق وراستی وازان ویرا خیر وصلاح دو جهانی رسد
افیون ابن سیرین گوید که دیدن افیون بخواب دلیل کند بر غم واندیشه وخوردن وی دلیل بر غم واندوه ومصیبت کند
آله دیدن درخواب دانیال گوید که آله درخواب پادشاه قوی باهیبت وستمگر بود چنانکه همه کس از او ترسد اگر بیند که آله را فرا گرفت
یا کسی بدو داد وآن آله فرمانبردار ومطیع او بود دلیل که در نزد پادشاه خاص ومقرب گردد اگر بیند که آله او را برگرفت و به هوا
برد دلیل که بفرمان پادشاه سفری کند ودران سفر بزرگی ونامورى یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که آله بکوچه فرود آمد
دلیل که پادشاه در آن کوچه فرود آید اگر بیند که مردم آن کوچه آله را بکشتند آن از مملکت معزول گردد یا هلاک شود اگر بیند که آله ویرا
برگرفت دلیل کند که در پناه پادشاه شود اگر بیند که آله از دهان چیزی بدر آورد وبدو داد دلیل کند که بقدر آن چیز
از پادشاه عطا یابد واگر بیند که آله از دست او بپرید رشته یا چیزی دیگر در دست او بماند دلیل که پادشاه بر وی خشم گیرد
واو را از خود دور گرداند وجوی از مال او بستاند کرمانی گوید اگر بیند که از آله شکار همی گرفت دلیل که مال وخزانه پادشاه
در تصرف او رود آید اگر بیند که آله ویرا بمنقار یا بچنگال بزد دلیل که او را از پادشاه زحمت وبلا رسد ومالش بستاند
واگر بیند که با آله جنگ ونبرد همی کرد دلیل که او را با پادشاه جنگ وخصومت بود واگر بیند که آله بخورد یا پر او را بکند دلیل کند
که او را از پادشاه مال ونعمت یابد واگر بیند که آله بر سر وروی وی نشسته بود دلیل کند که ویرا پسری آید ویا پادشاه گردد حضرت صادق

فرماید که آلو در خواب دو وجه بود اول پادشاه ظالم و ستمگر و خونخوار دوم عالم بی دیانت و حیلتی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که آلو
داشت دلیل که عمر او دراز بود **آلوی سرخ** ابن سیرین گوید در خواب آلوی سرخ و سیاه را بوقت خود بیند دلیل بر مال و خواسته
بود و آلوی زرد دلیل بیماری کند اگر بیند که آلوی زرد یا سرخ و سیاه که بطعم شیرین بود فرا گرفت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل
کند که بقدر آن مال و خواسته بیابد اگر بیند که آلوی زرد خورد و وقت آن نبود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر
بطعم ترش بود بهتر بود ابن سیرین گوید **امامت کردن** اگر بیند که در پیش قومی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آن قوم
مهتر گردد و جمله تابع او شوند چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر بیند که جماعتی انبوه در نماز بودند و ویرا گفتند که ما را امامی کن و پادشاه
فرمود با وی که امامی کن و او در پیش رفت و امامت کرد دلیل کند که در آن دیار میر و فرمان روا گردد و با ایشان عدل و راستی
کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز برکوع و سجود و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان کرد دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند
بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود ابن سیرین گوید اگر بیند که امامی میکرد ولیکن نشسته بود دلیل که بیمار گردد و اگر بپهلو نشسته
بود و در نماز چیزی بخواند دلیل کند که زود بمیرد و آن قوم بروی نماز کنند و اگر امامی را بخواب دید دلیل که شرف و منزلت
یابد بقدر شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایتی همی داد یا با امام در خانه رفت یا امام او را چیزی بخشید یا با امام
طعام خورد دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بدو رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود دلیل کند که با دولت
و ولایت با وی شریک بود یا در شهری یا در دهی یا در مسجدی اسمعیل اشعث گوید هر چیز که در امام در خویشتن زیادت
بیند در ولایت و بزرگی او زیاده گردد و هرچه در آن نقصان بیند در مال و نعمت او نقصان گردد حضرت صادق
علیه السلام فرماید که امامی کردن در خواب بر شش وجه بود اول فرمان روائی دوم پادشاهی بعدل و انصاف
سیم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم منفعت ششم ایمنی از دشمن و اگر بیند که امامی زنان کرد
دلیل کند بر گروه ضعیفان والی گردد و اگر بیند که امامی از آسمان فرود آمد و قومی را امامت کرد دلیل کند
که رحمت بود بر اهل آن زمین و اگر بیند که بر مرده نماز می کرد دلیل که از پادشاه فرمان روائی یابد **امرود**
ابن سیرین گوید که خوردن امرود بوقت خود چون سبز و شیرین بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود
بیماری بود اگر بیند که امرود میخورد و زرد بود دلیل کند که بیمار گردد و اگر نه بهنگام او بود و اگر امرود بگونه سبز بود
یا سرخ چون بطعم شیرین بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر ترش و ناخوش بود اندوه بود کرمانی گوید امرود سبز و شیرین بوقت خود
دیدن یافتن مراد بود و اگر بیند که امرود را همی خورد دلیل بر منفعت بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن امرود
در خواب بر پنج وجه بود اول مال حلال دوم توانگری سیم زن چهارم یافتن مراد پنجم منفعت و اگر بیند که پادشاه
امرود میخورد دلیل کند که از مردی بزرگوار منفعت یابد بقدر آنکه خورده بود **انار** دانیال گوید که اصل انار بخواب
مال بود لیکن بقدر همت مردم خاصه که بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بد بود و اگر بیند که انار از درخت ببرید و بخورد
دلیل کند از زنی با جمال منفعت یابد ابن سیرین گوید اگر انار شیرین بخواب بیند مال جمع کرده بود و بعضی
از معبران گفته اند که یک انار شیرین خوردن بخواب هزار درم بود که بیابد و انار ترش غم و اندوه بود و اناری

کرند اند ترش یا شیرین بود تعبیرش چون انار شیرین بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت همی خورد دلیل کند که هزار درم
بیابد یا اینکه کمترش پنجاه درم بود که بیابد و باشد که آنچه دینار گفتیم درم بیابد پس معبر باید که بقدر همت و بزرگی مردم تاویل کند
واگر بیند که انار برستانها همی خورد دلیل که بعد دهر دانه او را چوبی بزنند در همه چیز انار ترش خوردن در وقت و بیوقت بد بود
وحکم انار ترش و شیرین میانه بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت خود میخورد اگر بازرگان بود قماش و متاع او رواج گردد
واگر مسافر بود دلیل که سفرش مبارک بود و با سود و منفعت بود واگر بیند که دانهای انار یافت یا کسی بدو داد دلیل که بوقت
آن وی را رنجی رسد اگر بوقت بود واگر بیوقت واگر انار شیرین با پوست و پیه آن میخورد دلیل که همه چیز برخورداری یابد
حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن انار شیرین در خواب بر سه وجه بود اول مال جمع کردن بود دویم زن پارسا
سیم شهر آبادان ولیکن انار ترش غم بود اسمعیل اشعث گوید اگر پادشاه بیند که اناری داشت ولایت یا شهری بدو
رئیس را دهی بود و بازرگان را ده هزار درم و بازار بر ا هزار درم و مردم درویش را ده درم یا یکدرم بود **انجیر** ابن
سیرین گوید که خوردن انجیر بخواب اگر وقتش بود واگر بیوقت بد بود اگر بیند که انجیر همی خورد یا جمع میکرد یا کسی بدو بخشید
دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که از ان پشیمانی خورد کرمانی گوید که انجیر زرد بخواب دیدن و
خوردن دلیل بیماری کند و انجیر سیاه دلیل بر غم و اندوه و انجیر سبز خوردن بوقت چون بطعم شیرین بود زیانی ندارد
انجیل ابن سیرین گوید اگر بیند که انجیل همی خواند دلیل کند که از حق بباطل فریفته گردد و خودرای شود
ابن سیرین گوید اگر بیند که از کتاب انجیل همی خواند دلیل کند بر او کسانی از ملت عیسی باشند خیر اندک بدو رسد واگر از بر
میخواند دلیل که از حق بباطل گردد و دوستدار ترسایان شود **انداختن مردم** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را
بینداخت دلیل که خصم بروی خیره گردد واگر بیند که بر کسی سنگ انداخت دلیل کند که سخنی سخت بکسی گوید و بعضی از معبران
گفته اند که دلیل آنکه او را بزنا یا بگناهی متهم گردانند واگر کسی بیند که سفال انداخت هم سخن درشت بود که بکسی گوید و معبران
گویند اگر کسی بیند که شکر یا بادام یا قند بینداخت اگر آنکس معروف بود دلیل کند از و بدانمقدار عطا یابد واگر مجهول بود بدان
مقدار که بکسی انداخت حیثیت و عطا یابد واگر کسی بیند ازین خوردنیها که گفتیم سوی جهاز پایان انداخت دلیل که مال
خویش بر جاهلان هزینه کند **اندامها** ابن سیرین گوید که اندامهای قوم را اگر بیند که افزون شد دلیل کند خویشان و اهل بیت او زیاده گردد
و او در موضع خویش مقیم بود واگر بیند که اندامهای او بریده شد یا از تن او بیفتاد دلیل کند که بسفر رود و خویشان او پراگنده گردند واگر بیند
که اندام خویش میبرید و پراگنده میکرد دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را در شهرها پراگنده کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که پاره گوشت
از اندامش ببرید دلیل کند که آنکس را خیر و منفعت رسد واگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل که کسی از مال او چیزی بستاند
بزور واگر بیند که گوشت از اندام خویش میبرید و در پیش مرغی می افگند دلیل که از مال خود چیزی بکسی بخشد جابر مغربی گوید اگر بیند که اندامی
از تن وی با او سخن گفت دلیل بود که در خلق رسوا گردد قوله تعالی قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ واگر بیند که اندامهای خویش را بمعرفت دلیل
کند که بران اعتماد دارد واگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل کند که کسی از خویشان او بغربت افتد واگر بیند که اندامهایش آزرده بود دلیل که بیمار گردد واگر
بیند که مرغی از اندام وی پاره گوشت ببرد دلیل که مال او را چیزی بزور بستانند واگر بیند که گوشت خویش همی برید و پیش مرغ می افگند دلیل کند که از مال خویش چیزی بخشد

انجیر
انجیل
انداختن مردم
اندامها

جابر مغربی گوید که اندامی از اندامهای آدمی تباه گشت دلیل کند که برادر است بنود ام فضل گوید که برسول خدا عرض کردم یا رسول الله خوابی منکر دیده ام فرمود چه دیده عرض کردم
بخواب دیدم که پاره از اندام تو بریدند و برکنار من نهادند رسول خدا فرمود که فاطمه را پسر آید که در کنار تو بزرگ شود و بعد از آن از فاطمه حسین بوجود آمد
و در کنار او بزرگ شد و او را امیر درید **انگبین** کرمانی گوید که انگبین در خواب غنیمت بود از مال حلال و نیکی بود از کردار از براکه در وی شفای
دردها است و شهد روزی بسیار بود چنانکه حق تعالی در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی **فِیهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ**
حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن انگبین در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم کام دل یافتن
و برانگبین روزی بود که بی منت بدو رسد قوله تعالی **وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ** **انگشتان** ابن سیرین گوید
پنج انگشت دست راست در تاویل پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان و برادر بود و بعضی از معبران گفته اند
که انگشت مهین دلیل نماز بامداد و انگشت سبحه در نماز دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان دلیل بر نماز دیگر و انگشت
بنصر دلیل بر نماز شام و انگشت خنصر دلیل بر نماز خفتن و صلاح در نمازها بود و اگر بیند که انگشت دست راست ندارد
دلیل که فرزند یا برادرش بمیرد و بعضی گویند که فرزند برادرش را مصیبت رسد کرمانی گوید اگر بیند که انگشتان را برهم گذاشته
داشت دلیل که تنگ دست گردد و اگر بیند که انگشتانرا باهم جمع کرد دلیل که کار برادران و فرزندش را صلاح آورد و اگر
بیند که انگشتانرا اگر در انگشت درهم بسته بود دلیل کند که کارها بروی بسته گردد و هم بر اهل بیت او جابر مغربی گوید که اگر بیند
که انگشت مهین او بریده است دلیل که قوت مالش بود و اگر بیند که انگشت سبحه او بریده است دلیل کند فریضه نمازها تقصیر
کند و اگر بیند که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهر وی پادشاهی یا بزرگی بمیرد و اگر بیند که انگشت بعد از میان او
بریده است دلیل کند که ویرا در مال زیان افتد و اگر بیند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزندزاده او بمیرد
اسمعیل اشعث گوید که انگشتان پای در خواب دیدن دلیل بود زینت و آرایش و اگر انگشتان پای را درشت و قوی بیند دلیل
کند که کار کدخدائی او ساخته گردد و اگر بخلاف این بیند کار وی ناساخته گردد و اگر بیند که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه رفتن
نتوانست دلیل کند که ویرا غمی سخت رسد بسبب رفتن مال و اگر انگشتان دست و پای را کسر بیند دلیل کند که کاروی
بازگونه شود و حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن انگشتان در خواب بر شش وجه بود اول فرزند دوم برادرزادگان
سیم خادمان چهارم یاران پنجم قوت ششم پنج نماز و اگر بیند که انگشتان وی بیفتاد یا بریده شد دلیل کند که از
انگشتان که گفتیم او را مفارقت افتد و اگر بیند که انگشت او بشکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او بمیرد خلف اصفهانی
گوید اگر بیند که از انگشت مهین او شیر می آمد یا از انگشت سبابه او خون همی آمد دلیل که آنکس با مادر زن خویش فساد کند
و اگر بیند که از انگشت او آواز برآمد دلیل کند که در میان خویشان او گفتگو رود **انگشتری** دانیال گوید که چون بیند نقش و
صفت انگشتری دلیل که از خداوندش بد و خیر و نیکی رسد و اگر بیند که انگشتری کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از
آنچه لایق او باشد برخی بیابد یعنی اگر لایق پادشاهی باشد پادشاهی بیابد و اگر توانگر بود مال یابد بقدر و قیمت انگشتری
و اگر بیند در مسجدی یا در نماز یا در غزا کسی انگشتری بوی داد اگر آنکس زاهد و عابد بود و اگر بازرگان بود نصیب او نفع تجارت
بود و جمله هم براین قیاس بود و اگر بیند که انگشتری سلطان بوی داد دلیل کند که از مملکت سلطان بوی دهد یا دلیل که از مملکت

انگبین

انگشتان

انگشتری

سلطان بدی بدو رسد یا بخویشان وی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که انگشتری او ضایع شد یا دزد ببرد دلیل بود که در کارهای او آفت
و دشواری پدید آید و اگر بیند که انگشتری او بشکست و نگین او بماند دلیل که بزرگی وجاه او به شود و آبرو و هیبتش برجای بود و اگر بیند که انگشتر
نگین او بشکست دلیل کند که آبرو و هیبتش بشود و جاه او برجا ماند و اگر بیند که انگشتری خود را بکسی بخشید دلیل که از آنچه دارد از
مال و ملک برخی از آن بخشد و اگر بیند که انگشتری خویش را بفروخت و بهالستد دلیل کند که از آنچه دارد جمله بفروشد و بهای آن بستاند
و اگر بهالستد آنچه دارد برخی از آن بفروشد گرمانی گوید اگر بیند که صناعت انگشتری او ناپسندیده است دلیل کند که از مالی که
دارد چیزی بشود و پادشاه بر وی خشم گیرد و اگر بیند که انگشتری او از سیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده حلال بود
و اگر انگشتری از زر بیند دلیل که آنچه دارد از مال مکروه و حرام حاصل کند و اگر انگشتری از آهن بیند آنچه دارد اندک و حقیر بود
و اگر بیند که انگشتر از هفت جوش یا از سپید روی بود دلیل بود بر آنچه در آهن گفتیم اگر بیند که انگشتری او از زیور بود دیر بود و حقیرتر
از آن جمله بود که گفتیم جابر مغربی گوید اگر بیند که در انگشت وی انگشتری آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بیند که از
برنج یا از مس بود دلیل کند از مردمان بی اصل منفعت یابد و اگر بیند که بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدو رسد و اگر بیند
که از سیم است از جائی چیزی بدو رسد و اگر بیند که انگشتری خویش نزد کسی بامانت نهاد یا وی را بخشید و آنکس هم انگشتر بدو رد کرد
دلیل کند که زنی نکاح بخواهد واجابتش نکنند و زن بدو ندهند و اگر بیند که انگشتری خویش را بشکست دلیل کند که درمیان او
و عیالش جدائی افتد و اگر بیند که انگشتری او دو نگین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو نگین موافق یکدگر اند دلیل که خداوند انگشتر
غلام زاده بود و اگر بیند که از آن دو نگین یکی بیفتاد دلیل کند که از دو گناه یکی را توبه کند و اگر بیند که نامه نوشته بود و بانگشتر خویش
مهر کرد دلیل کند که چیزی پنهان بدو رسد و اگر بیند که نامه کشاده را مهر کرد دلیل کند که چیزی آشکارا بدو رسد حضرت صادق علیه السلام
فرماید که انگشتری سیمین در خواب بر چهار وجه بود اول **ملکت** دویم زن سیم فرزند چهارم مال و انگشتری زرین نیک بود و
اگر زنی بیند که انگشتری با نگین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت وجاه او بشود یا فرزندش بمیرد یا مالش تلف گردد و اگر والی بود
معزول گردد و اگر زن به بیند شوهرش بمیرد یا فرزندش **انگور** دانیال گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بوقت
ترس و بیم بود و معبران گفته اند بعدد هر دانه انگور که خورده بود زخم چوب یا تازیانه بر او زنند و خوردن انگور سفید بوقت خود نعمت
و خیر دنیا بود و بیش از آنکه امید دارد و بغیر وقت دلیل کند که از دهان خداوند خواب سخن چیزی بیرون آید و دلیلش بر صرف
مال بود و اگر انگور سرخ بیند همین دلیل کند ابن سیرین گوید که انگور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مالی کند که بدشواری بدست
آید و انگور سرخ بوقت خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انگوری که پوست او سخت بود دلیل که مالی بدشواری بدست آید
و هر انگوری که پوست او روشن بود دلیل بر مال حلال کند و هر انگوری که آب او تیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انگوری که بدیدار سرخ
نماید دلیل بر عز و جاه کند و هر انگوری که بدیدار سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند و هر انگوری که شیرین تر و پاکیزه تر بود دلیل
بر مال و جاه نماید و عز وی بیشتر گردد جابر گوید اگر کسی بیند که انگور بر معصر چوبین همی فشرد دلیل که خدمت پادشاه ستمگر کند
و اگر بیند که آن معصر از خشت و گل بود دلیل که خدمت پادشاه با دیانت کند و اگر معصر از خشت پخته یا از گچ و سنگ و آهک بود
دلیل که خدمت پادشاه با سیاست و با هیبت کند و اگر بیند که انگور در طشت همی فشرد دلیل که خدمت زنی بزرگ کند

انگور

واگر بیند که انگور در کاسه همی فشرد دلیل که خدمت شخصی خسیس کند واگر بیند که انگور همی فشرد و شیرهای آن در خمها همی جمع کرد دلیل که از
جهت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند واگر بیند که انگور در معصره با اهل و عیال می فشرد دلیل که او را و عیال او را در خدمت
پادشاه منفعت رسد واگر بیننده خواب در خدمت پادشاه نباشد دلیل که کاری از سبب مردی حاصل کند و گردد
حضرت صادق علیه السلام فرماید که انگور سیاه و سفید بوقت خود و بی وقت بر سه وجه بود اول فرزند نیک دوم علم
فرائض سیم مال حلال و فشردن انگور در خواب هم آنحضرت گوید که بر سه وجه بود اول مال با خیر و برکت دوم فراخی نعمت سیم
از قحط امان یافتن قوله تعالی عَامٌ فِیهِ یُغَاثُ النَّاسُ وَفِیهِ یَعْصِرُونَ **افتادن** ابن سیرین گوید اگر کسی
بخواب بیند که بروی در افتاد دلیل تشویش او بود خاصه در جنگ و خصومت واگر بیند که از جایگاهی بزیر افتاد و چنانکه از کوهی
یا از بامی یا از دیواری دلیل کند که آرزوئی در وی بود تمام بسر نشود و مرادش حاصل نگردد کرمانی گوید اگر کسی بیند
که از جایگاهی بزیر افتاد دلیل بود که امیدی دارد بر نیاید و ناامید گردد واگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که حالش
برگردد و بقدر افتادن بر تن او رنج رسد واگر بیند که زخمی سخت بوی رسید و خون از آن عضو روان شد دلیل که بقدر آن
زخم زیانی رسد واگر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد دلیل کند که رنجی و المی بدو رسد واگر بیند که بیفتاد و رنجی بدو نرسید دلیل
کند که سهل و آسان بود واگر بیند که آستانهٔ خانهٔ او مار و کژدم و گزندگان بیفتاد دلیل کند که او را از پادشاهی یا از کسی
بزرگ غم و اندوه رسد واگر بیند که بام خانه یا دیوار بر او افتاد دلیل کند که مال بسیار بدو رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب
خرم و شادان گردد و کارش گشاده شود والله اعلم بالصواب **حرف الباء من کتاب کامل التعبیر** **بادام**
ابن سیرین گوید که بادام در خواب دیدن نعمت و روزی بود ولیکن بخصومت بدست آید اگر بیند که بادام فرا گرفت دلیل بود که
بقدر آن وی را نعمت و روزی بود دشوار بدست آید و معبران گویند که تاویل بادام در خواب علم بود و شفا از رنج و چون مغز
او بیند بهتر بود کرمانی گوید اگر بیند که بادام با پوست داشت یا کسی بوی داد دلیل که از مرد بخیل چیزی یا بدبختی اگر بیند
که از مغز بادام تلخ روغن بیرون آورد دلیل کند که از مردی بخیل وی را بقدر آن روغن منفعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن
بادام در خواب مال و نعمت بود اما اگر بادام با پوست بیند دلیل کند که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون بادام
با پوست بیند دلیل که مال بآسانی بدست آورد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بادام در خواب بر دو وجه بود اول
مال نهانی حاصل گردد دوم از بیماری شفا یابد بدانکه **پادشاه** ابن سیرین گوید که دوازده چیز است که بینندهٔ خواب
را دلیل بر پادشاهی بود اول آنکه بیند که پیغمبر علیه السلام او را امام کرد دوم آنکه بیند که علم شریعت ورزد سیم آنکه
گوش پیغمبر پیش خود بیند یعنی منتظر اقامت و نماز بود چهارم آنکه بر منبر او علیه السلام خطبه کرد پنجم آنکه جامهٔ رسول پوشد
ششم آنکه انگشتری بیند که در انگشت دارد هفتم آنکه بیند که او آفتاب یا ماهتاب گردید هشتم آنکه بیند که تن او رود و
خانه شده است نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر گشته است دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد جامع شده
است یازدهم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد دوازدهم آنکه بیند که چشم او مانند گاوی شده است این دوازده
چیز در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی دانیال گوید اگر بیند که پادشاهی او را جامه داد و کلاه

افتادن

بادام

پادشاه

داد دلیل که بر مردمان خویش زمین و والی گردد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود پاکیزه دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و درازی عمر او و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه چرکین و دریده بود دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روزگار رسول بر سر صحابه بود دلیل بود که پادشاه عدل و انصاف برسد و اگر بیند که پادشاه را باد بگرفت و بفرمان او شد دلیل که مملکت جهان بگیرد و بر آن قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه گردید دلیل که بیننده خواب توانگر گردد و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا در سرائی او درآمد چنانکه درآمدن او بزاری و انکار بود دلیل کند که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی اِنَّ الْمُلُوْكَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْيَةً اَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْٓا اَعِزَّةَ اَهْلِهَآ اَذِلَّةً و اگر بیند که درآمدن او آنجا چیزی منکر نبود دلیل بود که هیچ مضرت و زیان باهل آن موضع نرسد کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بمرد و دفنش نکردند و بروی نگریستند و کفن نساختند و جنازهٔ او برنداشتند دلیل که بعضی از سرای او خراب گردد و باشد که متفکر دل و رنجور گردد و اگر پادشاه بخواب بیند که کعبه سرای او بود یا سرای او کعبه بود دلیل بود که هرگز مملکت او را زوال نباشد و از دشمن ایمن بود و اگر بیند که بجسی سلام میکرد و یا کسی سلام بد و کرد دلیل ایمنی بود از غم و اندوه و خلود مراد چنانکه حق تعالی فرموده سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوْهَا خٰلِدِيْنَ و اگر پادشاه بیند که رسن در دست داشت یا دست در رسن زده بود دلیل بود که براه راست رود بر جادهٔ عدل و انصاف اقامت نماید قوله تعالی وَاعْتَصِمُوْا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيْعًا جابر مغربی گوید اگر بیند که در نزد پادشاه بزرگ بودے دلیل بود که از پادشاه بهره و نصیب یابد و اگر پادشاه را در لباسی نیکو بیند در سرائی یا در کوچه که منسوب با و بود دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاه وی خدم و حشم و مال و خزائن او و اگر بیند که پادشاه را نقصانی بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بروی خفته بود دلیل که پادشاه بروی نماند و اگر پادشاه بیند که بزمین فرو شد دلیل که از مردی پادشاه او را حرمت و منزلت بیفزاید حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر کسی پادشاه را گشاده روی و خرم بیند دلیل بود که کار او گشاده گردد و اگر کسی وزیر پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که کارے کند که زود بصلاح باز آید و اگر حاجب پادشاه بیند دلیل که از شغلها فرو ماند و بعاقبت بمراد برسد و اگر ندیم پادشاه را بیند دلیل که او را از کسے ملامت رسد و اگر ملازمان پادشاه را بیند دلیل که شغل و عمل او بصلاح آید و اگر اعوان و ندیمان پادشاه را بیند دلیل که کار او گشاده گردد و اگر وزیر پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را ملامت کند و چیزی که از دست او رفته بود بدست او باز آید و اگر چاکران وکیل را بیند دلیل کند که کسی او را ملامت کند که از شغل دون عاجز گردد و اگر پرده راز پادشاه را بیند دلیل بود که کار بستهٔ او گشاده گردد و اگر مقنعه زن پادشاه را بیند دلیل که کسے او را وعده دهد بدروغ و اگر زندانیان پادشاه را بیند دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و اگر جلاد پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود حاصل گردد و اگر دبیر پادشاه را بیند دلیل کند که آنچه میجوید بیابد و اگر سلاح پادشاه را بیند دلیل کند که از زنی منفعت یابد و اگر رکابدار پادشاه را بیند دلیل کند که سخنی دروغ و بیحاصل شنود و اگر غاشیه دار پادشاه را بیند دلیل که او را

غم و اندوه رسد و اگر جامه دار پادشاه را بیند دلیل که کار او نیکو گردد و اگر دوات دار پادشاه را بیند دلیل که او را از زنان چیزی
حاصل گردد و اگر خانسالار پادشاه را بیند دلیل که خرم گردد و مال حاصل کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که پادشاه بشهری
در آمد و بر پادشاه آن شهر غلبه کرد دلیل کند که کار آن شهر نقصان و آفت پذیر بود و اگر بیند که پادشاه در شهر او یعنی خانهٔ او
بخفت دلیل کند که پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عملش فرماید **پاتیله** ابن سیرین گوید که پاتیله در خواب دیدن
کدبانوی خانه بود و اگر بیند که پاتیله نو بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که کدبانوی خانه را آفت رسد کرمانی گوید اگر بیند
که در پاتیله چیزی بود از خوردنی دلیل بود که او را از کدبانوی خانه خیر و منفعت رسد و اگر بیند که در پاتیله چیزی ناخوش بود از
طعامها دلیل بود که او را از کدبانوی خانه ضرر رسد ابن سیرین گوید که دیدن پاتیله در خواب چیزی زیاده نبود **باد**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که باد سخت همی جست دلیل بود که مردم آن دیار را بیم و ترس بود و اگر بیند که باد چنان ... سخت بود
که درختان را همی کند و خرابی همی کرد دلیل کند که اهل آن دیار را بلا و مصیبت از علت طاعون و مرگ مانند این رسد کرمانی
گوید که باد سموم در خواب دلیل بر بیماریهای سرد کند و باد معتدل سرد دیدن در خواب دلیل بیماریهای شوریده بود در آن دیار
و باد معتدل دیدن دلیل بر تندرستی بود از مردم آن دیار و موجب نیکوئی و کسب آن دیار کند و اگر بیند که باد او را از جای
بجای می برد دلیل کند که سفری دور کند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه او را باد بزمین برده باشد
و اگر بیند که باد با گرد و تاریکی بود دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشه آن قوم جابر مغربی گوید اگر بیند
که او را بادی سخت بسوی آسمانها برد دلیل که اجل او نزدیک بود و اگر بیند که او را باد از آسمان بزمین آورد دلیل بود
که بیمار گردد و عاقبت شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باد در خواب بر نه وجه بود اول بشارت دوم
فرمان روائی سیم مال چهارم مرگ پنجم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحت و اگر بیند که بر باد
نشسته بود دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که باد مغربی نرم جست
دلیل که مردم آن دیار را مال و نعمت زیاده گردد و اگر بیند که باد شمال نرم همی جست دلیل کند بر شفا و راحت
آن دیار و اگر بخلاف این بود دلیل خیر نباشد و اگر بیند که آواز باد همی شنید دلیل که خبر پادشاه بزرگ
در آن دیار گسترده گردد و اگر بیند که باد مردم آن دیار را بر گرفت و بر هوا برد دلیل بود که آن مردمان شرف و بزرگی
یابند **باد رها کردن** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که در میان مجمع مردمان باد رها کرد چنانکه مردمان آواز
آن را بشنیدند دلیل که سخنی زشت گوید که مردم بروی افسوس کنند و بسبب آن در میان مردمان رسوا گردد و اگر بیند
که باد نرم رها کرد و آواز آن را نشنیدند تاویلش بخلاف این بود و اگر این خواب مردی بیند دلیل که او را خرمی رسد
کرمانی گوید اگر بیند که بادی رها کرد و آواز بلندی و بوی ناخوشی داشت دلیل کند که کاری کند که مردم
بر او تشنیع کنند و او را ملامت کنند و بدی او گویند و اگر بیند که آواز داشت و بوی ناخوش نداشت
دلیل کند که آن کار زشت بنمایده جدا گردد و خیرش در آن بود و اگر بیند که بر قصد بادی رها کرد و مردمان بر او خندیدند
و او شرم میداشت دلیل بود که از کاری بی شغل معیشت او ساخته گردد حضرت صادق علیه السلام

فرماید که باد رها کردن درخواب بر چهار وجه بود اول سخنی زشت دوم تشنیع سیم کاری بلامت چهارم رسوائی اگر بیند که باد ها قصداً رها کرد دلیل بود که آنکس بد دین و بد مذهب بود **بادروک** نوعی ست از تره ها ابن سیرین گوید اگر بیند که باد روک همی خورد دلیل بود که حاجت او روا گردد و مراد بیابد زیرا که رسول خدا فرمود الحمد لله ما اطیبک وما اطیب رائحتک یعنی بوی خوش و چه خوش بوی تو حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن بادروک درخواب سه وجه بود اول حاجت روائی دویم کام یافتن سیم دیدار غایب دیدن **بادریسه** بدانکه بادریسه مهره دوک بود کرمانی گوید اگر بیند زنی که بادریسه بیافت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را خادمه یا کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند زنی بادریسه از دوک او بیفتاد دلیل که مهر او از شوهر بریده گردد **بادنجان** ابن سیرین گوید که بادنجان خوردن درخواب اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر پخته بود و اگر خام دلیل بر غم و اندوه بود بقدر آنکه خورده بود و دلیل تر و خشک او یکسان بود کرمانی گوید اگر بیند که بادنجان بسیار داشت لیکن جمله را ببخشید یا بفروخت یا از منزل خود بیرون انداخت و از آن نخورد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد **بارکشیدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که بر پشت بار سبک داشت دلیل که بقدر و جنس آن بار وی را منفعت رسد و اگر بیند که بر پشت بار گران داشت دلیل که گناه و معاصی بسیار کند قوله تعالی لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیمة ومن اوزار الذین کرمانی گوید اگر بیند که بار بسیار داشت و دانست که از ملک او است دلیل بقدر جنس بار وی را منفعت رسد یا مضرت و بدی و اگر بیند آن بار ملک آن بود خیر و شر آن بخداوند خواب بازگردد **باران** دانیال گوید که باران درخواب رحمت و برکت بود از خدایتعالی بر بندگان چون باران عام بود و بهمه جا برسد قوله تعالی وهو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا وینشر رحمته و خواب دیدن باران بوقت خویش نیکوتر بود بوقتی که مردمان باران خواهند بهتر باشد اما اگر آن باران خاص بود چنانکه بسر آن کوچه آن باران سخت می بارید و جز آنجا جای دیگر نبارید اینچنین دلیل کند بر رنج و جاری بر اهل آن موضع و سختی که بایشان رسد و اگر بیند که باران آهسته می بارید دلیل کند بر خیر و منفعت اهل آن موضع و اگر بیند که اول سال یا اول ماه باران بارید دلیل کند که در آن سال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاد پدید آید و اگر بیند که باران تیره و سخت بود که بیبارید دلیل کند بر بیماری که در آن هلاک گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که باران سخت نه بوقت خویش بیارید دلیل بود که در آن دیار از لشکر رنج و بلا رسد و اگر بیند که با آب باران مسح میکرد دلیل کند که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که باران بر سر وی می بارید دلیل بود که بسفر رود و با سود و منفعت باز آید و اگر بیند که باران بر سر مردمان چون طوفان بیبارید دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات نعوذ بالله پدید آید و اگر بیند که از هر قطرهٔ باران آواز همی آمد دلیل کند آواز عزت و جاه او زیاده گردد و اگر بیند که بآب باران مسح همی کرد دلیل بود که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که باران عظیم می بارید چنانکه جویها از آن روان بود و زیانی بدو نرسید دلیل که پادشاه تعصب کند و شر وی از خود باز دارد و اگر بیند که از آن جویها نتوانست گذشت دلیل که شر پادشاه از خود

بادروک

بادریسه

بادنجان

بارکشیدن

باران

دفع سازد و اگر بیند که آب از هوا همی آمد بیجر دار باران دلیل کند که عذاب حق تعالی و بیماری در آن موضع پدید آید کرمانی گوید اگر بیند
که بجای باران انگبین همی بارید دلیل که نعمت و غنیمت در آن دیار بسیار باشد و هر چیز که بیند از آسمان می بارد تاویلش
از جنس آن چیز بود و اگر بیند که آب باران همی خورد و آب آن صافی و روشن بود دلیل که بقدر آن خیر و راحت بدو رسد و اگر بیند
که آب باران تیره و ناخوش بود دلیل که بر قدر آن رنج و بیماری کشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باران در خواب
بر دوازده وجه بود اول رحمت دوم برکت سیم فریاد خواستن چهارم رنج و بیماری پنجم بلا ششم کارزار
هفتم خون ریختن هشتم فتنه نهم قحط دهم امان یافتن یازدهم کفر دوازدهم دروغ **بارانی** ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که بر تن او بارانی بود و او در خدمت پادشاهی بود دلیل بود که نام نیک او و مدح و ثنای او در پیش مردمان فاش
گردد و اگر بارانی از جهت جامه بر او بود دلیل است که او را فائدهٔ دین و دنیا حاصل گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که بارانی او از ابریشم بود یا از کتان یا از پنبه و بگونه سبز بود دلیل بر نیکوئی بود اما بارانی زرد دلیل بر رنج و بیماری
بود و اگر بارانی کبود بود دلیل بر گناه و معصیت بود و اگر بارانی را سفید بیند دلیل بود بر خیر و منفعت که از جائی بدو رسد
باروی ابن سیرین گوید که باروی شهر و قلعه و ده دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معبران گویند
که باروی شهر دلیل بر پادشاه بود و باروی ده دلیل بر خداوند ده کند اگر بیند که باروی شهر قوی
و بلند بود دلیل بر قوت و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که باروی شهر بیفتاد و خراب شد اگر جمله بیفتاد
دلیل بر هلاک پادشاه کند و اگر برخی از آن بیفتاد دلیل بر هلاک والی بود و اگر بیند که بارو را
نو کرد دلیل بود که پادشاه نو در آن شهر مقیم گردد و اگر بعضی از باروی شهر را نو کرده بیند دلیل کند که والی
نو در آنجا مقیم گردد کرمانی گوید که باروی شهر و آنچه نزدیک دروازهٔ شهر بود تاویلش عیش و ایمنی بود و آنچه
در پس آن شهر بود و باشد و هر نیک و بد و زیاده و نقصان که در باروی بیند دلیل بر این پنج گونه بود که ذکر کرده
شد **باز** ابن سیرین گوید اگر بیند که بازی بگرفت یا کسی بوی داد و او را مطیع او بود و یعنی بر دست وی
نشست دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و منزلت او و اگر بیند بازی سفید بر دست او نشست دلیل
که از پادشاه قدر و منزلت یابد و اگر بیند که باز از دست او بیفتاد و بمرد دلیل بود که از منزلت بدرویشی و
بیچارگی افتد کرمانی گوید اگر بیند که بازی سفید بیافت اگر از مردمان پادشاه بود دلیل که از پادشاه ولایت
و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که بازی کسی بوی بخشید دلیل که او را فرزندی
آید صاحب جمال حسن و جاه و اگر بیند که بازی بر بام او نشست دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد و از او خیر و منفعت
یابد و اگر بیند که باز بگریخت و در خانه شد یا در زیر دامن زنی پنهان گردید دلیل که آن زن را پسری خوبروی پدید آید و اگر بیند که بر
پای آن باز زنگله زرین یا سیمین بود دلیل که آن زن را دختری آید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بازی بیافت و او انگشت
دلیل که اگر آنکس از قوم پادشاه بود معزول گردد از عمل و اگر مردم پادشاه نبود او را رنجی و غمی رسد از جهت اهل بیت
و اگر بیند که باز از دست او بپرید و با دنیا مد و اگر این خواب را پادشاه دیده بود دلیل که مملکت از دست او برود و اگر

بارانی
باروی
باز

باز بیامد و بر دست او نشست تاویلش آنکه مملکت و قدرت یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که چون بیند که باز مطیع او بود تاویلش بر پنج وجه بود اوّل رامش دوّیم شادی سیم بشارت چهارم فرمان پنجم یافتن مراد و مال بقدر و قیمت باز از دو هزار درم خاصه چون باز سفید و مطیع او بود و چون مطیع نباشد تاویلش بر چهار وجه بود اول پادشاه ستمگر دوّیم حاکمی که میل کند ببدی سیم فقیه خاین چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر نبرد **بازوی** ابن سیرین گوید که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست معتمد یا انباز اگر بیند که بازوی قوی بود دلیل بود که ویرا از ایشان منفعت وقوت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که اورا هیچ فایده وقوت از ایشان نباشد و اگر بیند که بازوی او افتاد یا اگر کسی بازوی اورا ببرید دلیل کند که برادر یا دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جویند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بازو در خواب بر شش وجه بود اوّل برادر دوّیم فرزند سیم انباز چهارم دوست پنجم پسر عم ششم همسایه **بازوبند** کرمانی گوید بازوبند زرین اگر بیند که در بازو داشت دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر اورا غم و کراهت رسد و اگر بازوبند سیمین داشت دلیل کند که دختر خود را یا دختر خواهر خود را بشوهر دهد و اگر این خواب زنی بیند دلیل که اورا مال و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که بازوبند سیمین یا آهنین داشت دلیل بود که اورا از برادر قوت و یاری بود و اگر بیند که بازوبند بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود **پاس داشتن** ابن سیرین گوید که پاسداشتن در خواب بر دو وجه بود اگر بیند که پاس اهل صلاح میداشت دلیل بود بر خیر و منفعت دو جهانی و اگر بیند که در سرای پادشاه پاسبانی میکرد دلیل کند که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بازرگانی این خواب را بیند در تجارت سود بسیار کند و اگر بیند که پاس اهل صلاح و ورع میداشت دلیل که از ایشان خیر و منفعت دنیا بیند و پاسبان در خواب دیدن خداوند قدر و منزلت و ولایت بود و تیمار کارها دارد و مردم در اهتمام او باشند **پاشنهٔ پای** ابن سیرین گوید پاشنهٔ پای در خواب دلیل بر نظام کار و کسب مردم کند و اگر بیند که پاشنهٔ پای او بشکست دلیل بود که بکاری مشغول گردد کاری که از ان پشیمانی حاصل گردد و اگر بیند که پاشنهٔ پای او بشگافت یا مجروح شد همین تاویل دارد اما اندا هتش از ان کمتر باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پاشنهٔ پای خود می برید و بخورد سباع و درنده میداد دلیل کند که آنچه بکسب حاصل کرده بود بخورد و بدشمنان دهد و اگر بیند که پاشنهٔ پای او بیفتاد دلیل که اورا کار و کسب نباشد و درویش و بیچاره گردد **باغ دیدن** دانیال گوید که دیدن باغ بخواب زن بود و اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل که با زن خویش مجامعت کند و اگر بیند که باغ را آب میداد و تر نمی شد دلیل کند که زن او از شوهر مجامعت طلبد و اگر بیند که در باغ گل و ریحان میگشت دلیل کند که فرزند صالح بیاورد و اگر بیند که در باغ شفتالو میگشت دلیل کند که اورا فرزندی آید که زود علم و ادب بیاموزد و اگر بیند که در باغ او ریحان دسته بود و بالا کشیده و بوی او بدماغ میرفت دلیل بود که اورا فرزندی بود دلیر دانا و خردمند و بوی ریحان دلیل

بهر فرزند کند و اگر باغ خود را سبز و آبادان و آب روان و کوشک بیند و از میوهٔ درختان میخورد و از میوها داشت و با زن خود
در تماشا بود دلیل که ایشان از اهل بهشت باشند و اگر بیند که در باغ آبادان بود و از میوهٔ درختان میخورد دلیل بود که زنی
توانگر بخواهد و از او مال و نعمت یابد و اگر بیند که در فصل خزان در باغی مجهول شد و از درختان برگها میریخت دلیل کند
که غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که در باغ کوشکها بود و سبزه ها و آب روان و درختان زنی صاحب جمال
او را بخواند دلیل بود که بهشت و حور العین در آخرت بیابد و دلیل کند که درجهٔ شهیدان حاصل کند و اگر
بیند که باغی داشت یا کسی بدو داد و میوهٔ آن باغ میخورد دلیل کند که زنی مالدار بخواهد و مال او را بخورد
و اگر بیند که در باغ بود و میوها از درخت بلند بروی همی افتاد دلیل بود که با مردی شریف او را
خصومت افتد و بروی غالب گردد و اگر بیند که در باغ بر سر درخت خفته بود دلیل بود که نسل و
فرزندان او بسیار باشد کرمانی گوید که باغ در خواب مردی بود بزرگوار با مال و جمال و اگر بیند که در وقت
بهار یا تابستان باغ خرم گشته بود و درو میوه بار بسته بود و گل و ریاحین شگفته و آب روان و او در میان
باغ نشسته دلیل بود که مرگ او بر شهادت بود زیرا که جمله صفات بهشت است و اگر در تابستان باغی بیند معروف
یا مجهول و میوه های آن شیرین بود و برگهای درختان ریخته بود دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد و حالی
که پادشاه از خدم و حشم باز مانده باشد و اگر بیند که باغی در تابستان سبز و پر میوه و آب رود بیامد و باغ
را از اصل برکند و خراب کرد دلیل که پادشاه آن دیار را بیم هلاک بود یا بسبب سلطانی بزرگ از پادشاهی معزول
گردد و اگر بیند که آتشی بیامد و درختان آن باغ را بسوخت دلیل که پادشاه را مرگ مفاجات رسد و اگر در خواب
بدید که در باغ اشتران بودند دلیل بود که پادشاه آن ملک بر دشمنان ظفر یابد و اگر در باغ گوسفندان دید دلیل که از
پادشاه مال و نعمت حاصل کند و هیبت عظیم پادشاه را بود و اگر در آن باغ پرندگان بیند دلیل که لشکر پادشاه
بر عهد و وفا باشند اما بر ایشان اعتماد نبود و اگر بیند که از آن باغ میوه جمع میکرد و بخانه میبرد دلیل بود که بقدر
آن ویرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که در باغ هیمه جمع میکرد دلیل منفعت بود از پادشاه لیکن بسختی و رنج بیابد
جابر مغربی گوید که اصل باغ در خواب شغل مردم بود بقدر همت و اگر در باغ سبزه بیند دلیل بود که کارش نیکو گردد
و شغل وی آراسته شود و اگر باغ از سبزه و میوه خالی بیند دلیل کند که کار او نیکو گردد و اگر باغ را خرم و آراسته
دید کسی او را گفت که این باغ از آن فلانست و او میوه از آن باغ میخورد دلیل که بقدر آن از خداوند باغ منفعت
یابد و اگر در وقت بهار یا تابستان باغی خراب دید چنانکه در وی هیچ سبزه و درختان نبود دلیل بود که پادشاه بر رعیت
جور و ستم کند و اگر بیند که بدست خود باغی نو ساخت و درخت نشاند و میوه بر آمد دلیل بود که زنی توانگر بزنی خواهد
و مال و نعمت و فرزندان حاصل گردد و اگر در آن باغ بوقت خویش انگور دید دلیل بود که مال و منزلت یابد بقدر
همت خویش **حکایت** آورده اند که مردی پیش سلیمان آمد و گفت ای پیغمبر خدا بخواب دیدم باغی آراسته و درو
میوه های بسیار بود و در آن باغ دیدم که خوکی بزرگ نشسته بود مرا گفتند که این باغ ملک آن خوکست من از آن

حال متحیر گردیدم و در باغ خوکان بسیار دیدم که میوه میخوردند و گفتند که این خوکان میوه بفرمان این خوک می خورند سلیمان
گفت این خوک بزرگ پادشاه ظالم و ستمگر است و خوکان دیگر دانشمندان حرام خواره که مطیع و فرمان بر پادشاه ظالم اند
و دین را بدنیا فروشند و از عذاب حق تعالی نترسند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باغ در خواب بر نهفت وجه
بود اول زن خوب دویم فرزند نیک سیم عیش خوش چهارم مال پنجم بلندی ششم شادی هفتم کنیزک و باغ در خواب
دیدن قیم زن بود و اگر کسی بیند که باغبانی میکرد دلیل کند که زنی تواتگر کند و بشغل او مشغول شود و با ایشان سازکاری
کند و بعضی از معبران گویند که دیدن باغ بر سه وجه بود اول کدخدائی سرائی دویم قیم زن سیم فرزند قرة العین
بافتن جامها ابن سیرین گوید که بافتن جامها در خواب سفر بود و بافنده مسافر بود و اگر بیند که جامه یا
چیزی بیافت دلیل بود که بسفر رود و آورده اند که بافتن جامها در خواب خصومت بود و اگر بیند که جامه بافته ببرید دلیل
بود که انکار با خصومتها برطرف شود و بریدن آن هم از سبب سفر بود و اگر رسن با ریسمان را تاب میداد دلیل کند
که بسفر شود کرمانی گوید اگر بیند که بجای ابریشم ریسمان یا کتان می بافت دلیل بود که بد بود زیرا که نشان خیانت
بود و اگر بیند که جامه را تمام بیافت و ببرید دلیل بود که بسفر شود و کار وی تمام گردد و اگر بیند که تمام نبافته
بود دلیل بود که کار او تمام گردد و جابر مغربی گوید اگر بیند که بافندگی همی کرد دلیل بود که او را با مردم خصومت
افتد و حالش نیکو گردد اما از مردمان او را سرزنش و ملامت رسد **باقلا** ابن سیرین گوید که دیدن
باقلا در خواب وقت خود خوردن و بیوقت خوردن اگر پخته باشد یا خام دلیل بر غم کند و حکم تاویل آن در
تر و خشک یکسانست و اگر بیند که بخورد غم و اندوه کمتر بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که کسی باقلا بدو داد و بخورد دلیل
بود که اندوهگین گردد و باشد که آنکس خصومت کند و معبران گویند اگر بیند که باقلا داشت یا کسی بدو داد یا از خانه بیرون
ریخت و از آن هیچ نخورد دلیل که او را زیان ندارد خاصه چون بوقت خویش دیده بود **بالا رفتن** محمد بن سیرین گوید
اگر بیند که بر بالای کوهی نشسته بود یا بر بام یا بر کریوه یا بر کوشک و بر مانند اینها و بالا رفتن دلیل کند که آنچه جوید
بیابد و حاجتش روا گردد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که بدشواری بر بالا همیرفت دلیل که آنچه میجوید برنج و دشواری بیابد
و اگر بیند که بر نردبان بالا میشد دلیل بود که در دین شرف و منزلت یابد خاصه که نردبان او از گل بود و اگر بیند که نردبان
از گچ و سنگ بود دلیل بود که در دین او خلل باشد کرمانی گوید که از نردبان بر بالا رفتن از گچ و سنگ دلیل که شرف و
بزرگی یابد در اینجهان و اگر بیند که از خشت خام و گل بود دلیل بود که قدر و منزلت یابد در آن جهان و اگر بیند
که بر آسمان بالا رفت و باز بیامد دلیل بود که اجل او نزدیک باشد و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت
بیمار گردد و سر انجام شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بر بالا شدن بر پنج وجه بود اول روائی حاجت
دویم زن خواستن سیم قرب و بزرگی چهارم مراد یافتن پنجم بالا رفتن کار **پالان** ابن سیرین گوید که پالان دیدن حجت
زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا از کسی به بها بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که پالان بر پشت
داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و وی مستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که

زن از و[illegible]ا گردد یا طلاقش دهد جابر مغربی گوید اگر بیند که پالان پاکیزه نو داشت دلیل بود که زن ستور ساز کار بخواهد و از وی خیر و
منفعت یابد و اگر بیند که پالان درشت و چرکین داشت دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازکار و از وی مضرت
بیند بالش ابن سیرین گوید که بالش در خواب خادم بود بیننده خواب را اگر بیند که بالشی نو فرا گرفت و آن بالش سبز بود
یا کسی بوی داد دلیل که او را خادم یا خدمتگاری مصلح پارسا پیدا گردد و اگر بیند که بالش او کهن و چرکین و زرد و سیاه
بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بالش او بدرید یا بسوخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتگاران
وی ضایع گردد یا بگریزد یا رنج و بلائی بدو رسد و بسبب آن از وی جدا گردد کرمانی گوید اگر بیند که کسی از خانهٔ
او بالش ببرد دلیل بود که کسی از پی زن او میگردد که او را بفریبد یا از پی کنیزک وی و معبران گویند که دیدن
بالش در خانه دلیل بود که کسی از آن خانه بمیرد و اگر مردی بیند که بالش بسیار یافت دلیل بود که بقدر آن بالشها
او را خادمان و کنیزان حاصل گردد و اگر بیند که آتش در افتاد و بالش او بسوخت دلیل بود که خادمان و کنیزان
او بروند یا بگریزند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بالش در خواب بر پنج وجه بود اول خادم دوم
کنیزک سیم ریاست چهارم دین نیکو پنجم پرهیزگاری و عدل بام اگر بیند که بر بام خانه مجهول بود دلیل بود که
زنی خواهد بر قدر بلندی بام با قدر و رفعت اگر بیند که بام آنخانه معروف بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و کارش
بر نظام گردد جابر مغربی گوید که اگر بیند که بر بام خانهٔ پادشاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که از بام بیفتاد
از جاه و منزلت بیفتد و او را اندوه رسد **بانگ داشتن جانوران** محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران
در مردم بخواب دلیل بود بر غم و مصیبت در آن موضع و اگر بیند که او را بانگ میکردند از جائی دور اگر جواب داد دلیل
بود که زود بمیرد و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که آواز گریستن می آید دلیل بود که شادمان
گردد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیز ناخوش شنود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که حاجت او روا
گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بانگ دشنام شنود کراهتی بوی رسد و زود زایل گردد کرمانی گوید اگر بیند که اسپی بانگ میکرد
دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از معبران گویند که البته مکروهی بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ نگویند و اگر بیند
که خر بانگ میکرد از دشمنی و جاهلی فریاد و شناعت شنود قوله تعالی اِنَّ اَنْکَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ
الْحَمِیْرِ و اگر بیند که شتر بانگ میکرد دلیل که بحج رود یا به تجارت و زان ویرا سود و منفعت یابد اگر بیند
که گوسفندی بانگ میکرد دلیل که از بزرگی ویرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که از بزغاله بانگ شنید دلیل بر خرمی
و شادی و نعمت کند و اگر بیند که آهو بانگ میکرد دلیل بود که او را کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند که شیر بانگ
میکرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بیند که پلنگ بانگ میکرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت
افتد و اگر بیند که یوز بانگ میکرد دلیل که کسی بروی خشم گیرد و بروی کبر کند و اگر بیند که گرگ بانگ میکرد
بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شغال بانگ میکرد دلیل بر غم و اندیشه کند از سبب زنان و اگر بیند که روباهی بانگ
میکرد دلیل بود که مردی دروغ زن با وی مکر و حیله کند و اگر بیند که گربه بانگ میکرد دلیل بود که او را از دزد

بالش

بام

بانگ داشتن جانوران

بیم بود واگر بیند که اشتر مرغ بانگ میکرد دلیل کند که خادم دلیر بیابد واگر بیند که کرگس بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی بزرگ غمگین گردد واگر بیند آنکه بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه شنود واگر بیند که کبوتر بانگ میکرد دلیل بود که خبر سرهنگان پادشاه شنود واگر بیند که کلاژه بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود واگر بیند که خروس بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی جوانمرد شنود واگر بیند که جغل بانگ میکرد دلیل که خبر اندوه و مصیبت شنود واگر بیند که بوم بانگ میکرد دلیل همین بود واگر بیند که فاخته بانگ میکرد دلیل که خبر دروغ شنود واگر بیند که تذرو بانگ میکرد دلیل که خبر زنی باجمال شنود واگر بیند که طاؤس بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه عجمی شنود واگر بیند که کلنگ بانگ میکرد دلیل که خبر مردی درویش شنود واگر بیند که لک لک بانگ میکرد دلیل که خبر مردی دهقانی شنود وازان خرم گردد واگر بیند که کبک بانگ میکرد دلیل که خبر زنی نیکو شنود واگر بیند که بانگ کبکان می شنود دلیل کند که خبر زنی مستور شنود واگر بیند که بانگ کلاغ می شنود دلیل که خبر مردی حرام خواره شنود واگر بیند که کنجشک بانگ میکرد خبر خوش شنود واگر بیند که بلبل یا هزاردستان بانگ میکرد خبر مطربی یا نوحه گری شنود واگر بیند که سار بانگ میکرد دلیل همین بود واگر بیند که مرغ آبی بانگ میکرد دلیل که غم واندوه بوی رسد واگر بیند که بط بانگ میکرد خبر مصیبت کسی شنود از اهل او واگر بانگ بچگان مرغ شنود ماتم و مصیبت رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که بانگ همه مرغان در خواب شنیدن نیکو بود مگر مرغی که او را لفال بد آرند که بانگ او اندوه و مصیبت بود و بانگ مار ترس و بیم بود از دشمن اما بانگ زنبور ملخ دلیل بر ترس و بیم بود و بانگ وزغ دلیل کند که در موضعی فرود آید جابر مغربی گوید اگر بیند که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانگ سهمگین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه بود وهرچند معبر خیر و شر بود **حکایت** آورده اند که مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که دابه جنبنده با من سخن میگفت ابن سیرین گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ اَنَّ النَّاسَ وچون یکهفته بر آمد آنمرد از دنیا رحلت کرد **بانگ نماز** ابن سیرین گوید که هر بنده که مصلح و مؤمن و مستور چون بیند که در جایگاهی معروف بانگ نماز شنود یا بانگ نماز دهد دلیل کند که حج بیت الله بگذارد قوله تعالی وَاَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَاْتُوْكَ رِجَالًا واگر بانگ نماز در جایگاهی مجهول بود مکروهی وناپسندیده بدو رسد واگر این خواب را مردی فاسق بیند دلیل که او را بدزدی بگیرند واگر بیند بانگ نماز را از مسجد یا از مناره دهد دلیل بود که مردمان را بخدا میخواند واگر بیند که در بستر خفته بانگ نماز میداد دلیل بود که با زن خود الفت دارد واگر بیند که بانگ نماز در خانه خود میداد دلیل بود که مفلس و درویش گردد و گویند کسی از اهل بیت او هلاک گردد واگر بیند که بانگ در چاه یا در سردابه میداد دلیل بود که آنکس زندیق یا منافق بود واگر بیند که بانگ نماز در کوچه میداد دلیل بر جاسوسی کند کرمانی گوید اگر مردی بیند که با زن خود بانگ نماز میداد دلیل بود که از دنیا رحلت کند بزودی واگر بیند در کلمهای بانگ نماز زیادت و نقصانی را دلیل بود که بر مردمان ستم و بیداد کند واگر بیند که کودکی بانگ نماز میداد دلیل بود که پدر و مادر او دروغ گویند واگر بیند که بانگ نماز در گرمابه میداد دلیل بدحالی او بود در دین و دنیا واگر بیند که بانگ نماز در قافله یا در لشکرگاه میداد تاویلش بد بود واگر ببیند که مجوسی در

بانگ نماز

زندان بانگ نماز میداد واقامت کرد از زندان رهائی یابد واگر بیند که بانگ نماز بلهو و بازی میداد دلیل که هلاک گردد واگر بیند
که بر سر کوهی بانگ نماز میداد دلیل بود که پادشاهی سخن راست گوید و اورا بخدا تعالی خواند واگر بیند که در مناره بانگ نماز میداد
دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی یابد واگر بیند که در کنج خانه بانگ نماز داد دلیل که در کار حق خیانت کند واگر بیند که در
دا به بانگ نماز داد دلیل بود که بسفر زود شود و دران سفر رنج و بلا کشد و دیر بماند واگر بیند که در میان کوهی بانگ نماز کرد دلیل
بود که در میان قومی ستمگر گرفتار آید و باوی خیانت کنند واگر بیند که بر کرسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده بلهو بانگ نماز میکرد
دلیل که عقل از او زایل گردد واگر بیند که دیگری بانگ نماز کرد و او بشنید دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کاهل بود و کسی او را
بخدا تعالی خواند واگر بیند که بانگ اقامت شنود دلیل بود که در کارهای حق توفیق یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید
که بانگ نماز در خواب بر دوازده وجه بود اوّل حج دویم سخن سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر هفتم
مردان هشتم مفلسی نهم خیانت دهم جاسوسی یازدهم منافقی و بد دینی دوازدهم بریدن دست **پابند** ابن سیرین گوید که دیدن
پابند در خواب دیدن سخن خوش و لطیف بود یا بوسه بود که بفرزند و عیال یابد یا بدوستی دهد واگر پابند بسیار بیند نعمت
و روزی حلال بود بقدر آنکه دیده واگر بیند که پیره زنی بخر و ارها پابند بدو بخشید دلیل بود که مال و نعمت دنیا بیابد و بقدر آن
کارش نظام گیرد واگر بیند که پابند بسیار داشت و جمله را به بخشید یا از وی ضایع شد دلیلست که اگر نعمت دارد جمله را نفقه کند
یا از وی ضایع گردد **پای** دانیال گوید اگر کسی بیند که یکپای او بریده بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال از وی ضایع گردد
واگر هر دو پای بریده یا شکسته بیند دلیل بود که جمله مالش برود یا خود بمیرد و معبران گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده
یا شکسته بیند دلیل بود که بسفر شود واگر بیند که پای او آهنین یا مسین بود دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند واگر بیند
که پایش آبگینه بود دلیل که عمرش زود سفری گردد و بالش نماند زیرا که آبگینه را بقا و قوت نبود واگر بیند که پایش شل
یا مبتلا شده بود دلیل بود بر سستی و ضعف حال او با نچه طلب کند از خیر و شر ابن سیرین گوید که اگر صالحی بیند که پایش شل
شده بود دلیل بود بر زیادتی دین او قوله تعالی وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ واگر بیند که پایهای او بر سن بسته بود دلیل بود
که از کسی منفعتی بوی رسد واگر بیند که پایش نبود و بچوب راه میرفت دلیل بود که اعتماد بر کسی کند و از آنکس وفا نیابد واگر کسی
عامل پادشاه بیند که هر دو پای او بریده بود دلیل بود که از عمل معزول گردد و مالش تلف شود واگر بیند که پای او آهنین بود
دلیل بود که مالش زیاده گردد واگر بیند که پایش سیمین بود و کفش زرین همین دلیل کند واگر بیند که پای او دردمند بود دلیل
که او را زیانی رسد واگر بیند که پای او بستونی بسته بود این تاویل بهتر بود زیرا که درخت چون مردی بود و ستون چون مرده واگر
بیند که پای او در دامی گرفتار شده بود یا در جائی فرو رفته بود دلیل بود که در مکر و حیلتی گرفتار گردد بقدر آنکه پای وی در آن
سخت شده بود واگر بیند که پای در جایگاهی یا در گوری بلغزید دلیل بود که از کار دین و دنیا باز ماند یا کسی سخنی بد و گوید که از آن
رنجور گردد واگر بیند که پای بر ستوری همی خضاب بند دلیل بود بر غایت طلب آنکار که بسیجیده کرمانی گوید که هر دو پای پدر و دلیل
مادر و پدر باشد و هر ضعفی و نقصانی که در پا بیند همین دلیل بر پدر و مادر کند واگر بیند که پای بسیار داشت دلیل کند بسفر
شود واگر درویش بود توانگر گردد و دیدن پشت پای خود دلیل زینت مرد بود و حصول مال و طاعت که کرده بود

کرده بود و جابر مغربی گوید که اگر بیند که پای او چون پای شتر یا پای گاو بود دلیل بود که قوه و مالش زیادت گردد و اگر بیند که پای او
چون پای اسب بود یا پای خر دلیل بود که قوت و جاه او افزون گردد و اگر پای خود چون پای درندگان یا ددگان بیند
چیزی حرام حاصل کند و اگر پای خود را چون چنگال مرغان بیند دلیل بر قوت و کسب معیشت او بود و بر دشمن ظفر یابد حضرت
صادق علیه السلام فرماید که دیدن پای در خواب بر هفت وجه بود اول عیش دوم عمر سیم سعی کردن چهارم طلب مال پنجم قوت
ششم سفر هفتم زن و پای کوفتن در خواب غم و مصیبت بود **پای اورنجن** ابن سیرین گوید که اگر مردی در خواب بیند
که پای اورنجن در پای داشت دلیل بود که او را رنج بود و اگر بیند که سیمین بود در رنج و سختی او کمتر بود کرمانی گوید که پای اورنجن
زنان را شوی و زنان را نیک بود و پیرایه‌های زرین زنان را ملک بود و مردان را حرام و اگر بیند که اورنجن از پای بیرون کرد
یا از وی ضایع شد دلیل بود که آنکس از وی رنجور و دل گردد **بند نهادن** ابن سیرین گوید که اگر بند بر پای خود نهاده
بیند دلیل بود که ترسان و هراسان گردد و اگر بیند که در پای او دو بند نهاده بود و او در مسجد بود دلیل بود که او را در دین
ثبات بود یا در نماز یا در غزای یا در کاری که در آن صلاح دین بود کرمانی گوید اگر بیند در خواب بند را که در پای خویش
بند بود و او را عزم سفر افتاد دلیل که در آن سفر دیر ماند و در آنجا مقیم گردد و هر چند که بر پای بند قوی تر و محکم تر بیند دلیل
که اقامتش در آنجا بیشتر بود و اگر بند فراخ بود بهتر باشد که تنگ بود و اگر بیند که بندش از مس بود همین دلیل کند و اگر بندش
از آهن بود دلیل بود بر آنچیزها که نخست یاد کرده شد و اگر بیند که بندش از رسن بود مقیم شدن از بهر دین بود و اگر بیند
که او چون چوب بود مقیم شدن او از بهر فساد دین بود جابر مغربی گوید اگر بیماری بیند که بر پای او بند بود دلیل بود که از آن زحمت
خلاصی یابد و اگر پادشاه بیند که بر پای او بند بود دلیل که پادشاهی بر وی پایدار بود و حضرت صادق علیه السلام فرماید
دیدن پای بند در خواب بر سه وجه بود اول ثبات در دین دوم زن خواستن سیم از سفر باز آمدن و علی الجمله هر که در
خواب بیند که در پای او بند بود و اگر در نیکی بود نیکی در وی پایدار بود و اگر در بدی بود همچنین **پای تابه** ابن سیرین گوید
که پای تابه در خواب چون نهاده بیند مال بود و چون بر پای پیچیده بیند سفر بود و اگر بیند که پای تابه بر پای چنانکه مسافران
آهنگ بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود دلیل بود که زود از دنیا رحلت کند و اگر بیند که پای تابهٔ خویش بفروخت
یا بکسی بخشید دلیل بود که مال او ضایع گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پای تابه در خواب بر سه وجه بود اول مال و خواسته
دوم سفر سیم مرگ بود کسی که بر پای پیچیده و تنها عزم بیابان کرده **پاچه** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند
که پاچهٔ گوسفند همی خورد دلیل بود که چیزی و نعمتی بدو رسد بقدر آنکه خورده بود و اگر بیند که پاچهٔ گاو همی خورد دلیل بود که
در آن سال او را فراخی و نعمت بود بر اندازهٔ خوردن او جابر مغربی گوید که خوردن پاچه در خواب دلیل بود بر خوردن مال
یتیمان بقدر آنچه خورده بود خاصه چون بیند که خام بخورد **پایندانی کردن** ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که
کسی را پایندانی همی کرد دلیل بود که در کار آنکس مقیم و پایدار بود و از او جدا نگردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پایندانی
کردن در خواب بر سه وجه بود اول مقیم شدن آنکس که پایندانی او کرد دوم عنایت کردن با وی سیم خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند
که از پایندان کسی بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود ببر ابن سیرین گوید که ببر جانوریست درنده و از جملهٔ سباع است

پای اورنجن
بند نهادن
پای تابه
پاچه
پایندانی کردن

و دشمن شیر است و دیدن وی در خواب دشمن قوی دلیر بود لیکن کریم و مهربان بود و اگر ببیند که با ببر در نبرد و جنگ بود و او را افتاد کرد
دلیل بود که بر دشمن چیره گردد و اگر ببیند که ببر وی را قهر کرد دلیل بود که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر ببیند که ببر از وی ترسان
بود و میگریخت از دشمن ایمن گردد کرمانی گوید که پوست و استخوان و موی ببر در خواب دیدن مال و منفعت بود که از
دشمن بدو رسد بقدر آنچه دیده بود و اگر ببیند که بر ببر نشسته بود و او مطیع بود دلیل بود که دشمن مطیع او گردد **بت** ابن سیرین
گوید اگر ببیند که بت می پرستید دلیل بود که بر خدای تعالی دروغ گوید و بر راه باطل بود و اگر ببیند که بت از چوب بود که او را
می پرستید دلیل بود که منافق بود در دین و اگر ببیند که آن بت از سیم بود دلیل بود که از بهر هوای نفس تقرب کند بزنی
که با وی میل دارد و اگر ببیند که آن بت از زر بود دلیل بود که میلش بکار مکروه و جمع مال بود و اگر ببیند که آن بت از آهن بود
یا از مس یا از ارزیز دلیل بود که غرضش از دین صلاح دنیا طلب متاع او بود کرمانی گوید که اگر آن بت از جواهر ببیند دلیل
که غرضش از دین پادشاهی و خدم و حشم بود و اگر ببیند آن بت از جواهر در رشته دلیل بود که غرضش از دین جمع کردن مال
حرام بود و اگر ببیند که بت در خانه بود از عقل و دانش خود فرو ماند و متحیر گردد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بت در خواب
بر سه وجه بود اول دروغ باطل دوم مکار منافق سیم زن مفسده فریبنده **بخشش کردن** ابن سیرین گوید اگر ببیند که مال
خود را بکار خیر بخشش میکرد دلیل کند که فرزند خود را زن خواهد یا کسی را از خویشان خود بزن دهد و مال خود بر ایشان قسمت کند و اگر
ببیند که مال خویش براه فساد بخشش میکرد دلیل کند که سوی فساد و حرام گراید و اگر ببیند که مال خویش بر بیگانگان بخشش میکرد دلیل
کند که حالش هم برگ او و هم زندگانی او پراگنده گردد کرمانی گوید اگر ببیند که مال کسی را بخشش میکرد برضای خداوند مال دلیل خیر و شر آن
بخداوند مال باز گردد **بخور کردن** ابن سیرین گوید که بخور کردن بخواب مال بود از مردی بزرگوار و اگر ببیند که از بوهای
خوش چیزی بخور کرد دلیل بود که قدر آن از مردی مال حاصل کند جابر مغربی گوید که بخوری کردن که آن خوشبوی تر بود بیننده را
خیر و منفعت بیشتر بود و اگر بخور خوشبوی نبود خداوند خواب را تاویلش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام فرماید
که تاویل بخور کردن بخواب بر سه وجه بود اول مال بسیار دوم عیش خوش سیم نام نیکو **پر** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب
ببیند که او را پر بود و چون پر مرغ دلیل بود که او را مهتری و بزرگی بود بقدر پرها و بعضی از معبران گویند که پر دیدن بخواب قوت و
پناه بود کرمانی گوید اگر ببیند که پرها داشت که می پرید دلیل بود که بسفر رود و کارش نیکو بود و اگر ببیند که با خود پر مرغ داشت
دلیل بود که بقدر آن وی را خیر و منفعت حاصل گردد و اگر ببیند که پرهای او بیفتاد دلیل بود که از بزرگی و جاه بیفتد و مالش
نقصان گردد **پیراهن** ابن سیرین گوید که پیراهن دیدن بخواب دلیل بود بر اندیشه و غم و خوردنش دلیل بر مضرت بود
بربط ابن سیرین گوید که بربط بخواب لهو و باطل دنیا بود و سخن دروغ و محال گوید اگر ببیند که بربط میزد دلیل بود که سخن
دروغ و محال گوید و کسی را بدروغ مدح و ستایش کند و اگر ببیند که کسی پیش او بربط میزد دلیل که سخن محال و باطل بشنود
و اگر ببیند که با بربط چنگ و چغانه میزد و نای بود از جمله دلیل بر غم و مصیبت کند که باهل آن موضع رسد اگر ببیند
که بربط او بشکست یا بیفگند دلیل بود که از دروغ و باطل گفتن توبه کند و اگر ببیند که بیمار بود و بربط میزد دلیل بر مرگ
او بود کرمانی گوید اگر ببیند که بربط استوار و استادوار میزد و او بربط زدن نداند اگر بیننده خواب عالم بود دلیل کند

بت

بخشش کردن

بخور کردن

پر

پیراهن

بربط

کرمرد مانرا علم و بیان نیکو گوید و باشد کاین هر سه علما بمانند اول تفسیر دویم فقه سیم قصص واگر بیند آنکسی که جاهل بود کاری کند که
از ان شغل او را از مردم ملامت و سرزنش رسد واگر بیند که آواز بربط می شنید دلیل بود که خبرزنی بزرگ شنود و با آن زن اورا
دوستی افتد **برجستن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جائی بجائی میجست دلیل بود که حال او بگردد واگر بیند که بجاده ری
جست دلیل بود که بسفر دور شود واگر بیند که در وقت جستن عصا در دست داشت دلیل اعتمادش بر مردی قوی بود
کرمانی گوید اگر بیند که از جائی ابیرون جست دلیلست که از حال بحال نیک گردد واگر بیند که بهر جائی که میخواست میجست
دلیل بود بر قوت و توانائی وی جابر مغربی گوید اگر بیند که از جائی پاکیزه بجست دلیل بود که از حال فساد بحال صلاح
آید واگر بخلاف بیند از حال صلاح با فساد آید **بردار کردن** ابن سیرین گوید که روزی مردی نزد من آمد و گفت که بخواب
دیدم که مردی را هر دو دست ببریدند و دیگری را بر دار کردند گفتم که اگر این خواب راست میگوئی امروز امیر شهر را معزول کنند
و امیری دیگر بجای او بنشانند پس همانروز چنان شد و دیگری بجائی او نشست کرمانی گوید که اگر بیند که کسی را بر دار
کردند و مردم در وی نظاره میکردند دلیل بود که بچندین مردمان مهتر گردد واگر بیند که کسی بنظاره او نبود شرف و بزرگی
یابد لیکن در راه دین مدبر و فاسق بود واگر بیند که گوشت کسی را بر دار کرده بودند میخورد دلیل کند که مال از کسی که بر مردم
مسلط بود بجور و خاصه که چون بیند که او را اثری بود واگر بیند که او را بر دار کرده بودند و خون از وی روان شد دلیل
که غیبت مردم کند و گناه بسیار از او بوجود آید حضرت صادق علیه السلام گوید که بردار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول
مهتری دویم مال سیم بزرگواری چهارم غیبت مردم کردن **برد** ابن سیرین گوید که بهترین جامها برد بود اگر بخواب بیند
که برد از پنبه بود و بگونه سبز و سفید بود یا جامه نو از برد پوشیده بود دلیل بود که فراخی نعمت یابد و بقدر آنکه جامه نیک بود
آنرا خیر و منفعت رسد واگر بیند که جامه تنگ داشت و بگونه سیاه و کبود بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید که برد
فروش مردی بود که دین را بدنیا اختیار کرده باشد خاصه چون برد از پنبه بود واگر بیند که در روی ابریشم بود دلیل بود که هم
طالب دین بود و هم طالب دنیا **پرده** ابن سیرین گوید که هر که پرده بخواب بیند که بر در آویخته اگر تنگ بود واگر سبز غم
و اندوه بود و ترس و بیم و در آخر کارها ایمن گردد واگر بیند که پرده بر در سرای بزرگ یا بر در مسجد یا در میان بازار
غم و اندوه بود و ترس عظیم کرمانی گوید اگر بیند که پرده ضایع شد دلیل که خداوندش از غم و اندوه فرج یابد و از ترس و بیم
ایمن گردد و چون پرده بیند و معروف نبود غم و اندوه صعب تر بود واگر معروف بود آسان تر بود جابر مغربی گوید که
پرده نو پادشاه را نیکو بود و رعیت را بد بود و پرده کهن همه حال نیکو باشد **پرده داری** محمد بن سیرین گوید اگر کسی بخواب
بیند که پرده داری میکرد دلیل که حاجتی دارد روا گردد و جاه و عزتش زیاده گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که پرده داری
پادشاه مصلح عادل میکرد دلیل کند که وی بصلاح و بخیر گراید و مال حلال یابد واگر بیند که پرده داری پادشاه مفسد و
ظالم میکرد دلیل بفساد مایل گردد و مال حرام یابد **پرستو** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پرستو داشت یا کسی بوی داد دلیل بود
که از کسی که از وجدا شده بود موانست گیرد و در مقام او قرار گیرد واگر بیند که پرستو را بکشت یا از دست بیفگند دلیل بود که با کسی
که موانست دارد جدائی جوید و دور شود کرمانی گوید که دیدن پرستو در خواب مردی توانگر با خرد بود واگر بیند که پرستو

باوه بیند زنی توانگر باجز و بود واگر بیند که پرستو از وی بپرید دلیل بود که از وی توانگر جدا گردد واگر بیند که پرستو در دست
او بمرد دلیل بود که یار او بمیرد و رنج و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند پرستوئی فرا گرفت دلیل که از غمها فرج یابد و از ترس
بیم ایمن گردد **برف** ابن سیرین گوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود مگر اندکی دیده بود و اگر در زمستان
برف بیند یا بجایگاهی که پیوسته در آنجا برف بود دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید که دیدن
برف بخواب لشکر هزیمتی بود خاصه که با برف بیند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن برف بخواب بر شش وجه بود اول روزی
دوم زندگانی سیم مال بسیار چهارم لشکر بسیار پنجم بیماری ششم غم و اندوه اگر بیند که تابستان برف جمع میکرد دلیل که
مال حلال جمع میکرد دلیل کند که بعیش خوش گذراند و منفعت بسیار یابد کرمانی گوید که برف بخواب دیدن در سردسیر دلیل بر خیر و
نیکی کند و در گرم سیر دلیل بر غم و اندوه و قحط و بیماری بود و اگر بیند که برف بوقت خود میخورد بهتر از آن بود که بیوقت بود **برق**
ابن سیرین گوید که برق در خواب خزانه دار پادشاه بود و بعضی از معبران گفته اند که برق وعده کردن پادشاه بود و بیم
و در طماع الطمع وی اگر بیند که برق را از هوا یا از ابر فرا گرفت دلیل که کاری کند که در آن خنکی خیر آن بود واگر بیند که برق همی
درخشید دلیل که در آن سال نعمت فراخ بود خاصه که با برق باد آهسته بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که برق در خواب
بر پنج وجه بود اول خزانه دار پادشاه دوم وعده بد سیم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست **برگشودن** ابن سیرین
گوید که برگشودن در خواب استواری و محکم کاری بود اگر بیند که بر اسپی یا برگستوان نشسته بود دلیل بود که کار وی محکم
و استوار گردد و بر دشمن ظفر یابد و خصم را قهر کند جابر مغربی گوید اگر بیند که بر اسپی یا برگستوان در میان رزم بید و دید دلیل بود
که کار بمراد و بخت و دولت مساعد او گردد و اگر بیند که برگستوان از اسپ او در افتاد یا ضایع گردید دلیل بود که نامرادی یابد
و در دست خصمان مغلوب گردد **برنج** ابن سیرین گوید که برنج دیدن بخواب مالی بود که برنج حاصل گردد بقدر آنکه دیده
بود کرمانی گوید اگر بیند که برنج پخته همی خورد دلیل بود که حاجت او روا گردد و خیر و نیکی بدو رسد واگر بیند که برنج با گوشت
پخته همی خورد دلیل بود که بهتر بود و نیکوتر بود و برنج با شیر خوردن لغایت نیکو بود واگر بیند که برنج با دوغ پخته همی خورد دلیل
بر غم و اندوه بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن برنج در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم حاجت سیم خیر و منفعت
که بدو رسد **پرنده** ابن سیرین گوید اگر بیند که پرنده داشت و از دست او بپرید و دیگر بار بدست او آمد دلیل بود که حاجت
او روا گردد واگر بیند که پرید دلیل بود که بعضی از مال او برود **پرنیان** بدانکه پرنیان در خواب چون تاویل دیبا
بود و شرح آن در حرف دال بیان کرده شود **بره** ابن سیرین گوید که بره در خواب اگر نر بود و اگر ماده بود فرزند بود
واگر بیند که بره فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را فرزندی آید و آن فرزند بروی بود واگر بیند که بره را بکشت
دلیل بود که فرزند او بمیرد واگر بیند که گوشت بره را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد کرمانی گوید که دیدن بره در خواب
خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بقدر بزرگی و کوچکی او واگر بیند که بره داشت او را مال و غنیمت رسد
بقدر آن واگر بیند که بره یا بزغاله را بکشت و آنرا بخورد و نه از بهر گوشت کشت دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند
حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بره در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم مال حلال سیم معیشت چهارم غم

برف
برق
برگشودن
برنج
پرنده
پرنیان
بره

واندوه **برهنگی** محمد بن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند دلیل بود که حج طلب کند و اگر بیننده خواب مردی مستور صالح بود گناهش عفو گردد و اگر خداوند خواب صالح نباشد دلیلش بد بود کرمانی گوید اگر کسی خود را برهنه بیند و در طلب دنیا بود دلیل بر غم واندوه بود و اگر بیند که ازاری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت مجتهد گردد جابر مغربی گوید برهنگی در خواب دلیل محنت و رسوائی بود اما اگر عورت را پوشیده بیند مرد صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که برهنگی در خواب مرد صالح را خیر و نیکی بود و مرد مفسد را بدی و رسوائی و بیجرمتی **پروانه** ابن سیرین گوید که پروانه در خواب دیدن مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنادانی در هلاک اندازد کرمانی گوید اگر بیند که پروانه از پس پشت او بپرید و انکس او را گرفت دلیل که کنیزکی دوشیزه در راز کند و از وی پسری آید اگر بیند که پروانه را بکشت یا در دست او هلاک شد دلیل که فرزندش هلاک گردد **بروت** در خواب دیدن دلیل بر هیبت مرد کند اگر بیند که کسی بروت او را بمقراض بیاراست تا دلیل نیکو بود و او را مضرت نرسد و اگر بیند که بروت او در دقت پیراستن از تن ببرید یا بسترد دلیل نقصان هیبت مرد بود کرمانی گوید اگر بیند که بروت او دراز شده بود دلیل که او را قوتی بود و اگر بیند که کسی بروت او را برکند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که بروتش سفید گردیده بود دلیل که از کار ناکردنی باز ایستد و اگر بیند که او را بروت بود اگر دراز بود دلیل بر غم واندوه بود و اگر اندک بود دلیل بر عز و جاه و مراد کند **برج** دانیال گوید که دیدن حمل و اسد و قوس لشکر پادشاه بود و دیدن ثور و سنبله و جدی پسر پادشاه و دیدن جوزا و میزان و دلو قاضی و صاحب تدبیر پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت دیدار صاحب شرطه و خراب دار پادشاه بود ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب بیند با مردی محتشم او را کاری افتد و حاجت او روا کند و اگر ثور را بیند با مردی جاهل و نادان او را کاری افتد و حاجت او روا گردد و اگر جوزا را بیند او را با مردی فصیح یا زبان دان کاری افتد و حاجتش روا گردد و اگر سرطان را بیند او را با مردی بی اصل کاری افتد و حاجتش روا گردد و بزرگی و جاه یابد و اگر سنبله را بیند او را با مردی کشاورز نیکو کاری افتد و مرادش بر آید و اگر میزان را بیند او را با مردی قاضی کار افتد و هر وعده که دهد وفا کند و اگر عقرب را بیند با مردی دشمن یا بازنی مفسد بد کاری افتد و او را زحمت رسد و غمگین گردد و اگر قوس را بیند او را با مردی سالار مهتر کاری افتد و حاجت او روا گردد و خلق او را دوست دارند و اگر حوت را بیند او را با مردی غریب ساده دل و نیکرای مهربان کم سخن کاری افتد و حاجت او روا گردد **پری** بدانکه معبران را درین خلافست بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند بخت است و کام روائی در آنکار که بود ابوهریره گوید از رسول خدا روایت که دیدار پری در خواب دولت و بزرگی بود و دست در دست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل خرمی بود محمد بن سیرین گوید که پری بخواب دیدن که خوشخوی و شادمان و خوبروی بود دلیل که عز و دولت یابد و اگر او را زشت و غمگین بیند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر پری خوش را مرده بیند کار او شوریده گردد و اگر با پری جنگ میکرد دلیل که کار او آشفته گردد کرمانی گوید که پریان بعضی مسلمانند در خواب دیدار دوست و بخت و دولت بود و آنچه کافر باشند دیدار ایشان دیدار دشمن و ادبار و اندوه بود دانیال گوید اگر کسی در خواب بیند که در میان پریان بود دلیل بود که بسفر شود و آن سفر او را مبارک بود و اگر بیند که پری او را در گردن گرفت و میرفت دلیل بر عز و جاه و بزرگی بود و اگر بیند که پری او را

از گردن ببیند آخت از جاه و بزرگی بیفتد واگر بیند که پریان بلطف سخن میگفتند دلیل بود که کارش نیکو گردد واگر پریان را در جامه نیکو بیند
حالش نیکو گردد واگر پریان را بجامه بد بیند حالش بد گردد واگر بیند که پری او را چیزی داد از زر وسیم وآنچه برین ماند دلیل بود که دولت
واقبالش زیادت گردد جابر مغربی گوید که اگر پریان را بیمار یا مرده بیند دلیل بود که حال او بد گردد واگر بیند که پادشاه پریان
او را بنواخت دلیل بود که دولت یابد ومقرب پادشاه گردد واگر بیند که پری جایگاه خویش را بدو نمود وخود را بدو عرضه کرد
ودرگاه خود را پنهان کرد دلیل بود که زنی با وی مکر وخیانت سازد واگر بیند که در خانه پریان شد والیشان را می شناخت دلیل
بود که بغربت افتد وشهرها بیند واگر بیند که پری او را همی برد دلیل بود که حاجت او روا گردد از جائی که امید دارد حضرت
صادق علیه السلام فرماید که دیدن پری در خواب بر پنج وجه بود اول دوستی عزیز دوم بخت ودولت سیم کاری
که دارد از آن کامرانی یابد چهارم بزرگی وحشمت پنجم خیر دروغ وکارهای باطل بود **پرواز کردن** دانیال گوید
اگر بیند که چون مرغ از جائی بجائی می پرد دلیل بود که بسفر رود وبقدر بلندی پریدن وی از زمین بلندی وشرف یابد
اگر بیند که راست باسمان میرفت دلیل بود که او را مضرت رسد واگر بیند که چندان پرواز میکرد در هوا که باسمان رسید
ودر آسمان ناپدید شد واز آنجا ناپدید شده بزمین نیامد دلیل کند که زود از دنیا رحلت کند محمد ابن سیرین گوید
که اگر کسی بیند که از جانب قبله بپرید وباز بجای خویش آمد دلیل کند که از سفر زود باز آید با منفعت بسیار خاصه چون بیند
که پرها دارد واگر بیند که بی پر همی پرید دلیل بود که از حال خود بگردد واگر بیند که از بام خویش بر بامی دیگر میپرید
دلیل کند که زن را طلاق دهد وزنی دیگر خواهد یا کنیزکی خرد کرمانی گوید اگر بیند که بعنان آسمان بپرید دلیل کند که حج
کند واگر بیند که از سرای خود بسرای مجهول بپرید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد وباید از گناه توبه کند اگر بیند
که پر داشت لیکن بخلاف پر مرغان دلیل کند که بیمار گردد ونزدیک هلاک رسد وعاقبت شفا یابد واگر بیند که از جائی
بجائی پرواز همیکرد دلیل کند که سفر نزدیک کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که پریدن بخواب بر پنج وجه بود اول
سفر دوم حج سیم بزرگی چهارم تغیر حال پنجم بیماری ومرگ نعوذ بالله **بریان** محمد بن سیرین گوید که بریان در خواب
خداوند سخن بود ودر فراخی طلب روزی وگوشت پخته تاویل بهتر از گوشت خام بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که بریان از گوشت
گوسفند خورد دلیل کند که بقدر آن مال برنج وسختی بدست آورد واگر بیند که بریان از گوشت گاو خورد دلیل بود که از
بیم ایمن گردد واگر بیند که بره بریان همی خورد دلیل بود که او را مالی اندک حاصل گردد وبعضی از معبران گفته اند که خوردن
بره پخته در خواب دلیل آمدن پسری کند جابر مغربی گوید اگر بیند که سر بریان میخورد دلیل بود که او را از جهتی منفعت.
واگر بیند که مرغ بریان میخورد دلیل بود که مالی از جهت زنی بمکر وحیلت بدست آورد واگر بیند که ماهی بریان کرده میخورد دلیل
بود که بسفر شود بطلب علم وبصحبت مردی بزرگ پیوندد اگر خداوند خواب مستور بود واگر مفسد بود دلیل بر رنج وغم واندوه
بود واز دشمن [illegible] ماهی بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود وماهی بزرگ بهتر از خرد بود دیدن بریان فروش در خواب
مردی بود که بسبب وی دیگران فراخ روزی گردند نیز از بقالی جامه فروش بود وبدیشان حرص بر دعلیم جعفر اگر بیند
که بهای جامه درم ودینار بود که دهند وستانند وتاویل درم ودینار [illegible] بود در بریان بریان خبر

پرواز کردن

بریان

لکن اگر بهای جامه درم و دینار چیزی دیگر ستاند نیک و بد دلیل بر نوع آن چیز کند که ستاده بود کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که بزازی میکرد و بهای کالا درم و دینار می‌ستد دلیل کند که او را اندوهی و زیانی رسد و اگر ببیند که کالای دیگر بعوض کالای خویش بستد دلیل کند که مراد حاصل گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بزاز در خواب زینت دنیا بود و نیز ابن سیرین گوید که بزاز در خواب مردی بود بزرگ و ماده بز زنی بود در خواب هم بدین سان اگر بیند بزی مجهول را بکشت دلیل بود که مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که پوست بز را بکند دلیل کند که مال بسیار بستاند و ذخیره کند و اگر ببیند که از گوشت او بخورد دلیل کند که مال بخورد و اگر بیند که بر وی نشست و از هر جانب میراند دلیل بود که با مردی بزرگ مکر و حیله کند و بهر حال که خواهد او را گرداند و اگر ببیند که بز او را از پشت خود بیفکند دلیل کند که آن مرد او را از جاده و جهت بیفگند و اگر ببیند که هر دو سرون بز را بشکست دلیل کند که آن مرد را از عمل منع کند و اگر ببیند که سرونهای بز دراز و قوی شده بود یا در عدد زیاده گردیده بود دلیل بود که در عمل خود مهتر و قوی گردد و بر ایشان ظفر یابد و اگر ببیند که موی او زیاده شده بود دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر ببیند که پشم او بستد دلیل کند که بقدر آن مال از فرزند بستاند و اگر ببیند که ماده بزی را بیافت یا کسی به وی بخشید دلیل که زنی بخواهد کرمانی گوید اگر ببیند که ماده بز بزاید و بدوشید و شیر او را بخورد دلیل که از زنی مال یابد و اگر ببیند که ماده بز را بکشت و گوشت او را بخورد دلیل که از آن زن حاجت او روا گردد و اگر ببیند که ماده بز را بی‌آنکه گوشت بخورد بکشت دلیل کند که زنی بنکاح خواهد چون از او فایده نه بیند و اگر ببیند که ماده بز از خانه او بیرون شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر ببیند که رمهٔ بز در خانه داشت یا بجای دیگر دانست که ملک اوست دلیل که بقدر آن وی را مال و نعمت و غنیمت بدست آید و اگر ببیند که رمهٔ بز و گوسفند در صحرا میچرانید و هر جا که میخواست میبرد دلیل بود که بولایتی از عرب یا از عجم حاکم گردد جابر مغربی گوید که اگر ببیند که از گوشت ماده بز میخورد دلیل کند که بیمار گردد و زود شفا یابد و پوست و پشم و شیر بز در خواب خیر و برکت و مال بود که بدو رسد و اگر ببیند که بزغاله بدو دادند یا بیافت یا بخرید دلیل کند که وی را فرزندی مبارک آید و اگر بزغاله را بکشت دلیل که فرزند او هلاک گردد و اگر ببیند که گوشت بزغاله را بخورد دلیل که از مال فرزند چیزی بخورد حضرت صادق علیه السلام فرماید که نر بز در خواب مقدمهٔ لشکر بود و اگر ببیند که نر بز بیافت و بر وی نشست دلیل بود که این مرد مقدم لشکر گردد و اگر از مردم عامه بود دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و توانگر گردد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که از پیغمبر شنیدم که فرمود که هر که بز را بخواب ببیند که بخرید و بخانه برد چهل درویشی از وی دور گردد و دیدن بز فروش در خواب مردی بود که مردان و زنان را جمع کند کرمانی گوید که بز ماده در خواب دیدن و گوشت او خوردن مالی جمع کردن بود و بعضی از معبران گویند که مالی جمع کرده او را حاصل گردد جابر مغربی گوید که بز ماده دیدن و خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود دلیل بر غم و اندوه کند بذر قطونا ابن سیرین گوید که دیدن بذر قطونا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود بساط بدانکه بساط در خواب شادمان بود و اگر بیند که بساطی بگسترد و بر روی نشست دلیل بود که روزی بر وی فراخ گردد و عمرش دراز بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بساط پاکیزه و نو داشت و بزرگ فراخ دلیل بود که نعمت و مال او بسیار گردد خاصه که گسترده بیند که بساط خویش بفروخت یا بکسی بخشید دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بیند که بساط او بسوخت دلیل کند که روزی بر وی بسته گردد و حالش بد شود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بساط در خواب چون بزرگ و نو بود بر شش وجه بود اول عز و جاه

بذر قطونا

بساط

دوم بزرگی رفعت سیم قربت چهارم مال پنجم عمر دراز ششم ثنا بقدر بزرگی بود اگر چون بساط فروشش بجا البتا خلاف این بود بستر
ابن سیرین گوید که بستر در خواب زن بود و نیک و بد آن تعلق بزن دارد و اگر بیند که بستری یا بستر را بدل کرد یا ان بستر بدل بستر
دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر از حال خود متغیر گردید دلیل بود که زن او از حال
بحال دیگر گردد و اگر بیند که بستر وی بستر دیگر شد بستر زنان یا کتان دلیل کند که زنی بخواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند
که بستر خویش را بفروخت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او عاجب گردد یا از ایشان یکی بمیرد کرمانی گوید اگر کسی خود را
بر بستر مجهول بیند دلیل که اقبال و قیمت آن او را زیانی رسد و اگر بیند که بستر وی بر تختی مجهول گسترده بود و بر وی نشسته بود
دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و دشمنان او را قهر کند جابر مغربی گوید که بستر در خواب ولایت و تن آسانی بود قوله تعالی مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ
فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ و اگر بیند که بستر را از خانه بیرون انداخت و بعد از ان بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن
طلاق رجعی افتد و اگر خویشتن را بسه بستر یا چهار بستر یک جا افتاده بیند دلیل کند که بشماره هر بستری زنی بخواهد یا کنیزک خرد و اگر بستر خود را
در نهاد بیند یا در مغاک که از انجا بیرون نتوانست آورد دلیل بود که زنش رنجور گردد و از ان رنج خلاصی نیابد و اگر خویشتن را بر بستری
گسترده بیند که خفته بود دلیل بود که آن سال بر وی مبارک گردد و اگر بیند که بستر او از پشم آگنده بود دلیل بود که زن توانگر خواهد
و اگر بیند که بستر او دریده بود یا سوخته بود دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش بی دین و دیانت و شرم نباشد اگر بیند که بستر او
ابریشمین بود یا بستر کرباسین بدل کرد دلیل بود که زن فاسقه را دست بدارد و زن مستوره بخواهد و اگر بیند که بستر او سوخته و سوراخ
کرده بود دلیل بود که میان زن او و کسی دیگر اسرار عاطفی اتفاق افتد و بفساد رضا دهد و اگر بسترش در هوا معلق بود دلیل بود که
بستر او در جایگاهی بلند گسترده گردد و شغل او بالا گیرد و دولت یابد و اگر بیند که بستر وی از هوا بزمین افتاد دلیل کند که زنش بیمار گردد
و بعاقبت شفا یابد دانیال علیه السلام گوید اگر بستر خود را سبز بیند دلیل بود که زنی خواهد دین دار و پارسا و اگر بستر خود را سرخ بیند دلیل
بود که زن او بد خو و ناسزا کار گردد و اگر بیند که بسترش کهنه بود و نو شد دلیل بود که زنش از خلق بد بخلق نیک باز گردد و اگر بیند که کهنه شد
همچنین دلیل کند که از خلق نیک بخلق بد باز گردد و اگر بیند که بستر او سبز بود و سرخ شد دلیل بود که زن وی از صلاح بفساد مایل گردد
و اگر بخلاف این بود از فساد بصلاح باز آید و اگر بیند که بستر او سرخ بود و سفید گردید یا زرد شد دلیل بود که زنش از گناه توبه کند
و بیمار گردد چنانکه بیم مرگ بود و اگر بیند که بستر او ربوده در زیر خود گسترده بود و بالشها نهاده بود دلیل بود که زن کند اگر کنیزکان خادمان
خرد و اگر بر بستر خویش بالشها دید نهاده دلیل بر خادمان کند قوله تعالی وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ اگر بیند که بستر بجای مجهول بود دلیل بود که
زمینی بخرد و در ان کشاورزی کند و معبران گویند که میراث یابد و اگر بیند که بر بستر خفته بود دلیل که راحت و آسانی یابد و اگر بیند که بستر وی در هوا
بر وی خفته بود دلیل است که بسبب زن جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که بسترش دریده بود دلیل بود که زنش نابکار بود و معبران گویند که زنش بمیرد و اگر بیند که
آتش در بستر او افتاد و بسوخت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا بمیرد حضرت صادق ع فرماید دیدن بستر در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سیم [illegible]
چهارم معیشت و منفعت و تن آسانی **لبت** ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که لبت میخورد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر
بیند که لبت بکسی داد یا بفروخت دلیل بود که از وی بدانکه داد غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که لبت داشت و از خانه بیرون
ریخت یا بکسی بخشید و هیچ از ان نخورد دلیل بود که غم سبک گردد و از ان خلاصی یابد **لبستان** افروزه ابن سیرین گوید لبستان

افزون در خواب دیدن شادی بود لکن بزین بد بود و اگر بیند که بستان افروز فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بر خرمی و شادی بود که خرم گردد
و اگر بیند که بستان افروز بکسی داد دلیل بود که او را خرم گرداند کرمانی گوید که بستان افروز چون بوقت خود بیند بهتری بود و بعضی از
معبران گویند که زن بازرگان توانگر بود با جمال و خوش طبع بود و اگر بیند که بستان افروز در خواب جایگاه خویش بیکرد دلیل که ویرا بازرگانی
دوست و مصاحب افتد و اگر بیند که از زمین برکند دلیل که از صحبت مردی جدا گردد **پستان** در خواب دختر بود و آنچه در
پستان بیند از زیادت و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کنند و اگر بیند که از پستانش شیر روان گردید دلیل که بر وی
نعمت و روزی فراخ گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از پستانش خون روان شده بود دلیل بود که مال حرام یابد
و اگر بیند که پستان بیش از اندازه فرو آویخته بود دلیل بود که او را دختری آید و اگر مردی بیند که در پستان او شیر جمع گردیده بود
اگر زن ندارد و زن خواهد فرزندش آید و اگر زن دارد توانگر گردد و اگر این خواب را عجوزه بیند دلیل بود بر درویشی وی و اگر
زن جوان این خواب را بیند دلیل بود که عمرش دراز بود و اگر دختری بیند دلیل بود که هم در خوردی بمیرد کرمانی گوید اگر مردی بیند
که پستان مردی می مکید دلیل بود که بیمار گردد و اگر زنش آبستن بود پسر آرد و اگر زن بیند که از پستان مینوشد دلیل کند که کار دنیا
بروی بسته گردد و جابر مغربی گوید که پستان مرد در خواب زن او بود و پستان زن دختر وی و اگر زنی بیند که پستان او بریده بود دلیل
بود دخترش بمیرد و اگر مردی بیند که پستانش بریده بود دلیل بود که زنش بمیرد و اگر زنی بیند که در زیر پستان پستانی دیگر برآمد دلیل بود
که دختر او ... و اگر بیند که هر دو پستانش بزرگ شده بود دلیل بود که احوال فرزندانش نیکو گردد یا دختر را بشوهر دهد و اگر بیند که از
پستان خود شیر میخورد دلیل بود که او را غم و ملامت رسد و اگر بیند که از پستان وی شیر شکم او میشد دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند
که یک پستانش بآتش بسوخت دلیل بود که دخترش را شغلی افتد از پادشاهی و اگر بیند که برهنه تنش پستانها بود دلیل بود که اهل و فرزندش
بسیار گردد و اگر فرزند ندارد از مالش زیادت گردد لیکن با مردمان ملامت بود و اگر زنی بیند که او را از پستان آویخته بود دلیل
بود که از حرام پسری آرد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پستان در خواب بر پنج وجه بود اول فرزندان خرد دوم دختران سیم
خادمان چهارم دوستان پنجم برادران **پستان بند** ابن سیرین گوید که دیدن پستان بند در خواب زن را عز و مرتبت و کامرانی
بود و مرد را از خم تازیانه و غم و اندیشه بود و اگر زنی بیند که پستان بند نو و تازه داشت دلیل بود که عز و مرتبت یابد و بکام رسد
و اگر زنی بیند که پستان بند داشت دلیل بود که مال و نعمت یابد و شادمان گردد و اگر مردی بیند دلیل بود بر خذلان و نامرادی از
همانان **پشت** ابن سیرین گوید که پشت در خواب دیدن مردی بود که از او قوة و پناه و یاری طلبد و اگر بیند که پشت او بشکست
دلیل بود که آنکس که پشت و پناه او بود از دنیا رحلت کند و اگر بیند که زخمی به پشت او رسید دلیل بود که رنجی و آفتی بدو رسد
که پشت و استظهار او بود کرمانی گوید مهرهای پشت قوة و فرزند بود و هر صلاح و فساد که در مهرهای پشت بود تاویلش به قوة
فرزندان بینند در خواب رسد و اگر بیند که پشت او درشت و با قوة بود دلیل بود که او را فرزندی بتن قوی و دانا و با اقبال
بود و اگر بیند که چیزی بر پشت گرفت دلیل بود که بقدر آن گرانی و غم و اندوه بوی رسد اگر بیند که مرده بر پشت گرفت دلیل بود
که سرزنش کسان مرده بوی بود و اگر بیند که پشت او برگشت دلیل بود که حال او بد گردد و جابر مغربی گوید که پشت دشمن بخواب
دیدن ایمنی بود از شر دشمن و دیدن پشت زن دلیل برگشتن دنیا بود اسماعیل اشعث گوید که پشت بخواب دیدن

پستان

پستان بند

پشت

برادر بود اگر بیند که پشت او بشکست دلیل که برادرش بمیرد واگر بیند که پشت او در هم کرد دلیل بود که برادرش بیمار شود یا از جهت غم و اندوه رسد واگر بیند که بسبب علتی پشت او را داغ کردند دلیل بود بر صلاح دین و دنیای وی واگر بیند که پشت بدیوار باز داد دلیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق ع فرماید که پشت بخواب دیدن بر دوازده وجه بود اول قوة دویم برادر سیم یار چهارم پادشاه پنجم وزیر ششم صحبت هفتم پدر هشتم برادر نهم پسر دهم مال یازدهم یاری دادن دوازدهم جد یعنی پدر پدر و معبران گفته اند که دیدن پشت کافران را ایمان بود و فاسقان را توبه و جادو را اسلام و منافق را اخلاص **پشته** ابن سیرین گوید که اگر کسی دید در پشته زمین هاموار نشسته بود یا بر پشته کوهی دلیل بود که بر مردی بزرگوار که شرف و منزلت یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که بر این کوهست واگر بیند که بر سر آن پشته ایستاده بود دلیل بنزدیک مردی بزرگ شود و از وی مال و حرمت یابد واگر بیند که آن پشته ملک و موضع او بود دلیل بود که مردی بزرگ او را قهر کند و نعمت و مال او بستاند و بجای او مقیم گردد واگر بیند که بعضی از آن پشته ملک او است دلیل بود که بقدر آن نعمت و بزرگی یابد واگر بیند که از آن بزیر افتاد یا کسی او را بزیر انداخت دلیل بود که بسبب مردی بزرگوار بحرمت گردد و مضرت بیند واگر بیند که بر آن پشته بدشواری و زحمت بالا میرفت دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد حضرت صادق ع فرماید که پشته دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بلندی دویم آل سیم توشه چهارم تومندی **پشم** ابن سیرین گوید که پشم در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی بود و پشمی که بافته نباشد بهتر بود و نیکوتر واگر بیند که پشم داشت یا کسی بدو داد یا بخرید یا بموضع خویش بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد قوله تعالی وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ کرمانی گوید که پشم از خویشتن دور همی انداخت دلیل بود که مال خود را تلف کند واگر بیند که پشم همی سوخت دلیل بود که مال خود را هزینه کند واگر بیند که بر تن وی جامه پشمین بود دلیل بود که او را از زنان مال حاصل گردد واگر بیند که جامه پشمین یا پنبه عصیده یا بهتری از پشم داشت دلیل کند که زنی توانگر بخواهد جابر مغربی گوید که پشم اشتر در خواب مال بود از قبل پادشاه و معبران گویند که میراث بود **پشه** ابن سیرین گوید که پشه مردی ضعیف و خوار و ناکس بود و کاری اندک و حقیر کند واگر بیند که با پشه جنگ میکرد دلیل بود که با مردی ضعیف خصومت کند واگر بیند که پشه بگلوی او فرو شد دلیل بود که با مردی حقیر بکاری حقیر مشغول گردد و از او اندک چیزی بدو رسد واگر بیند که پشه بسیار بر تن او جمع شدند و او را میگزیدند دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی مضرت رسد و باشد که او را زیان رسد زیرا که پشه خون مردم مکد واگر بیند که پشه در گوش یا در بینی او فرو شد و از او رنج و گزند یافت دلیل بود که از مردم ضعیف بد و رنج دگر نرسد کرمانی گوید اگر بیند که پشه بسیار بخانه او در آمدند دلیل بود که او را غم و اندوه رسد واگر بیند که پشه کان غلبه کردند و در خانه او جمع شدند دلیل بود که بر دشمن ضعیف ظفر یابد اگر بیند که پشه در بینی او شد و بیرون نیامد دلیل بود که در محنت و بلا گرفتار گردد **بط** ابن سیرین گوید که بط در خواب دیدن مال و نعمت بود که بدو رسد بقدر آنکه دیده بود خاصه که در خانه و ملک خود دیده بود واگر بیند که بطان بسیار در سرا یا در کوچه او جمع شده بودند و بانگ می داشتند دلیل بود که در آن موضع مصیبت افتد اگر بیند که با وی سخن گفت دلیل بود که بسبب زنی توانگر سفر کند و در آن سفر راست و منفعت یابد کرمانی گوید بط در خواب مردی بود بزرگ از اهل بیت با مال و حشم بسیار اگر بیند که از اندام چیزی یافت دلیل بود که از مردم بدین صفت که گفته شد چیزی یابد حضرت

بغل

صادق ع فرماید که بط سفید در خواب مال بود یا زن توانگر و بط سیاه در خواب کنیزک بود اگر بیند که بط را بکشت و از گوشت و

دلیل بود که مال زن بمیراث ستاند و نهر بیه کند **بغل** ابن سیرین گوید که بغل دیدن بخواب دلیل بر ملامت و دشمنی بود که بدو رسد

بغل دلیل کند بر یافتن مراد و غالب شدن دشمن بر وی کرمانی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آید دلیل بود که مال حـ

یا بد جابر مغربی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آید هم مال حرام یا بد و اگر کسی بیند که دستها در زیر بغل داشت دلیل

بر یافتن مراد و قهر دشمن قوله تعالی وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ و بعضی از معبران گویند که دلیـ

بر داشتن مروت و جوانمردی و هر که بیند که در بغل او نقصانی نیست دلیل بود که نامرادی کشد و دشمن بر وی غالب گردد اگر بینـ

از بغل وی بوی ناخوش می آید دلیل بود که مال بوی رسد اما بدشواری و اگر بیند که او زیر بغل عرق روان شد دلیل بود که بقد

آن عرق از مال چیزی نقصان گردد

بقالی کردن

بقالی کردن ابن سیرین گوید که بقالی کردن در خواب جهد کردن بود در کارها و چیز

حاصل کردن بجهت معیشت اگر بیند که بقالی همی کرد دلیل بود که بکار و کسب دنیا مشغول گردد و بقدر آن آنچه داشت و از متاع

دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که متاعهای بقالی را بزر و درم میفروخت دلیل کند بر غم و اندوه زیراکه زر و درم نباید دیل

غم و اندوه بود حضرت صادق ع فرماید که بقالی کردن در خواب بر سه وجه بود اول کسب کردن دوم منفعت یافتن سیم غم و اندوه

بلانگینی

چون بیند که متاعها را میفروخت بزر و درهم **بلانگینی** ابن سیرین گوید که بلانگینی در دست داشتن بخواب دلیل بود که او را

از کسی مدد و قوت نباشد اگر بیند که بلانگینی از چوب نرم جسته بود تاویلش بخلاف این بود که گفته شد

پلاس

پلاس در خواب پیرزن

درویشی بود مصلح و پارسا و دین دار از اقوال و افعال با امانت اگر بیند که پلاسی پوشیده داشت دلیل بود که او را با چنین

مردی صحبت افتد و از او خیر و منفعت آخرت یابد و اگر بیند که پلاس بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل

گردد و معبران گویند که پلاس مالی حلال بود و اگر بخواب بیند که پلاس نو یافت دلیل بود که زن پارسای توانگر بخواهد و از او خیر

منفعت بیند و اگر مردی بیند که پلاس نو بخرید دلیل بود که کنیزک پارسا بخرد و از او خیر و منفعت یابد

بلبل دیدن

بلبل دیدن

کرمانی گوید بلبل در خواب دیدن فرزند کوچک و غلام بود و آواز او در خواب کلام خوش و سخن لطیف بود اگر بیند که بلبلی بپرید بلبل

بود که فرزند یا غلام او ضایع گردد و اگر بیند که بلبل در دست بمرد دلیل بود که فرزند یا غلامش بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلبلان

بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن غلامان بخرد و اگر بیند که بلبلان را بکشت و از گوشت آنها بخورد دلیل بود که غلام او بمیرد

بلبله

یا بد **بلبله** کرمانی گوید که بلبله در خواب دیدن کنیزک بود ابن سیرین گوید زن او بود و اگر بیند که بلبله خریده یا

کسی بوی داد دلیل بود که کنیزک خرد یا زن خواهد و اگر بیند که از آن بلبله آب همی خورد دلیل بود که با زن مجامعت کند

و اگر بیند که آن بلبله بشکست دلیل بود که زن یا کنیزک وی بمیرد **حکایت** کنند از ابو خلده که او گفت که پیش محمد بن سیرین

بودم مردی بیامد و گفت بخواب دیدم که از بلبله آب میخوردم و آن بلبله را دو در بود از یکی آب شیرین خوش

بیرون همی آمد و از یکی آب شور و تلخ ابن سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زنی و هر دو را بکار میداری توبه کن و از خدمت ایشان

بترس مرد گفت چنین است که تو گفتی توبه کردم و بخدا باز گردیدم

بلغم دیدن

بلغم دیدن ابن سیرین گوید که بلغم در خواب مالی بود که بر تن

صلاح آن مال انفقه کند اگر کسی بخواب بیند که بلغم بجای کا هی جز که انداخت تاویلش بخلاف این بود اگر ببیند که بلغم

سفید از گلو بر انداخت بجای پاکیزه دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند کرمانی گوید اگر بیماری بیند که بلغم را برافکند دلیل بود که از بیماری شفا
یابد و اگر بیند که بلغم سیاه برافگند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که بلغم خون آلود بود دلیل بود که از مال وی چیزی نقصان گردد و اگر
بیند که بلغم بر درون خانه خود انداخت دلیل بود که مال بر بیگانگان نفقه کند و اگر بیند که بلغم در مسجد افگند دلیل بود که مال بود
که مال نه بوجه صلاح بر بیگانگان نفقه کند **برگ** ابن سیرین گوید که در خواب دیدن برگ درخت بر درخت خلق و خوی به بعضی دیدند و غوب
بود خاصه هنگام وی و اگر ببیند که برگ سبز از درخت پاره فرا گرفت یا کسی باو داد دلیل بیننده خواب را خلق و خوی خوش
بود و نیکو کرمانی گوید اگر کسی بیند که از درخت برگ تازه فرا گرفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل گردد جابر مغربی گوید
که برگ درختان در خواب که میوهٔ شیرین بود دلیل بر خلق نیکو بود و برگ درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برگ درختانیکه
بار نیاورند دلیل بر درم و دینار بود و معبر آن گوید که برگ درختانیکه میوه دارند دلیل بر درم و دینار کند **پلنگ** ابن سیرین
گوید که پلنگ در خواب دشمنی قوی و توانا بود و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه
بود یعنی اگر پلنگ بر وی غلبه کرد و دشمن بر وی غالب گردد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب گردد و اگر بیند که گوشت پلنگ همی خورد دلیل بود که بر
جنگ و خصومت افتد لیکن مظفر گردد و شرف و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که بر پلنگ نشست دلیل بود بر عز و جاه وی و دشمن را قهر کند و اگر بیند که با پلنگ جنگ
میکرد و هیچ کدام بر دیگر ظفر نیافتند دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بدو رسد یا بیماری صعب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که شیر پلنگ را همی خورد
دلیل بود که از دشمن ترسی بدو رسد و سرانجام ایمن گردد و اگر بیند که پوست پلنگ یا استخوان یا موی او را فرا گرفت یا کسی
بدو داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیابد و اگر ببیند که پلنگی را بکشت دلیل بود که از اسلام روی بگرداند
و در او هیچ خیر نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی دویم مال
یافتن از دشمن سیم ترس از پادشاه **بلور** بدانکه بلور در خواب زنی بی اصل بود و اگر بیند که بلور داشت یا کسی بدو داد دلیل بود
که زنی بی اصل بزنی بخواهد و اگر بیند که بلور داشت یا ضایع شد دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب گردد و اگر بیند
که بلور بسیار داشت دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلور میفروخت دلیل بود که دلالگی
زنان بی اصل کند و اگر ببیند که بعضی از ان بلور که میفروخت بعضی سوراخ نداشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلالگی
دختران دوشیزه و زنان بیوهٔ بی اصل کند **بلوط** ابن سیرین گوید که دیدن بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر آنکه
خورده بود اگر ببیند که در خانهٔ وی انبارهای بلوط بود دلیل بود که مال و نعمت بسیار او را در آنسال حاصل گردد و چون
داند که آن بلوط ملک ویست و اگر بلوط در خانه دیگران بود دلیل که مردمان پیش او امانتها نهند حضرت صادق علیه السلام
فرماید که دیدن بلوط در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دویم منفعت سیم معیشت نیکو **پلیته**
کرمانی گوید که پلیته افروخته در خواب کار فرمائی بود که در پیش مردمان بود و پیرامن گردند و خدمتش کنند
اگر پلیته افروخته نباشد تاویلش بخلاف این بود **بناگوش** در خواب دیدن لیسری خوش روی
مبارک بود و هر دو بناگوش دو پسر بود کرمانی گوید که دیدن بناگوش در خواب دلیل بر قدر و جاه او بود و زیادت
و نقصان دیدن در بناگوش دلیل بر قدر و جاه صاحب خواب بود حضرت صادق علیه الصلوة و السلام فرماید

که دیدن ناگوش در خواب بر چهار وجه بود اول اسیری نیکو مردی دوم قدر و جاه سیم دین درست چهارم منفعت از سبب فرزند

پنبه ابن سیرین گوید که پنبه در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده بود از اندک و بسیار و پنبه دانه بخواب دیدن دلیل بر مال بود که او را آسان بدست آورد بی رنج و تعب حضرت صادق علیه السلام فرماید که پنبه در خواب بر سه وجه بود اول مال حلال دوم منفعت سیم شهر بودن **پنبه دانه** ابن سیرین گوید پنبه دانه در خواب مرد با خصومت و بیهوده گو بود **گنجشک** دانیال گوید گنجشک در خواب دیدن مردی با قدر و جاه بود اگر صاحب ستور بود و اگر مستور نبود و بیند که او را بدام یا بحیلتی بگرفت دلیل بود که با مردم بمعیار مکر و حیلتی سازد و او را قهر کند و اگر بیند که گنجشک ماده بگرفت دلیل بود که زنی با قدر بروی ظفر یابد و اگر بیند که از گوشت وی بخورد دلیل بود که از مال آن مرد بدان قدر که گوشت وی خورده بود بدو رسد و اگر بیند که گنجشک از آشیانه بیرون آورد دلیل که بدو رنج و ملامت رسد کرمانی گوید که ابن سیرین گوید اگر بیند که بچگان گنجشک را شکار میکرد و گردن ایشان را فرو میشکست و در انبان می نهاد دلیل که معلمی کودکان بکند و اندام ایشان را بچوب خورد کند و اگر بیند گنجشک سرخ را صید کرد دلیل که زنی خوبروی خواهد یا کنیزکی با جمال بخرد و اگر بیند که گنجشکی زرد یافت دلیل بود که زنی بیمار گونه زرد رنگ کند و معبران گویند که گنجشک یافتن در خواب فرزند بود یا غلام و اگر بیند که گنجشکی کور داشت دلیل بود که با مردی هوادار بفعل دوستی کند و گفته اند که یافتن گنجشک در خواب دلیل بود که اگر درویش بود شش درم بیابد و اگر توانگر بود شش هزار درم بیابد و خانه گنجشک در خواب دیدن دلیل بر خیر و خرمی و ایمنی بود و اگر بیند که بچگان گنجشک را از خانه بیرون آورد دلیل بود که او را فرزندان باشند از حلال و حرام و اگر بخواب بیند که گنجشک آواز میکرد و آواز می شنید دلیل بود که سخنهای شنود که او را از آن شگفت آید و معبران گویند که آواز گنجشکان در خواب تسبیح کردن بود و اگر بیند که گنجشکان او را بسیار حاصل شدند دلیل بود که بر سر قومی سروری کند و مال بسیار یابد کرمانی گوید که گنجشک در خواب چون یکی بیند فرزند بود و اگر بیند که گنجشکان بسیار بانگ میداشتند دلیل بود که او را با مردمان غوغا کاری افتد و اگر بیند که گنجشک در دهان نهاد و فرو برد دلیل بود که او را فرزندی آید اگر بیند که گنجشک بسیاری بدو بخشیدند دلیل بود که بقدر آن مال یابد اگر بیند که گنجشک را بکشت یا در دست او بمرد دلیل کند که زیانی بدو رسد و فرزندش بمیرد و اگر بیند که خانه گنجشک بگرفت دلیل بود که او را فرزند آید درشت و بزرگ اندام حضرت صادق فرماید که دیدن گنجشکان در خواب بر نه وجه بود اول پادشاه دوم والی سیم مردی بزرگ قدر چهارم غلام خوب روی پنجم قاضی ششم بازرگان هفتم مرد راه زن هشتم مرد با خصومت نهم مردی بجماع کردن مولع بود **حکایت** ابو خلده حکایت کرد که پیش محمد بن سیرین بودم که مردی بیامد و گفت که بخواب دیدم که در آستین گنجشکان داشتم و یک یک را بیرون می آوردم و میکشتم و شهادت میگفتم و آزاد رها می انداختم تاویلش چگونه بود ابن سیرین گفت خانه کجا داری گفت فلان محله و فلان کوچه ابن سیرین گفت که یکساعت بنشین تا باز آیم پس برخاست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال چنین است و در ایذای مردم است و مردان پادشاه را در خانه او در آورد و در آنجا جست و جو کردند دیدند که قریب به پنجاه مرد کشته و در آنجا انداخته بدانستند که آن مرد ایشان را بحیله بدانجا میبرد و مال ایشان را میگرفت و ایشان را میکشت و در خانه می انداخت و پادشاه وقت بفرمود تا او را بکشتند و مردم از تعبیر ابن سیرین شگفت ماندند تعبیر گنجشک در خواب کودک خورد بود تاویلش از نیک و بد آن بر کودک خورد رسد **گوگرد** دانیال و ابن سیرین گوید که گر مردی بیند که کسی مصلحت اندیش است و از کردن پند او اصلاح دنیا و کار آخرت بود دلیل بود بر نشانی که در آن آسیب موری دنیا و جز

پنبه

پنبه دانه

گنجشک

داگر بخلاف بیند دلیل بر فساد و تباهی دین و دنیای او بود جابر مغربی گوید که پند دادن در خواب کسی را که در او صلاح دین بود و نیک بود و پند دهنده فرشته مقرب بود که بشارت دهد صاحب خواب را بخیرات که بدو خواهد رسید تا شکر آن بجای آورد و پند دادن که در او فساد دین بود و پند دهنده آن دیو رجیم بود که او را خبر میدهد از تباهی و فساد کار او را توبه باید کردن و بخدا باز گشتن تا او را از شر و فساد نگاهدارد و از عذاب حقتعالی رسته گردد **بند نهادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بند آهنین در پای داشت دلیل بود که دین او بخلل بوده و او دعوی مسلمانی کند بدروغ و مردی بخیل بود و از وی چیزی بکسی نرسد و بعضی از معبران گویند که چون مردی مصلح بدست خود بند بیند دلیل بود که از کارهای بد و ناسزا باز ماند و از دوست بدارد و اگر بند دست از چوب بیند آنکه گفتیم کمتر و آسان تر بود کرمانی گوید اگر کسی در گردن خود بندی از چوب بیند دلیل که امانتی در گردن او بود و او امانت نمیگذارد و اگر بند چوبین بر پای خود بیند دلیل بود که از طاعت حقتعالی باز ماند و اگر آنکس در سفر بود بسلامت باز آید و اگر بیند که بند گردنش از سیم بود دلیل بود که او را بسبب زن رنج و زحمت بود و اگر بیند که بندش از زر بود رنج و زحمتش از جهة مال بود و اگر بیند که بندش از مس بود دلیل بود که سبب رنج او از کسب و معیشت دنیا بود و اگر بیند که بند را بشکست هم خلل بود او را بر دین خاصه که بند او بر دست بود و اگر بیند که بند از پای او برداشتند دلیل بود که از عمل پادشاه خلاصی یابد و اگر بر پای خود کند بند نهاده بیند دلیل بود که او را با مردی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را بر رسن بسته بیند دلیل بود که از کسی بوی منفعت رسد دانیال گوید که اگر امیری بیند که بر پای خود بند آهنین داشت دلیل که از ولایت خویش بسفر شود و در آن سفر بماند و اگر کسی بیند که بر هر دو پایش بند نهاده بود دلیل بود که ولایت یابد و اگر بیند که چهار بند بر پای داشت دلیل بود که او را چهار پسر آید و اگر بیند که بند از پای او برداشته اند دلیل بود که از غمها فرج یابد و اگر امیری بیند که پای او در بند و زنجیر بود دلیل بود که او را از ترسایان منفعت رسد و بعضی از معبران گویند که کار وی آسان گردد و اگر بیند که بند او از سیمین بود دلیل بود که زنی بنکاح خواهد یا بزنی عاشق گردد و اگر بیند که بند او زرین بود دلیل که بسفر شود یا بیمار گردد و اگر بیند که بند او آهنین بود دلیل که سفر دور کند جابر مغربی گوید که بند در خواب ثبات دین بود بقول جناب پیغمبر که فرمودند أُحِبُّ الْقَيْدَ فِي النَّوْمِ وَلَا أُحِبُّ الْغُلَّ لِأَنَّ الْقَيْدَ ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ یعنی دوست دارم پای بند را در خواب و غل را دوست ندارم زیرا که بند پای بندگی بود در دین حضرت صادق ع فرماید که دیدن بند در خواب بر چهار وجه بود اول کفر دویم نفاق سیم بخل چهارم از معصیت دست برداشتن و بعضی از معبران گویند که غل در دست بخواب دیدن پادشاه ظالم را کوتاه دستی بود از ظلم **بنده** ابن سیرین گوید که هر که بنده نابالغ را بخواب بیند که بالغ شده است دلیل بود که آزاد گردد و اگر کسی بیند که بنده خود را آزاد کرد دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر بنده را بیند که خواجه را بفروخت دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که بنده را بفروخت دلیل بود که شادمان گردد **بنفشه** محمد بن سیرین گوید بنفشه در خواب دیدن بوقت خود دلیل بود که از زنی یا کنیزکی چیزی بوی رسد یا او را فرزندی آید و اگر وی را از درخت خویش جدا بیند دلیل بود که از غم و اندوه خورد کرمانی گوید اگر زنی بیند که بنفشه از درخت بکند و بشوهر خویش داد دلیل بود که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که کسی دسته بنفشه بدو داد دلیل بود که میان ایشان مفارقت افتد جابر مغربی گوید که درخت بنفشه در خواب کنیزکی بود برخی و ناساز کار **بنیاد نهادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بنیاد نو نهاد فایده دنیاوی بیند از خاص و عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بیند که بنیاد دیگر نهاد در جای مجهول و نداند که از آن کیست دلیل کند

بند نهادن

بنده

بنفشه

بنیاد نهادن

که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بیند که بنیاد سرا بر زمین و ملک خود نهاد دلیل بود که فایده روزی حلال یا بر کرانی گوید اگر بیند
که بنیاد از خشت پخته و گچ نهاد دلیل بود که مال او از حرام حاصل گردد و اگر بیند که بنیادی از خشت خام بر هوا نهاد دلیل بود که
همه او بلند بود در کار دین و اگر بیند که بنیاد دیوار از خشت پخته نهاد و بر آورد دلیل بود که در مال و کارهای دنیا معزور بود و اگر بیند
خواب بنا کرده بود و زن دستاند دلیل بود که منفعة یابد و اگر بیند که بنیاد را از خشت پخته بر آورد دلیل بود که منفعت یابد از پادشاه
و اگر بیند که بنیاد از خشت خام و گل بر آورد دلیل بود که منفعت از مردم عام یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که اگر کسی بیند که شهری
بنا کرد دلیل بود که جماعتی از مردمان را در پناه خود گیرد و اگر بیند که قلعه بنا کرد دلیل بود که از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیند
که کوشکی بنا کرد دلیل بود که بکار دنیا مشغول گردد و اگر بیند که سرائی بنا کرد و در وی بنشست دلیل بود که نفعها و چیزها بیند و اگر
بیند که مسجدی را بنا کرد دلیل بود که جمعی را بکار صلاح جمع آورد و اگر بیند که بنای مناره نهاد دلیل بود که نام او بخیرات منتشر
گردد و اگر بیند که طرازی بنا کرد دلیل بود که زنی خواهد و اگر ماده بنا کرد دلیل بود که در غم و رنج افتد و اگر بیند که باغی بنا کرد دلیل بود
که زنی توانگر پارسا بخواهد و اگر بیند که گورستانی را بنا کرد دلیل بود که بکار آخرت مشغول گردد و اگر بیند که قبه بنا کرد دلیل بود که
قدر و منزلت جوید بدانکه هر بنیادی که بنهد و تمام کند دلیل بود که کار دنیا و دین او تمام گردد و اگر بیند که آن بنا تمام نکرد کارش
ناتمام ماند **پنیر** محمد بن سیرین گوید که پنیر در خواب اگر خشک بود مال اندک بود که از سفر حاصل گردد بیننده خواب را و پنیر تر مال بسیار
بود که در حضر بدست آید جابر مغربی گوید که پنیر تر مال و نعمت بود که باسانی بیاید و پنیر خشک سفری بود با اندک منفعت اگر کسی
بخواب بیند که نان با پنیر میخورد دلیل بود که در سفری او را مالی اندک با غم و اندوه حاصل گردد و بعضی از معبران گویند که علتی
بوی رسد لکن از آن زود خلاص گردد بدانکه استادان این فن در تاویل به در خواب دیدن خلاف است بعضی گویند
که مهتری بزرگ یابد و از آن خیر و منفعت بیند و ثنای نیکو و بعضی گویند که فرزند بود و بعضی گویند که بیماری بود و
آنکه حکم بیماری کرد چنین گوید که آن چون بگونه زرد است دلیل بر بیماری کند و آنکه گوید که سفری دراز بود با رنج تن بدان
معنی که گفت جبرئیل ع او را در وقت بیرون آمدن از بهشت به بوی داد حکم بسفر دراز با غم و اندوه و رنج زیرا که سفر آدم از
بهشت بدنیا بود با چندین غم و اندوه که بوی رسید و آنانکه حکم وی بفرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون آدم علیه السلام
بدنیا آمد از خوردن آن منی وی زیاده شد لاجرم از وی چندین فرزندان در وجود آمدند و آنانکه گفتند که از مهتر بزرگ خیر و
منفعت بیند یا ثنای نیکو بدان معنی گفتند که دهنده آن جبرئیل ع بود و ستاننده او آدم ع و از بوی خوش ثنای نیکو بود و
چنان داند که هر خوابی که استادان تعبیر کرده اند از گزاف نگفته اند ابراهیم گوید به بخواب بیماری بود خواه بوقت و خواه بی وقت
و هر چند که بگونه زردتر بود بیماری صعب تر بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن به بخواب چون بوقت خود بود بگونه سبز بود
تاویل بفرزند بود و چون نه در وقت خود بیند که بگونه زرد بود بیماری بود **بهار** ابن سیرین گوید که بهار در
وقت بهار پادشاه بود و اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا نا معتدل چنانکه از گرمی و سردی مردمان را مضرت و رنج
رسیدی دلیل بود که اهل آن دیار را از پادشاه رنج و مضرت رسد و بیند و اگر بیند که هوا معتدل بود و چنان خرم گشته از گل و
شکوفه مردم را هیچ رنج و مضرت نبود دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود باعتدال

بیند دلیل که جاه و غرور رفت بود و مردم عامه را از پادشاه قوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پادشاه بود و تاویل فصل پا سریز بند
بود **بهشت** ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرمی و مژده بود از خدا تعالی قوله تعالی اُدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ
آمِنِينَ واگر بیند از میوهای بهشت فراگرفت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل بود که اندر که میوه بهشت خورده بود علم و دانش
آموزد و سیرت دین بداند لیکن سود ندارد و اگر بیند که با حوران بهشت آمیزی بود دلیل بود که نزع بروی آسان گردد و اگر بیند
که در بهشت مقیم شود لیکن وی را نگذاشتند دلیل بود که در دنیا میلش بفساد و عصیان بود و اگر بیند که در بهشت بر سوی آدمی
گردید دلیل بود که او ره و پدر از وی ناخوشنود باشند و اگر بیند که به نزدیک بهشت شده باز گردید دلیل بود که بیمار گردد
بحال مرگ لیکن از آن شفا یابد و اگر بیند که فرشتگان دست وی را گرفتند که در بهشت برند و آن برفت و در زیر درخت
طوبی نشست دلیل بود که مراد دو جهانی یابد قوله تعالی طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ و اگر بیند که وی را از خوردن
شراب و شیر منع میکردند دلیل بود بر تباهی دین وی قوله تعالی وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ
الْجَنَّةَ و اگر بیند که از میوهای بهشت کسی بدو داد دلیل بود که آنکس را از علم وی بهره بود و اگر بیند که در بهشت
آتش انداخت دلیل بود که از باغ کسی بحرام چیزی خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب خورد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد
و اگر بیند که کوشکهای بهشت را یکی بوی دادند دلیل بود که دلارامی یا کنیزکی بزنی بخواهد جابر مغربی گوید اگر بیند که رضوان
در برابر او خرم و شادمان بود دلیل که از کسی خرم و شادمان گردد و نعمت یابد قوله تعالی سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ
فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ و اگر بیند که بر جایگاه بلند نیکو بود که صورت بهشت داشت و او پنداشت که بهشت است
دلیل بود که با پادشاه عادل پیوند گیرد یا با توانگری یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند که سوی بهشت میرفت دلیل بود که براه
حق پیوسته بود حضرت صادق عرفرماید که دیدن بهشت در خواب بر نه وجه اول علم دویم زهد سیم منت چهارم شادی
پنجم بشارت ششم ایمنی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت نهم سعادت و اگر بخواب بیند که در بهشت بود دلیل مرادات
دو جهانی بود و بدست او خیرات بسیار رود اما چون مصلح بیند دلیل بود که به بیماری یا به بلائی مبتلا گردد چنانکه ثواب اهل
بهشت بیابد و عالم گردد و مردمان از علم او منفعت یابند **پهلو** ابن سیرین گوید پهلوی او سرخ شده بود و پاره گوشت
پهلوی چپ او آماس کرده دلیل بود که زن و کنیزک او هر دو آبستن شوند و اگر بیند که پهلوی او سرخ شده بود و پاره گوشت
خون آلود از پهلوی او بیفتاد دلیل بود که زن او بچه بهنگام بیفگند و اگر بیند که هر دو دست بر پهلو نهاده بود دلیل بود که
وی را غمی سخت رسد کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه
بدو رسد و اگر بیند که پوست پهلوی چپ وی جدا شد و بیفتاد دلیل بود که مال و عیالش هر دو تلف گردند و اگر بیند که
هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل بود که عیالش رنجور گردد و اگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن گوهری یا لولوئی
بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی عالم آید پارسا و اگر بیند که هر دو پهلوی او فراهم آمد دلیل بود که وی را غم و اندوه رسد و اگر بیند
که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود بر درستی دین و قوة عیال او و اگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود
تاویلش بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی گوید که پهلوها در خواب دلیل بر زنان بود زیرا که زنان از پهلوی مردان آفریده

شده اند پس هر خیر و شر که در پهلو بیند تاویل آن بر زنان باز گردد و اگر بیند که او را پهلو های بسیار بود دلیل بود که بقدر آن زنان و
کنیزان حاصل کند و اگر بیند که از پهلوی ماری بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند آید حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پهلو در خواب
بر پنج وجه بود اول زن دوم دختر سیم کنیزک چهارم خادم پنجم پیره زنی که در خانه بود **بوتیمار** ابن سیرین گوید
که بوتیمار در خواب روزی بود و مال حلال که از زن بدو رسد و اگر بیند که بوتیمار را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بقدر آن
از زن مال بخورد کرمانی گوید و اگر بیند که بوتیمار را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل بود که بقدر آن از مال زن بخورد کرمانی گوید
که بوتیمار دیدن در خواب دلیل بود بر بزرگی و اگر بیند که بوتیمار را بگرفت و در خانه آورد دلیل بود که از خویشان خود زنی خواهد و از و
مال و منفعت حاصل کند **بوریا** ابن سیرین گوید اگر کسی بوریا کند بر مردی سفله و خسیس بود و نیز دلیل بود بر آنکه زن خواهد
بی اصل و ضعیف حال و از مردم ملامت یابد و اگر بیند که بوریا بباقت و سپری شد دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و
اگر بیند که بوریا از برای خانه بببافت دلیل کند که بکدخدائی خود مشغول گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بوریا داشت یا کسی بدو
داد دلیل بود که او را از زنی منفعت رسد بقدر کوچکی و بزرگی بوریا حضرت صادق علیه السلام فرماید که بوریا در خواب بر سه وجه
بود اول منفعت دوم خواستن زن سیم بکدخدائی خود مشغول بودن **بوزینه** ابن سیرین گوید که بوزینه در خواب
دلیل بر دشمنی فریبنده ملعون بود و اگر بیند که با بوزینه نشسته بود و آن بوزینه مطیع او بود دلیل بود که بر دشمن غالب گردد
و او را قهر کند و اگر بیند که با بوزنه نبرد میکرد و بر وی چیره شد دلیل بود که بیمار گردد و از آن شفا یابد یا عیبی بر تن او پدید آید که
از آن خلاصی نیابد کرمانی گوید اگر بیند که بوزنه را بکشت دلیل بود که بر دشمن قهر کند و اگر بیند که گوشت او را بخورد دلیل بود که در
رنجی و عیبی گرفتار آید و اگر بیند که کسی بوزنه بوی بخشید دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جابر گوید اگر کسی بیند که بوزنه را بخفت
دلیل بود که بیمار گردد و زود شفا یابد و اگر بیند که بوزنه بر اسب نشسته بود دلیل بود که جهودی با زن او فساد کند و بوزنه ماده
زنی مفسده جادو بود و اگر بیند که بوزنه بخانه درآمد دلیل بود که در آن خانه زنی او را جادو کند و اگر بیند که بوزنه با وی سخن گفت
دلیل بود که زن با وی در آن زیانی کند و اگر بیند که بوزنه او را بگزید دلیل بود که بیمار گردد یا از عیال خود دشنام شنود
و اگر بیند بوزنه بوی چیزی داد یا بخورد دلیل بود که مال خویش را بر اهل بیت هزینه کند **پوست** دانیال علیه السلام گوید
که پوست تن مردم در خواب آرایش و کدخدائی مردم بود ابن سیرین گوید اگر بیند که پوست مردم ستر و مال و برکت بود اگر کسی پوست
تن خود را بر خاسته بیند و افتاده دلیل بود که ستر و راز وی گشاده گردد و مال او تلف گردد و اگر پوست تن خود را کبود یا
سیاه بیند دلیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر بیند که پوست پایش روشن بود دلیل بود که کارش خواسته گردد
کرمانی گوید که پوست جمله چهارپایان بخواب دیدن مال بود و پوست شتر میراث بود از مردی بزرگ و پوست گوسفند
صاحب را روزی بود و اگر پوست درخت سبز بیند خداوندش روزه دار بود و اگر بیند که پوست از مسلوخ باز گرد دلیل
که از آنکس که بدان منسوب بود مالی بستاند و اگر بیند که سرائی بنا کرد از بهر پوست باز کردن دلیل بود که اگر آنکس
قصاب بود در سرای او دیوار بنهند و اگر معلم بود بر کودکان ستم کند جابر مغربی گوید اگر بیند که پوست کوی باز میکرد
دلیل بود که آنکس شغلهای کهن و چیزهای تباه شده را باصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میانجی کند چون

امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند در کارهای بسیار **پوستین** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که پوستین
پوشیده بود و وقت زمستان بود دلیل بود که چیزی بوی رسد که وجه معیشت او بود و اگر در وقت تابستان بود همین دلیل
کند لیکن سرانجام غمناک گردد کرمانی گوید اگر بیند که پوستین بره یا بزغاله داشت دلیل بود که زنی توانگر خواهد و از آن
مال یابد و اگر بیند که پوستین سمور پوشیده داشت دلیل بود که زنی بخواهد که توانگر و مالدار بود و اگر بیند که پوستین روباه
از نو پوشیده داشت دلیل بود که زنی خواهد توانگر و پارسا لیکن فریبنده و حیله گر بود و اگر بیند که پوستین
خرگوش پوشیده داشت دلیل که زنی نابکار بدفعل بخواهد و از و زحمت بیند و اگر بیند که پوستین سنجاب پوشیده
داشت دلیل بود که زنی ناسازگار بزنی بخواهد و اگر بیند که پوستین گربه پوشیده بود دلیل بود که زنی بدخو بزنی بخواهد و دزد
بی امانت بود و اگر بیند که پوستین وشق پوشیده بود دلیل بود که زنی اصیل دین دار بزنی کند و اگر بیند که پوستین
موش پوشیده داشت دلیل که زنی پلید بزنی بخواهد و اگر بیند که پوستین وی دریده یا سوخته یا ضایع شده
بود دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود **بوسه دادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بوسه داد دلیل
بود که آنکس را دوست و خواستگار بود و اگر آنکس مجهول بود دلیل که از جائی که طمع ندارد خیر و منفعت بیند و اگر بیند
که معروفی او را بوسه داد دلیلست که از آنکس خیر و منفعت بیند کرمانی گوید اگر بیند که مرده را بشهوت بوسه میداد دلیل
بود که او بهر مرده خیر کند یا او را بدعای خیر یاد آورد و اگر بیند که مرده وی را بوسه میداد دلیل بود که طالب و
خواستگار وی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که مراد و مقصود نیابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که بوسه دادن
در خواب دلیلش بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت دویم حاجت روائی سیم بر دشمن ظفر یافتن چهارم سخن خوش
شنیدن **بوق زدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بوق میزد و بوق زدن را میدانست دلیل
بود که مردم را از سر خود آگاه کند و اگر بیند که بوق میزند دلیل بود که در میان مهتران دروغ گوید و آن دروغ را بسوگند
راست کند و بعاقبت ظاهر گردد که آن دروغ بود جابر مغربی گوید که بوق زدن تنها ولی مردان را مصیبت بود
و زنان را رسوائی و ظاهر شدن راز ایشان حضرت صادق ع فرماید که بوق زدن در خواب بر چهار وجه بود اول خبر دروغ
دویم سخن مکروه سیم ظاهر شدن راز چهارم معصیت بود **پل ساختن** ابن سیرین گوید که پل در خواب پادشاه
بود یا مردی بزرگ که مردمان بسبب او بمراد برسند کرمانی گوید که پل در خواب تاویلش آن بود که نیکو باشد اگر بیند که از
پل بگذشت دلیل بود که از پادشاه او را عز و جاه رسد و از و منفعت بیند و اگر بیند که بنیادی بر پل مینهاد و عمارت
میکرد دلیل بود که ولایت و پادشاهی یابد و مال بسیار او را جمع گردد قوله تعالی وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ
مِنَ الذَّهَبِ حضرت صادق علیه السلام فرماید که پل در خواب بر چهار وجه بود اول مردی بود که همه مردمان بکار آید
و حاجت همه کس روا کند دویم پادشاه سیم نیکوئی و کامرانی یافتن چهارم مال بسیار حاصل کردن اگر بیند
که پل بیفتاد و خراب شد دلیل بود به تباهی حال پادشاه و نقصان ملک او **بوم** بخواب دیدن مردی دزد
نابکار مفسد بود و حسود و اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر همه حال دیدنش

پوستین
بوسه دادن
بوق زدن
پل ساختن
بوم

بوم نیکو باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که بومی داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که مردی دزد را قهر کند. و اگر بیند که گوشت بوم
میخورد دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مردی دزد بخورد و اگر بیند که بچه بوم داشت دلیل کند که غلام کوچک دزد یا شاگرد
از دزد او حاصل گردد **بوی های خوش** ابن سیرین گوید که بوی های خوش و ناخوش ثنای نیک و مدح و ذم و سخن ناصواب
بود و اگر بیند که بوی خوش شنید دلیل بود که او را نکوهش کنند و اگر در خواب بوی خوش بسیار شنود دلیل بود بر مرگ زیرا که
مرده را از بوی خوش و حنوط ناگزیر بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را خوشبوئی کردند دلیل بود که او را ستایش
کنند و ثنا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که او را پیش مردم عیب و نکوهش کنند و نام او بزشتی منتشر
گردد **پی** ابن سیرین گوید که پی در خواب جمع کننده حال و کار او بود اگر بخواب بیند که پی
بر اندام او خشک شد یا بگسست دلیل بود که دوستی که جمع کننده حال و کار او بود از وی غایب گردد یا از دنیا
رحلت کند اگر بیند که پیها بر تن او خشک شدند دلیل بود که از دوستان مفارقت جوید کرمانی گوید که پیهای
تن دلیل بر خویشان و اهل بیت بود و اگر بیند که پیهای او درشت و قوی بودند دلیل بود که خویشان و اهل بیت او
بر حال و ضعیف کردند **بیابان** دانیال گوید که بیابان در خواب قسمت و روزی بود و تعبد بزرگی و فراخی آن
اگر بیند که در بیابان تنها بود دلیل کند که از کسب خویش مال فراوان حاصل کند اگر بیند که با گروهی در بیابان همگشت
دلیل بود که مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بر وی کشاده گردد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که از بیابان بیرون آمد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که در بیابان شد دلیل بود که غمگین و مستمند
گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بیابان در خواب بر چهار وجه بود اول روزی و قسمت دویم حیرت
و سرگشتگی سیم عنا و رنج چهارم بیم و خطر و هلاک مگر از وی زود بیرون آید **پیاز** کرمانی گوید که پیاز
در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و زشت اگر بیننده خواب مصلح و مستور بود و بجهد خود را از خوردن آن
دفع کند و اگر بیننده خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در وی سخنان زشت گویند
خاصه چون پیاز سرخ بود و اگر پیاز پخته خورد دلیل بود که سرانجام از حرام خوردن توبه کند و بخدا تعالی
بازگردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پیاز در خواب خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام دویم غیبت و سخن زشت
سیم پشیمانی در کارها **پیاله** محمد بن سیرین گوید که پیاله در خواب کنیزک بود که با وی عشرت و طرب کند اگر بیند که از پیاله
آب یا جلاب میخورد دلیل بود که با کنیزکی بحلال جمع شود و از وی فرزند مصلح بیاورد و اگر بیند که آن جلاب یا آن آب
از پیاله بریخت دلیل بود که فرزندی بمیرد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پیاله در خواب بر دو وجه بود اول کنیزک
دویم خادم **پیراهن** دانیال گوید که پیراهن سفید در خواب دین مرد بود و بعضی از معبران گویند که پیراهن زن
بود و دلیل حال و کار او بود در کسب معیشت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده بود دلیل بود بر صلاح کار و
نیکوئی احوال و اگر بیند که پاره از پیراهن او دریده بود تاویلش میانه بود در نیکی و بدی و اگر بیند که پیراهن وی کهن و
چرکن بود دلیل بود که درویشی و بیچارگی و رنج و غم بد و رسد و هر چند پیراهن را کهنه تر و دریده تر بیند بلا و مصیبت

بمیش بیشتر بود که خداوند خواب هلاک گردد واگر کسی بیند که پادشاه اورا پیراهن خود داد و پوشید دلیل بود که پادشاهی از وی
بستاند کرمانی گوید اگر کسے بیند که پیراهن نو پوشیده بود دلیل بود که بظاهر نیکو بود و بباطن بد واگر بیند که پیراهن و شلوارش جمله
چرکین بود و کهن دلیل بود که اگر توانگر بود درویش گردد و در غم و اندوه گرفتار گردد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیراهن
نو و فراخ پوشیده داشت دلیل بود که عیش بروی فراخ گردد واگر بیند که پیراهن تنگ بود دلیل بود که عیش بروی
تنگ گردد واگر بیند که پیراهن او دریده بود دلیل بود که رازش آشکار گردد واگر بیند که پیراهن بی گریبان بود و بے
آستین و یکدرز بود و پوشیده دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد واگر بیند که پیراهن دراز داشت دلیل که کارش
بد گردد و مرادش برآید واگر بیند که گریبان پیراهن از سوی پس دریده بود دلیل بود که اورا بدروغ تهمت نهند
قوله تعالی وَاِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ واگر بیند که پیراهن بکسی داد و آنکس پیراهن را بوی فرمالید
دلیل بود که بیغم گردد و از جایگاهی او را بشارت رسد قوله تعالی اِذْهَبُوا بِقَمِيصِي هٰذَا فَاَلْقُوهُ عَلٰى وَجْهِ اَبِي
يَاْتِ بَصِيرًا واگر بیند که پیراهن خون آلود در دست داشت دلیل بود که روزگار دراز در غم و اندوه بماند واگر بیند که پیراهن دریده
پوشیده بود دلیل بود که کارش پراگنده گردد و رازش آشکارا شود حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیراهن در خواب
چون نو و فراخ بود دلیلش بر شش وجه بود اول دیدن مردم دویم ستر سیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم امن
و خرمی ششم بشارت **بیت المعمور** خانه است در آسمان چهارم برابر کعبه و آن حج گاه فرشتگان بود ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که در بیت المعمور شد دلیل بود که در میان مردم با مانت یا بعلم ظاهر گردد و حج کند و از شر دشمنان
ایمن گردد واگر بیت المعمور را بر زمین بیند دلیل بود که بپادشاه عالم عادل پیوسته گردد واگر بیند که در بیت المعمور
خانه ساخت یا بخفت دلیل بود که اجل وی نزدیک آمده باشد واگر بیند که پیرامن بیت المعمور طواف میکرد همین دلیل
بود که از دنیا رحلت کند واگر بیت المعمور را بکردار مسجدی دید و در وی نماز کرد دلیل بود که همه حاجات او روا گردد کرمانی
گوید اگر کسی بیند که از زمین تا بیت المعمور راه کشاده بود دلیل بود که مردمان در آنسال حج و عمره بسیار کنند واگر بیند
که بیت المعمور آراسته است و فرشتگان بروی طواف میکردند دلیل بود که علما و اهل دین بنظام شوند و عز و جاه یابند
پیرایه ابن سیرین گوید که پیرایه در خواب دلیل بر مال و زینت زنان و کنیزکان کند بر قدر و قیمت پیرایه که
دیده بود کرمانی گوید اگر بیند که پیرایه وی آراسته بود بجواهر و پوشیده بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حلال
حاصل گردد واگر بیند که پیرایهٔ او ضایع گردید دلیل بود که او را غم و اندوه رسد واگر مردی بیند که پیرایه زنان
داشت دلیل بود که غمگین گردد **پیروزه** ابن سیرین گوید که پیروزه در خواب دیدن ظفر و قوة و حال روائی بود
واگر بیند که پیروزه از وی ضائع گردید دلیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی گوید اگر بیند که پیروزه
بجز و دار داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد و شرف و بزرگی یابد حضرت صادق
رضی الله عنه فرماید که دیدن پیروزه در خواب بر چهار وجه بود اول ظفر و نصرت دویم حاجت
روا شدن سیم قوت چهارم ولایت پیر شدن ابن سیرین گوید اگر کسے بخواب بیند

بیت المعمور

پیرایه

پیروزه

که پیر گردید و محاسن او سفید شد دلیل که عز و شرف یابد و اگر پیری مجهول را بیند که خرم و شادمان بود دلیل که از دوستی مرادهای او بر آید و از غم رسته گردد و اگر پیری معروف را بیند که خرم و شادمان بود دلیل بود که از وی چیزی بدو رسد و اگر او را ترش روی و غمگین بیند و بلیش بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر پیری را بیند که جوان شد دلیل بود که در عز و بزرگی او نقصان باشد و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی یا کودکی بیند که پیر شد دلیل بود که عز و بزرگی یابد و بکار آخرت مشغول گردد **پیسی** ابن سیرین گوید که پیسی در خواب مال و توانگری بود و اگر بیند که تن او پیس گردید دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از معبران گویند که پیسی در خواب میراث بود حضرت صادق ع فرماید که پیسی در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم میراث سیم منفعت چهارم پدید آمدن کار مشکل جابر مغربی گوید اگر بیند که با مردی پیس او را صحبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او را منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد و بخیل بود دلیل بود که او را از حرام منفعتی رسد **پیشانی** ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده باری تعالی است و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزند بود که از اهل بیت او توانگر گردد و اگر بیند که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خداوندش بصلاح دینی و پرهیزگاری مشهور گردد و اگر بیند که کسی زخمی بر پیشانی او زد و خون روان نشد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده گردد و اگر بیند که پیشانی او کوچک گردید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که پیشانی او از حال خود بگشت دلیل بود که زیانی بوی رسد و اگر بیند که بر پیشانی او موی رسته است دلیل بود که وام دار گردد و اگر بیند که آهوی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن وامش از جهت عیال بود و اگر بیند که پیشانی او آماس داشت دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که از پیشانی او ماری یا کژدمی یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که بقدر آن او را الم و گزند از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی بیند که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که بکار خدائی او پندار گردد و اگر بیند که در پیشانی چشمهای بسیار داشت همین دلیل کند که او را در مصالح خود پنداری تمام بود و اگر بیند که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود دلیل بود که او را فرزندی آید عالم و پرهیزگار و اگر بیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبت را محمود کند و مرگ او بر شهادت او بود و اگر بیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود نباشد و تاویل بخلاف این بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیشانی در خواب بر هشت وجه بود اول جاه دوم قدر سیم عز و بزرگی چهارم فرزند پنجم توانگری ششم معیشت هفتم ریاست هشتم جود و نیکی **پیشی گرفتن** ابن سیرین گوید اگر بیند که در کاری پیشی گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غزا و آنچه بدین ماند دلیل بود که در آخرت رستگاری یابد و او را نزد خدای تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیائی پیشی گرفت دلیل بود که عز و اقبال و مال یابد حضرت صادق ع فرماید که پیشی گرفتن در خواب در کارهای خیر و صلاح دو جهانی بود اگر بیند که پیشی گرفت در کار شر و فساد دلیل کند بر فساد دو جهانی **پیشه** ابن سیرین گوید که پیشه در خواب دیدن اگر بیند که پیشه خود را رها کرد و به پیشه از آن بهتر مشغول گردید دلیل بود که کارش و حالش بهتر گردد و در کسب و کار وی نیکی پدید آید و اگر بیند که پیشهای گوناگون همی کرد اگر آن پیشها نیکو بود دلیل بر خیر

بیشه و درختان — بیع — پیکان — پیکر — پیل

ونیکوئی کار کند واگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی واگر بیند که بعضی از بیشها بد بود و بعضی نیک هر کدام قوی تر بود حکم بدان کند
ابن سیرین گوید که بیشهٔ درختان در خواب زنی بود بیابانی اگر بیند که در بیشه شد و آن بیشه سبز بود و درختان میوه دار در آن بود
خاصه در وقت آن و از میوهٔ آن بیشه همی خورد دلیل بود که زنی خواهد که اصل او بیابانی بود یا کنیزکی خورد که در بیابان او را پرورده
باشند و از آن زن او را خیر و منفعت رسد و اگر آن بیشه را خالی از اشجار بیند دلیل بر شر و مضرت کند و اگر بیند که در آن بیشه بجای درختان
خار بود و از آن خارها او را گزند رسد دلیل کند که او را غم و اندوه بجهة زنان رسد حضرت صادق ع گوید که دیدن بیشه در خواب بر چهار وجه بود
اول زن بیابانی دوم کنیزک سیم منفعه چهارم غم و اندوه بود **بیع** ابن سیرین گوید اگر بیند که مصحف بفروخت دلیل بود که دین
او نزد او حقیر بود و خوار اگر بیند که بندهٔ خویش را بفروخت دلیل بود که کار بروی تنگ آید و ستمگر گردد و اگر بیند که زن خویش را بفروخت
دلیل بود که حرمت و بزرگی او زائل گردد و زشت نام شود دیگر بجز از این زن که بفروخت او را زنی دیگر بود دلیل بود که کارش بصلاح
باز آید کرمانی گوید هر چیز که در دین عزیز بود فروختن آن بخواب در کار بد بود و خریدن آن نیکو بود **پیکان** در خواب دیدن مرد بزرگ
خطر بسیار بود واگر بیند که پیکانی تیر یافت یا کسی بوی بخشید دلیل بود بر درستی کار که بدو رسد جابر مغربی گوید که دیدن پیکان در خواب
قوت بود در سختی که بیننده خواب با خصم گوید خاصه که پیکانش از پولاد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته بیند تاویلش بخلاف این بود
پیغمبر بدانکه تاویل پیغامبران در فصل شانزدهم یاد کردیم از انجا مطالعه باید کرد **پیکر** ابن سیرین گوید پیکر بخواب زن بود و اگر بیند
که او را پیکری بود دلیل کند واگر بیند که پیکر از کسی ببها بخرید دلیل بود که کنیزک خرد بخرد و اگر بیند که پیکری داشت و از وی
ضایع شد یا از دست او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن را طلاق دهد یا زنش از دنیا رحلت کند و اگر چهرهٔ پیکر خود را بصورت دیگر بیند
دلیل بود که احوالش بگردد هم بران هیات که آن چیز رسیده بود کرمانی گوید اگر پیکر خویش را بصورتی زشت بدل کرده بیند دلیل بود
که حال او متغیر گردد و اگر بیند که بجمال و صورت خود برگردید دلیل بود که بحال خود و بسوی خدا باز گردد و اگر پیکر خویش را با شکوه بیند دلیل
بود که همه روی از وی بگردانند و بروی جفا کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیکر آدمی با پیکر حیوانی بدل همی کرد دلیل بود که آنکس بد
مذهب و دروغ گو بود یا در صفات خدای تعالی چیزی گوید و اگر بیند که پیکر کسی بگونهٔ دیگر که نه از جنس او بود بگشت دلیل بود که بیننده را
کار صعب پدید آید و در آن متحیر بماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که بر خدای تعالی دروغ گوید **پیل** ابن سیرین گوید که معبران گویند
که فرق نیست بهیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در پیل اگر کسی در خواب بیند که بر پیل نشسته است دلیل بود که زنی خواهد یا کاری
و اگر این خواب را بروز بیند دلیل بود که زن را طلاق دهد یا کنیزک را بفروشد اگر بیند که پیل را بکشت دلیل کند که پادشاهی بر دست او کشته گردد
یا حصاری محکم را بگشاید و اگر بیند که پیل پای بر سر وی نهاد و او را بکشت دلیل بود که بهلاکت نزدیک گردد و حالش بد گردد و اگر بیند
که بر پیلی نشسته بود و آن پیل دیگری داشت دلیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود کرمانی گوید اگر بیند که
بر پیل نشسته بود و آن پیل صلاح داشت و نیک مطیع او بود دلیل کند که پادشاه عجم گردد یا پادشاه عجم را قهر کند و اگر بیند که از گوشت
پیل همی خورد دلیل بود که بقدر آن گوشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بیند که از استخوان پیل یا از پوست او چیزی با خود داشت همین
دلیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدو رسد و اگر بیند که هنگام رزم بر وی نشسته بود دلیل بود که دشمنی بزرگ را قهر کند و بر این قول
قصهٔ اصحاب الفیل را دلیل آورده اند و اگر بیند که از پشت پیل بیفتاد دلیل بود که در بلائی سخت افتد اگر بیند که پیل در میان جنگ بیفتاد و بمرد دلیل

دلیل بود که پادشاه آن دیار بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که از بهر تماشا بر پیل نشسته بود و آن پیل بر وی قادر بود دلیل بود که زن عجمی با بنکاح
خود بخواهد و آن زن بر وی قادر گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که بر زن قادر گردد و اگر بیند که پیلی صلاح پوشیده بود و آن شهر بشهر
دیگر میرفت دلیل بود که بر مملکت آن دیار از پادشاه بپادشاهی دیگر افتد تا او را هلاک کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پیل در خواب
بر شش وجه بود اول پادشاه عجمی دوم مرد غلام سیم مرد مکار چهارم مرد با قوت و هیبت پنجم مرد حسود ششم ستمگاری خونخواره

پیل گوش گیاهی است که برگ بزرگ پهن دارد و آنرا شگوفه زرد است دیدن آن در خواب زنی بود خادمه ولی اصل و دون همت اگر
کسی بخواب بیند که پیل گوش داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با چنین زنی صحبت افتد و از و منفعت بیند

پیلور ابن سیرین گوید که بلور در خواب مانند طبیب بود و مانند فقیه زیرا که طبیب بیماران را معالجه کند و فقیه مردمان را راه دین نماید و اگر بیند که بلور داری بارا
فروشد و ازین هر سه بمردمان خیر و راحت رسد و بدین سبب دلیل بر خیر و سعادت کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بلوری همی کرد
دلیل بود که از آن کس خیر و منفعت بهر کس برسد و نامش بنیکی در آن دیار منتشر گردد

بیل ابن سیرین گوید که بیل در خواب خادمی بود که کار
کند کرمانی گوید که بیل در خواب خادمی بود که کارها بنفاق کند و بعضی گویند که بیل در خواب کاری بود که از رنج و عنا حاصل گردد و اگر کسی بیند که بیل
دارد و از آن کاری کند دلیل بود که آن کار تمام گردد و اگر بدان کار نکند دلیل بود که آن کار بریده گردد

بیماری ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب
بیند که بیمار است دلیل بود که دین او بفساد بود و گفتار او با مردم بنفاق بود و بعضی گویند که در آن سال بمیرد و اگر بیند که از بیماری تن درست
شده بود و در خانه نبود و با کس سخن نمیگفت دلیل کند که بیماری بر وی دراز گردد و بر خطر بوده باشد که بمیرد اما اگر بیند که با مردمان مجالست
میکرد و سخن میگفت دلیل کند که زود از بیماری شفا یابد کرمانی گوید اگر بیند از بیماری وی برهنه بود دلیل بود که زود بمیرد و معبران گفته اند
که بیماری در خواب دلیل بر فسق و فجور کند و غم و اندوه که از قبل سلطان یا از قبل عیال بدو رسد جابر مغربی گوید که بیماریهای گوناگون در خواب
دلیل بود بر خوار شدن فرایض و سنتها حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر کسی بیند که بیمار بود و از علت خویش مینالید دلیل بود که از غم ایمن گردد
اگر از بیماری قانع و راضی و شاکر بود تا و ملتش بنیکی و صحت بود و اگر بیند که بیمار و برهنه بود دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی
لَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

پیمانه ابن سیرین گوید که پیمانه در خواب نظام کار بود و انصاف و راستی بود
اما در بهانه چون پیمانه در خواب بیند سیاهی بود اگر بیند که پیمانه بستد یا کسی بدو داد دلیل که راستی و انصاف بود در معامله و داد و ستد نیکو کند و اگر بیند که پیمانه او
بشکست یا بسوخت دلیل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر بیند که از پیمانه چیزی می پیمود اگر اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر از اهل علم نباشد
دلیل که از بهر داوری تقاضی محتاج گردد و بقول دیگر پیمانه در خواب مردی بود راست گوی و منصف که داد مردمان دهد

بینی دانیال گوید که بینی
در خواب دلیل کبر جاه و منزلت بیننده بود و هر زیاده و نقصان که در وی بیند دلیل قدر و جاه بیننده بود اگر بیند که بینی او کوتاه شده بود دلیل
بود بر نقصان قدر و منزلت آن و اگر بیند که بینی آن افتاده بود دلیل کند که از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که سوراخ بینی او فراخ شده بود دلیل
بود که معیشت بر وی فراخ گردد و اگر تنگ شده بود دلیل که معیشت بر وی تنگ گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که مغز از بینی او بیرون آمده بود دلیل
بود که از مهتری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از بینی وی بیرون آمد چون کرم و مگس و مانند این دلیل بود که او را فرزی آید و اگر بیند که در بینی او سوراخ
بود و مار در بینی او گرده بود دلیل بود که مردمان را تواضع کند یا باز نی بزرگ جمع گردد و از و مال و نعمت یابد و اگر بیند که سر بینی او بسته
بود چنانکه دم زدن نتوانست دلیل بود که کار بر وی بسته گردد و اگر بیند که سخن در بینی میگوید دلیل بود که دولتش زایل گردد

واگر بیند که پوست سر بینی او رفته بود دلیل بود که او را زیانی افتد جابر گوید اگر کسی در خواب بیند که از بینی او خون می آید و معبر را گوید که
بخواب دیدم که از بینی من خون می آمد دلیل که مال بسیار یابد اگر گوید که دیدم خون از بینی من بچکید دلیل کند که مالش برود باید که چون
سائل سخن گوید معبر بر لفظ او تعبیر کند و حدیث او را بفال نگاه دارد و اگر کسی بیند که هر دو سوراخ بینی او یکی شده بود دلیل بود که بازن
عاقله جمع گردد و اگر بیند که سر بینی او بریده بود دلیل که فرزند خویش را ختنه کند و بعضی گویند که در جاه و منزلت او نقصان شود و اگر
اگر کسی بیند که چیزی بکراهت در بینی او شد دلیل بر خشم و تنگی بود و اگر بیند که خون از بینی او بیرون آمد چنانکه جمله تن او خون آلود
گردید دلیل بود که مالی حرام بوی رسد و اگر بیند که خون سبز و اندک از بینی او بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند از شکم مادر بیفتد و بقول
بعضی معبران درویش گردد و اگر بیند که خون از بینی او بیرون آمد و خون آلود نگشت دلیل بود که فرزند یا زن از خانه بیرون کند
یا با ایشان گزند رسد و اگر بیند که بینی او بر زمین افتاد دلیل بود که او را دختری رسد و اگر بیند که او بینی خود را بشکست دلیل بود
که مردی زن او را بفریبد و اگر بیند که از بینی وی مرغی بیرون آمد دلیل بود که چهارپای دارد و بچه آورد و بقول بعضی از معبران خون
آمدن از بینی مال بود که از پادشاه آید یا از بوی رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بینی وی بر مثال خرطوم بزرگ شده بود یا کم از آن دلیل
بود که بقدر آن بر عز و جاه وی بیفزاید و از آن خویشان نیز زیاده گردد و اگر بیند که در بینی او بوی خوش رفت دلیل بود که او را فرزندی مصلح
بود و اگر بیند که در بینی او بوی ناخوش رفت تاویلش بخلاف این بود جاحظ گوید اگر بیند که بینی ندارد دلیل بود که کسی از خویشان وی بمیرد
و اگر بیند که او را دو بینی بود دلیل بود که در میان او و عیال خلاف افتد و اگر بیند که کسی بوی خوش فرا بینی او داشت دلیل بود
که او را از آن کس منفعتی رسد و اگر بیننده خواب زن بود دلیل بود که او را پسری مصلح آید و اگر بیند که شخصی بوی ناخوش در زیر بینی او
داشت دلیل بود که از آنکس خشمی فرو خورد حضرت صادق ع فرماید که دیدن بینی در خواب بر پنج وجه بود اول عز دویم مال سیم بزرگی
چهارم فرزند پنجم عیش خوش **پیه خوردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پیه میخورد دلیل بود که خیر و نعمت و فراخی یابد
و اگر بیند که پیه گوسفند داشت و میخورد دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که پیه جانوری میخورد که گوشت او حلال بود
دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیه در خواب بر سه وجه بود اول نعمت و فراخی دویم مال و منفعت سیم گشایش
کارهای بسته **بیهوشی** کرمانی گوید اگر کسی بیند که بیهوش گردید چنانکه عقل او زایل گردید دلیل بود که او را کاری پیش آید که در آن
گشته و متحیر گردد ولیکن سرانجام کارش نیکو گردد حضرت صادق ع فرماید که بیهوشی در خواب بر دو وجه بود اول دشواری کارها
دویم تحیر و سرگشتگی و فرو ماندگی و بیچارگی **حرف التاء من کتاب کامل التعبیر** **تاب دادن** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که رسن را تاب میداد یا ریسمان دلیل بود که بسفر شود و سفرش بقدر درازی و کوتاهی رسن یا ریسمان بود
اگر دراز بود سفر دراز کند و اگر کوتاه بود سفرش کوتاه و زود بود و اگر برای چیزی دوختن ریسمان تاب میداد دلیل بود که از بهر مصلحتی
کاری کند یا از بهر راحت نفس ریاضت کشد حضرت صادق ع فرماید که تاب دادن رسن و ریسمان بر سه وجه بود اول سفر و تحویل
دویم ریاضت نفس سیم گشایش کارهای فروبسته **تابستان** ابن سیرین گوید که تابستان بخواب دیدن پادشاه سخت بود و اگر
گرمای سخت بود چنانکه مردم را از آن زیان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و صلاح رسد تابستان را بوقت خویش
بخواب دیدن بهتر بود کرمانی گوید اگر کسی تابستان را بجای بیند بوقت چنانکه جهان خرم بود و درختان پربار دلیل بود که عز و دولتش زیاده

پیه خوردن

بیهوشی

تاب دادن

تابستان

گردد و کارش بمراد رسد و مردم عام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر تابستان را نه بوقت خویش بیند تاویلش
بخلاف این بود **تاج** محمد بن سیرین گوید که تاج در خواب دیدن پادشاهان را ملک و ولایت بود و زنان را شوهر و مردم عامه را نیکوئی
حال و اگر بیند که بر سر تاج داشت از زر و مرصع دلیل بود که قدری بلند و منزلتی عظیم یابد ولکن در دین و راه شریعت ضعیف بود
و اگر این خواب را زنی بیند دلیل بود که شوهری کند صاحب حشمت و جاه در شغل دنیا کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بر سر وی
تاج نهاد دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کامروائی بود و اگر بیند که پادشاه تاج بوی داد و او بر سر نهاد دلیل
بود که زنی توانگر خوب روی بخواهد و از و کام دل و مراد یابد و اگر بیند که تاج از سر او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن طلاق
دهد و اگر کسی بیند که تاج از سر وی برگرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیند که تاج از سر وی بیفتاد و بشکست
دلیل بود که زن او بمیرد یا کسی از اهل بیت او بمیرد و از دنیا رحلت کند حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر زنی بیند که تاج بر سر
دارد و شوهر ندارد دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد دلیل بود که بر زنان مهتر گردد و اگر زنی بیند که تاج از سر او
برگرفتند دلیل بود که شوهر او زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که تاج مرصع بگوهر با بر سر پادشاه بود دلیل بود که جاه و حرمت
حاصل کند و او را حرمت بیفزاید **تاراج** ابن سیرین گوید که اگر بیند که مال و نعمت کسی را بتاراج برد دلیل بود که آنکس را غم و اندوه
و زیان رسد بقدر آنکه از وی برده بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که تاراج کردن دلیل بود بر چهار وجه اول شعب دویم
زیان سیم غم و اندوه چهارم ارزانی نرخ مگر که غنیمت بود **تاریکی** ابن سیرین گوید که تاریکی در خواب ضلالت بود در راه دین
و اگر بیند که تاریکی فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بقدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بیند که در تاریکی بود و آن تاریکی با
بروشنائی مبدل گردید دلیل بود که توبه کند و راه دین بروی گشاده گردد کرمانی گوید اگر بیند که در تاریکی فرو بود و آن تاریکی باز بروشنائی
شد و دیگر بار بتاریکی شد دلیل بود که این منافق بود قوله تعالی وَاِذَآ اَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوْا وَلَوْ شَآءَ جابر گوید که تاریکی بخواب غم و اندوه
بود و اگر بیند که هوا سخت تاریک گردید دلیل که بمردم آید یا رغم و اندوه رسد و کار ایشان بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود تاریکی ابر ناگاه پدید آید
دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات ظاهر گردد حضرت صادق فرماید که تاریکی در خواب بر پنج وجه بود اول کفر دویم تحیر سیم فرو بستن کار
چهارم بدعت پنجم در ضلالت افتادن اسمعیل اشعث گوید اگر بخواب بیند که از تاریکی بروشنائی آمد دلیل بود که از درویشی بتوانگری
افتد و از غم فرج یابد و کار بروی گشاده گردد و از راه ضلالت در بود **تازیانه** دانیال گوید اگر کسی بیند که تازیانه بخط کرده داشت دلیل بود
که کارش نه بمراد و نظام او بود و اگر بیند که تازیانه او مخط نکرده بود دلیل بر شرف و بزرگی بود بقدر آن تازیانه و بعضی گویند که تازیانه در خواب
دلیل بر مال اندک بود بر قدر بینندهٔ خواب اگر بیند که دوال تازیانه او بگسست دلیل بود که مال و بزرگی از وی جدا گردد ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که کسی را بتازیانه بزد دلیل بود که بکاری مشغول گردد و از آنکس وکسب فایده بدو رسد و اگر بیند که تازیانه از دست بینداخت
دلیل بود که آن کاری که در دست دارد بیندازد و اگر بیند که چون او را بتازیانه بزد خون از تن وی روان شد دلیل بود که سخنهای ناخوش
شنود و اگر بیند که خون از وی نرفت دلیل بود که بهر تازیانه درمی یابد کرمانی گوید اگر بیند که او را بتازیانه بزد دلیل بود که از آنکس
مال حرام یابد اگر بیند که بزخم تازیانه خون از و روان شد دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که زخم تازیانه بر تن او بماند دلیل بود که سخنهای
ناخوش شنود و اگر بیند که او را بتازیانه برد و ندانست که کسی زد دلیل بود که ناگاه مال یابد جابر گوید اگر کسی بخواب بیند که در دست

تاج

تاراج

تاریکی

تازیانه

تازیانه نیکو داشت یا علاقه ابریشمین دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر بیند که تازیانه از چوب بود دلیل بود بر قوة حال وی و اگر بیند
که تازیانهٔ او از چرم یا از دوال بود دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که تازیانه در دست او بشکست دلیل کند که فرزندش
بمیرد یا از کار خود معزول گردد و اگر بیند که بر اسپ نشسته بود و تازیانه بزد دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بر وی
منت نهد و اگر بیند که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون بر آمد دلیل بود که آنکس مال حرام یابد یا زننده او را متهم کند بگناهی
و اگر بر پشت خود زخم تازیانه بیند و نداند که چه کس زد دلیل بود که شغل دینی و دنیائی او تمام گردد و اگر بیند که بر کسی تازیانه زد
چنانکه پاره پاره گردید دلیل کند که اهل او متفرق گردند اگر کسی را بے اندازه تازیانه زد دلیل بود که وی را غم و اندوه
رسد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانه خود بدست خود تازیانه کوتاه بود و پس از آن دراز گردید دلیل بود که زبان او بر خصم
دراز گردد و اگر بیند که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بر وی غلبه کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که تازیانه
در خواب بر پنج وجه بود اول شعت دوم جدل کردن سیم روشن شدن کاری چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگی و مال
تاوه ابن سیرین گوید که تاوه در خواب خدمتگار خانه بود که آنچه بر که خدائی خانه بود جمله بر عیال خود و دیگران نفقه کند
و اگر بیند که تاوه نو داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که خدمتگاری مصلح او را حاصل گردد یا از وی جدا گردد جابر مغربی گوید اگر بیند
که در تاوه چیزی می پخت دلیل کند که کار خدمتگار او نیکو گردد و اگر بیند که از تاوه چیز میخورد دلیل بود که از آن خدمتگار خیر و
منفعت بدو رسد بقدر خوردنی و اگر بیند که آن خوردنی ترش و ناخوش بود دلیل بود بر غم و اندوه وی **تب** ابن سیرین
گوید اگر کسی بخواب بیند که او را تب پیوسته بود چنانکه زمانیش رها نمیکرد دلیل کند که پیوسته بفساد و گناه مشغول بود
توبه باید کرد تا از عقوبت نجات یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبش دراز بود دلیل کند که تنش درست و عمرش دراز بود
و اگر بیند که وی را تب اندک بود تا ویلش بخلاف این بود **تبر** ابن سیرین گوید که تبر در خواب خدمتگارے بود که بخواهد که کاری
کند و اگر او را کاری فرماید خواهد که او را گسسته گرداند تا دیگر کارش نفرماید جابر گوید که تبر در خواب مردی ترسنده بود و اگر یاری
خواهد از مرد منافق بود و در میان مردم جنگ و جدائی افگند و اگر بیند که تبری داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را با مردی
بدان صفت دوستی افتد اگر بیند که تبر او بشکست یا ضایع گردید دلیل کند که آنمرد را اجل فرا رسد **تبیره** بفارسی
طبل بود دیدن آن در خواب خبر کرده و سخن دروغ بود و کاری پیدا و روشن و این جمله دلیل بر زننده آن کند ابن سیرین
گوید اگر بیند که با تبیره پای کوبد و رقص کند دلیل بود بر غم و اندوه و مصیبت و اگر بیند که او تبیره مفرد همی زد دلیل بود
که سخن باطل گوید یا کاری ناصواب کند که بدان مشهور گردد و بعضی از معبران گویند که تبیره در خواب آواز خوش بود و لاکن
باطل بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبیره میزد دلیل کند که کارهای باطل کند با شعت که در ان هیچ اصل نباشد و با مردمان
هر وعده که دهد جمله دروغ باشد حضرت صادق ع فرماید که تبیره زدن در خواب کاری بود که بنادانی کرده شود و عاقبت آنکار ظاهر
گردد که باطلست و تبیره زدن در خواب مردی بود که دروغ شیرین و آراسته گوید بظاهر و در باطن مردمان را غیبت کند و بهتان زشت
گوید **تتماج** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تتماج بگوشت بره یا با گوشت گوسفند و ماست شیرین می خورد دلیل کند
که بقدر آن از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که با گوشت گاو یا با گوشت خرگوش کشک و ماست ترش

میخورد دلیل بود که منفعت اندک از مردم سفله دون بدو رسد جابر گوید که تتماج با گوشت خرگوش یا چیزی ترش دلیل بر غم و اندوه
بود **تخت** محمد بن سیرین گوید که اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بران تخت چیزی گسترده نبود دلیل کند که بسفر شود و اگر بیند که
بر تخت خفته بود و بران چیزی گسترده بود دلیل بود که بزرگی یابد و بقدر و قیمت تخت دشمنان را قهر کند اما ازین غافل بود و اگر این
کس از اهل فساد بود دلیل بود که بر دارش کنند خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تخت بشکست و او بیفتاد دلیل کند
که از جاه و بزرگی بیفتد و حالش بگردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود اول عز و جاه
دوم سفر سیم مرتبه چهارم بلندی پنجم ولایت ششم قدر و جاه هفتم عالی شدن کارها **تخم کاشتن** ابن سیرین گوید
اگر کسی بخواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که از انجا که کاشته بود میخورد دلیلش که
ازین نیکوتر بود و اگر بیند که از انچه کشته بود چیزی حاصل نگردید و یا ندانست که باران چیست و نیز اندک و بسیار آنرا ندانست
دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که گندم همی کاشت دلیل کند که او را خیر و نیکوئی رسد و اگر بیند که جو همی کشت دلیل بود
که او را مال جمع گردد و اگر بیند که کاورس همی کاشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس و باقلی و لوبیا و مانند آن همیکاشت
دلیل بر غم و اندوه کند دانیال گوید اگر در زمین خویش تخم همیکاشت دلیل کند که زنی خواهد و کارش ساخته گردد و اگر زمین
کشته خویش را ناکشته بیند دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجائی مجهول تخم همی کشت و بر آمد دلیل بود که غزا
کند و غزا بروی آسان گردد و خیرها کند و اگر بیند که در زمین خویش کشت میکرد دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل گردد
و اگر بیند که جو یا گندم یا درخت در زمین خود میکشت دلیل که جاه و عز او زیاده گردد بقدر آنکه کشته بود حضرت صادق ع
فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دوم فساد سیم مال حرام چهارم نفع در بازرگانی **تخمه**
ابن سیرین گوید اگر بیند که او را تخمه بود دلیل بود که او را مال ربا خوردن فساد کند باید که ازین گناه توبه کند تا از عقوبت
حق تعالی نجات یابد و باتفاق معبران آنست که در خواب تخمه دیدن دران خیر نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید تخمه در خواب
بر چهار وجه بود اول مال ربا دوم فساد سیم مال حرام چهارم متابعت هوای نفس کند **تخمها** کرمانی گوید که تخمها در خواب
دیدن انچه ترش و تلخ و ناخوش بود جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بذر و صعتر بود اما انچه بطعم شیرین و خوش بود خوردن
آن در خواب منفعت اندک بود جابر مغربی گوید که تخمها در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد مگر آن تخم که پوسیده یا کرم خورده
بود **تذرو** ابن سیرین گوید که تذرو مرغی است در خواب مردی غدار بود و تذرو ماده زنی فریبنده بود معبران گویند
که تذرو مال حرام بود که بحیله بدست آورد و اگر بیند که با تذرو در نبرد بود دلیل بود که با کسی غدار او را خصومت افتد و اگر بیند
که تذرو ماده او را حاصل گردید دلیل کند که زنی خواهد که در وی هیچ خیر نبود و اگر خانه تذرو بیند دلیلست که زنی خوبروی
بنکاح خواهد بقدر سفیدی و پاکیزگی آن خانه کرمانی گوید که اگر بیند که تذرو در خانه داشت و بمرد دلیل کند که زن او هلاک
گردد یا بجهت زنان او را مصیبتی افتد و اگر بیند که تذرو از خانه او بپرید دلیل بود که زن را طلاق دهد جابر مغربی گوید که تذرو
در خواب زن پارسا بود با جمال و مال و اگر بیند که تذرو یافت یا بگرفت دلیل بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و
اگر بیند که تذروی در کنار او فتاد و بخفت دلیل بود که کسی با عیال او سر و کاری دارد و او را می فریبد حضرت صادق ع

فرماید که تندرو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم مال حرام سیم معیشت چهارم کام دل جستن **ترازو** ابن سیرین گوید که ترازو در خواب قاضی بود اگر بیند که ترازوی نو داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که در آن موضع قاضی بود و فقیهی پاک دین و کفه ترازو سمع قاضی بود و درمها که در آن بود خصومت بود که نزد قاضی کنند و سنگهای ترازو عدل و داد بود که قاضی در میان خصمان کند بوقت حکومت و اگر بیند که ترازو را او را ایستاده بود چنانکه هیچ میل نداشت دلیل که قاضی عدل کند و اگر بیند که ترازو درست نبود دلیل که قاضی راست و منصف نبود و در حکومت میل کند کرمانی گوید اگر بیند که عمود ترازو بشکست دلیل بود که قاضی آن دیار بمیرد و اگر بیند که ترازو زیاده و نقصان بود دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاده و نقصان بود جابر گوید بلکو کردن ترازو در خواب رستن قاضی بود از عذاب دوزخ **ترازو گر** بخواب دیدن پادشاه عادل بود و ترازوی راست قاضی راست حکم بود دیا وزیر عادل حضرت صادق علیه السلام فرماید که ترازوی قیامت بخواب دیدن بر شش وجه است اول قاضی دوم پادشاه سیم فقیه چهارم میانجی پنجم حکم راست ششم کج اگر بیند که کردار نیک وی در ترازوی قیامت بیش از کردار بد وی بود دلیلست که بهشت یابد و از عقوبت رسته گردد قوله تعالی فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و اگر بخلاف این بود دلیل بود که مستوجب عقوبت دوزخ بود قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ **ترب** کرمانی گوید که ترب بخواب دیدن غم و اندوه بود خاصه که خورد اگر بیند که بخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که کسی ترب بدو داد دلیل بود که از آن کس غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که او ترب بکسی داد یا از خانه بیرون افگند و هیچ از آن نخورد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد **ترمه** ابن سیرین گوید که ترمه در خواب دیدن دلیل بر غم و اندیشه کند اگر بیند که خورد دلیل بر زیان مال کند بقدر آنکه خورده بود **ترخون** ابن سیرین گوید که مردی بدگوهر بدکردار بود زیرا که اصل وی سپند است و سپند را بسر که تیز بیاغارند و مدتی رها کنند تا طبع و طعم وی از حال خود بگردد بعد از آن وی را بکار برند چون بر آید ترخون بود و اگر بیند که ترخون داشت یا کسی بوی داد دلیل باشد که از آن مرد وی را مضرت و زیانی رسد و اگر بیند که ترخون بکسی داد یا از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از صحبت چنین مردی جدائی جوید و از و دور شود **ترسائی** کرمانی گوید اگر بیند مسلمانی ترسا شده دلیل بود که او را در راه بدعت و گمراهی پدید آید و اعتقاد در دین مسلمانی ندارد جابر گوید اگر کسی بیند که دشمنی دارد بر وی نصرت یابد زیرا که ترسا نصرانی بود و او مشتق از نصرت است و اگر ترسائی بیند که مسلمان شد دلیل بود که مسلمان گردد یا بمیرد حضرت صادق علیه السلام فرماید که اگر کسی بیند که با ترسایان صحبت داشت دلیل بود که دوستدار و هواخواه او بود و اعتقادش در دین اسلام ضعیف بود **ترسیدن** ابن سیرین گوید ترسیدن در خواب ایمنی بود و هر که در خواب بیند که میترسید از کسی و نداند که ترس او از که کیست دلیل بود که مکروهی از آن ترساننده بوی رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول خدا فرموده النصر بالرعب یعنی نصرت یافتم بترسانیدن و اگر بیند که از دزدی یا از جانوری همی ترسید دلیل بود که از کسانی که باو منسوب اند وی را مضرت رسد **ترشیها** ابن سیرین گوید که ترشیها خوردن در خواب هم و اندیشه و غم بود خاصه میوهای ترش و اگر بیند کسی چیزی ترش بوی داد دلیل کند که از او بوی رنج رسد

و اندوه رسد و اگر بیند که او چیزی ترش بکسی داد دلیل بود که بسبب او غم و اندوه بوی رسد فی الجمله در خوردنی
ترش هیچ خیر نباشد **ترف** ابن سیرین گوید که ترف دیدن در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که ترف همی خورد
دلیل بود که وام دار گردد و بسبب آن غمگین گردد که ترف بطعم ترش و بدیدار تیره بود جابر گوید که دیدن ترف در خواب
مال اندک بود و خوردن او غم و اندوه بود **ترنج** دانیال گوید که ترنج اگر چه بگونه زرد است اما بوی خوش دارد
و بطعم و بدیدار پاکیزه بود و گویند که از میوهای بهشت است و دیدن او بخواب نیک است دانیال علیه السلام گوید اگر
کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب بیند تاویلش فرزند بود و اگر بسیار بیند مال و نعمت حلال یابد و ترنج سبز دیدن
در خواب بهتر از ترنج زرد بود کرمانی گوید که ترنج در خواب مردی بود توانگر و باجمال و بمردمان نزدیک چنانکه همه کس او را
دوست دارند و اگر بیند که ترنجی داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خود
دید دلیل بود که او را فرزندی خوب روی آید و اگر بیند که ترنج را بخورد دلیل بود که او را از مال خود یا از مال بزرگی بهره رسید
و اگر بیند که ترنج را پنهان کرد و در پیچید دلیل بود که فرزندش هلاک گردد و اگر بیند که در خانه ترنج بسیار داشت و بکسی بخشید
دلیل کند که در حق کسی نیکویی کند و اگر بیند که ترنج در آستین نهاد دلیل بود که او را فرزندی از کنیزک آید و اگر بیند که از آستین
بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی حاصل گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن ترنج در خواب بر چهار وجه بود اول زن نیکو روی
دویم کنیزک پاک دین سیم دوست توانگر چهارم فرزند شریف صالح **ترنجبین** ابن سیرین گوید که ترنگبین در خواب
مال حلال بی منت بود قوله تعالی وَ اَنْزَلْنَا عَلَیْکُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوٰی کُلُوْا مِنْ طَیِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰکُمْ
اگر بیند که ترانگبین بسیار داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که روزی بسیار یابد از انجا که امید ندارد و کارهای او
بنظام شود حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر ترانگبین در خواب دید یا خورد دلیلش بر سه وجه بود اول مال و روزی
حلال بی منت خلق دویم معیشت و گشایش کارها سیم کام دل یافتن **تره دوغ** ابن سیرین گوید که خوردن تره دوغ بخواب
دلیل بر غم و اندوه کند **تره** ابن سیرین گوید که از ترها آنچه بطعم تلخ و ناخوش بود دلیل بر مضرت کند **تره فروشی** اگر کسی
بخواب بیند که تره فروشی کردی تاویلش نیکو بود زیرا که بدست او کاری رود که همه خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن بخواب
بیماری و مفلسی و غم و اندوه بود **تریاک** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تریاک از بهر بیماری خورد دلیل بود که از رنج برهد
و کار بر وی گشاده گردد و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه و نقصان بود **تزویج** ابن سیرین گوید
اگر بیند که زن خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر عزب بود دلیل بود که زنی توانگر خواهد و اگر بیند که زن را طلاق داد
دلیل که شرف و بزرگی او زایل گردد و اگر مرده زن را بزنی کرد و با وی جمع گردید دلیل که از ملک و مال آن زن او را چیزی
حاصل گردد و اگر بیند که با آن زن جمع نشد دلیل بود که چیزی اندک از مال او او را حاصل گردد و اگر زنی بیند که او را مردی مرده او را
زن کرد و در سرای زن با وی جمع گردید دلیل کند که مال زن نقصان شود یا حال وی متغیر گردد و اگر بیند که زن
خواست لکن زن را ندید و نامش را ندانست دلیل بود که اجلش نزدیک شده باشد و اگر زن را بیند و سرای مجهول بود و
آن سرا از آن شخص مرده بود و آن مرده با وی جمع گردید دلیل بود که آن زن بمیرد و اگر آن سرا معروف بود دلیل بر نقصان

ترف — ترنج — ترنجبین — تره دوغ — تره — تره فروشی — تریاک — تزویج

زن کند کرمانی گوید اگر زن شوهری دارد در خواب بیند که دیگر شوهری دارد و عروسی راند دلیل کند بر شرف و عزت و زیادتی
مال او و اگر بیند که عروسی خواست کردن و عروسی راند و نشناخت هم مرگ بود او را و بعضی گویند شخصی بر دست او هلاک
گردد و اگر بیند که بیمار بود و زنی مجهول خواست و یا کسی دید که زن او شوهری کرد و آن شوهر را بخانه برد دلیل بود که مال بسیاری
از این ممر بشوهر رسد و اگر بیند که زنی نابکار بزنی بخواست و با وی جمع شد دلیل بود که کاری دشوار بروی آسان
گردد و اگر با وی جمع نشد آنچه گفتیم کمتر بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که دختری دوشیزه را بزنی کرد و دوشیزگی او را
بستد دلیل بود که اندر آن سال او را از زنی یا کنیزکی حاصل گردد و از پادشاه خیر و نیکی بیند و اگر بیند که بحرام دوشیزگی دختری
بستد دلیل بود که مالی حرام بدست آورد حضرت صادق علیه الصلوة والسلام فرماید که زن خواستن
در خواب بر چهار وجه بود اول بزرگی دوم زیادتی مال سیم راحت چهارم خرمی و شادی
تسبیح کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید تسبیح کردن بخواب مطیع بودن بر فرمان حق
تعالی اگر بیند که تسبیح میکرد دلیل بود که مطیع بود بر فرمان حق و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که تسبیح بخواب با خود داشت
غم و اندوه بوی رسد ولکن او را در آن اجر و ثواب بود و اگر بیند که با تسبیح شکر حقتعالی میکرد دلیل کند که در دین قوی گردد
و مالی یابد و این خواب را والی بیند دلیل بود که او را آبادانی ولایت رسد قوله تعالی لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ
طشت کرمانی گوید که طشت در خواب زنی خادمه بود و ابن سیرین گوید که طشت در خواب کنیزکی بود که حوائج خانه بوی تسلیم کنند
و اگر بیند که طشتی فرا گرفت یا کسی بوی داد یا بخرید دلیل بود که زنی خادمه بخانه آورد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که طشت
بشکست یا ضایع شد دلیل کند که آن کنیزک بگریزد یا از دنیا رحلت کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که طشتی خرید دلیلست
که زنی خادمه را بزنی خواهد یا کنیزکی حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن طشت در خواب بر سه وجه بود اول
زن خادمه دوم کنیزک سیم منفعت از زنان **تشنگی** ابن سیرین گوید که سیرابی در خواب بهتر از تشنگی بود اگر بیند
که بغایت تشنه بود و آب نمی یافت دلیل کند که رنجی و زحمتی بدو رسد از بهر دین یا از بهر دنیا و اگر بیند که تشنه بود
یا آب نمی یافت یا کسی بدو داد و نخورد دلیل کند که از رنج و بلا رسته گردد و سرانجام بمراد رسد جابر گوید که تشنگی در خواب
فساد بود در دین و اگر بیند که در تشنگی آب یافت و بخورد دلیل کند که گناه کند و سرانجام توبه کند و مصلح و پارسا گردد
تعویذ ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تعویذ با خود داشت از نامهای خدایتعالی دلیل کند که از سختی و غم برهد
و اگر وام دار بود وامش گذارده گردد و اگر بیمار شفا یابد و اگر زندانی بود رهائی یابد و اگر در سفر بود بسلامت باز آید
کرمانی گوید اگر کسی بیند که تعویذی نوشت و بمردم میداد دلیل بود که از وی بمردم منفعت رسد و اگر بیند که تعویذی نوشت و بمردم
میداد و بهای آن ستد دلیل بود که اندوهگین گردد و متفکر **تغار** دیدن تغار زنی بود غمگسار و صالحه که خانه او را اصلاح دارد و او
خیر بمردم آموزد و از شر و فساد توبه کند کرمانی گوید اگر بیند که تغار او بشکست یا ضایع گردید دلیل کند که آن زن از وی جدا گردد یا از دنیا
رحلت کند بقول بعضی معبران تغار کنیزک بود و خادمه **تفشله** بدانکه تفشله بفارسی عدس پخته بود اگر کسی آنرا بخواب بیند دلیل بر غم و اندوه کند
ابن سیرین گوید اگر بیند که تفشله همی خورد دلیل کند که غم و اندوه خورد یا او را با کسی خصومت افتد بدان سبب رنجور گردد و علی الجمله در تفشله

خوردن آن هیچ خیر و منفعت نباشد **تکبیر گردن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که تکبیر میکرد دلیل کند که از شر دشمنان
ایمن گردد و در خیرات بروی کشاده گردد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن تکبیر گردن در خواب بر چهار وجه بود اول
ایمنی از دشمن دوم رستگاری از بلا و فتنه سیم خیر و برکت چهارم گشایش کارها بسته **تگرگ** ابن سیرین گوید که تگرگ در
خواب دیدن عذاب و تنگی دنیا بود مگر اندک بود و اگر بوقت خود بود دلیل که اهل آن موضع فراخی و نعمت بود لکن تگرگ دیدن
نه بوقت خود دلیل بر غم و اندوه بود اهل آن موضع را حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن تگرگ در خواب بر پنج وجه
بود اول بلا دوم خصومت سیم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری **تل** بفارسی پشته بود و شرح و تحویل آن در حرف با بیان
کردیم **تمام شدن کارها** ابن سیرین گوید که هر که بخواب بیند که کارهای دنیا اورا انتظام گشت و کامگار شد
دلیل کند که احوالش متغیر گردد قوله تعالی حَتّٰی اِذَا اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّیَّنَتْ و هر که بیند
که کارش تمام نشد دلیل بر تغییر حال او بود و هم بیم بود که عمرش سپری گردد و هم بیدادگر بود که از و انتقام کشد **تن مردم**
ابن سیرین گوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل غم و اندوه بود که معیشت مردم بود و هر زیادت و نقصان که در تن
بیند دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر بیند که تنش لاغر و نحیف بود دلیل بود بر درویشی و بستگی کارها و اگر تن را فربه
بیند دلیل کند بر توانگری و گشایش کارها و اگر بیند که از تن او رشته بیرون آمد و دراز میگردید دلیل کند که زندگانی
بعیش و فراخی گذارد و مالش زیاده گردد و اگر بیند که آن رشته گسسته شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که تن او آهنی شده یا مسی دلیل بود که عمر
دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بیند که تن او آبگینه بود دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد کرمانی گوید اگر بیند که تن او درست و [صحیح]
بود دلیل بود که کارش انتظام شود و راز او پوشیده ماند و اگر بیند که تن او ضعیف است دلیل بود که درویش گردد و رازش آشکارا گردد
حضرت صادق علیه السلام میفرماید که اگر بر تن خویش زیادتی بیند دلیل کند بر قوت و توانگری و ظفر یافتن بر دشمن و اگر بر تن
خویش نقصانی بیند دلیلش بخلاف این بود و اگر بیند که همه تن او آماس داشت دلیل بود که بیمار گردد **تندر** بلغت پارسی رعد
بود و دیدن او در خواب قرعد بود از عامل و از عوام ابن سیرین گوید اگر بیند که غریدن تندر را با باران دلیل بود که مردمان را
ترس و بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان و اگر بیند که باران سخت بارد و تندر سخت بارید دلیل بود بر ترس کاری بیننده
خواب از دعا بد رو مادر کرمانی گوید که غریدن رعد اندک و باریدن باران اندک دلیل بر ترس کاری از اهل بود و از دعای زاهدان
و صالحان حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن تندر بر پنج وجه بود اول عذاب دوم حکمت سیم رحمت چهارم
صولت پنجم خشم پادشاه اگر بیند که آواز تندر بوقت باریدن می شنید دلیل بود که در آن دیار خیر و برکت پدید آید
و اگر بیند که باران و رعد و برق بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه ترس و بیم بود و اگر بیند که باران ژاله همی
بارید دلیل بود که در آن دیار فتنه و عذاب و هلاکت پدید آید و اگر بیند که تندر سخت بغرید دلیل بود که بانگ
و هیبت پادشاه در آن دیار گسترده گردد و اگر بیند که هم تندر بود و هم برق و هوا تاریک بود دلیل که پادشاه
ستمگر پدید آید **تندیسها** ابن سیرین گوید که تندیسها که سایه آن بر زمین افتد چون بخواب
بیند غم و اندوه بود خاصه که بگونه سیاه بیند و آنچه در دیوار نگاشته بیند حضرت صادق علیه السلام

فرماید که تنگی جایها در خواب بر سه وجه بود اول غم و اندوه دوم نقصان قدر و جاه سیم بی امانی در کارها **تنگی** ابن سیرین گوید
اگر بیند که از تنگی بفراخی آمد از جایگاهی و هم او بجایگاهی ایمنی شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از رنج براحت و آسانی
شود و اگر بخلاف این بیند به بود و جابر گوید اگر بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی
نیابد و اگر بیند که در آنجا طعام تنگ بود دلیل بود که عیش و روزی بر او تنگ گردد و تنگی همه چیزها در خواب نیکو نباشد
تنور ابن سیرین گوید که تنور در خواب مهتر بود و کدخدای خانه و بعضی از معبران گویند که بانوی خانه بود اگر بیند
که تنور در دست داشت دلیل کند بر تن درستی و نظام کار کدخدائی خانه و اگر بیند که تنور بیفتاد و خراب شد دلیل
کند بر رنج و آفت و بیماری و آفت کدخدائی و بدی وی و اگر بیند که در تنور نان می پخت دلیل کند که بر قدر آن نانها
روزی حلال بیابد و کار بر وی نیکو گردد و کرمانی گوید اگر بیند که در تنور لختی آتش است بی روشنائی و بر بالای تنور
شعاع آتش میتافت و دود نبود دلیل بود که بسفر بیت المقدس رود یا حج کند قوله تعالی مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي
الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ یعنی مکه و بیت المقدس و بعضی گفته اند که آنرا خیر و منفعت رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید
که دیدن تنور در خواب بر دو وجه بود اول خیر و منفعت بود خاصه که نو بود دوم مردی با هیبت شود و شفقت **توبره** ابن
سیرین گوید که توبره در خواب خیر و منفعت بود خاصه که نو بود اگر بیند که توبره داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که
از کسی خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که توبره های او ضایع گردید تاویلش بخلاف این بود **توبه کردن** ابن
سیرین گوید اگر کسی بیند که توبه کرد دلیل کند که از همه گناهان و معصیت پشیمان گردد و کردار نیکو کند که در آن خوشنودی
خدایتعالی بود و دست از دنیا بدارد و طلب آخرت کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که توبه کردن در خواب
بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه دوم رضای خدا سیم راه آخرت چهارم سعادت **توتیا** کرمانی گوید
توتیا در خواب دیدن مال بود اگر کسی بیند که توتیا در چشم کشید و مقصود از توتیا روشنائی چشم بود دلیل بود که صلاح
دین جوید و اگر مقصود وی بخلاف این بود دلیل کند که خود را باتفاق بدین داری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش
کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که توتیا بدو دادند دلیل کند که بقدر آن وی را مال حاصل گردد و اگر بیند که توتیا
همی خورد دلیل کند که مستمند و غمگین گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر بیند که توتیا در زیر بغل داشت از برای
دفع بوی ناخوش همی مالید دلیل کند که کاری کند که در آن او را مدح و ثنا و نیکوئی گویند **توت** توت شیرین خوردن
در خواب روزی بود و خوردن توت ترش غم و اندوه بود ابن سیرین گوید که توت شیرین هنگام خود خوردن دلیل کند که
بقدر آن از کسب خویش روزی یابد و اگر اینخواب هنگام رسیدن توت بیند نیکوتر بود و اگر نه بوقت آن بود دلیل
بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که توت شیرین میخورد دلیل بود که از مردی جوانمرد صله و عطا یابد اگر بیند که توت ترش
همی خورد دلیل است که غمگین و متفکر گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که توت در خواب بر سه وجه بود اول مال و
دوم منفعت از کسب خویش سیم منازعه بهر زن **تورات** ابن سیرین گوید اگر بیند که تورات همی خواند بظاهر دلیل
کند که وی را قوتی پدید آید از مردم محتشم و اگر بیند که تورات خواند بظاهر دلیل کند که با کسی خصومت

تیر

کند وبروی ظفر یابد و مرادش حاصل گردد واگر بیند که کسی را تعلیم تیراندازی میکرد دلیل کند که از آنکس خیر بدو رسد تیر دانیال گوید که تیر در خواب دیدن مردی است گوکه از آنکس خبر بمردم رسد بقول بعضی از معبران غیبت بود واگر بیند که کسی تیر بوی می انداخت دلیل کند که پیغامی بوی در رسد خاصه چون بیند که تیر بغرضی انداخته اگر بیند که تیر بغرض انداخت دلیل بود که نام بدانکس فرستاد

حرف الجیم من کتاب کامل التعبیر

چادر

چادر ابن سیرین گوید چادر در خواب دیدن ستر پوش زن بود اگر بیند که چون زنان چادر پوشیده بود دلیل که دانکار خیر و شر بود لکن آنکار را زان مکروه دارند واگر کسی بیند که چادر را بدرید یا بسوخت دلیل بود که در آن وقت ستر وی دریده گردد کرمانی گوید که چادر در خواب دیدن زن بود واگر بیند که چادر شب فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که زن نو خواهد واگر بیند که چادر نو بخرید دلیل کند که کنیزی بخرد وازو فرزند آید واگر این خواب را زنی بیند دلیل کند که او را شوهر آید واگر زنی بیند که چادر شب او بسوخت دلیل بود که شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد حضرت صادق علیه السلام فرماید چادر در خواب بر سه وجه بود اول قدر و جاه دویم مرد را زن و زن را شوهر سیم کدخدائی سرای

جادوئی کردن

جادوئی کردن ابن سیرین گوید که جادوئی کردن در خواب کار باطل بود واگر بخواب بیند که جادوئی میکرد دلیل کند که کاری کند بیهوده و باطل و بقول بعضی از معبران جادوئی فتنه بود وآنکس را که از بهر او جادوئی کنند جابر مغربی گوید که جادوئی کردن در خواب از بهر کسی تعهد بود و بدروغ که مردمان را بدو فریبد و جادوئی در خواب دشمن فریبنده بود و حضرت صادق علیه السلام فرماید که جادوئی کردن در خواب بر شش وجه بود اول فتنه دویم فریب سیم مکر چهارم سگالش بد پنجم باطل و دروغ ششم کاری که در آن اصلی نبود

چهارپای

چهارپای ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که چهارپائی را فرا گرفت وآن چهارپا مطیع و فرمانبردار بود دلیل بود که بقدر و قیمت آن چهارپای از مردی بیابانی او را منفعت رسد واگر بیند که رمه چهارپایان دشتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل کند که گروهی که مسکن ایشان در بیابان بود مطیع او شوند کرمانی گوید اگر بیند که چهارپایان وحشی را بیم بستید دلیل کند که مردمان دانا را خدمت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چهارپای شده بود دلیل کند که از وی عقل زایل گردد واگر بیند که چهارپائی با او سخن میگفت دلیل بود که بزرگی یابد واگر بیند که چهارپائی گوشت میخورد دلیل بود که بقدر آن مال یابد

جاروب

جاروب ابن سیرین گوید که جاروب بخواب دیدن خادم و خدمتگار بود و جاروب در شب خادمی بود که تقاضای چیزها کند واگر بیند که خانه را بجاروب میرفت دلیل کند که مالش ضایع گردد واگر بیند که خانه کسی میرفت دلیل کند که مال کسی بدو رسد خاصه که بیند خاک رفته را بخانه خود آورد حضرت صادق علیه الصلوة والسلام فرماید که جاروب دیدن بخواب بر سه وجه بود اول خادم دویم منفعت سیم متقاضی چیزها که با مردم بود و بدو رسد

جام

جام کرمانی گوید اگر بیند که جام پر آب یا جلاب فرا گرفت یا کسی بدو داد وازان بخورد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و او را فرزندی پارسا آید که ازو راحت بیند واگر بیند که آب از جام بریخت و جام بماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و مادرش بماند واگر بیند که جام را بشکست و آب بماند دلیل کند که زنش بمیرد و فرزندش بماند واگر جام بشکست و آب بریخت دلیل بر هلاک فرزند بود و مادر هر دو

جابر مغربی گوید اگر بیند که جامها در خانه او در دیوار نشانده بود دلیل بود که بعد از آن جامها او را کنیزکان و زنان بوند و اگر جامه سفید
یا سبز بیند دلیل کند که او را زنان مصلح پارسا باشند و اگر جامهای سرخ بیند دلیل کند که او را زنان معاشره مفسد بود و اگر جامها
زرد بیند دلیل بود که زنان او بیمار و زرد گون باشند و اگر جامها سیاه بیند دلیل بود که او را زنان اندوهگین و مصیبت زده
باشند **جامه** دانیال گوید جامه در خواب کسب و کار مرد بود و اگر جامه خود را نیکو بیند دلیل که کسب و کارش
بد شود و اگر پادشاه در خواب جامه خود را سیاه بیند دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر رعیت جامه خود را سیاه بیند
دلیل بود بر غم و اندوه و جامه زرد در خواب بیماری بود و جامه سرخ در خواب خرمی بود و توفیق طاعت دلیل
بر آنکه جامه سبز حله بهشتیان است آن نیز خوب بود قوله تعالی عَالِیَهُمْ ثِیَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَاِسْتَبْرَقٌ
و جامه سفید شسته ساختگی کار مردم بود و جامه کبود دلیل بر مضرت بود و جامه سوخته دلیل زنان بود از سبب پادشاه
و جامه دریده دلیل ظاهر شدن راز بود و جامه پشمین و نمدین و پلاس از پشمین انجمله دلیل بر مال و خواسته او را حاصل گردد
و جامه مرقع دلیل بر درویشی و تنگدستی بود و جامه چرکین از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی
دلیل بر ملامت و شناعت کند و جامه که از پوست چهارپایان بود دلیل بر خیر و منفعت بود که به وی رسد و جامه بدوزد
بشکل کفن دید دلیل که شغلهای وی در دین تمام گردد و لکن عمرش بآخر رسیده باشد و اگر بیند که پوست خر
پوشیده بود دلیل بود که عز و جاه یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه مهتری پوشیده است اگر از اهل
آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی گردد و اگر بیند که جامه وزیری پوشیده است دلیل که مال بسیار
یابد اما از خلق ملامتش بود و اگر بیند که جامه حاجی پوشیده بود دلیل بود که از عطای بزرگان محروم ماند اگر بیند
که جوانی جامه عوانی پوشید است دلیل کند که کسی او را یاری دهد بعطار سانیدن بوی و اگر بیند که جامه جلاد
پوشیده است دلیلست که منفعت یابد و اگر بیند که جامه صاحب دو پوشیده است دلیلست که با امانت و زبان
آور گردد و بمهمات ساختن خلق مشغول گردد و اگر بیند که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که دین او زیاد
گردد و اگر بیند که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که با امانت بود و اگر بیند که جامه بازرگان پوشیده
است دلیل بود که کار و کسب دنیائی او نیکو گردد و اگر بیند که جامه اهل صلاح داشت دلیل بود که کار دینش
بصلاح آید و اگر بیند که جامه اهل فساد پوشیده است دلیل بود که او را از اهل فساد غم و اندوه رسد
و اگر بیند که جامه مزدور کارکن داشت دلیل بود که متفکر و رنجور گردد و اگر بیند که جامه طبیبان داشت دلیل بود که
کارش نیکو گردد و در میان مردمان مشهور گردد و اگر بیند که جامه جهودان داشت دلیل بود که بمکر و حیله کسی را
هلاک کند و سرانجام کارش بد شود و اگر بیند که جامه ترسایان داشت دلیل کند که کاری کند که بسبب آن از
دوست و دشمن ایمن نباشد و اگر بیند که جامه کشیشی داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و میلش بکفر و ضلالت
بود و اگر بیند که جامه مغان داشت دلیل بود که میلش بجانب بد دنیان و جاهلان بود و اگر بیند که جامه سبازان
پوشیده است دلیل بود که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که جامه مرتدی پوشیده داشت دلیل بود که

کسی عطائی برد و بود و بارستاند واگر بیند که جامه بت پرستی داشت دلیل بود که بخدمت پادشاه مشغول گردد یا خدمت مهتری
واگر بیند که جامه زنانی پوشیده داشت دلیل بود که از مهتر خویش دور گردد واگر بیند که جامه مردان زندانی پوشیده داشت
دلیل بود که بسبب کاری غمگین و مستمند گردد واگر بیند که جامه حمالی پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود
وانگشت نمای گردد واگر بیند که جامه گورکنی داشت دلیل کند که بخدمت مردی سفله دون همت مشغول گردد
واگر بیند که جامه کشتیبانی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی حلال باو رسد واگر بیند که جامه
قصابی داشت دلیل بود که ویرا زیانی و اندوهی رسد واگر بیند که جامه باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که
با زن صحبت دارد نه براست کرمانی گوید اگر بیند جامه نو داشت و او را قصاره نکرده بودند نیکو بود و جامه تنگ
و دون دیدن و جامه جام از جامه گازری کرده بهتر بود و جامه زربفت زن خردمند و کنیزک با فرهنگ بود و
جامه برد و مخطط خیر و منفعت بود و جامه رسنی که مجهول بود زخم تازه یا نه بود یا غمی سخت که بدو رسد و جامه معین بال
انجامیده بود و جابر گوید که تاویل دیدن جامه [illegible] بدو گونه است یکگونه بدین تعلق دارد و یکگونه بدنیا و جامه
سفید دین است و جامه نو عمامه دنیا اگر کسی بیند که جامه سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود واگر
جامه سبز تنگ بیند هم دین را بد بود و هم دنیا را و چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا
بود و جامه سرخ زنان را نیکو بود در دنیا و مردان را هم نیکو بود و پیراهن و ازار و طیلسان و قبا و دستار از جمله
مردان را غم و اندوه بود و یا جنگ و خصومت و جامه زرد مردان را بیماری بود و بقول بعضی از معبران اگر بیند زنی
که جامه زرد پوشیده بود دلیل کند که او را شوهری آید واگر دارد بیمار گردد و جامه سبز زنان و مردان را دین بود
واگر بر زنده بیند صلاح دین بود واگر بر مرده بیند دلیل رستگاری آخرت بود و جامه سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشد
نیکو بود اما انکه پیوسته سفید پوشد جامه سیاه دیدن نیکو نباشد نه دین و نه دنیا را و جامه سیاه بقول بعضی از
معبران خطیب و قاضی یا پادشاه را نیکو بود اما رعیت را غم و اندوه بود و جامه کبود مهتران و غم و مصیبت بود اگر کسی
بیند که جامه دو لون داشت یعنی سبز و سرخ و زرد دلیل بود که از پادشاه یا والی آن ولایت سخنی سخت شنود که او را
خوش نیاید اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بخواب بیند که جامه داشت که رویش از رنگی و پشتش از رنگی دلیل بود
که با اهل دین و دنیا بذلت زندگانی کند واگر بیند که جامه خویش همی خورد دلیل کند که از مال خود نفقه بسیار
کند واگر بیند که جامه برهنه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بهر کاری ویرا بزندان کشند واگر بیند
که جامه او ضائع گردید یا از وی بستدند و او برهنه باند دلیل بود که قدر و جاهش کم گردد و حقیر و خوار گردد واگر بیند
که جامه خویش را بدرید دلیلست که اندوهگین گردد و با زن خویش خصومت کند واگر بیند که جامه وی بدرید دلیل کند
که از انکس شود واگر بیند که جامه خود را یا جامه اهل خود را موی کرد دلیل کند که او را با خویش خود خصومت افتد
یا از دوستی واگر بیند که جامه او کسی ببرد و برهنه باند دلیل کند که از حرمت و منزلت بیفتد واگر بیند که جامه در نوشته
از هم باز کرد دلیلست که بسفر رود واگر بیند که جامه باز کرده را در نوشت دلیل بود که غایبش از سفر باز آید واگر بیند که جامه

زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده گردد اما ترسی عظیم بدو رسد و لیقولی او را غم و اندوه رسد و بعزیمت گردد و اگر بیند
که جامۂ فروان پوشیده داشت دلیل کند که خیر و نعمت بدو رسد و جامه یافتن در خواب سفر بود و بقدر درازی و کوتاهی
جامه در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد دلیل بود که از غم باز رهد اصفهانی گوید که بهترین جامها در خواب جامهاییست
که از پنبه بود و در وی قز یا ابریشم نباشد و جامۂ عنابی از پنبه و ابریشم بود و جامه خز هر دو دلیل بر مال حرام و فساد
کند در دین و جامه دیبای حریر و ابریشم مردانرا بد بود و زنانرا نیک و جامۂ کهن غم و اندوه بود و از قبل پادشاه
و اگر کسی بیند که جامۂ کهنه فروشد نیک بود و اگر بیند که جامۂ کهن بخرد دلیل بد بود و جامۂ کهن پوشیدن بد است و جامۂ
کهن از تن بیرون کردن نیکست جابر مغربی گوید اگر بیند که جامۂ شسته بود و پوشید دلیل بود که با بت گردد و اگر
بیند که جامۂ چرکن داشت درویش گردد و اگر بیند که جامۂ رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود او را نیک بود و اگر
بیند که جامه بالنگونه داشت دلیل بود که او را منکری پدید آید حضرت صادق ع فرماید که دیدن جامه نو در خواب بر چهار وجه
بود اول زن دویم پادشاه سیم مال چهارم خیر و منفعت و هم او گوید اگر کسی بیند که جامۂ خود را بمقراض ببرید دلیل
کند که چیزی بدو رسد و اگر بیند که دزد آن جامۂ او را بیرون کرد دلیل بود که فسادی در میان زنان وی افتد

جامۂ خواب

جامۂ خواب ابن سیرین گوید که جامۂ خواب دیدن تاویل زن بود و اگر بیند که جامۂ خواب سفید و پاکیزه بود دلیل که
عیالش دین دار بود و دستور و اگر بیند که جامۂ خواب او سیاه بود دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بدو رسد و بعضی از
معبرین گویند که جامۂ سیاه در خواب پادشاه را نیکو بود و رعیت را بد بود و اگر جامۂ خواب را کبود بیند دلیل بود که او را بسبب عیال
غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که جامه خوابش چرکن و دریده بود دلیل بود که زن او چرکین و پلید و ناسازگار
بود و اگر بیند که جامۂ خوابش ضایع گردید یا بدزدیدند دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از و مفارقت کند و اگر بیند که جامۂ خوابش
بسوخت دلیل کند که عیالش بمیرد حضرت صادق ع فرماید که دیدن جامۂ خواب بر سه وجه بود اول زنی نیک دویم راحت
و آسانی سیم رنج و اندوه و مصیبت

جان

جان محمد بن سیرین گوید که جان بخواب دیدن فرزند بود یا مال یا
عیال موافق اگر بیند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش تلف گردد یا خود هلاک
گردد و اگر جان خویش بصورت مردی نیکو بیند دلیل بود که ویرا فرزندی نیکو بیاید و حالش نیکو گردد یا بخدمت
پادشاه خوش طبع و جوانمرد بپیوندد و حالش نیکو گردد و اگر جان خود را بصورت مردی زشت خو بیند بخلاف این بود
که گفتیم **حکایت** در خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا ص آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان
از تن من بیرون آمد و مرا در کنار گرفت و بعد از آن بآسمان رفت رسول ص فرمود که وصیت کن که جان تو بمکان خویش
رسید پس هم در آن روز آن مرد از دنیا رحلت کرد کرمانی گوید اگر کسی بیند که جان خود را در کف خود دید دلیل بود که بکار
مخاطره مشغول گردد که در آن ویرا بیم جان بود و اگر بیند که جان از کف او بآسمان شد دلیلست که زود بمیرد و اگر بیند که
رنگ جان او زرد بود دلیل که در بیماری صعب بمیرد و اگر جان را بگونه سرخ و یا سفید بیند عاقبتش نیکو بود و از غم رستگاری یابد
و اگر بیند بگونه سیاه بود دلیلست که مستوجب عذاب حقتعالی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که مرده جان همیکند در خویشان

اوبر وی نوحه وزاری میکردند دلیل بود که اهل بیت همه را غم واندوه رسد واگر بیند که خویشان وی آهسته میگریستند دلیل بود
که جانش در عقوبت بود **چاه** ابن سیرین گوید که چاه دراصل تاویل زن بود واگر بیند که درجایگاهی چاه میکند دلیل بود
که زن خواهد اگر بیند که بکندن چاه کسی اورا مدد میکرد دلیل کند که میان او وآن زن کسی متوسط است وخواهد که بمکر وحیله آن زن
را بزنی وی دهد زیرا که کندن چاه مکر وحیله بود ودر امثال گویند که فلان چاه برای فلان میکند یعنی با وی بدی
ومکر وخواهد کرد وآب چاه درخواب مال زن بود اگر کسی بیند از چاهی آب خورد دلیل بود که مال زن بخورد واگر از
چاهی آب خورد که از خشت پخته برآورده بود هم دلیل بر مال زن کند واگر بیند که کسی چاه کند وآب برنیامد دلیل بود که زنی درویش
خواهد کرمانی گوید اگر بیند که آب چاه خوردن الطعم خوش بود دلیل بود که مال زن بکراهیت بستاند واگر بیند که آب چاه گرم همی خورد
دلیل بود که بجهة مال زن جفا یابد وبقول بعضی از معبران بیمار گردد واگر بیند که آب چاه خنک وخوش بود دلیل بود
که از زن خیر ومنفعت بیند واگر بیند که آب چاه بسیار بود دلیل که زن جوانمرد وسخی بود واگر بیند که آب چاه اندک بود
دلیل بود که زن سفله ودون بود اگر بیند که چاه بکند وآب زود برآمد دلیل بود که زن بیمار گردد ومال خود در بیماری بخورد
واگر از چاه آب سیاه برآمد یا کبود دلیل بود که غم واندوه بدو رسد واگر بیند که از چاه آب سفید برآمد دلیل بود که
میراث یابد واگر بیند که آب چاه بقعر فرورفت وهیچ نماند دلیل بود که زن هلاک گردد ومالش تلف شود واگر بیند که چاه
در زیر زمین فرورفت هم دلیل بود بر هلاک زن کرمانی گوید اگر کسی بیند که دلو در چاه کرد تا آب برآورد دلو در چاه افتاد
وریسمان گسسته شد دلیل بود که اورا فرزندی آید ناتمام **حکایت** در خبر است که مردی از عبدالله بن عباس
پرسید که بخواب دیدم که دلو در چاه کردم تا آب برآرم ریسمان بدوپاره گشت وآن دوپاره را یکی برآوردم ویکی در چاه بماند
عبدالله گفت که تو از عیال خود غایب بودی وترا فرزندی آمد شش ماهه که ویرا دفن کردند آن مرد گفت که مرا از این سخن
عجب آمد دانیال ع گوید اگر کسی بیند که درجایگاهی معروف چاهی میکند دلیل کند که با کسان خود مکر وحیله سازد وبقول
بعضی از معبران کندن چاه وبرآمدن آب حکم نکاح دارد اگر بیند که چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط بود کسی را
بنکاح کردن جابر گوید اگر بیند که آب از چاه میکشید دلیل بود که بمکر وحیل مال جمع کند خاصه که چاه خود کنده باشد اگر بیند
که بدلو آب همی کشید ودر سبو میریخت دلیل بود که مال خود نیکو نگاه دارد واگر بیند که آن آب را برکشید وبر زمین بریخت دلیل
بود که بالر النفقه کند بخیر واگر که در چاه افتاد دلیل کند که در مکر وحیل افتد واگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل کند که مالی
که حاصل کرده است زن خواهد یا کنیزک خرد واگر بیند که درا بناغ میوه بود دلیل بود که اورا فرزندی آید وبعضی گویند که اگر
بیند که باغ را آب همیداد دلیل کند که با زن خود مجامعت کند واگر بیند که آب برسر چاه آمد در وانشد دلیل کند که زنی توانگر
بزنی خواهد واز آن زن اورا مال ونعمت حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن چاه درخواب بر شش وجه بود اول
زن دویم کنیزک سیم عالم چهارم توانگری پنجم بکر ششم مکر وحیله ومرد چاه کن درخواب مکر وحیل بود **جبه**
ابن سیرین گوید که جبه درخواب زن بود اگر بیند که جبه فراخ بود یا پاکیزه داشت دلیل کند که زن او نیک رای ونیک سیرت
بود واگر بخلاف بیند دلیل کند که زن او بدخوی وناسازکار بود اگر بیند که جبه او بدرید یا بسوخت دلیل که میان ایشان جدائی

باب

افتد

افتد حضرت صادق ع فرماید که دیدن جبه در خواب که بیند در زمستان در تن داشت نیکوتر بود و آن بر چهار وجه بود اول زن
دویم قوت سیم شادی چهارم منفعت و جبه کهن و چرکین غم و اندوه بود و جابر گوید اگر بیند که جبه نو داشت یا کسی
بدو داد و برنگ سبز بود دلیل بود که زن پاک دین بخواهد و اگر بیند که جبه سفید نو داشت زنی پارسا و باامانت بود
و اگر زرد بیند زنی بیمارگون بود و اگر کبود بود زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بیند زنی معاشر بود و با او سلامت
کاری کم گسند **چتر** ابن سیرین گوید اگر کسے بیند که بر بالای سر او چتر بنهد دلیل بود که اگر از اهل آن بود پادشاهی
یابد و اگر از اهل آن نباشد دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که چتر پادشاه در دست داشت دلیل که مقرب حضرت پادشاه
گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود اول سلطنت دویم عشرت
سیم مرتبه چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان **چراغ** کرمانی
گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و معبران گویند که کد بانوی خانه بود و اگر در خواب بیند که در خانه او چراغ
پاکیزه روشن بود دلیل که بانوی خانه زنے با صلاح و نیک سیرت بود و اگر بیند که چراغ تاریک می سوخت دلیل
بود بر رنج کد بانوی خانه یا زن یا خادم اگر بیند که چراغ فرو مرد دلیل بود که خانه میبرد کد بانوی خانه بمیرد و جابر
گوید اگر بیند که از آتش زنه چراغ برافروخت دلیل که اگر زن دارد فرزندش آید و اگر عزیب بود زن کند یا کنیزک
خرد و اگر در سفر غایب دارد بسلامت باز آید و اگر بیند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه و لایت
عادل بود و قاضی منصف و مردم شهر را عشرت و نشاط بسیار بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که چراغ بسیار در دست
داشت دلیل بود که او را فرزندی آید که عزت و دولت یابد و اگر بیننده خواب فاسق بود دلیل که بخدا تعالی باز گردد
و توبه کند و اگر مشرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد بقوله تعالی وَسِرَاجًا مُّنِيرًا وَبَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا و اگر بیند که چراغ بمرد دلیل بود که فرزندش
هلاک گردد یا عزو دولتش نقصان پذیرد و اگر بیند که در هر دو دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی
و دنیائی او ساخته گردد و اگر بیند که در دست یک چراغ داشت که در روی دو سوراخ و دو فتیله افروخته بود
دلیلست که او را دو فرزند نیک بود که بیک شکم آیند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن چراغ در خواب بر چهارده
وجه بود اول پادشاه دویم قاضی سیم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای هفتم مهتر هشتم
شادی نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش دوازدهم کنیزک سیزدهم منفعت چهاردهم
آنچه بیند همچنان بود **چراغ پایه** ابن سیرین گوید که چراغ پایه در خواب خدمتگار خانه بود و اگر بیند که چراغ
پایه داشت یا کسی به او داد دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر چراغ پایه زنگ گرفته بود دلیل
بود که زن خادمه متکبر و خود بین بود و دینش ضعیف بود و اگر بیند که چراغ پایه چوبین بود زن خادمه سفله و دون
بود و بر قول او اعتماد نبود **چراغ دان** در خواب زن بود و معبران گویند که خدمتگار خانه بود و فتیله
و چراغدان کارفرمای بود و کرمانی گوید اگر بیند که چراغدان آهنین بود دلیل بود که اصل آن خدمتگار کبر بوده باشد

چتر
چراغ
چراغ پایه
چراغدان

واگر سفالین بیند اصل آن خدمتگار مسلمان بود ودین دار وبا امانت بود واگر بیند که چراغدان از دست او بیفتاد وبشکست دلیل بود که زن یا خدمتگار او بمیرد **چرغ** ابن سیرین گوید که چرغ در خواب پادشاه بود واگر چرغ وحشی بیند دلیل فرزندی بود که بعد بلوغ ومردی رسد واگر بیند که چرغ را بگرفت وبه وشکار میکرد دلیل بود که پادشاه براو ستم وبیداد کند واگر بیند که پادشاه چرغ بوی داد وشکار میکرد دلیل بود که از پادشاه حرمت وبزرگی یابد وبر دیگران ستم کند واگر بیند که چرغ شکار میکرد واورا بگرفت دلیل بود که اورا فرزندی آید ناحرمان اگر بیند که از گوشت آن چرغ چیزی میخورد دلیل بود که از فرزند رنج وبدی بیند کرمانی گوید که چرغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با هیبت وقوت بود واگر بیند که چرغ درخانه وی یکبار یا دوبار بانگ میکرد دلیل بود که او را زیانی رسد واگر سه بار بانگ کرد هیچ زیانش نرسد وبعضی از معبران گویند که چرغ مردی دزد بود که بشب کارها کند **چرک** ابن سیرین گوید که هر که در خواب بیند که جامهٔ چرکین داشت دلیل کند فساد کار بود واگر کسی بیند که جامهٔ او بچرک یا چیزی دیگر آلوده بود دلیل بود بر تباهی دین ودنیای او واگر بیند که چرک جامهٔ او بسبب مردگان بود دلیل بر فساد دین وصلاح دنیا بود کرمانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سر وتن غم واندوه بود ودیدن چرک بر تن هیچ خیر ومنفعت نباشد **جنغ** در خواب زنی بود مختلف حال وپراگندگی احوال ومولی زاده اگر بیند که جنغ داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که زنی برین صفت که گفتیم بخواهد واگر بیند که جنغ او ضایع گردید دلیل بود که زنش بمیرد یا طلاق دهد جابر مغربی گوید که جنغ سفید روشن بود دلیل بود که زنی مستور با امانت وخوبروی بخواهد واگر بیند که جنغ تیره وسیاه بود تاویلش بخلاف این بود **جستن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جائی میجست دلیل بود که از حالی که دارد بحال دیگر شود واگر جستن دور بود دلیل بود که سفر دور کند واگر بیند که چوب یا نیزه در دست داشت وبدان از جائی بجائی بجست دلیل بود که بر مردی قوی اعتماد کند تا اورا مددی دهد در کاری تا آنکار براو وی برآید واگر بیند که از دیواری فرو جست وبر سر پشت دلیل بود که هلاک گردد واگر بیند که بر بامی جست وخانه در زیر پایش فرو رفت وبمرد دلیل بود که زن از و جدا گردد وباز پیش وی آید واگر بیند که از زمین بهوا برجست وروی بقبله آورد وبعد از آن خود را در حرم دید یا در مکه یا در مدینه این جمله دلیل حج کردن بود واگر بیند که از سرائی مجهول بسرائی مجهول برجست دلیل بود که هلاک گردد واگر بیند که باشگونه همی جست ومعلق همی زد دلیل بود که کار وی باشگونه بود وعیش بروی تباه گردد واگر بیند که بهوا برجست ومرغی را بگرفت دلیل کند که زن خود را بگذارد وزن دیگر خواهد واگر بیند که بچوب یا بعصائی از جائی بجائی همی جست دلیل بود که از رنج واندیشه برهد وکارش بنظام شود **چشم** ابن سیرین گوید که چشم بخواب دیدن مرد بینائی بود که بدان راه هدی یابد وچشم ازرق بدعت بود وچشم شهلا فرزند بود واگر بیند که نابینا شده است دلیل بود که از راه هدی گمشده بود ویا فرزندوی بمیرد واگر بیند که یکچشمش کور شد دلیل بود که یک نیمه دین او رفته بود یا گناهی بزرگ کرده بود ویکدست یا یک پای یا یک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کار ازان وی

کرمانی گوید اگر بیند که در چشم سرمه کشید دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بیند که از سرمه مقصودش زینت و آرایش است دلیل بود که خویشتن را با امانت و دین دار بر دمان نماید تا عزیز گردد و اگر بیند که سرمه بوی داد تا در چشم کشید دلیل بود که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنائی چشم او ضعیف بود و ابطا هر و باطن دوروی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز ها را بکمال میدید دلیل بود بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنت و فرایض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند دلیل بود که چیزی که چشم او بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب گردد چنانکه دیگر باز نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از آهن است دلیل بود که پرده او دریده گردد اگر بیند که هر دو چشم او آماسیده بود چنانکه چشم باز نمیتوانست کرد دلیل بود که با مردی مخالف صحبت کند و اگر نور چشم را ضعف بیند دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشم خود را کنده بیند دلیل بود که از دین و شریعت بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است دلیل بود که بر زبان او سخن ناسزا رود در باب دین و اگر بیند که چشمهای او روشن است و مردمان بیند از ندکه او کور است یا شب کور دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و ازرق شد دلیل بدی و برگشتن حال او بود قوله تعالی وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا و اگر بیند که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره سیاه گشت دلیل بود که بیمار گردد یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که همه چشم او سیاه گشت چنانکه سفیدی نداشت دلیل بود که متکبر گردد و اگر بیند که یکچشم او آفت رسید دلیل بود که فرزندان او را آفت رسد و اگر بیند که کسی دست فراز کرد و یک چشم او را بر کند دلیل کند که فرزند او را از راه ببرد و اگر بیند که کسی چشم او را به لب یا بدست گرفت دلیل بود که فرزند او را زیادتی رسد یا مالش برود یا گناهی کند و اگر بیند که دیده او خون همی رفت دلیل بود که بجهة فرزند غمی بوی رسد یا نقصان مال او شود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که چشم او گوش گشت و گوش او چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را دختری بود و با هر دو مجامعت کند و اگر بیند که چشم بر کف دستش بود دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که در چشم او سفیدی بود دلیلی بود که او را غم و اندوه رسد قوله تعالی وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ **حکایت** چنین گویند که مردی پیش دانیال ع آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من بوسه بر چشم چپ من میداد گفت ای مرد از خدا بترس و توبه کن و بعد ازین با زن همسایه خیانت مکن تا از عقوبت حق تعالی ایمن گردی مرد گفت که توبه کردم که بعد ازین زنا نکنم حضرت صادق علیه السلام فرماید که چشم در خواب بر هفت وجه بود اول روشنائی دویم دین هدی سیم اسلام چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی در دین و مال **چشمه** ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب مهتری بود و چو امرد بخشنده چون آب خوش طعم و خوش بوی بود قوله تعالی فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ و اگر آبش تیره و گنده و ناخوش بود دلیل بود که انجام غم و بیماری و مصیبت بود و اگر بیند که از آن چشمه سخ همی کرد دلیل بود که از غمها فرج یابد و اگر بیند که آب چشمه زیاده شد دلیل بود که جاه و عزت و درا ندیار جوامردی زیاده گردد و اگر بیند که آب چشمه نقصان کرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که آب چشمه خشک گردید دلیل بود که مهتری جوانمرد از آن دیار رحلت

کنه کرمانی گوید اگر بیند که در خانهٔ او یا در دکان او چشمهٔ آب پدید آمد دلیل بود که او را غم و اندوه و گریستن بود بر قدر و
قوت آن چشمه و اگر آب را تیره و ناخوش بیند غم و اندوه بود و صعب‌تر و اگر بیند که در آن چشمه دست و روی می‌شست
دلیل بود که اگر بنده بود آزاد گردد و اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد وامش
گذارده شود و اگر گناهکار بود توبه کند و اگر حج نکرده باشد حج کند جابر گوید که آب چشمه بخواب دلیل بر عمر
صاحب خواب بود بآنقدر که در چشمه آب بیند خاصه که دست در آن آب زند و آب ایستاده بتاویل ضعیف‌تر از
آب روان بود و بعضی از معبران گویند که چون آب چشمه ایستاده بود بتاویل دلیل بر خیر و صلاح دین کند و چون
روان بود دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آب چشمه در خواب بر پنج وجه بود اول
مهتری جوانمرد دویم غم و اندوه سیم مصیبت چهارم بیماری پنجم عمر و زندگانی یافتن **چغانه** ابن سیرین
گوید که چغانه در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر بیند که چغانه میزد دلیل که سخن باطل و دروغ گوید یا او را
غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه وی را چغانه داد دلیل بود که از پادشاه وی را غم و اندوه رسد و اگر بیند
که چغانه را بشکست و بیفگند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بیند که چغانه بر سر منبر دو چغانه می‌انداز د
دلیل بود که اگر صاحب علم بود مردمان را تعلیم کند و از آن علم فایده بر مردمان رساند و باشد که از شکوه علم گوید تفسیر و
علم حدیث و فقه و اگر آنکس جاهل بود شغل پیشه کند که از آن شغل او را سرزنش کنند و اگر بیند که با چغانه چنگ
نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند **جغد** در خواب مردی بود نابکار و حسام و حرام بود و
اگر بیند که کسی جغد همی گیرد دلیل بود که او را با چنین مردی خصومت افتد و دیگر همه حال دیدن جغد در خواب مبارک
نباشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که آواز جغد همی شنید دلیل بود که در سرا نوحه و شیون بود بقدر بانگ جغد و اگر
بیند که بچه جغد بود دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بیند که گوشت جغد همی خورد دلیل بود که از مال مردی
دزد و نابکار بقدر آن چیزی بخورد **چغندر** ابن سیرین گوید که چغندر در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر کسی بیند
که چغندر همی خورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که چغندر از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از غم
فرج یابد ابن سیرین گوید که چغندر در خواب منفعت اندک بود از جهت زنان و چغندر پخته هم از زنان منفعت یابد
اندکی **چک** محمد بن سیرین گوید که اگر چک مهره بوی داد یا مهره کرده بیافت دلیل بود که مال و منفعت یابد و اگر کسی
بیند که کسی بر وی چک یا خطی یا قباله می‌نوشت دلیل بود که حاجات کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چک مهره کرده یا داشت
مهر از وی برگرفت دلیلست که در مال او نقصان افتد اگر بیند که چک از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی ضایع گردد
چکاوک بفارسی قبره خوانند و تاویلش در خواب فرزند نر یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکاوک بگرفت یا کسی بوی داد
دلیلست که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکاوک نر بود غلام یا پسر آید و اگر ماده بود غلام یا دختری آید کرمانی گوید
چکاوک در خواب مردی بود شیرین سخن فریبنده کم از طرب زبانی اگر کسی بیند که چکاوکی وی را عطا داد یا بگرفت دلیل بود
که با چنین مردی او را صحبت افتد **جگر** ابن سیرین گوید که جگر در خواب مال پنهان کرده بود اگر بیند که جگر مردم بود

چغانه — جغد — چغندر — چک — چکاوک — جگر

دلیل

دلیل بود که مال پنهان گردد بیا بد و نهر بنیه کند و اگر بیند که بسیار جگر بخته یا بریان کرده او را حاصل گردید یا خام دلیل کند که گنج
یابد و جگر گاو و گوسفند هم دلیل بر مال و نعمت بود و بعضی از معبران گویند که جگر بخواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه
رسول فرمود اولادنا اکبادنا کرمانی گوید که بیرون آمدن جگر پیدا شدن مال نهان بود که پیدا گردد و جگر بسیار اگر پخته
یا خام بود دلیل کند بر یافتن گنج و بر علم غیب حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن جگر در خواب بر سه وجه بود
اول فرزند و مال دویم دوست که بجای فرزند بود سیم علم و اگر بیند که از خانه او جگر بیرون میکروند یا آتش جگرها
را میسوخت دلیل بود که بادشاه گنج و مال او بستاند و اگر این خواب را عالمی بیند دلیل بود که علمها را جمله فراموش کند

جماع دانیال ع گوید که جماع در خواب رواشدن حاجت بود خاصه چون بیند که منی از وی جدا اگر دید اگر کسی
بیند که با کسی جماع کرد دلیل بود که از انکس بنیکی یا بد و حاجت او روا گردد و اگر بیند که کسی با او جماع کرد دلیل
بود که خاندان او توانگر گردند و اگر بیند که با زن خود مجامعت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که
زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت بیند ابن سیرین گوید اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر مجامعت
کرد دلیل که مردی مبتدع بود و بر طلب کار ناسزا و در آنکار او را مصلحتی نباشد و سنت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
را نگاه ندارد و اگر بیند که با مادر یا با خواهر یا با کسی دیگر که بر وی حرامست مجامعت کرد دلیل بود که شفقت خویش
از وی بریده گردد و اگر زنده بود یا مرده دلیل بر غم و اندوه و بعضی از معبران گویند که اگر زنده بود از وی خیر و نیکی بیند
و باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زن که مرده مجامعت کرد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که با زن مرده
بیگانه جماع کرد دلیل بود که کاری کند که از آن کار نومید شده باشد بتمامی بیابد مرده که بیگانه بود اگر بیند که
با جوان مجهول مجامعت کرد و میان ایشان خصومت بود دلیل بود که محبت انجامد و از وی خیر و نیکی بیند و اگر آن مرده
جوان معروف بود بروی ظفر یابد و اگر بیند که جماع با مردی پیر میکرد دلیل بود که خیر و نیکی از بخت خود بیند کرمانی گوید
اگر بیند که دختری بدوشیزگی بستد دلیل بود که در آن سال زنی خواهد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که بجرم پادشاه
شد و مجامعت کرد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که با وی جماع کرد همین دلیل کند و کارش براد نبود
و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بوی رسد و اگر بیند که با مرغی مجامعت کرد دلیل کند که با کسی که بدان منسوب
باشد ظفر یابد اگر بیند که با ترسائی یا جهودی یا گبری مجامعت کرد دلیل بود که کارهای دنیای او بنظام شود و اگر مردی
پیر که بکلی شهوتش زایل شده بود در خواب بیند که شهوتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود دلیل کند که در کار
دین نیک راغب گردد و اگر بیند که با زنی نابکار جماع کرد دلیل کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر این خواب
زنی بیند همین تاویل دارد جابر مغربی گوید اگر بیند که با شتر جماع کرد دلیل بود که از سختی برهد و بر دشمن ظفر
یابد و مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر بیند که با پادشاهی جماع کرد دلیل است که محرم و نزدیک او گردد و اگر بیند
که با زن پادشاه جماع کرد دلیل بود که از و منفعت یابد و اگر بیند که با زن حایض مجامعت کرد دلیل که کارش بد شود
و اگر بیند که با زن مجامعت کرد که مرده بود دلیل که کارش بد گردد یا با خویشان او پیوند دود و صلت کند و اگر آن زن زنده

جماع

بود از خویشان او مفارقت کند و بعضی از معبران گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیایی بود
اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که با زن او کنیزک بود مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بدو رسد
و اگر بیند که با مردی معروف جوان جماع کرد دلیلست که از وی خیری بدو رسد اگر بیند که با مردی مجهول جوان جماع کرد
دلیل بود که از پادشاه حاجت او روا گردد و اگر بیند که با مردی مرده جماع کرد دلیل بود که از برای او دعائی
با خیر کند و اگر زنی بیند که با زنی دیگر جماع کرد دلیل بود که از وی نیکی بیند و حاجتش روا گردد و حضرت صادق علیه السلام
فرماید که در خواب جماع کردن که از وی غسل واجب گردد تاویلش بنا شد **جلاب** ابن سیرین گوید که جلاب خوردن مال
حلال و دین پاک بود اگر کسی بیند که او را جلاب داد و بخورد دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل گردد و دلیلست
بر دین پاک و اعتقاد درست او و اگر بیند که کسی باو جلاب داد دلیل بود که از آنکس خیر و منفعت یابد اگر بیند که جلاب
بخورد و بر زمین ریخت تاویلش بخلاف این بود **جنازه** اگر کسی بیند که جنازه میبرند دلیل بود که خداوند آن را جندان
مردمان که از پس جنازه بودند ایشانرا فرمان روا گردد لکن بر ایشان ظلم کند و اگر بیند که او بمرد و او را در جنازه نهادند
و او را میبردند و مردمان از پس جنازه او میرفتند دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و لکن دین او بفساد بود و با آن قوم که
از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر بیند که جنازهٔ مرده بر داشت و میبرد دلیل بود که بخدمت پادشاه پیوندد و از وی
خیر و نیکی بیند و اگر بیند که قومی از پس جنازهٔ او میرفتند و در هوا میشدند دلیل که مردی بزرگ از آن شهر در سفر بمیرد و اگر خویشتن را
در جنازه بیند که آن جنازه همیرفت دلیل کند که بسفر شود کرمانی گوید اگر بیند که زنده را بر جنازه میبردند و در پس جنازه او
کسی نبود دلیل بر نقصان عز و جاه و کار وی کند و اگر بیند که مردمان در پس جنازه او بودند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند
که بر جنازه گران بود دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل بود که بر مردمان سبک بار بود و
حالتش نیکو گردد و اگر بیند که از جنازه بیفتاد و یا کسان که او را میبردند از جنازه بینداختند دلیل بود که از عز و جاه بیفتد و کار
او بسته گردد و حضرت صادق ع فرماید که جنازه در خواب دیدن بر سه وجه بود اول بزرگی دویم ولایت سیم عز و جاه و رفعت
جنب بودن اگر بیند که جنب بود دلیل بود که در حرام آشفته و سرگشته شده باشد و بعضی از معبران گویند که سفر
کند و مراد دنیا بیابد و کارش تباه گردد و اگر بیند که خود را از جنابت بشست و جامه بپوشید دلیل بود که سرانجام از آن کار
رسته گردد و کار بسته گردد و اگر بیند که خود را بتمامی نشست دلیل بود که کارش بر تمام نگردد یعنی که تمام بر نیاید کرمانی
گوید اگر کسی در خواب جنب بیند خود را و برهنه دلیل بود که در کار خود متحیر و عاجز گردد و اگر بیند که خود را در گرمابه بشست
و بیرون آمد و جامهٔ پاکیزه در پوشید دلیل بود که بخدا باز گردد و توبه کند **چنگال** اگر کسی خود را چون مرغان چنگال دار
بیند دلیل کند که او را قوت بود در کسب معیشت و دشمنانرا قهر کند و اگر بیند که چنگال مرغان در دست داشت دلیل بود
که بقدر و قیمت آن مرغ خیر و منفعت بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که چنگال در خواب بر سه وجه بود اول قوت و توانائی
در کارها دویم معیشت سیم کسب کردن **چنگاله** در خواب مردی بود بدکردار و عذاب کننده و چنگاله را بفارسی معلاق
خوانند اگر بیند که چنگاله داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که با مردی بدین صفت او را صحبت و دوستی

جلاب

جنازه

جنب بودن

چنگال

چنگاله

افتد و اگر بیند که چنگال اندام او را بخست دلیل بود که او را از مردی بدکردار مضرت و زیان رسد و اگر بیند که چنگال از و
ضایع گردید یا به بخشید دلیل بود که از صحبت مردی بدکردار جدا گردد **چنگ زدن** ابن سیرین گوید که چنگ زدن
در خواب سخن دروغ بود و اگر بیند که چنگ میزد دلیل سخن باطل و دروغ بود و او را از آن غم و اندوه و زیان رسد
و اگر بیند که پادشاه او را چنگ داد دلیل بود که او را از پادشاه عطا و بزرگی رسد و اگر از اهل آن بود از غم و اندوه فرج
یابد و اگر بیند که چنگ را بشکست یا بفگند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بیند که کسی چنگ میزد و او
سماع میکرد دلیل بود که شنونده دروغ و باطل بود و بعضی از معبران گویند که چنگ زدن در خواب دلیل بر عمر دراز
بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که چنگ میزد دلیل بود که بزنی بزرگ از مهتران پیوسته گردد و از وی عز و جاه یابد هم مال
و هم سخن روانی و آخر کار آن زن را بنکاح بخواهد و اگر بیند با چنگ و چغانه و نای و رقص هم اینجمله دلیل بود بر غم
و مصیبت جابر مغربی گوید اگر کسی در بیماری بیند که چنگ و چغانه میزد دلیل بود بر وفات **او چنگ کردن**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او جنگ کرد با مردمان یا حیوان دیگر چون هر دو از یک جنس باشند آنکه غالب بود
بر دشمن ظفر یابد **جهود شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که او جهود شد دلیل بود که
بر راه بدعت بود و جهودان را یاری دهد و قول ایشان راست دارد ابن سیرین گوید اگر بیند که او جهود شد
یا ترسا یا مشرک یا بت پرست دلیل بود بر ضلالت و گمراهی او و بر خدا تعالی بهتان و دروغ گوید و اگر بیند
که از آن کیش برگشت و مسلمان شد دلیل که گناهی بزرگ از و در وجود آید و سرانجام توبه کند و بسوی
حق تعالی باز گردد و اگر بخواب بیند که نداند از کدام دین است یا از کدام قبله نماز می باید دلیل بود
که سرگشته و متحیر و سرگردان شود و فرمایند حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر کسی بیند که جهود شد
دلیل بود که صاحب خواب را کاری مشکل پیدا گردد و بر مخالف شریعت سنت یا بد زیرا که یهود مشتق است
از هدی و اگر مغی را بخواب بیند دلیل بود که صاحب خواب را بکارهای دنیا فریفته گردد و غافل بود از کار
آخرت جابر گوید اگر جهودی بخواب بیند که مسلمان شد دلیل بود که زود بمیرد یا مسلمان گردد **جو** کرمانی گوید اگر بیند
که جو تر یا خشک یا پخته همی خورد دلیل بود که چیزی اندک بوی رسد و اگر کسی بیند که جو داشت یا کسی بوی
بخشید دلیل بود که بقدر آن خیر و نیکوئی بدو رسد و دلیل بر تن درستی بود و اگر بیند که جو در زمین میکشت
دلیل بود که وی را مال جمع گردد و کاری کند که خدا تعالی از و خوشنود گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که جو
در خواب دیدن مالی بود که آسان بدست آید و جو فروش بخواب دیدن مردی بود که دنیا را بر دین اختیار کند
جوال دوز ابن سیرین گوید که جوال دوز در خواب مردی بود که کارهای مردم بهم پیوندد خاصه کارهای کوچک اگر بیند که
جوال دوز فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با مردی بدین صفت که گفتیم صحبت افتد و اگر جوال دوز
او بشکست یا ضایع شد دلیل بود بر هلاک آنمرد **جوان شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که جوان گردید و محاسن
سفیدش سیاه گردید دلیل بود که فرومایه گردد و اگر جوان مجهول را بیند دلیل بود که از دشمن خواری بیند و مرادش بر نیاید و اگر

چنگ زدن

چنگ کردن

جهود شدن

جو

جوال دوز

جوان شدن

نباشد دلیل بود که خداوند غلامان گردد و بقدر و قیمت گوهر او را مال حاصل گردد و حضرت صادق ع فرماید اگر مصلح و مستور بود و دید که گوهر را میفروخت دلیل بود که او را علم و دین حاصل گردد **جوی آب** ابن سیرین گوید که جوی آب در خواب دیدن چون آب خوش طعم بود و پاکیزه دلیل که زندگانی او خوش بود و اگر بیند که از جوئی مجهول آب صافی میخورد و آنکس در سفر بود یا در جایگاهی بیگانه دلیل بود که در کاری مجهول مشغول گردد و عمر خود را دراز گذارد و بمقدار آن آب که در جوی خورده بود منفعت یابد و اگر آب جوی شور و تلخ و ناخوش بود دلیل بود بر تلخی معیشت و زندگانی او ابن سیرین گوید که جوی در خواب دیدن اصل جوی دلیل بود که مقرب گردد و اگر کسی آب جوی روان و صافی بیند دلیل که مقرب گردد و اگر کسی آب جوی را روان و صاف بیند دلیل بود که کار وی روان کرده شود و اگر بیند که آب جوی تیره بود دلیل بود که کارش تباه و بی نظام شود و هر جای که آن جوی بیند دلیلش بر دلیل ناحیه بود و هر زیاده و نقصان که در جوی بود دلیل باز گردد و اگر بیند که بر تختی نشسته بود و در زیر آن تخت آب روان بود دلیل بود که دولت و اقبال روی بوی نهد و احوال دو جهانی او نیکو گردد لقوله تعالی تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَلَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاؤُنَ و اگر بیند که در جوی آب صافی نشست دلیل بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده گردد و اگر در سفر بود زود باز آید جابر گوید که جوی در تاویل مردی بود محتشم با منفعت اگر بیند که آب جوی برداشت دلیل است که بقدر آن از مردی محتشم مال یابد و جوی خوردن زندگانی بود و الله اعلم بحقایق الامور

حرف الحاء من کتاب کامل التعبیر

حبر ابن سیرین گوید که حبر در خواب طلب کردن معیشت و یافتن مال بود و اگر بیند که حبر بخرید یا کسی بوی داد دلیل بود که معیشت بر وی فراخ گردد و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که حبر بریخت یا از وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که حبر بر جامه او بریخت دلیل بود که او را از زبانی رسد و اگر دبیر بود او را زیان ندارد و اگر بیند که بحبر چیزی می نوشت اگر آنچه نوشت از قرآن یا از نام خدای بود دلیل بر خیر و صلاح او کند و اگر بخلاف این بود که بیند دلیل بر شر و فساد او کند **حب خوردن** ابن سیرین گوید که حب خوردن در خواب اگر بیند که از برای بیماری خورد و دید که خوردن او شفا و منفعت یابد دلیل بر خیر و منفعت کار او کند و اگر بیند که از دارد خوردن او را منفعت نبود تاویلش بخلاف این بود **حج گذاردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بحج رفت حق سبحانه و تعالی حج گذاردن او را روزی گرداند و اگر بیماری این خواب بیند شفا یابد و اگر وام دار بیند وامش گذارده شود و اگر سفری بیند بسلامت بمقام خود برسد و اگر بخواب بیند که بحج رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز گردد و کارش بنظام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بحج رفت و در حرم لبیک میزد دلیل که او را ترس و بیم بود و اگر بیند که حج بر وی واجب شد لیکن در رفتن قصد نمیکرد دلیل که خیانت کند و اگر بیند که روز عرفه است دلیل که با کسی صلح کند و اگر بیند که در خانه کعبه نماز می گذارد دلیل که از بزرگان منفعت یابد و کارش نیکو شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید حج گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی توبه دوم حج کردن سوم کنیزک خریدن چهارم زیارت پادشاه داد گر کردن پنجم نیکوئی ششم سعی نمودن در کار خیر هفتم مزد و ثواب یافتن هشتم نصیحت اهل علم رسیدن **حجر الاسود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر حجر الاسود دست مالید دلیل که از اهل حجاز او را منفعت رسد و اگر بیند که حجر الاسود را بر کنده داشت دلیل که بدعتی پیشه

جوی آب

حب خوردن

حج گذاردن

حجر الاسود

ببیند که جوانی پیر شده است دلیل بود که حرمتش زیاده گردد و زنان نیز درین معنی چون مردان باشند جابر مغربی گوید که اگر جوانی در خواب
ببیند که پیر گردیده بود دلیل بود که علم و ادب آموزد و شرح آن در حروف سیم بیان کنیم **چوب** کرمانی گوید که چوب در خواب دیدن نفاق
بود و بعضی از معبران گویند که چون چوب بیند در خواب مردی بود که در نفاق بود و اگر بیگانه دهد آنکس با وی نفاق کند و چوب کج در خواب
دیدن تاویل آن چوب راست بود و اگر چوب کج بود که سوختن را شاید مرد منافق و دروغ زن بود **جوراب** ابن سیرین گوید که
جوراب در خواب خادمی بود از شمار زنان اگر بیند که جوراب نو از ابریشم یا از ریسمان پوشیده بود دلیل بود که او را خادمی بود اصلی و از او
برخوردار گردد و اگر بیند که جوراب پشمین یا نقشین داشت دلیل بود که کنیزکی خوبروی بخرد یا زنی با جمال بخواهد و اگر بیند که جوراب زرد
داشت دلیل که او را خادمی بیمار گون پیدا گردد و اگر بیند که جوراب او سرخ بود دلیل بود که او را خادمی شوخ بی شرم بود و اگر بیند که جوراب او
سیاه بود اگر بیننده مصلح بود نیکو بود و اگر مفسد بود بد بود و اگر بیند که جورابش کهن و چرکن بود دلیل بود که خادمش را بفسادی متهم کنند
و اگر بیند که جورابش ضایع شد یا بسوخت دلیل بود بر مرگ خادم و بعضی از معبران گویند که جوراب در خواب مال و خواسته بود و اگر جوراب
بوی دید دلیل بود که زکوة مال بدهد و اگر بوی جوراب ناخوش بود دلیل که زکوة مال ندهد و زبان مردم بروی دراز گردد کرمانی گوید اگر بیند
که جوراب او از پوست بود دو به بیند که از کدام پوستست اگر پوست شتر بود دلیل بود که خادم او بزرگ همت و اصل بزرگ بود و اگر از پوست
گوسفند بود که خادم او از مردم عامه بود و اگر از پوست اسپ بود دلیل بود که خادمش از اصل مهتر و سپاهیان بود و اگر بیند که از پوست نخچیر بود
خادم او از مردم بیابانی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که جوراب در پای داشت دلیل بود که مال نگاهدارد و اگر بیند که جوراب سفید پاکیزه در پای
داشت دلیل بود که زکوة مال داده بود حضرت صادق ع فرماید که جوراب پای مال مرد بود و نگاه دارد مال زکوة بود و اگر بیند که از جوراب وی بوی خوش می آید
دلیل بود که در مرگ و زندگانی او را ثنا گویند و اگر بوی ناخوش کند او را ملامت و نفرین کنند و اگر بیند که جوراب او ضایع شد دلیل بود
که زکوة ندهد و مال او ضایع گردد **جوشن** محمد بن سیرین گوید که پوشیدن جوشن در خواب پشت و پناه بود بقدر روشنی و پاکیزگی آن
و اگر بیند که جوشن داشت دلیلست که او و اهل بیت او ایمن شوند از دشمنان و اگر بیند که جوشن پوشیده است دلیل بود بر حصار تن او
از شر دشمنان که بروی ظفر نیابند و اگر بیند که با جوشن دیگر صلاح داشت دلیل بود که از مکر منافق و از شر عامه ایمن گردد و بعضی از
معبران گویند که جوشن در خواب زیادتی دین او بود هر که جوشن در خواب بیند دلیل که پوشیده در حفظ خدای عز و جل بود حضرت
صادق ع فرماید که جوشن در خواب بر شش وجه بود اول بزرگی دویم پناه سیم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم زندگانی
و زیادتی در دین و جوشن در خواب دیدن مونس مردم بود **چوگان زدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که چوگان در دست داشت
و گوی میزد دلیل که آنچه میجوید بیابد و قدر و منزلتش بیابد اما در دین و طاعت سست بود کرمانی گوید اگر چوگان را در خواب بدست پادشاهی
دید دلیل بود که بر دشمنان ظفر یابد و چوگان چون در دست مردم عامه بیند دلیل بود که با مردم جنگ و خصومت کند و سخن زشت شنود از قبل
زنان و معبران تشبیه کرده اند گوی را بدهان و چوگان را بزبان **جولاهی** ابن سیرین گوید که جولاه در خواب مرد مسافر یا پیک بود که در عالم
همیگردد و اگر بیند که جولاهی جامه همی بافت با کسی او را جنگ و خصومت افتد زیرا که رسن یافتن تاویل جنگ و جدل بود کرمانی گوید بافتن جامه
در حرف با در بافتن چیزها بیان کردیم اگر بیند که جامه را تمام ببافت دلیل کند که اندوهگین گردد **جوهر** بفارسی گوهر فروش گویند ابن سیرین گوید
اگر بیند که گوهر داشت یا گوهر فروخت و آن گوهر ملک او بود دلیل بود که خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خنده او شد

چوب
جوراب
جوشن
چوگان زدن
جولاهی
جوهر

وبی اعتقاد و ناپاک بود و اگر بیند که حجر الاسود را از جای خود نهاد دلیل که باز بر راه صلاح آید و اگر بیند که آب زمزم میخورد دلیل که چیزیکه از وی گمشده باشد باز بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجر الاسود را بوسه میداد و بر وی روی می مالید دلیل که خیر و صلاح دین وی زیاده شود و با علما پیوندد **حجامت کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجامت او حجامی بیگانه در جائی بیگانه کرد دلیل که امانتی در گردن خود کند و اگر بیند که حجامت کننده دوست بود دلیل که امانتی بدو سپارد و از شر دشمن ایمن شود و از غم فرج یابد اگر جوانی این خواب بیند همین تاویل دارد و اگر پیری بیند بزرگی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیری را حجامت کرد دلیل که کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاه را حجامت کرد دلیل که مقرب پادشاه شود و اگر بیند که چون حجامت کرد خون از وی نیامد دلیل که زن از وی جدا کام جدا گردد یا او را طلاق دهد یا بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید که حجام پیر بخت بیننده خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد و اگر بیننده خواب خداوند علمست دلیل که مستوفی شود یا دبیر پادشاه گردد و اگر جاهل بود در قرض غرق شود حضرت جعفر صادق ع فرماید حجامت کردن در خواب بر هفت وجه بود یکی امانت گذاردن دویم شروط خواندن سوم ولایت یافتن چهارم عز و بزرگی پنجم مرتبت ششم سنت پیغامبر علیه السلام هفتم آنکه اگر عامل بود از عمل معزول گردد و بعضی از معبران گویند اگر حجام جوان بود دلیل که محاسب خرج بود یا پیمایندهٔ چیزها و کار مردم بدست وی گشاده گردد **حد زدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حد زدن در خواب دلیل بر فراهم آمدن کار زنان باشد اگر بیند که او را حد میزدند دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر بیند که او کسی حد زد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را از بهر گناهی حد زد اگر بیننده خواب مصلح بود بشغل دنیا مشغول شود و اگر بینندهٔ خواب مفسد بود دلیل بر غم و اندوه بود **حربه** نیزهٔ کوتاه بود اگر بخواب بیند که حربه داشت دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن نداود مال یابد و اگر بیند که با حربه سلاحی تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که حربه خود بکسی داد دلیل که از آنکس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود و بشکست دلیل که از دشمن نصرت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که حربه در خواب دیدن بر شش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت **حرم** جای ایمن بود اگر بیند که در حرم کعبه بود دلیل که از آفات دنیا ایمنی یابد و او راحج روزی شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگی رفت دلیل که از همه شر با ایمن گردد و باشد که از پادشاه چیزی بوی رسد و بعضی معبران گویند که او را حاجت افتد با اهل آن حرم و اگر بیند که پادشاه او را در حرم خود خواند و انجام مقیم شد دلیل که در کار پادشاه شروع کند و کار کنند که او را از انکارید نامی حاصل آید و اگر بیند که بحرم پادشاه ظالم رفت همین تاویل دارد **حریر و خز و دیبا** در حرف دال بیان کنیم **حساب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که حساب میکرد دلیل که در محنت و عذاب افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در قیامت حساب با وی آسان میکرد ابیدهاست که گنهگار بود بر عکس این بخلاف این بیند دلیل که در زحمت افتد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید حساب قیامت بخواب

حجامت کردن
حد زدن
حربه
حرم
حریر و خز و دیبا
حساب

دیدن بر شش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و رنج چهارم بدحالی پنجم اندوه ششم عمر کوتاه **حصار**
اگر بیند که در حصاری شد دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در حصاری محکم بود و آن حصار از آن او بود دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون
آمد بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در حصار بیند دلیل که نعمت و روزی بر وی فراخ گردد و اگر بخلاف
این بیند دلیل بر تباهی احوال او و فروبستگی کارها باشد **حصیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حصیر
داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یابد و اگر بیند که حصیر میبافت دلیل که بر زنی عاشق شود و اگر
بیند که حصیر کم بها بود که میبافت دلیل که آن زن بی اصل و درویش بود و اگر بیند که حصیر قیمتی و پاکیزه بود دلیل که زنی
محتشم با اصل بخواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حصیر میبافت و میسوخت دلیل که او را غمی رسد حضرت جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم منفعت سوم خواستگاری که از آن او را
لعنت بود **حقنه** ابن سیرین رحمة الله گوید حقنه در خواب در خشم شدن باشد از جائی بجائی شدن چنانکه از سختی
آن بیهوش شود و بعضی از معبران گویند حقنه در خواب کاری بود که بر بیننده باز گردد حضرت جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر بیند که او را حقنه کردند و از آن رنج دید دلیل بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بیند خیر و منفعت
یابد **حقه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حقه در خواب زن باشد یا کنیزک اگر بیند که حقه نو فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد
دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که حقه بشکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که حقه بزرگ منقش است دلیل بود که زنی توانگر بخواهد و از و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت
روی و درویش بخواهد **حکمت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود
و اگر بیند که کتاب حکمت بسوخت دلیل بر تباهی دین وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب ببیند که اوراق کتاب
حکمت میخورد دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که اوراق میدرید دلیل که بیننده خواب نماز نگذارد و اگر ببیند
که کتاب حکمت میخواندند و او می شنید دلیل که علم خواند **حلاج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که حلاج در خواب مردی
قوی بود که کارهای مردم بدو ست وی گشاده گردد و اگر بیند که حلاجی میکرد دلیل که با مردی چنین که گفتیم او را صحبت
افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب بر دو وجه بود یکی منفعت دوم گشایش **حلطیت**
انگوزه بود در خواب دیدن وی همه حال غم و اندوه بود **حلوا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حلوا در خواب مالی بود
که بر دست پادشاه گذشته بود و حرام گشته حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید حلوا در خواب مال بسیار بود
و دین خالص و یکلقمه از حلوا بوسه بود که بفرزند دهد و یک لقمه لوزینه نیکو بود و حلوائی که مغز بادام یا مغز جوز در وی
باشد منفعت بود که بدو رسد از مردی بخیل مغربی رحمة الله علیه گوید حلوا کردن در خواب دلیل که بقدر آن مال
حلال و روزی حلال یابد و اگر بیند که در وی زعفران بود بهتر بود و حلوا فروش در خواب مردی شیرین سخن بود
حمال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حمال در خواب خداوند جاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت بار میبرد

این آیه در سورهٔ نحل

سبکدوشت و آن بار ملک او بود دلیل که بقدر آن بار او را راحت و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داخت چنان
بود که او را از آن بار گزند رسید دلیل که گنهگار و عاصی شود قوله تعالی لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ
مغربی رحمة الله گوید اگر بیند که حمالی از بهر دیگران میکرد بی اجرت دلیل که با خلق خدای خیر و احسان کند و اگر بیند
که حمالی میکرد و مزد میگرفت تاویلش غم و اندوه بود **حنا** کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که بر دست و پای حنا نهاده دلیل
کر خویشتن را بپا باید ولیکن در دین کراهیت بود و بعضی معبران گویند که حال خویشان از وی پوشیده نماند و اگر این
خواب کس دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یابد حضرت صادق رضی الله عنه گوید حنا
بستن در خواب بر سه وجه بود یکی آرایش خویشان دوم ستر اهلبیت سیم غم و اندوه **حنوط** بوی خوش باشد که بر مرده
کنند ابن سیرین رحمة الله گوید اگر بیند که حنوط بر وی پراگندند دلیل که تایب گردد و در پناه حقتعالی باشد و اگر این خواب
کسی مصلح بیند از غم و اندوه فرج یابد و از ترس ایمن گردد کرمانی رح گوید که حنوط خوش بوئیدن ستایش مردم بود با خطر
بجهة آنکه بعضے از معبران گویند که نیکنامی بود بر اهل بیت بر اندازه حنوط **حوض** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اصل حوض
در خواب علم و دانش بود و اگر بیند که در حوض آب پاک صافی خورد دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خود را
با آب حوض می شست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصیان باز ایستد و اگر بیند که آب حوض همه خورد دلیل که عمر بسلامت
گذراند و مالش زیاده شود کرمانی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در حوض بشست دلیل که اهل بیت او توبه کنند و براه
دین در آیند و اگر بیند که جامه در حوضی می شست و پلیدی در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعلم کار نکند و اگر بیند که کناره
حوض سبزه رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض ملک او بود و اگر بیند
که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جائی در حوض آب آید دلیل که مال و علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض
تیره و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آب حوض میخورد دلیل که مال یابد از مردی
توانگر و عاقبت وی محمود بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حوض در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی با منفعت دوم
مردی توانگر سوم مال جمع کردن چهارم عالمی که مردم از علم وی نفع یابند **حوض کوثر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که قیامت برخاست و خلق را نزدیک حوض کوثر طلب میکردند دلیل که پادشاهی پیدا شود که میان خلق عدل و داد
پیدا کند و اگر بخواب بیند که از حوض کوثر یکجام آب خورد دلیل که مرگ وی بر مسلمانی بود و اگر بیند که پیرامن حوض کوثر میگشت
و آب میخواست و او را آب ندادند دلیل که دشمن یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد و اگر بیند که پیغامبر صلعم او را حوض کوثر
آب داد و بخورد دلیل که از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بهره یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نام وی بر حوض کوثر
نبشته بود و جامی بستد و آب میخورد دلیل که او را با عالمی صحبت افتد و از وی منفعت دو جهانی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که از حوض کوثر آب میخورد و آب تیره بود دلیل که بیننده خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر بخواب بیند
که حوض کوثر بدان صفت بود که در اخبار آمده است و او از جمله آب کوثر بخورد دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد و نزد
جمله بزرگان دین گرود **حیض** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حیض در خواب مرد از ابقا باشد در معیشت و زنان از زیادتی

حنا

حنوط

حوض

حوض کوثر

حیض

مال اگر بیند که حایض شد دلیل بر فساد و حرام باشد و معبران گویند اگر بخواب بیند که حایض شد دلیل بر اندوه و سختی بود و اگر زنی
بیند که حایض شد دلیل که بقدر خون حیض مال حرام حاصل کند و اگر مردی بیند که زنش حایض شد دلیل که کار دنیا بر وی بسته
شود و اگر بیند که صاحب خواب مستور بود دلیل که در دین متحیر گردد و اگر بیند که زنش از حیض پاک شد و غسل کرد دلیل که کار
دنیای وی بر وی گشاده گردد والله اعلم **حرف الخا — خاج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خاج
بخرید یا کسی بوی داد دلیل که در دین وی خلل باشد و میلش بکافران بود و اگر بیند که خاج در گردن داشت دلیل که اعتقادش نادرست
بود و اگر بیند که خاج میپرستید دلیل که در ذات خداوند تعالی مشرک گردد و اگر بیند که خاج بدزدید و از وی بشکست
یا از خانه بیرون انداخت دلیل که دین اسلام در دل وی محکم و استوار گردد و کافرا دشمن گردد و اگر بیند که خاج را چوب سوخته
و عزیز داشت بخلاف این بود **خار** در خواب وام بود و اگر بیند که خاری در اندام او شد یا کسی خاری بوی زد دلیل که از
کسی وامی بستاند و بقدر رنج خار از وی سخن تلخ شنود و اگر بیند که او را خار در اندام کسی زد دلیل که او کسی را وام دهد و سخن تلخ
آنکس شنود گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خار بسیار داشت و بالش را از آن خارها گرد بر سر نهاد دلیل که وام دار شود در
عاقبت وام را بگزارد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید خار در خواب بر سه وجه بود یکی وام دوم دشنام سیم دشواری
کارها **خارپشت** جابر مغربی رحمة الله علیه گوید خارپشت در خواب دشمنی زشت دیدار بود و اگر بیند که خارپشت را بکشت
دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت خارپشت بخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بخورد و اگر بیند که خارپشت
او را بگزید دلیل که او را از دشمن مضرت رسد خاصه چون بیند که از آن زخم خون میرفت **خارش تن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که خارش تن پدید آمد دلیل که طلب خویشان کند و از بهر ایشان غم و اندوه خورد کرمانی رحمة الله علیه
گوید خارش اندام دلیل بر جستن احوال خویشان و اهل بیت و غم و رنج کشیدن از ایشان باشد جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید خارش تن اگر زحمت دهد او را از خویشان مضرت رسد **خاشاک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاشاک بخواب بدرا
مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که خاشاک در خانه ایشان بسیار بود و او در میان خاشاک مقیم شد دلیل که بقدر
آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که خاشاک او را باد ببرد یا آتش بسوخت دلیل که پادشاه مال وی را بستاند و اگر بیند
که خاشاک در زیر دیگ یا زیر تنور میسوخت دلیل که مال خود هزینه کند و اگر بیند که خاشاک از صحرا می آورد و بخانه میبرد دلیل که
بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر بیند که در شهری یا در کوچه باد خاشاک می آورد دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن نیز خیر و منفعت
رسد **خاک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاک در خواب دیدن اندک و بسیار درم بود و اگر بیند که در خانه او خاک بود دلیل که
بقدر آن خاک درم یابد و بی رنج بوی رسد و اگر بیند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر بسته داشت
انجمله دلیل بر مال بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خاک از خانه میکشید و در بیرون خانه پراگنده میکرد دلیل که مال خود
تلف کند و اگر بیند که خاک از دست می افشاند دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند که از مال تهی دست بماند جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید خاک در خواب بر پنج وجه بود یکی مال دوم منفعت سیم شغل چهارم فایده از قبل پادشاه پنجم فایده از قبل
زنان **خاکستر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاکستر در خواب مال باطل بود از قبل سلطان که بر کسی باقی نماند

ومجران گوینده که علمی حاصل کند که دروی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید خاکستر در خواب بر نه وجه بود یکی علم ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم فسق ششم کردحیلت هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاری که در آن خیر نبود قوله تعالی مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ

خامه قلم اگر بیند که قلمی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که علم حاصل کند و کارش راست شود و مرادش برآید و اگر بیند که بقلم چیزی می نبشت اگر آن نبشته خیر بود دلیل بر نیکوئی کند و اگر شر بود دلیل بر فساد کند اگر بیند که بی قلم می نبشت دلیل که غایبی که در سفر دارد زود باز آید کرمانی علیه الرحمه گوید اگر کسی در دست خود قلم نبشتن بیند اگر از اهل علم بود دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر بیند که بقلم چیزی می نبشت و میخواند دلیل بر مرگ وی بود قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا و اگر آنچه نبشت موافق کتاب اهل سنت و جماعت بود دلیل که عز و جاه یابد و اگر ببیند که قلم در دست وی بشکست اگر عالم بود دلیل که حرمتش کم شود و کارش بی رونق گردد و اگر بیند که بقلم شکسته می نبشت و اگر آنچه نبشت از شمار چهار پایان بود و یا از شمار بزرگان تاویل آن بگوهر و صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قلم در خواب بر هفت وجه بود یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم بدست شدن چیزها هفتم کام و مراد

خانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خانه مرد را در خواب زن بود و اگر بخواب بیند که خانه با ستونها از جای برداشت دلیل که زنی خواهد که با قوت و کرم بود و اگر بیند که در خانه نو شد دلیل که زن توانگر خواهد و توانگر شود و اگر بیند که خانه مهر و بیخ اندوده بود و معلوم نبشت کما نخانه از آن کیست دلیل که صاحب آنخانه از دنیا برود و اگر بیند که در خانه گریخته بود و در آن خانه غلق کرده بود و آنخانه نجای دیگر پیوسته دلیل که از رنج و سختی بسته گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بیند که در خانه خود بشکست دلیل که مال نهر نیه کند و اگر بیند که خانه وی از آن بزرگ تر شد که بود دلیل که مال و نعمت بر وی فراخ گردد و اگر بخلاف این بود دلیل که مال و نعمت بر وی تنگ گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه او بیفتاد و یا دیوار خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر بیند که خانه وی بی سببی خراب شد دلیل که مال و درمش حاصل شود و اگر بیند که خانه آهنین است دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که در خانه ای سیمین بود دلیل که او را توبه باید کرد قوله تعالی لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ و اگر زر اگر بود در نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیرامن خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباه گردد

خرابی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بزیر شد نشست و اگر بیند که در خرابی فرو شد دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمها فرج یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در سرای یا در خانه خانهای بسیار پدید آمد دلیل که در آنجا غم و اندوه و مصیبت بود

خالیسک خالیسک متفرقه بود دلیل دیدن خالیسک در خواب بر قومی حقری کند و اگر بیند که خالیسکی بسیار داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را با جهتر و قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خالیسک کسی را بزد جهتر را مقهور کند و اگر بیند که خالیسک او ضایع شد دلیل که از جهتر جدا افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی آهنگری نداند و بیند که خالیسک بر سندان بزد دلیل که میانه دو جهتر سخن چینی کند و دشمنی افگند

خایه مرغ دانیال علیه السلام گوید خایه مرغ پود بود و اگر بخواب بیند که ماکیان پیش او خایه

این آیه در سوره ابراهیم است ۲۱

این آیه در سوره بنی اسرائیل است ۱۴

این آیه در سوره زخرف است ۳۳

کرد مجهول بیند ونداند که خانه چیست دلیل که زنی خواهد در روزگار وی و از آن زن عاجز ماند واگر بیند که خایهٔ مرغ پخته بخورد دلیل که
برنج و تعب مالی بدست آرد واگر بیند که خایهٔ مرغ نیم پخته بخورد دلیل که مال حرام خورد که در رنج و غم بوی رسد واگر بیند که خایه
با پوست خورد دلیل که کفن مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه همی کرد دلیل که زن بسیار بخواهد و بجماع حریص بود
واگر بیند که بر خایه نشست چنانکه مرغان نشینند دلیل که با زنان نشیند و فایده یابد واگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ
آن خایه بیرون افگند دلیل که کار مرده او زنده گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مومن بود واگر بیند که خایه بشکست
دلیل که دختر پرا دوشیزگی بستاند واگر بیند که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آید و خایهٔ بط فرزند صوص
و بیچاره بود و خایهٔ بنجشک دلیل بر خرمی بود **خایهٔ آدمی** ابن سیرین گوید اگر بیند که خایهٔ او بزرگ شد دلیل که حرمت
فرزند و دولتش زیادت شود واگر بیند که هر دو خایهٔ او یک شدند تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که خایهٔ او سست
دلیل که دشمنان بر وی ظفر یابند واگر بیند که خایهٔ خود بکسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسب وی از کسی
دیگر باشد واگر بیند که خایهاش آماسیده بود یا باد برشده بود دلیل که مال بسیار یابد ولیکن او را از دشمن بیم بود واگر بیند
که خایهاش دراز شد چنانکه بر زمین همی کشید دلیل که مال بسیار او را حاصل شود واگر بیند که خایهای کسی بکشید دلیل که هر دو با
یکدیگر فساد می کنند واگر بیند که پوست خایهٔ خود بکشید دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند واگر بیند که کسی خایهٔ وی سخت
بگرفت دلیل که خبر مرگ فرزند شنود واگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود واگر بیند که خایه از بن
ببرید دلیل که قوتش بریده شود واگر بیند که خایهای وی بریسمان یا بچیزی دیگر بسته بودند دلیل که کارهای وی بسته گردد
مغربی رح گوید خایهٔ مردم در خواب دلیل بر باز داشتن شدت دشمن از وی بود واگر بیند که خایهٔ وی نقصان بود دلیل که دشمن
بر وی ظفر یابد واگر بیند که خایهٔ چپ وی بیرون کشیده نه دلیل که هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب
بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم مال سوم اهل بیت چهارم عز پنجم بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن **خایهٔ
مرغ آبی** بر چهار وجه بود یکی مراد یافتن دوم زن خواستن سیم کنیزک خریدن چهارم فرزند زادن **حقنه کردن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حقنه کرد دلیل که غمگین شود و در عملی معزول گردد واگر بیند که او کسی را حقنه کرد
دلیل بر غم و اندوه بود و بعضی از معبران گویند تنگ عیشی بود **ختنه کردن** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که ختنه
کرد دلیل که سنتی بجای آورد که او را پاک گرداند از گناهان واگر بیند که هنگام ختنه خون از وی روان شد دلیل که در آن
سنت ثابت بود و از گناهان توبه کند واگر بیند که چون ختنه میکرد و نظر بر ختنه داشت دلیل که غم و اندوه وی را بسیار رسد
کرمانی رح گوید اگر بیند که او را ختنه کردند دلیل که از گناهان پاک گردد واگر ختنه نکرده باشند دلیل که راه مسلمانی و سنت پس پشت
انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید ختنه کردن در خواب بر پنج وجه بود یکی سنت بجای
آوردن دوم فرزند سوم نیکویی چهارم رامش پنجم جدائی از زن و فرزند **خربزه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خربزه در خواب
بیماری بود و سبز و شیرین عافیت و منفعت بود چون بوقت خود بیند و خربزهٔ خرد نیکوتر از بزرگ بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید خربزهٔ سبز در خواب دلیل بر زوال غم و اندوه بود واگر بیند که خربزه بسیار پیش وی نهاده بود دلیل که باندوهی

خایهٔ آدمی
خایهٔ مرغ آبی
حقنه کردن
ختنه کردن
خربزه

گرفتار گردد مغربی رح گوید خربزه در خواب چون بوقت خود بیند زنی بود با منفعت بسیار و عیش خوش جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید خربزه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت پنجم عیش خوش خاصه که چون خربزه شیرین بود

خرچنگ در خواب دلیل بر مردی دون همت بود اگر بیند که خرچنگی بگرفت دلیل که با کسی دون همت بدخوی مصاحب گردد و از وی مایه نفع یابد و اگر بیند که خرچنگی را بکشت یا دور انداخت دلیل که از بدخوئی دون همت جدا گردد و اگر بیند که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند کرمانی رح گوید اگر بیند که خرچنگی داشت دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشخوی باشد که نیکی از وی باشد **خر** دانیال علیه السلام گوید خر در خواب دیدن بخت و بزرگی بود و نیکی و بدی خر به بیننده خواب باز گردد و اگر بیند که خری ملک وی شد یا در وثاق وی آمد و او خر را بگرفت و ببست دلیل که در خیر بر وی گشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خر بسیار بیند دلیل که نعمت و مال او زیاده گردد و بهترین خرها آن که بخواب بیند آنست که مطیع او بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر خری سیاه نشسته بود دلیل که مهتری و بزرگی یابد و اگر بیند که بر خر سیاه نشست دلیل که عز و جاهش بیفزاید و اگر بیند که بر خری سبز نشست دلیل که عابد و زاهد گردد و اگر بیند که بر خری سرخ نشست دلیل بر عیش و عشرت بود و اگر بیند که بر خری زرد نشست دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بر خر ماده ایستن نشست دلیل که خیر و خرمی بود و اگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که از تجارت مال بیابد و اگر بیند که خر خود را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که مال خود هزینه کند و اگر بیند که از نشست او خر بمرد دلیل که او بزودی بمیرد و اگر بیند که از خر خویش بیفتاد دلیل که درویش و تنگ عیش شود و اگر بیند که از خر که ملک او نبود بیفتاد دلیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر بیند که از خر فرود آمد و دیگری بر خر نشست دلیل که مال خود را نفقه کند و اگر بیند که از بهر کاری از خر فرود آمد دلیل که کاری و حاجتی که طلب کند زود مهیا گردد کرمانی رح گوید اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و اگر بیند که خری خرید و بهای او نداد دلیل که راحتی یابد بسبب بختی که با بزرگی بگوید و اگر بیند که خر وی یکچشم داشت یا چشمش ضعیف بود دلیل که بدشوار طلب معیشت بود و اگر بیند که خری داشت و آن خر هر دو چشم نداشت دلیل که مالیکه دارد ضایع شود و اگر بیند که دم و پای خر وی بسیار بود و دراز شد دلیل که او را تبع بسیار شود و اگر بیند که خر وی بمرد و او بر خری دیگر نشست یا خر بیگر را بفروخت و خری دیگر بخرید دلیل که معیشت وی از حالی بحالی گردد و اگر بیند که خر وی استر شد دلیل که معیشت وی از سلطان بود لیکن بظلم و اگر بیند که خری گوسفندی شد دلیل که مال حلال یابد و اگر بیند که خر وی مرغی شد دلیل که معیشت وی از چیزی باشد که بدان مرغ منسوب باشد و اگر بیند که خر وی دزد برد دلیل که زن وی ایضا شهوت یابد و کار او با زن بفراق انجامد و اگر بیند که خر وی قوی و توانا بود دلیل که کار و کسب دنیا بر وی آسان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کار و کسب دنیا بر وی تنگ شود و دشوار گردد و اگر بیند که بر خر خرواری بار نهاد و او بالای بار نشسته بود دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که با خری مجامعت کرد دلیل که مرادهای خود بیابد و اگر بیند که خر را بر پشت بگرفت و از آبی بگذرانید دلیل بر قوت حال و بزرگی بر بخت و اقبال بود و اگر بیند که خری بانگ کرد دلیل که نیکو نباشد قوله تعالی اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِیْرِ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر خری نشسته بود و آن خر زیر او بانگ میکرد دلیل که عیالش بدخوی باشد و اگر بیند

اگر خر سفید داشت و با خر دیگر بدل میکرد و آن خر وی بدتر بود دلیل که حالش بدتر گردد و اگر آن خر وی بهتر بود و حالش نیکوتر شود و مالش زیاده شود و اگر بیند که خر خود با اسپی یا استری بدل کرد دلیل که از پادشاه مال و منفعت یابد و اگر بیند که با دودی بدل کرد دلیل که از پادشاه ستمگر چیزی بوی رسد و اگر بیند که خر خود با مرغی بدل کرد دلیل که بقدر و قیمت مرغ چیزی بوی رسد جعفر صادق ع گوید که دیدن خر در خواب بر ده وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم فرمان روائی چهارم ریاست پنجم مال ششم زن یا کنیزک هفتم شادی هشتم اقبال نهم بزرگواری دهم مرتبت و خر بنده در خواب دیدن خداوند ولایت و تدبیر بود و در راست کننده کارها و مهیا دارنده معیشت **خرگور** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خرگوری بوی رسید دلیل که غنیمتی بوی رسد و اگر بیند که خرگور نشسته بود و آن خرگور مطیع او بود دلیل که عاصی و گنه گار بود و اگر بیند که خر گوری جنگ و نبرد میکرد دلیل بر سختی کار و رنجی بود که بوی رسد و اگر بیند که خرگور تنها بگرفت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دو خرگور با هم جنگ میکردند دلیل که دو مرد فاسق از بهر دیبا با همدیگر جنگ کنند و اگر بیند که خرگوری بخانه آورد دلیل که فاسقی را بخانه آورد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن خرگور در خواب مردی جاهل احمق بود و از علم بی خبر باشد قوله تعالی اُولٰٓئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ اگر بیند که گوشت خرگور میخورد دلیل که مال بسیار یابد و اگر بیند که بر خرگوری نشسته بود و بیفتاد دلیل که کاری طلب کند و نیابد و اگر بیند بر خرگوری نابینا نشسته بود دلیل که مالی بی اندازه یابد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن پوست و گوشت خرگور در خواب غنیمت و مال بود و عز و جاه اگر بیند که مغز خرگور یافت دلیل که هزار درم یابد یا در او را بهتری صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند و اگر بیند که سر خرگور میخورد دلیل که عبادت بسیار میکند در راه دین ورزد و اگر بیند که خرگور از وی میگریخت دلیل که از مسلمانان مفارقت جوید **خردل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خردل در خواب دلیل بر اندوه و اندیشه باشد و اگر بیند که خردل خورد دلیل که نقصان مال بود یا برنج و بیماری گرفتار شود و مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن خردل در خواب دلیل بر مصیبت و خصومت و بیماری بود **خرس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرس در خواب دشمن فرومایه و احمق بود اگر بیند که بر خرس نشسته بود دلیل که از پادشاه خواری یابد و اگر بیند که خرس مرا بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که گوشت خرس میخورد و پوست با خود داشت دلیل که غمی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که خرس نر در خواب مردی بدبخت و دیوانه باشد و خرس ماده زنی همین شکل و خصلت بود و اگر بیند که خرس ماده بگرفت دلیل که زنی بدین صفت بخواهد و اگر بیند که خرس بخانه وی درآمد اگر نر بود مردی بدین صفت در خانه او درآید و دیدن خرس در همه حال نیکو نباشد **خرگاه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرگاه بخواب دیدن نیکو بود و اگر بیند که بخرگاه نشسته بود دلیل که از متاع دنیا چیزی یابد و اگر بیند که خرگاه ملک او بود دلیل که زنی خواهد و اگر خرگاه سبز یا سفید بود دلیل بر خیر و نیکوئی بود و اگر خرگاه معروف بود و سبز بود و در ان نشسته بود دلیل که دیندار گردد و اگر خرگاه مجهول بود دلیل که شهید گردد و خرگاه سپید دلیل بر مال و نعمت کند و اگر خرگاه سرخ بود دلیل که بلهو و طرب مشغول گردد و اگر بیند که خرگاه کبود بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و خرگاه سیاه منفعت اندک بود و اگر خرگاه از ان او بود تاویل بدو باز گردد **خرگوش** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که خرگوش گرفت یا کسی بوی داد

دلیل که زنی بد بخواهد یا کنیزکی نابکار بخرد واگر بیند که پوستین خرگوش پوشید یا گوشت او خورد دلیل که چیزی از زنی بوی رسد
واگر بیند که بچه خرگوش داشت دلیل که او را مالی حاصل شود که دران خیر نبود و بعضی گویند که رنج و بیماری و اندوه وی از فرزند
بود مغربی رح گوید خرگوش در خواب زنی پارسا و خاموش بود واگر بیند که خرگوش او بمرد یا بکشت دلیل که سبب هلاک
زن او بود یا بسبب عیال او رازحمتی برسد واگر بیند که گردن خرگوش از زوی قفا در پیچید چنانکه او را خبه کرد دلیل
که زن خود را از راهی دگر مجامعت کند **خرما** ابن سیرین رح گوید که خرما در خواب مال و خواسته بود واگر بیند که خرما خورد
اگر از اهل علم است دلیل که علمش زیاده گردد واگر بازرگان باشد دلیل که مالش زیاده شود واگر بیند که خرما خورد و دانه اش
بیرون انداخت دلیل که احکام شریعت بجای آورد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که خرما خورد دلیل که میراث یابد واگر
بیند که خرمای نارسیده خورد دلیل که میراث فرزند خود خورد واگر بیند که در خانه او درخت خرما بود و بار بسیار داشت دلیل
که با بزرگی همنشینی کند و از وی منفعت یابد واگر بیند که آن درخت خرما از بن خشک شد دلیل که میان ایشان جدائی افتد
واگر بیند که در سرای او خرما خشک بود و سبز گشت اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد واگر بیند که بن خرما ببرید دلیل که کسی از اهل
او بیمار گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خرما تازه داشت دلیل که مال بسختی حاصل کند و معبران گویند که خرما در خواب
منفعت باشد که از مهتری بوی رسد واگر بیند که در خانه و منزل خود خرما بسیار داشت دلیل که بقدر خرما متاع و مال حاصل کند
واگر بیند که خرما تازه یا خشک میخورد دلیل که حلاوة ایمان یابد و کارش بنظام گردد واگر بیند که بن خرما میبرید دلیل که کار کسی
در دست دارد از دستش بریده شود مغربی رح گوید اگر بیند که خرما داشت دلیل که زنی توانگر خواهد و بقولی دیگر مال یابد
واگر بیند که از خرما انگور بسیار بود و فرا گرفت دلیل که از کنیزکی سیاه فرزندی آرد واگر بیند که از خرمای خشک خرمای تازه
فرا گرفت دلیل که سخنی لطیف از مردی منافق شنود و بعضی گویند که از مردی جاهل سخن مفید شنود واگر صاحب خواب
غمگین بود از غم فرج یابد قوله تعالی بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكَ رُطَبًا جَنِيًّا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرما
در خواب مال حلال از قبل رئیس کریم بود خرما خشک در خواب دلیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرمای تازه روشنائی چشم
و مال حلال و فرزند و نیکی بود **حکایت** شخصی پیش ابن سیرین رحمة الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل
خرما یافتم گفت فردا ترا همانجا چهل چوب بزنند و همچنان بود و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم
که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت چهل هزار درم بیابی گفت پارسال تعبیر این خواب بگونه دیگر بود امسال چونست که
بخلاف آنست گفت پارسال خرما بر درخت نبود و تاویل آن چوب بود و امسال خرما بر درخت است و درختان سبز و تازه
اند تعبیر آن چنین باشد بعد از یکهفته آن شخص چهل هزار درم یافت **خرمن گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرمن
غله در خواب مردی بود که برنج و تعب مال حاصل کند و آن مال بگزاف هزینه کند واگر بیند که کشت و درو و در خرمن در آورد
دلیل که مال برنج حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خرمن غله بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زنی خواهد و بعضی گویند
که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و تعب حاصل کند **خرنوت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرنوت در خواب
مردی باشد که مال بسختی و رنج بدست آورده باشد اگر بیند که خرنوت خورد دلیل که مال خود برنج حاصل

خ

خرمن گرفتن

خرنوت

اگر دیده باشد و بخورد و اگر بیند که خرنوت از دست جمع میکرد دلیل که از مردی بخیل بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که خرنوت با آتش میسوخت دلیل که پادشاه مال و ملک بستاند **خروس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خروس داشت و دانست که ملک اوست دلیل که مردم عجمی که بنده زاده او بود او را قهر کند و اگر بیند که خروس را بکشت دلیل که بر بنده زاده ظفر یابد و اگر بیند که با خروس جنگ میکرد دلیل که با مردم عجمی خصومت کند و اگر بیند که از خروس او را گزندی رسید دلیل که از عجمی او را مضرت رسد و اگر بیند که خروس بچه یافت دلیل که غلامی کوچک یا پسری از کنیزک او را حاصل آید و اگر بیند که بانگ خروس می شنید دلیل که نیکی و خیرات گزیند و اگر بیند که خروس بر وی بجست دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و خایه خروس در خواب غلام بود و اگر بیند که کسی خروس بچه بوی داد دلیل که غلامی بوی بخشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که خروسی داشت دلیل که او را پسری آید یا او را با مردی مؤذن صحبت افتد چنانکه رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود الدیک مجبی ومهو یدعو الی الصلوة یعنی خروس دوست منست که مرا بنماز میخواند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بر خروس دست یافت دلیل که بر مهتر زاده دست یابد و بر وی غلبه کند و اگر بخواب بیند که تخم خروی یافت و بشکست دلیل که بر مهتری و یا خروی دست یابد **خرید و فروخت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرید و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که بدرم و دینار کنند و اگر کالای بکالای معاوضه کند دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد **خز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خز در خواب جبه و دستار و کلاه انچه درین ماند جمله مردان را پسندیده باشد و رنگ این جامها اگر بر یک صورت بود نیکو بود و اگر نبود غم و اندوه بود و رنگ سبز بر جامها نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خز در خواب کسی را که سزای خز بود بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دویم خیر و برکت سوم عز و جاه چهارم رتبت باندازه و قیمت پنجم ریاست و بزرگی کرمانی رح گوید پوشیدن جامه خز در خواب دلیل بر مال حرام کند معبران گویند مردان را ابریشم در خواب دیدن بد باشد و زنان را نیک باشد و مرد خز فروش کسی باشد که دنیا را بدین اختیار کند **خسته کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن او را کسی بخست و از وی خون بیرون آمد دلیل که خسته کننده او را سخنی راست گوید چنانکه باشد که جواب نتواند کرد و اگر بیند که از آن جراحت خون نیامد دلیل که او را سخنی گوید که دروغ باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تیغ بر دو نیم کرد او را دلیل که پیش او سخنی گوید و بر وی طعنه زنند و اگر کسی در خواب خستگی بسیار بر تن خود بیند دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید خستگی بسیار بر تن نقصان مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید خستگی در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم منفعت سوم سخن ناخوش **خشت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خشت در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه هر خشتی هزار درم نهاده اند اگر بیند که خشت بسیار جمع کرد دلیل که او را مال بسیار جمع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خشت از دیواری تراشید دلیل که مال خداوند دیوار ببرد و اگر بیند که خشت پاره پاره کرد و پراگنده دلیل که مال خود را پراگنده و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت پخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب دلیل بر غم و اندوه بود **خشم گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی خشم از بهر دنیا بگرفت دلیل که کار دین را حقیر خواهد داشت و بدنیا مغرور شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر پدر و مادر بر وی

خروس
خرید و فروخت
خز
خسته کردن
خشت
خشم گرفتن

خشم گرفتند دلیل که از تعالی بلند افتند قوله تعالی وَمَن یحلل علیه غضبی فقد هوی **خصومت** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که با کسی خصومت کرد و بر وی غالب شد دلیل که سرانجام کار غالب گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که دشمن بر وی
غالب شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که با والی آمد یا رخصومت کرد و بر وی غالب شد دلیل که از
والی بوی خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند از والی رنج بیند و اگر بیند که پیش پادشاه بخصومت رفت دلیل که حاجتش
روا گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم بی سببی خصومت کرد دلیل که مردم از وی اندوهگین گردند زیرا که
آزار مردم جوید **خصی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را خصی کرد دلیل که حاجتش روا گردد و بعضی
معبران گویند که فرزندش بمیرد و الا بطاعت باری سبحانه و تعالی راغب باشد و توانگر شود و اگر کسی مجهول خصی بیند
دلیل که آنکس پسندیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد که او را براه خیر و صلاح خواند یا بخیرات مژده دهد زیرا که فرشتگان را
شهوت نیست و اگر بیند که در نخش علم و حکمت نیست آنکس فرشته نباشد و اگر آنکس که دید خصی بود و معروف بود و آنچه
از نیک و بد دید تاویلش بر وی بازگردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خایه وی بریده شده و بیفتاد دلیل که
بر دشمن ظفر یابد و بعضی معبران گویند بریدن خایه در خواب بمیرد دختران بود یعنی پس از آن او را دختری نبود زیرا که
خایگان دختر بود و اگر بیند که خایه خود بدر آورد و بکسی داد دلیل که دختران بکسی دهد مغربی علیه الرحمة گوید اگر بیند که کسی
خصی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضیبش از تن بریده شد همین تاویل دارد و نامش از میان مردم
گم شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خصی در خواب بر سه وجه بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عبادت
خضاب کردن دانیال علیه السلام گوید خضاب کردن بریش پوشیدن کارها باشد اگر بیند که سر یا ریش
خضاب کرد و رنگ نمیگرفت دلیل که حال خود بر مردم ننماید و اگر بیند که خضاب کرد دلیل که کارش نیکو شود اما کارهای او
پوشیده ماند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خضاب چیزها میکرد که مردم آنرا منکر دند دلیل که خود را بچیزهای محال
و کارهای ناپسندیده دهد و اگر بیند که دست و پای بحنا خضاب کرد دلیل که مال از دست رفته او باز آید و اگر بیند که سر و
دست ریش بحنا خضاب کرد دلیل که فرزندان خود را بیاراید با آرایشی که خلاف شرع بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که دست خود را نگار کرد بحنا خضاب کرد دلیل که خداوند مکر و حیلت بود در کسب و عمل خویش و اگر بیند که نگار وی بهم شده بود دلیل
بود که او را عزیزی بمیرد یا خود هلاک شود و اگر این خواب زنی بیند شادی و خرمی بیند اسمعیل اشعث علیه الرحمة گوید اگر
بیند که دست و پای خود بحنا خضاب کرد دلیل کاری کند که مردم بروی افسوس کنند و اگر بیند که سر انگشتان را خضاب کرد
دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کار شایسته دوم آرایش جمال
دنیا سوم طلب عز و جاه چهارم معروف شدن بدروغ **خطبه خواندن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر
خطبه میخواند و از اهل خطابت بود دلیل آنکس عز و بزرگی یابد و اگر از اهل خطابت نبود دلیل که بسفر رود و درنگ بسیار
کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر توانگر بود درویش گردد و اگر بیند که بی دینی خطبه میخواند دلیل که مسلمان شود یا بمیرد
کرمانی رح گوید اگر بیند که پادشاهی بر سر منبر خطبه میخواند اگر پادشاه مصلح بود دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود دلیل که تابت

گردد و اگر بیند که زنی بر سر منبر خطبه میخواند مردم را چه میداد دلیل که شوهر او رسوا شود و فضیحت شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه تزویج میخواند دلیل که با همه کس چیزی داحسان کند و خیر و صلاح و منفعت یابد **خطمی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خطمی بوقت خود در خواب دیدن منفعت بود و بیوقت غم و اندوه بود و خوردن آن مضرت و نقصان بود و سر شستن با آن دلیل بر توبه و پاک دینی بود **خفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خفتن در خواب مرده یا کسی را که پوشیده بود راحت و رستگاری بود و اگر بیند که بر تختی خفته بود دلیل که بر تختی خفته بود دلیل که بزرگی یابد و از راه دین بیخبر بود زیرا که خفتن غفلت بود در راه دین و اگر بیند که در جایگاهی بر بستر خوابیده بود دلیل بر حقارت و خواری بود کرمانی علیه الرحمة گوید خواب ترسنده را ایمنی بود و مرده را آمرزش و بیمار را شفا و زندانی را خلاصی بود مغربی رح گوید اگر بیند که در میان مردگان خفته بود و مردم او را دیدند دلیل که در میان مردم شهرت یابد قوله تعالی وتحسبهم ایقاظا وهم رقود **خلال کردن** ابن سیرین رح گوید خلال کردن در خواب نیکو نباشد زیرا که دندانها در خواب اهل بیت بود و خلال انهند جاروب که مال اهل بیت میبرد و اگر بیند که خلال میکرد دلیل که بقدر آن که از دندان بیرون می آید نقصان اهل بیت بباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آنچه بخلال از بن دندان برون آورد و بکسی داد دلیل که از مال اهل بیت خویش بناحق بستاند و بکسی دهد **خلعت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلعت در خواب چون پاکیزه و خوب بود دلیل عزت یا فتن و مرتبت ریاست و مملکت باغ و زن و کنیزک و حکم تاویل بقدر و قیمت خلعت دهنده بود کرمانی رح گوید اگر بیند که پادشاه بدو خلعت داد دلیل که از ان پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد و اگر بیند که عالمی ویرا خلعت داد دلیل که از ان عالم ویرا علم و دانش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند خلعتی بود داد ند سفید بود یا سبز دلیل که عز و جاه دینی یابد و اگر دیبا یا جامه ابریشمین بود دلیل که عز و جاه دینی و دنیا یابد **خرقه** جامه کهنه و پوشیدن آن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه خرقان از تن خود بیرون کرد دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و همه چیز با نو بخواب دیدن نیکو باشد مگر موزه کهنه که از نو بهتر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب خرقه فروشی کند بد باشد و اگر جامه نو خود دلق دوشد نیکو باشد و خرقه فروش در خواب مردی بود که بدی از خود دور کند **خلم** مخاط باشد که از بینی بیرون می آید اگر بیند که از بینی او خلم می آید دلیل که وامش گذارده شود و از غم و اندوه رسته گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلم در خواب دلیل بر فرزند بود و اگر بیند که خلم بر جامه وی بیفتاد دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که خلم از بینی وی بر زمین افتاد دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که خلم بر زمین انداخت دلیل که زنش آبستن گردد و فرزند از شکم بیند از دو اگر بیند که زنش خلم بروی انداخت دلیل که بر زن همسایه فساد کند و اگر بیند که خلم خورد دلیل که مال زن دار اخورد بوجهی نیک **خلیفه** ابن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب خلیفه روی کشاده بیند دلیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر بیند که خلیفه او را کاری فرمود از کارهای خاص دلیل که عز و بزرگی و مرتبت یابد و اگر بیند که خلیفه او را ولایتی داد اگر از مسلمان بود دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای خلیفه شد دلیل که از مقربان وی شود و اگر بیند که خلیفه از متاع دنیا چیزی بوی داد دلیل که منزلت یابد میان بزرگان نامدار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصومت کرد از هر کاری که بشرع تعلق دارد

دلیل که حاجتش روا شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در بستر یا جای خلیفه خفته بود دلیل که خلیفه او را زنی یا کنیزکی یا مال دهد و اگر بیند که در لباس یا
اسپ خلیفه نشسته بود دلیل که در خلافت با او شریک بود و اگر بیند که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه او میرفت دلیل که مقدم در شغلهای وی باشد
و اگر بیند که خلیفه با وی ترشروی بود دلیل که در دین وی خلل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه شده است و از
اهل آن نباشد دلیل که او را بکاری فرستند و اگر بیند که خلیفه او را بکاری فرستاد دلیل که وی را خیر و منفعت یابد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر خلیفه خرم و تازه بیند و شادمان بود و با وی سخن گفت دلیل که مراد وی حاصل شود و عز و دولت
یابد و اگر خلیفه را غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود **خم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خم در خواب زنی بود
که از قبل او فایده بخانه برسد بقدر بزرگی خم کرمانی رحمة الله علیه گوید خم سفالین یافتن در خواب گنج بود و خم آب زن
بود اما زن توانگر باشد و اگر بیند که در خانه خود خم پر آب بود و از آن آب میخورد دلیل که مال بسیار یابد و در راه خیر
خرج کند و خم سرکه در خواب مردی پرهیزگار بود و خم مسکه و روغن دلیل بر زیادتی مال حلال بود و خم آب کامه دلیل بر مردی
بیمار بود و خم نفت دلیل بر مردی فرومایه و جوان بود و خم در خواب دیدن دلیل بر سلطان کند و ریاست اصحاب سلطان

خمیر کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرشتن آرد بتاویل درستی دین باشد و سرشتن آرد گندم مالی بود که از
تجارت حاصل شده باشد و آنکه خمیر برخواسته بود دلیل بر فساد کند و سرشتن آرد کاورس در خواب نفع اندک که بوی رسد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خمیر فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد و اگر خمیر جوین بود درستی دین و صلاحیت
بود و اگر خمیر گندم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر کاورس بود دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن خمیر در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی در دین دوم منفعت سوم مال **خنبره** در خنبره سه قول است
بعضی گویند خادمه بود و بعضی گویند پیغام بشهرها برد و آورد و بعضی گویند زن بود و اگر بیند که خنبره آبگینه در خانه اوست
دلیل که زن را طلاق دهد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خنبره داشت یا کسی بوی داد دلیل که زنی خادمه یا کنیزکی
بقدر خنبره او را حاصل شود یا او را با زنی خادمه صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که خنبره او ضائع شد تاویلش
بخلاف این بود **خنجر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خنجر در دست داشت دلیل که او را با کسی عداوت افتد
و اگر بیند که خنجر او بشکست یا ضایع شد دلیل که جنگ و خصومت و عداوت از میان ایشان برخیزد و بصلح انجامد و اگر بیند
که خنجر در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد و اگر با خنجر سلاح بسیار داشت دلیل که بر دشمن
ظفر یابد و کارش انتظام گیرد **خنده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خنده در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند
که بقهقهه می‌خندید دلیل که غمش زیاده گردد قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا و اگر بیند که آهسته
بخندید دلیل که اندوهش کمتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خندیدن در خواب آهسته دلیل یافتن مراد و بشارت باشد قوله تعالی
فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا جعفر صادق رضی الله عنه گوید خنده آهسته در خواب دلیل بر فرزند بود قوله تعالی فَضَحِكَتْ
فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ و خنده قهقهه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و شگفت آمدن از کار ایزدی قوله تعالی أَفَمِنْ هَٰذَا
الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ **خوان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خوانی داشت و در آن مائده بود از آن

بخورد دلیل کہ بقدر آن غنیمت یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید خوان آراستہ در خواب نیک بود چون ناخوردہ بردارند غم واندوہ
باشد و بسیار خوردن طعام دلیل بر درازی عمر کند و اگر بیند کہ در خوان طعام سہ گونہ بود دلیل کہ روزی او فراخ شود قولہ تعالی
رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ و بعضی گویند عز و جاہ و شادی بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن
خوان در خواب بر پنج وجہ بود یکی غنیمت حاضر دوم مردی شریف سوم قوت چہارم نظام کار پنجم عز و خرمی
خود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ خود پولاد بر سر داشت دلیل کہ جاہ و فرزندی بود و قوت او زیادہ گردد
بقدر روشنی خود و اگر بیند کہ خود بر سر داشت دلیل از مہتری قوت گیرد و اگر بیند کہ خود خود بکسے داد دلیل کہ آنکس را
قوت و حشمت بود و اگر بیند کہ خود خود بشکست یا ضایع شد دلیل کہ عمرش نقصان شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید
دیدن خود در خواب بر پنج وجہ بود یکی قوت دوم مال سوم فرزند چہارم بقا و نکوئی پنجم خود را از مکر نگہداشتن
خوردن ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید ہر خورشی کہ بوی خوش دارد در خواب خوردن آن خیر و خرمی بود و اگر بوی
ناخوش بود دلیل کہ شر و بدی بود و سیر و پیاز و گندنا خوردن غم و اندوہ بود و اگر بیند کہ خورشے تلخ و ناخوش بود دلیل
بر درویشی و بیچارگی بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید خورش چون بطعم شیرین بود خرمی و شادی بود و چون ترش و تلخ
بود دلیل بر غم و اندوہ بود و خوردنی فروش در خواب بتاویل خداوند سخن بود **خوشہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ
گوید خوشہ در خواب دیدن چون تازہ بود فرزند بود و برکت زیادتی مال و چون خوشہ خشک بیند فرزندی بود بعمر دراز
اما در آنسال تنگی و قحط باشد و خوشہ خرما و خوشہ انگور بہتر بود خاصہ چون بوقت بیند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند
کہ خوشہ سبز بخورد دلیل کہ در آنسال او را فراخی عیش بود و اگر خوشہا زرد و خشک بیند دلیل کہ قحط و تنگی بیند جعفر صادق
رضی اللہ عنہ گوید خوشہ سبز در خواب دلیل بر فرزندان و برکت بود قولہ تعالی سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ الخ
خوک ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید خوک در خواب مردی توانگر بقوت بود و لیکن دون ہمت و بی خیر باشد و اگر
کہ خوکان در جای نگہ میداشت و رہا نمیکرد کہ پراگندہ کردند دلیل کہ مال بسیار جمع کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید
محافظت کردن با خوک دنیا را نیک بود و دین زاید و بچہ خوک در خواب غم و اندوہ بود و اگر بیند کہ خوک
بخورد دلیل کہ ربا خورد و اگر بیند کہ خوکان را از جای بجائی میبرد دلیل کہ احوال دنیای وی نیک گردد و احوال
آخرت او نیک نباشد و اگر بیند کہ در میان خوکان میگردید دلیل کہ بجہت مالی کہ از حرام جمع کند خرم شود و گویند کہ خوردن
شیر خوک در خواب غم و اندوہ و مصیبت بود و اگر بیند کہ در میان خوکان نشستہ بود دلیل کہ دشمن غالب آید اگر بیند کہ خوک
پس از وی در آمد و از پیش روی بیرون شد دلیل کہ مراد وی پدید او را حاصل آید و اگر بیند کہ پوست خوک یافت یا کسے بوی
داد دلیل کہ مال حرام یابد و اگر بیند کہ شبان خوکان بود دلیل کہ بر گروہی بد دینان و بدفعل مہتر گردد مغربی
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ با خوک بصحرا جنگ میکرد دلیل کہ با مردے دون و ستمگر او را خصومت افتد و اگر بیند
کہ موی خوک یا پوست یا استخوان خوک داشت دلیل کہ بقدر آن مال حرام یابد **خون آمدن** ابن سیرین رحمۃ
اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ بے جراحت خون از تن وی مے آید دلیل کہ زیان رسد و اگر بر تن خود

جراحتی یا بر دلیل زیان مال وغم و اندوه بود و اگر بیند که او را بشمشیر زدند و خون روان شد دلیل که زیان بود وی را از گردد
و اورا دران ثواب بود و اگر بیند که خون جراحت جامهٔ او را آلوده کرد دلیل که مالی حرام حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بخواب بیند که خون میخورد دلیل که مال حرام خورد یا خون ناحق کند و اگر بیند که در تن او سوراخی بود که از وی خون یا ریم
روان شد و جامهٔ او را آلوده کرد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که از قضیبش خون بیرون آمد دلیل که او از زنی
ماده بیفتد و اگر بیند که از مقعدش خون می آمد دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند که از بن دندان او خون می آید
دلیل که از خویشان غم و اندوه خورد و اگر بیند که در کوچهای شهر خون همی رفت دلیل بر خون ریختن بسیار بود دران موضع
دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که خون بسیار از بینی وی آمد دلیل بر یافتن مال حرام بود خاصه چون جامه آلوده گشت
دلیل که درویش بود مالش نقصان پذیرد **خیار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خیار در خواب اگر در وقت خود
بخواب بیند دلیل که سخن خوش شنود یا زنی بوی رغبت نماید و اگر بیند که از ان خیار بخورد دلیل که از ان زن مرادش
حاصل آید و حکم خیار زه با درنگ هم برین قیاس بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خیار در خواب بر سه وجه بود یکی
پشیمانی از کار دوم شادی و رامش سوم منفعت از قبل خویشان و دوستان **خیک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن
خیک در خواب شیر و ماروی بود که بر دستش مال حرام خرج رود و خیک انگبین مرد عالم بود و دانش آموز و راه نماینده
بود و اگر بیند که خیکی داشت یا بخرید دلیل که او را با مردی چنین صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند و اگر بخواب بیند
که خیک از وی بدزدیدند یا ضایع شد دلیل که از صحبت چنین مردی او را جدائی افتد **خیبر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر خیبر را بوقت خود بیند بخیر بود و اگر غیر وقت خود بیند همین تاویل دارد **خیمه** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که خیمه از بهر خود بزد یا از بهر او کسی بزد و آنجا نشست دلیل که اگر خیمه سیاه بود مال یابد بقدر بزرگی و کوچکی
خیمه و اگر بازرگان باشد دلیل که سفر کند و مال یابد و اگر بزرگی این خواب را بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر خیمه کهنه
باشد مضرت بیشتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از خیمه بیرون رفت شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که پادشاه
بر در خیمه نشسته بود دلیل که کارش نیکو شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که پادشاه او را در خیمهٔ خود خواند و آنجا نشست
دلیل که از پادشاه قدر و بزرگی یابد و کارش نظام شود **خیو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیو انداخت دلیل
که سخنی گوید که او را حلال نبود و اگر بیند که خیو در مسجد انداخت دلیل که سخن در دین گوید و همچنین در هر موضع که خیو انداخت دلیل
که سخن در اهل آن موضع گوید و اگر بیند که خیو در دیوار انداخت دلیل که مالی خرج کند که رضای خدایتعالی جل و علا در آن نبود
و اگر بیند که خیو در زمین انداخت ضیاع خود بیند و اگر بیند که خیو در درخت انداخت دلیل که عهد بشکند و سوگند بدروغ خورد کرمانی
رحمة الله علیه گوید که خیو گرم دلیل بر عمر درازی باشد و خیو سرد دلیل بر مرگ بود و بعکس بالعکس و خیو سیاه دلیل بر غم و
اندوه بود و خیو زرد دلیل بر بیماری بود و آب دهن چون از دهن بیرون آید بی آنکه جامه بیالاید دلیل که علمی باطل و
دروغ تقریر کند و اگر نه اهل آن باشد و اگر بیند که بلغم از گلو برآورد و بآستین بگرفت دلیل که مال خود بر عیال خرج کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیو کسی با خون در روی او انداخت دلیل که در اهل او طعنه زنند و اگر بیند که خیو

خون آمیخته بود دلیل که حرام خورد و دروغ گوید و بر وعده وفا نماید **حرف الدال** - **دارو** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر کسے از بهر بیماری دارو خورد و او را موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر بیند که دارو خورد و موافق نبود دلیل که صلاح
دین از وی زایل شود و اگر بیند که دارو از بهر تندرستی خورد دلیل که بقدر موافقت دارو و صلاح دنیا طلب کند و اگر
بخواب بیند که از بهر مردمان دارو ساخت دلیل که بر خلق خدا تعالی احسان کند و اگر بیند که دارو خشک می شد دلیل
که از غم و اندوه خلاصی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارو بخورد و اسهال بسیار آمد دلیل که او را منفعت رسد و اگر
بخلاف این بیند منفعت بود و اگر بیند که دارو بخورد و عقل و هوش از وی برفت دلیل که از غم و اندوه فرج یابد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید هر دارو که زرد بود بیماری و رنج باشد و آنچه بخوردن مکروه بود دلیل بر بیماری باشد
دارچینی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارچینی خورد دلیل که غم و اندوهش بیشتر شود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارچینی از بهر علت خورد و او را سود داشت دلیل بر خیر و منفعت باشد **داغ کردن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که داغ کردن در خواب مال و گنج بود و اگر بیند که داغ کردند دلیل که بقدر آن مال در راه
خدا تعالی صرف کند و در عقبی از عقوبت رستگاری یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نشان داغ خون
و ریم می آید دلیل که در حضرت پادشاه مقیم شود و اگر خون و ریم نباشد دلیل که از پادشاه هیچ منفعت نیابد
دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که داغے برتن کسی نهاد تاویلش سخن زشت باشد یا بر وی تهمت نهند و اگر بیند
که بجهت علتی بر پشت وی داغ نهادند دلیل بر صلاح دین و دنیا باشد و بعضی معبران گویند داغ کردن بنیاد باشد
در کار پادشاه جعفر صادق رضی الله عنه گوید داغ کردن در خواب منع زکوة بود و مشغولی با پادشاه قوله تعالی
يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا **داس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے بخواب بیند که داس در دست داشت دلیل که آلتی
سازد که او را از آن آلت مال حاصل آید اگر بیند که داس او ضایع شد دلیل که نقصان مال او بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که داس زرین یا سیمین داشت دلیل که از مال حرام چیزی حاصل کند و اگر بیند که بدان داس
چیزی زرین درود دلیل که مال و نعمت حاصل کند **دام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دام در خواب مکر و حیلت بود
اگر بیند که پای او بدام گرفتار شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جانوری بدام
گرفت آنکس که بدان جانور منسوب بود بمکر و حیلت بدست آورد **دانها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دانها در خواب
اگر پخته یا خام بیند دلیل غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که دانها بر زمین ریخته بود دلیل که
نرخش ارزان گردد و هر چیز از دانها که دید و در خانه خود برد یا در جوال کرد دلیل که آنچیز گران گردد و اگر بیند که مرغان
دانها بر دم میدادند دلیل که آن دانها ارزان شوند **دباغی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دباغی
کردن در خواب گذاردن شغل و فرمان بود و اگر بخواب بیند که دباغی میکرد دلیل که پیشه دباغی کند کرمانی علیه الرحمة
گوید دباغی تاویل والی بود و پوست در خواب میراث باشد مغربی رحمة الله علیه گوید دباغ در خواب مردی باشد
که صلاح کار میراث بوی باشد **دبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دبه روغن در خواب مردی امین بود

دارو

دارچینی

داغ کردن

داس

دام

دانا

دباغی کردن

اگر بیند دبه روغن داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی امین او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند بقدر آن دبه روغن و اگر دبه چرکین و کهنه بود دلیل که بیننده را مضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دبه در خواب بر نه وجه بود یکی مرد امین دوم زن سیم خادم چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم میراث از جهت زنان **دبیری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دبیری میکرد دلیل که مال مردگان بحیلت ستاند و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که دبیری پادشاه میکرد دلیل که از قوم پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که دبیری مردم عام میکرد دلیل که دلهای مردم بر خود گرم کند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی از مردم بدست آورد و اگر دبیر دانا بود که دبیری میکرد دلیل که خیر و منفعت بسیار یابد و اگر بیند بخواب عملدار بود دلیل که معزول شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث می نبشت دلیل که خیر و منفعت آنجهانی یابد و اگر بیند که غزل و شعر می نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نبشت و مداد نیک بود دلیل که قباله را بنویسد و اگر بیند که آنچه می نبشت خلاف شریعت بود دلیل که عاقبتش بد بود **دبیرستان** بخواب دیدن جای اندوه بود ولیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود **دجال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دجال را در جائی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و دروغ زنان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد **دختر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دختر بخواب دیدن فرح و شادی بود و اگر بخواب بیند که او را دختری آمد یا کسی دختری بوی داد و یا بخشید دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او را مال و خرمی و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که دختر بمرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دختر وی چرکین و ناقص بود دلیل بر غم بود و اگر بیند که دختر در بر گرفته بود و می برد دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دختر خود بکسی داد دلیل که از وی حرمتی بدان کس رسد **دخنه** اگر بیند که در زیر خود دود و عود میکرد یا از بویهای خوش چیزی داشت دلیل که پیشه بیاموزد و از آن منفعت یابد و با مردم عیش خوش گذارند و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دخنه در خواب بر سه وجه بود یکی کسب و معیشت دوم خیر و منفعت سوم بنای نیک **دکان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوکان داشت جمله خر شدند یا یکی خر شد و یکی گاو یا یکی گوسفند دلیل که روزی بروی فراخ شود لیکن او را زیان دارد و اگر بیند که چهار پایان وی در دکان شدند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دوکان در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه ظالم سوم زنان سلیطه چهارم همسایه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت دوکان میخورد دلیل که مال مردم بحیلت بدست آرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بصورت وی شد دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر بیند که دوکان با وی سخن گفتند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که دوکان را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد **دراج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دراج در خواب زنی خوبروی بود بدمهر که با شوهر ساز کاری نکند و اگر بیند که دراجی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین صفت خواهد و اگر بیند که گوشت دراج بخورد دلیل که مقدار آن مال زن بستاند مغربی رحمة الله

علیه گوید اگر بیند که دراج بسیار داشت و ودالست که ملک اوست دلیل که بقدر آن زنان و کنیزکان او را حاصل آیند و اگر بیند که دراج از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد **دراعه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دراعه نو و بزرگ و فراخ و سبز پوشیده بود دلیل که بقدر آن او را جاه و قوت و شرف در دین بود و اگر بیند که دراعه چرکین و تنگ پوشیده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دراعه سپید پوشیده بود دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد و اگر دراعه سرخ پوشیده بود دلیل که مصیبت بود و اگر سیاه بود دلیل غم و اندوه باشد لیکن دراعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر بیند که دراعه از تن وی بیرون کردند دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دراعه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرح دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم نظام کارها هفتم زن **در** بخواب دیدن زن بود و اگر بیند که درهای بسته از جای معروف یا مجهول در برابرش گشادند و آن درها که گشاده شد بر جانب راه بود دلیل که مالی که دارد خرج کند و اگر بیند که در سرائی در برابرش گشاده شد دلیل که مالی از پادشاه بیابد و بر عیال نفقه کند و اگر بیند که در سرای او بشکست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در سرای او کندند و ببردند و کس ندانست که کجا بردند دلیل بر محنت و مصیبت صاحب خانه بود و اگر بیند که در سرای او انباشتند دلیل بر مصیبت اهل سرای بود و اگر بیند که در وی کوچک بود دلیل که آفت بعیال او رسد و اگر بیند که در سرایش چنان فراخ بود که هیچ دری بدان فراخی نبود دلیل که قومی بی فرمان در سرای او روند بقوت و مصیبت با خصومت اگر بیند که حلقه در سرای او می جنبانید اگر جوابش دارند دلیل که دعای او مستجاب گردد و باشد که گنجی بیابد و اگر بیند که چون حلقه بجنبانید زود در آن سرای را بگشادند دلیل که خدای تعالی البته دعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در نو محکم ببست و قفلی بر وی نهاد دلیل که زنش بمیرد یا زن را طلاق دهد اگر بیند که در دو گریبان فرمود تا در نو بر در خانه او نهادند دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که در خانه دیر اغلق نبود دلیل که زنی بیوه بخواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوال بر در خانهٔ وی بجهیدند و بانگ میکردند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند و اگر بیند که در آسمانها گشاده شد دلیل که بر مردم آن دیار باب و در خیرات بگشایند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سه وجه بود یکی خداوند سرای دوم زن سوم خادم **دروازه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر که دروازه شهری بخواب بیند دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و دربان در خواب دیدن مردی بزرگ بود **دربانی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که دربانی میکرد دلیل که حاجتی که دارد زود روا شود و از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که دربانی میکرد و دربان نبود دلیل که حاجتش بروی بسبب کسی بر در روا شود اما او جاه نیابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دربانی پادشاه میکرد دلیل که مقرب پادشاه گردد **در برگرفتن** شرح در برگرفتن در حرف الف گفته ایم **درختان** دانیال علیه السلام گوید درختی که پیش مردم عزیز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود و اگر درختی بیند که پیش مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر درختی که میوه دار بود دلیل که مردی توانگر بود و درخت بی بر دلیل بر مردم درویش بود و درختی

کرد دیار عرب بود دلیل بر مردم بیابانی بود و هر درختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و درختی که در باغ بیند دلیل بر مال بود
بخداوند باغ اگر بیند که درختی از بن بکند دلیل که مردی را از جاه و نعمت افگند **درخت خرما** اگر درخت خرما بخواب بیند دلیل بر مرد
شریف و عالم بود و اگر بیند که درخت خرما در خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود درخت خرما چون بباغ بیند دلیل که تاویل او
بخداوند خواب بازگردد **درخت آبنوس** دلیل بر مردی فرومانده شود در کار خویش و بعضی گویند زنان بود و یا کنیزک —
درخت آلو مردی طبیب بود که از وی نفع هر کس رسد **درخت بادام** زنی خوبروی صاحب جمال بود
درخت انار مردی توانگر بود با منفعت **درخت پلپل** دلیل بر مردی شریف و بزرگ کنند **درخت بر**
دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود **درخت ترنج** دلیل بر مردی مخالف و خود رای کند **درخت زیتون** دلیل
بر مردی با اصل و نسب باشد **درخت حنظل** دلیل بر مردی درویش بد دین کند **درخت زرد آلو** دلیل بر مردی
مبارک بود که نفع رساند **درخت سرو** دلیل بر مرد عجمی خوش طبع کند **درخت سنجد** دلیل بر مردی سبک روح و
محتشم باشد **درخت سیب** دلیل بر مردی بیمارگون باشد **درخت شمامه** دلیل بر مردی تیز دولت کند که زود
هلاک شود **درخت شفتالو** دلیل بر مردی بزرگوار بود که بشرم باشد **درخت عود** دلیل بر مردی نیکو روی
و خوش زبان باشد **درخت فستق** دلیل بر مردی توانگر بخیل بود **درخت گل** دلیل بر مردی شادکام
باشد **درخت فندق** دلیل بر مردی غریب سخت دل بود که او دوست دارد **درخت بلوط** دلیل بر
مردی بنجبر منافق بود **درخت جوز** دلیل بر مردی شریف و جوانمرد بود **درخت جوز هندی** دلیل بر مرد
عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بیند که بالای درخت بود دلیل که با مردی بزرگ پیوند دواز د منفعت و
بزرگی یابد **درخت لیمون** دلیل بر مردی بود که جادو کند یا منجم بود **درخت مورد** دلیل بر مردی گران طبع
و ناساز دار بود **درخت نی** دلیل بر مردی بدخوی و سخن چین بود و هر درختی که میوه دارد دلیل بر قیاس میوه
او بود و اگر بیند که از درختی میوه دار میوه میخورد دلیل که بقدر و قیمت آن میوه مال و نعمت یابد و معبران گویند دیدن
درخانه خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانه پادشاه بیند دلیل که خدمتگار پادشاه باشد و اگر درختان
بیند که ساق ندارد همچون درخت خیار و خربوزه تاویلش بر مردمان دون بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر رگهای درخت قوی
بیند دلیل که زکوة مال داده باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت را بود و شاخ درخت
برادران و خویشان و فرزندان بود و اگر بیند که درخت برگها بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر ببیند که بار آن
اندک دارد تاویلش بخلاف این بود و میوه درخت دلیل بر خداوندش که پرهیزگار و دین دار بود و اگر ببیند که درخت برید
و بیفتاد دلیل بر مرگ خداوندش بود مغربی علیه الرحمة گوید اگر بیند که درختی بوی خوش دارد و میوهٔ خوش طعم دلیل
بر مردی مصلح و پاک دین بود و اگر بیند که درختی میوه ناخوش دارد و خار دارد دلیل بر مردی مفسد بی دیانت باشد
و اگر بیند در سرای او یا در سرای دیگران کوتاه درخت بود دلیل بر مصیبت بود در آن سرای افتد و اگر بیند که در سرای خود
تخمی میکشت دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بیند که درخت در زمین بیگانه می نشاند دلیل که با مردم بیگانه

او را صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای خود درختی می نشاند دلیل که دامادی آورد و اگر بیند که بر بالای درخت بلند می جهد دلیل که کار وی بزرگ شود و اگر بیند که برگ درختان جمع میکرد دلیل که بقدر آن درم حاصل کند و اگر بیند که از درختان میوه حاصل میکرد دلیل که فرزندان و نسل وی زیادت شود و اگر درختان میوه دار بسیار بیند و داند که ملک اوست دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر و بزرگی یابد و اگر بیند که درخت را میبرید دلیل که بیمار گردد یا از ان وی کسی بمیرد و اگر بیند که در وقت خزان در باغ ملول بود و میدید که برگ از درختان می افتاد دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که درخت با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم از ان عجب آید و اگر بیند که درخت از جای بکند دلیل که بیمار شود یا از ان موضع که درخت کند کسی بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند دلیل که مردمان بد دین باشند و هر درختی که نیکوتر بیند دلیل که دین او نیکوتر باشد و هر چه در درخت نقصان بیند دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در سایه درخت نشسته بود یا خفته بود دلیل که در سایه مردی بود که بدان درخت منسوب باشد جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید درخت در خواب بر ده وجه بود یکی پادشاه دوم زن سوم بزرگان چهارم مردم بازار پنجم عالم ششم مومن هفتم کافر هشتم عوان نهم خصومت دهم مال شبهه

درد اندامها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که اندامهای وی درد میکرد دلیل که مال از دست وی برود و اگر بیند که سرش درد میکرد دلیل که گناه بسیار کرده بود توبه کند و صدقه دهد قوله تعالی فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ و اگر بیند که پیشانی وی درد میکرد دلیل که بر فساد دین و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خود درد میکرد دلیل که او را کسی راه ناید بحق و اگر بیند که گوشش درد میکرد دلیل که از هر کس سخنهای زشت شنود و اگر بیند که بینی وی درد میکرد و یا در زبان وی نقصان بود دلیل که سخنی گوید که وبال باز گردد و اگر انجواب بازرگانی بیند دلیل که در تجارت دروغ گوید و اگر زبان خود بریده بیند دلیل که بر صلاح و پارسائی بود و اگر بیند که کامش درد میکرد و آماس داشت دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بیند که دهانش درد میکرد دلیل که از خویشان اندوه یابد و اگر بیند که گردن او درد میکرد دلیل که اماتنی در گردن وی باشد و نمیگذارد و اگر بیند که شکمش درد میکرد دلیل که مال حرام خورده و اگر بیند که پشت او درد میکرد دلیل که از مهتر خود آزرده گردد و اگر بیند که پهلوی او درد میکرد دلیل که بسبب خویشان در ماند و رنجور شود و اگر بیند که جگر او درد میکرد دلیل که بر فرزندش مشفق بود و اگر درد دست بیند دلیل که برادر و همسایه را جفا کند و اگر بیند که درد انگشت داشت دلیل که کینه دار بود و اگر درد ناف بیند دلیل که عیال را برنجاند و اگر بیند که عورت او درد میکرد دلیل که بفساد در آید و اگر بیند که مقعد او درد میکرد دلیل که فساد و حرام کند و اگر بیند که سرین وی درد میکرد دلیل که خویشان و دوستان جفا کند و اگر بیند که پای وی درد میکرد دلیل که بر زیردستان شفقت نکند و اگر بیند که تن وی را داغ میکردند دلیل که مال یابد

درم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طبعهای مردم مختلف بود و مردی باشد که درم بخواب بیند دلیل بر حاصل شدن درست در بیداری و بعضی معبران گویند هر که درم در خواب بیند دلیل که سخن خوش شنود یا توحید باری سبحانه تعالی گوید اگر بیند که درم سفید بود دلیل که خوب تر و اگر درم سیاه باشد بدان نقش و صورت بود دلیل بر جنگ و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که درم کوچک یافت دلیل بر فرزند

این آیه در سوره بقره در جزو دوم است ۱۲

کوچک بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که درم ضایع شد یا کسی از وی دزدید دلیل که از فرزندی خورد و بار بر دل او آید و اگر بیند
که درم کوچک گم کرد و باز یافت دلیل که آن رنج از دل وی زایل گردد و اگر باز نیافت دلیل که فرزند او هلاک شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید درم در خواب بدست داشتن سخن نیکو بود و درم شکسته سخن پراگنده و درم بسیار مال باشد و اگر بیند که درخانه با عیال خود درم
در دست قسمت کرد دلیل که میان ایشان داوری افتد و اگر بیند که درم در خانه پدید داشت بقدر آن مال یابد و اگر بیند که درم
بسیار جمع کرد دلیل که مردم را از حق و باطل باز دارد قوله تعالی جمع مالاً وعدده یحسب ان ماله اخلده اگر یک درم سپید
در کف خود بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که اندرم از وی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بدرهای درم و دینار
یافت دلیل که مال و نعمت حلال جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درم سفید در خواب بیند درم سیاه یا بود بسیار مردم در خواب
درم بیند و در بیلدری یا همیان یا بد آسعیل اشعث رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صفای دین بود و درم شکسته خصومت
بود و اگر بیند که پادشاه او را درم داد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بر یازده وجه
بود یکی سخنهای درست دوم گذاردن حاجت سوم ولایت چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزند هفتم فتنه
هشتم روزی فراخ نهم ایمنی دهم کنیزک یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب مستور بود و اگر مستور نبود
دلیل که زحمت فرزندان و غم و اندوه بود اما درم شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت دوم جنگ و خصومت
سوم بند و زندان چهارم گفتگوی **درمنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درمنه در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه
بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال و عیال بود **دروغ گفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن در خواب
دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر بیند که گواهی دروغ میداد دلیل که دین وی تباه شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که پادشاه دروغ گفت دلیل که مردم نکوهش و بدی او گویند و حراست و آبروی او برود **درودگری
کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درودگری در خواب نیکوخواه مردم بود ولیکن صحبت با مردم منافق و بدمذهب
باشد و بمراد ایشان رود زیرا که اهل چوب بخواب دیدن دلیل بر نفاق باشد قوله تعالی کانهم خشب مسندة
جعفر صادق علیه السلام گوید درودگر در خواب معلم کودکان باشد که مرد جاهل و نادان را دانش و فرهنگ آموزد و مدبر و مصلح
کارهای مردم باشد و را نفاق و فساد از ایشان زایل گرداند مغربی رحمة الله علیه گوید درودگر معلم کودکان باشد
درویشی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درویشی در خواب بهتر از توانگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود و اگر بیند
که درویش شده بود دلیل بر صلاح دین بود و اگر بیند که توانگر شده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که با درویش مسلمان خیرات کرد دلیل که از غم و رنج رسته گردد و اگر بیند که بر درها میگشت و نان میخواست دلیل که خیر و منفعت
بدو رسد **دریا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دریا در خواب پادشاه بود یا عالمی بزرگ اگر بیند که آب دریا روشن و صافی
بود و خوش طعم دلیل که پادشاه پارسا و عادل و دادگر بود و اگر بیند که آب دریا ناخوش و تلخ بود دلیل که پادشاه مفسد
و ظالم بود و اگر بیند که آب دریا بخورد دلیل که از پادشاه جاه و بزرگی یابد یا از عالمی بهره‌مند گردد و اگر بیند که آب دریا
برگرفت و در سبوی میکرد دلیل که بقدر آن از پادشاه او را منفعت رسد و اگر بیند که در دریا فرو

درمنه
دروغ گفتن
درودگری
درویشی
دریا

فرو شد چنانکه تن او بگل آلوده گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بیند که تن خود را از گل بشست دلیل که غم و اندوه
از وی زایل گردد و اگر بیند که در آب دریا شنا کرد دلیل که پادشاه او را محبوس دارد و اگر بیند که از دریا با شنا بیرون آمد
دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر بیند که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که در کار دین غرق شود و اگر بیند که از دور دریا دید نزدیک
نرفت دلیل که بدانچه امید میدارد برسد و اگر بیند که غرا از دریا میرفت و پای او تر نمی شد دلیل که از آتش دوزخ ایمن گردد
و کارهای دنیا بر وی آسان گردد و اگر بیند که در دریا بود بقول کرمانی رحمة الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه رود و مطیع و
فاضل گردد و اگر بیند که در میان دریا رفت دلیل که کار وی با خطر باشد و اگر بیند که از دریا بیرون آمد دلیل که ایمن شود و
و اگر بیند که از دریا آب خورد و سیر بود و بیننده خواب عالم بود دلیل که بهره تمام یابد و اگر بیننده خواب عالم نبود
بخلاف این بود قوله تعالی قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی
و اگر بیننده خواب از مردان پادشاه باشد دلیل که از معتمدان پادشاه گردد و اگر بیند که با آب دریا خود را بشست
دلیل که از پادشاه ایمن گردد و اگر بیند که آب دریا خورد و گرم بود دلیل که گناهی کند قوله تعالی وسقوا ماء حمیما
فقطع امعاهم و اگر بیند که آب دریا بخورد و گنده و ناخوش بود دلیل که او را خصمی بزرگ پیش آید چنانچه او را لازم بود
قوله تعالی یتجرعه ولا یکاد یسیغه جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که در آب دریا میرفت دلیل که توفیق
طاعت یابد و امانت گذارد و اگر بیند که از دریا بگذشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که آب دریا زیادت شد دلیل که
لشکر پادشاه زیادت شود و اگر بیند که آب دریا خشک شد پادشاه و لشکر هلاک شوند و اگر بیند که آب دریا و رودها
بهم جمع شدند در یک جای دلیل که پادشاه آندیار مال و خزانه خویش بیک جا جمع کند و اگر بیند که از دریا موجها
برخواست و جهان از ابر تاریک شد دلیل بر گناه و عصیان اهل آندیار باشد قوله تعالی من فوقه موج ومن فوقه
سحاب و اگر بیند که از دریا شکار میگرفت دلیل که روزی حلال یابد و عیش بر عیال او فراخ گردد قوله تعالی احل
لکم صید البحر وطعامه متاعا لکم و اگر بیند که آب دریا شور بود دلیل که کسب حرام کند و اگر بیند که آب دریا تیره
بود و از وی شکار میگرفت دلیل بر هلاک وی باشد قوله تعالی واسئلهم عن القریة التی کانت حاضرة البحر و اگر بیند
که از دریا یاقوت و مرجان بر آورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گردد و از اهل علم باشد علمش زیادت شود و اگر بیند که از دریا
نهنگی را بگرفت و بکشت دلیل که دشمن پادشاه بر دست وی هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دریا در خواب
بر شش وجه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مال پنجم عالم ششم کاری بزرگ دژ ابن سیرین رحمة الله
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دژ بنا کرد دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که دژ خود را خراب کرد دلیل بر تباهی
و فساد دین وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید دژ در خواب اگر بگچ و آجر میکرد دلیل که صاحب دوزخی بود و اگر بیند
که از خشت و گل میکرد دلیل که از عامل اهل بهشت بود و اگر در دژ محکم مقیم بود دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه و اگر
بیند که هر زمان از دژ بیرون آمد و باز درون میشد دلیل که در کار دین کاهل نباشد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر خود را در دژ بیند بقول مغربی رحمة الله علیه دلیل بر صلاح دین بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی و ضعف

در دین وی بود **دزدی کردن** اگر بیند که مال کسی دزدید و چیزی خرج کرد دلیل که او را بکشند و اگر بیند که نیت داشت که دزدد
دا اندر و بید دلیل که کسی مکروهی رساند و بعضی گویند که بیمار شود اما شفا یابد و اگر بیند که از خانهٔ وی چیزی بدزدیدند دلیل که نقصان
و آفتی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که او در دست دزد اسیر شد دلیل که حال وی بد شود و در غم
و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که دزدان بروی راه زدند دلیل که غم و اندوه بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر دزدی
کالا از کسان برد دلیل که عیش بر خداوند خواب تباه شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دزدی بخواب بیماری بود مجران
گویند آنجا که دزدی کنند دلیل داماد وی باشد یا پسرے در وجود آید و اگر خداوند خواب غایبی دارد
بسلامت باز آید دانیال علیه الصلوة والسلام گوید دزد در خواب دیدن خیانت و حیلت بود **دستارچه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستارچه از کتان بر دست داشت دلیل که او را از مردی پارسا و مصلح خیر و
منفعت رسد و اگر بیند که دستارچه از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که او را زیانے رسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دستارچه در خواب بر سه وجه بود یکے منفعت دوم کنیزک سوم عطا اندک **دستار سر**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دستار بخواب دیدن دین بود و اگر بیند که دستار سفید یا سبز بود یا از کتان یا
از پنبه بود دلیل صلاح دین بود و اگر بیند دستار سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین و دنیا بود و دستار قز و ابریشم
دلیل نیکوئی حال اینجهان بود و اگر بیند که با دستار وی دستار دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی و منزلتش بیشتر
گردد و اگر بیند که دستار از وی بیفتاد و ضائع شد دلیل بر نقصان دین و بیحرمتی او باشد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر دستار خود دزدیده بیند دلیل بر نقصان قدر و جاه او بود و اگر بیند که دستاری پیچیده خوب داشت
دلیل با صحاب دین و دنیا سازگاری کند و اگر بیند که دستار طراز داشت دلیل که در میان سفر در مردم مشهور
گردد و اگر بیند که دستار و جامه اش جمله سبز بود دلیل که بشهادت از دنیا برود مغربی رحمة الله علیه گوید هر چند
که دستار بزرگ تر باشد عز و جاهش بیشتر بود و اگر بیند که دستار خوش و چرکین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش
بود و اگر دستار سرخ بیند دلیل که بر کسی ستم کند و اگر زرد بیند دلیل که بیمار شود و اگر کبود بیند دلیل که او را مصیبت
رسد و اگر سیاه بیند دلیل که زیان و مضرت بیند مگر خطیب و قاضی و اگر بر سر دستار ابریشمین بیند دلیل که منصف و داد گر
بود در مردم او را عزیز دارند و اگر بیند که دستار در از پیچیده بود دلیل که از سفر زود باز آید و دستار ابریشمین دلیل
بر فساد دین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم
عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانائی هفتم سفر و دستار حمامی در حرف میم بیان کنیم انشاء الله تعالی **دست**
آس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست آس در خواب از فکر رستن بود و اگر بیند که دست آس داشت
دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سنگ آس دست بشکست دلیل که خداوند آن دست هلاک شود یا در محنت
افتد و اگر بیند که سنگ آس دست بدزدیدند دلیل که بیمار شود و اگر بیند که با آس دست حنا و غیره خورد میکرد دلیل
بر خصومت بود **دست** دانیال علیه السلام گوید دست راست دلیل برادر بود و دست چپ خواهر بود و اگر بیند

دزدی کردن

دستارچه

دستار

دستار

دست آس

دست

که دست راست وی دراز شد دلیل که کار برادرش یا انبازش نیکو گردد و اگر بیند که هر دو دستش باژگونه شده دلیل که برادر و خواهر
از وی روی بگردانند و اگر بیند که هر دو دستش کوتاه شد دلیل که نفع از برادر و خواهر بازگیرد و اگر بیند که هر دو دستش
بریده و افتاده بود دلیل که برادر و خواهر بزندگی از وی جدا شوند و اگر بیند که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بجهت
دوستان خود غم خورد و اگر بیند که میان گروهی بود و دست بزدند دلیل که در انجا عروسی کنند و اگر بیند که تنها دست
بزد و شادی میکرد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که قاضی یا سلطان دست راست او ببرید بقول ابن سیرین رحمة الله
علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش بمیرد و اگر هر دو دستش بریده دلیل که از کسب مراد خود باز ماند و اگر بیند که بیک دست از دست
دیگر پوست باز میکرد دلیل که بر کسان خود ظلم و بیداد کند و اگر بیند که دست خود را بکارد میبرید دلیل که با کسی خصومت
کند یا دل وی بکسی مشغول بود قوله تعالی فقطعن ایدیهن و اگر بیند که کف دستها بر یکدیگر میشوید دلیل که خویشی بنکاح
آورد و اگر بیند که یکی دستش ببریدند و او را بردار کردند دلیل که امیران آنموضع معزول کردند و اگر بیند که مانند چارپای
بچهار دست و پای میرفت و باژگونه روی باسمان داشت دلیل که آرزوی محال جوید و بدشواری برآید و اگر بیند که دست
وی مادرزاد خشک بود دلیل که از صدقه دادن و کار خیر فرو ماند کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که دستهایش بسوزن
نیک کرده بود دلیل که همتش بر تعلیم علم و دانش بود و اگر بیند که دستش بریده بود و ندانست که دست راست
یا دست چپ بود دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر بیند که چون دستش بریده شد او قرآن میخواند دلیل که دستش از معصیت
باز دارد و معبران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز گردد و عصیان ترک کردن و بکار خیر مشغول بودن و اگر بیند
که دست راست او از بهر گناهی بریده اند دلیل که دروغگوی بود و بی دیانت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست
خویش چون چنبر در گردن کرده بود دلیل بر کردار نیک و نماز و طاعت و حج و غزا کردن و کردار نیک بجای آوردن بود و اگر بیند
که دست راست او ببریدند دلیل که سوگند بدروغ خورد و اگر بیند که دست از تن وی تحویل کرد بر تن پادشاهی وقت
اگر آن پادشاه مصلح بود دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشاه مفسد بود در بیدینی دلیل که شر و فسادش
در دین بود و اگر بیند که یکدست وی از دست دیگر درازتر شد دلیل که قوت و جاه و انچه طلب میکند بیابد و اگر بیند
که بر دو دست میرفت دلیل بر کار خود اعتماد نماند و معبران گویند که از خویشان منفعت یابد و اگر بیند که دست و پای سخن
گفت با وی دلیل که معیشت او نیکو شود و اگر بیند که از بهر دوست خود مروارید بسته داشت دلیل که جمله قرآن بظاهر بخواند اسمعیل
اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شده بود دلیل که بزرگی و پادشاهی یابد و اگر بیند که دست
راست او زرین شده بود دلیل که دولتش زایل گردد و اگر بیند که دست خود باشنان و صابون می شست دلیل که ناامید
شود و اگر بیند که جانوری که در تاویل نیکو باشد از دست چپ او بیرون آمد و بدست راست بدر شد یا از دست راست بدر
آمد و بدست چپ بیرون نشد دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمود گردد و اگر آن جانور بتاویل بد باشد دلیل که بر ضعیفی
ستم کند و اگر بیند که دست وی خشک شد دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بیند که دست وی در دست گرفت یا دست
در گردن او زد و آنکس زنده است یا مرده دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که بدست بشر کسی ... تنها میکرد دلیل که آن

بدست وی مسلمان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر دوم خواهر سوم انباز چهارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم پیشه و صنعت **دست اورنجن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست اورنجن در خواب زنان را شوهر بود و مردان را غم و اندوه بود و اگر بیند که دست اورنجن سیمین داشت دلیل که اندوهش کمتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دست اورنجن بدو داد دلیل که او را فرزندی آید یا برادری و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که هر دو دست اورنجن داشت دلیل که او را مال و نعمت برنج حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست اورنجن در خواب پنج وجه بود یکی ریاست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند **دست و روی شستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست و روی با آب صافی بشست دلیل که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر بیند که دست و روی ناشسته نماز می گذارد دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهر دو دست روی بشست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی می‌شست و او را حدثی پدید آمد و وضویش باطل شد دلیل که در کار کسب خود بیچاره گردد و اگر بیند که او را حدث افتاد دیگر دست و روی شست و نماز آغاز کرد اما نماز تمام نکرد دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کسی دست و روی او را بشست و او تامل در آن می کرد دلیل که مرادش حاصل آید **دستینه** در خواب مردان را بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستینه از آهن در دست داشت دلیل که او را توانگری و قوت بود و بر دشمن ظفر یابد خاصه که دستینه از پولاد بود و اگر دستینه زرین یا سیمین باشد تاویلش چون دست اورنجن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستینه در خواب بر سه وجه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیاوی **دشمن** اگر بخواب بیند که او بر دشمن غلبه کرد دلیل که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بر وی غلبه کرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که دشمن او را بخورد دلیل که در بلا و مصیبت افتد توبه باید کردن تا بلا دفع شود حضرت صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی آشفتگی کارها دوم غم و اندوه سوم خسران مال **دشنام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی او را دشنام میداد دلیل که او را حال نیکو بود و آنکس بر دشنام دهنده ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را دشنام داد دلیل که آنکس بروی چیره و کامگار شود **دعا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دعا کردن در خواب روائی حاجت بود و اگر بیند که خود را دعا کرد و آمرزش میخواست دلیل که خاتمه و کارش بخیر بود و حاجتش بر آید و اگر بیند که مصلحی را دعا کرد دلیل که بظلم و فساد گراید وامر معروف بجای آورد و اگر بیند که خلق را دعا میکرد دلیل که نیکخواه خلق بود و حاجتهای وی روا گردد و اگر بیند که دعا خاص میخواند دلیل که فرزندش آید قوله تعالی اذ نادی ربه نداء خفیا کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلح و پارسا بود دلیل که حقتعالی او را بیامرزد و حاجت وی روا گردد و اگر بیننده آن خواب مفسد بود او را توبه دهند و اگر کافر بود اسلام آرد **دف زدن** ابن سیرین رضی الله عنه گوید دف زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است

واگر بیند که دف میزد دلیل که ترک کار صلاح کند کرمانی رحمة علیه گوید اگر بخواب بیند که دف زد استاد وار دلیل که زنی بدکردار بخواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز دف در خواب شنیدن نشاط بود و چون از کنیزکی و زنی شنود بتر بود واگر از مرد شنود دولت و بندگی یابد و چون از جوانی شنود دلیل ظاهر شدن کارها بود **دلالی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مصلحت کردن در میان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجای آوردن و دلال مردی بود که راهنمای مردمان باشد بخیر واگر کسی بخواب بیند که دلالی میکرد دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود که بالا ذکر رفته است **دل** بدانکه دل پادشاه شهر تن است و تن بفرمان او قایم است و دل خزانهٔ عقل است در نهان و آشکارا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دل بخواب دیدن جمع کردن مالیست که بوی رسد واگر بیند که دل بیرون از تن وی بود دلیل بر صلاح و نکوئی بود قوله تعالی حَتّٰى اِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوْبِهِمْ قَالُوْا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ اگر بیند که دل وی تنگ شد دلیل که کارها بروی دشوار شود واگر بیند که دل او شادان بود دلیل که کارها بروی گشاده گردد واگر دل را فروبسته بیند دلیل که از گناه توبه باید کرد قوله تعالی اَفَلَا یَتَدَبَّرُوْنَ الْقُرْاٰنَ اَمْ عَلٰى قُلُوْبٍ اَقْفَالُهَا اگر دل را بر دست نهاده بیند دلیل که بیمار گردد واگر بیند که دل بهر دو دست گرفته بود دلیل که کارهای وی برآید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دلش درد میکرد دلیل که مالش زیاده گردد واگر بیند که چشمهای دل وی گشاده بود دلیل که بکارهای هر دو جهان راغب و حریص بود واگر بیند که از دل وی خون بیرون آمد دلیل که از کار ناکردنی توبه کند و بخداوند باری تعالی باز گردد واگر بیند که از دل وی صفرا بیرون آمد دلیل که بیمار شود واگر بیند که بر دل وی خستگی رسید دلیل که بغم شود واگر بیند که از دل وی گوهر بیرون آمد و آن گوهر از دهن افگند دلیل که کافر گردد واگر بیند که گوهر از زمین برگرفت و بخورد دلیل که باز مسلمان گردد واگر بیند که گوهر از دل برآورد و گردا و مروارید بسته بود و دو مروارید بر زمین ریخت و گوهر فرو خورد دلیل که ترک پنج نماز بگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دل او پاره پاره شد دلیل که دل را بهوسهای محال مشغول گرداند واگر بیند که دل وی روشن و منور بود دلیل بر صلاح دین کند واگر بیند که دلش تاریک بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دل در خواب بر ده وجه بود یکی مال دوم ریاست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جوانمردی ششم حرص هفتم قوت هشتم نصرت نهم شهوت دهم نهان داشتن احوال خویشتن **دنبال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چون اسپ و خر و گاو دم داشت دلیل که مالش زیاده گردد و زندگانی او براحت گردد اما در راه دین سست بود واگر بیند که دم او چون دم سگ یا چون دم گرگ یا شغال بود دلیل مال حرام یابد و مردم او را ملامت کنند واگر بیند که در دست دم اسپ یا گاو یا خر داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد واگر بیند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت او حرام بود دلیل که مال حرام یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دنبال بخواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بیع دوم یاران سوم چهارم راحت و عیش **دنبل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دنبل داشت دلیل که مالش زیاده شود بقدر دنبل واگر بیند که دنبل وی بشگافت و خون آمد دلیل که چندی از مال وی تلف شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دنبل خون و ریم می آمد و می گزید دلیل که بقدر آن مال حرام یابد واگر بیند که دارو بر دنبل نهاد و جامه

از خون انگشت دلیل که از حرام توبه کند **دنبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دنبه در خواب بدره مال بود که یکی نگه میدارد یا مال
زن بود بر قیاس زیادت و کمی او و اگر بیند که دنبه خام میخورد دلیل که مال شبهه خورد و اگر بیند که دنبه پخته میخورد دلیل که منفعتش
از مال وی بخورد کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که او را چندین گوسفند دنبه بود دلیل که او را فرزندی آید که خداوند دولت و اقبال
بود و روزی وی فراخ گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دنبه در خواب دیدن بدره زر بود **دندان** دانیال علیه السلام
گوید دندان در خواب دیدن اهل خاندان بود دندانهای بالا دلیل بر نرینه بود و دندانهای زیرین دلیل بر مادینه
بود و دندانهای پیشین دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود و یا پدر و مادر و دندانهای که بر جنب آن باشد
دلیل بر عم و عمزادگان بود و دندانهای پسین دلیل بر خویشان دور بود و سفیدی و پاکیزگی دندان دلیل بر قوت و جاه
اهل بیت بود و بعضی معبران گویند که دندانهای پیشین آنچه از سوی راست است دلیل بر پدر و خویشان او بود و آنچه
از سوی چپ است دلیل بر مادر و خویشان مادر بود و اگر بیند که دندانهای پیشین وی می جنبد دلیل بر این جماعت که وصف
کردیم یکی بیمار گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دندان پیشین او بر کف دست یا بر کنار یا بر زمین
افتاد و بخاک آلوده گشت دلیل که او را فرزندی آید یا برادری یا خواهری و اگر بیند که دندان وی در خاک افتاد
یا ضایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی بمیرد و اگر بیند که دندان وی بشکست یا پوشیده شد دلیل از اینها که گفتیم یکی را
آفتی رسد و اگر بیند که دندان پیشین او کوفته شد دلیل که او را با چنین کسان خصومت افتد و اگر بیند که از دندان یکی
بکندید دلیل که آن جماعت او را سخنی زشت بگویند و از وی مفارقت جویند و اگر بیند که دندان پیشین وی زیاده شد دلیل که
از اینها که گفتیم یکی در خرمی و راحت باشد و اگر بیند که در جنب دندان او دندان دیگر برست اگر از زیر بود دلیل که او را دختری
آید و اگر از بالا بود دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که دندان پیشین خود بر کند دلیل که تاوان خود از اینها که گفتیم بستاند
و اگر بیند که جمله دندان بیفتاد و در حال بدید شد دلیل بر هلاک اهل خاندان او باشد و اگر بیند که دندانها بر کف دست یا در
کنارش افتاد دلیل که اهل خاندانش بسیار گردند و اگر بیند که همه دندان او از سوی زیر بود و اگر بیننده خواب اهل صلاح
بود دلیل بر خیر و نیکوئی او بود و اگر از اهل شر بود دلیل بر شرف و داد بود و اگر بیند که دندانهای از سیم بود یا از آبگینه بود
یا از سفال دلیل بر هلاک او بود و معبران گویند که افتادن دندان گزاردن وام بود و بعضی گویند دلیل بر جنگ و خصومت
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید دندان بالا که در مقابله چشم است دلیل بر نرینه کند و دندان زیر دلیل بر مادینه کند
و اگر بیند که جمله دندانهاش در کنار افتاد و جمله در کف دست بگرفت دلیل که خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از وی
جدا شوند و اگر بیند از دندانها بوی خوش می آمد دلیل که خویشانش ثنا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل که غیبت وی
کنند و اگر بیند که دندانهاش درد میکرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که دندانهاش بند بود دلیل که آنکس که بدان منسوب
بود بیمار گردد و اگر بیند که دندانهای او سیاه شد دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که دندانهاش افتاده بود و زکوة
پاره بسته دلیل که عمرش دراز گردد چنانکه خویشان خود بگور کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دندان وی
درد میکرد و بدست خود بر کند و [illegible] بدست بگرفت دلیل که مال فراوان یابد و اگر بیند که از دهان کسی

وندان خون آلود بدست بگرفت دلیل که منفعت او را بود که دندان برگرفت اما او را مصیبت برسد و اگر بیند که بعضے از دندانها پدید شدند
دلیل که بعضے از خویشان بغربت روند و بسلامت باز آیند و اگر بیند که همه دندانهای او در میان زبان جمع شدند و دیگر باره
دندانی بجای خود باز شد دلیل که از خویشان تمکن باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دندان در خواب بر شش وجه
بود یکی اهل بیت دوم مال سوم منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مفارقت ششم مضرت **دهان** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید دهان در خواب کلید کارها و خاتمه کار وی و هرچه از دهان بیرون آید دلیل بر جوهر کلام بود اگر نیک باشد
و اگر بد باشد آنچه در دهن بود دنیاوی بود و اگر آن بکراهت در دهان بود دلیل بر محنت و رنج در معیشت و آنچه
در دهان شیرین بود و باسانی فرو رود دلیل بر معیشت و راحت و عیش بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که دهان وی سخت بسته بود دلیل که هلاک شود و اگر بیند که دهانش از آرد جو یا گندم آگنده بود دلیل که اجلش نزدیک
آمده باشد و اگر بیند که دهان او فراخ شد چنانکه طعام بسیار در وگنجید دلیل که بقدر آن او را نعمت در دنیا
برسد و اگر بیند که دهان او نیکو بود دلیل که سخنهای نیکو شنود و اگر بیند که گوشت دهان او بیفتاد دلیل که وی را زیانی
رسد و اگر بیند که از دهانش خون بیرون آمد دلیل که باکسے گفتگو می کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دهانش
کرم یا جانوری بیرون آمد دلیل که یکی از عیال او جدا شود و اگر بیند که از دهان وی پلیدی بیرون آمد دلیل که
هرچه بجای برده باشد بسبب منت نهادن باطل شود و اگر بیند که از دهان وی مروارید بیرون می افتاد و مردم
برمیگرفتند دلیل که مردم از علم وی بهره یابند و اگر بیند که از دهان خود پلیدی می انداخت و مردم از آن می گریختند
دلیل که شاعر بود و مردم را هجو گوید و اگر بیند که کسے در دهان وی مهر نهاد و ندانست که کیست دلیل که رسوا شود قوله تعالی
اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰۤى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَاۤ اَيْدِيْهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حرف
خوب از دهان وی بیرون آمد دلیل که سخنی گوید نیکو معنی دار و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که چیزی در دهان
نهاد و آن چیز نیکو بود دلیل که چیزی حلال خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دهان در خواب بر هفت وجه بود
یکی منزل دوم خزانه سوم گشایش کارها چهارم مال پنجم حاجت ششم وزیر هفتم دربان **دهل زدن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید دهل زدن در خواب کلام باطل و خبر مکروه و دروغ و کارهای پیدا و روشن بود و تاویل این جمله زننده
دهل بد باشد اگر بیند که با دهل نای زنند و پای کوفتند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که دهل تهمبنا میزدند دلیل که کلام
باطل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دهل زدن در خواب خبرهای مختلف بود و دران هیچ فایده نبود **دهلیز** کرمانی رحمة الله
علیه گوید دهلیز در خانه خادم بود اگر بیند که دهلیز آبادان بود و نیکو بود دلیل بر تندرستی بود و نظام خادم خانه بود و اگر بیند
که دهلیز خراب است تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دهلیز خانه را دیوار از خشت و گل بود دلیل که اگر
از خشت و گل بود خادم خانه مفسد و بیدین بود **دوال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند دوال را دلیل خیر و
منفعت بود و بقدر و قیمت آن جانور که دوال از پوست وی بود و یا بد و اگر بیند که دوال پاره پاره کرد یا ضایع شد
دلیل که بقدر آن مضرت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوال بسیار داشت و آن دوالها را

از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال باشد دلیل که مال حلال یابد واگر بخلاف این بیند دلیل که مال حرام یابد **دوختن جامه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که جامه خود میدوخت دلیل که کارش مراد شود و حالش بصلاح آید واگر جامه عیال خود میدوخت همین تاویل دارد واگر بیند که جامه زنی بیگانه میدوخت دلیل که غمی و زیانی بدو رسد واگر بیند که جامه مردی میدوخت دلیل که خیر و نیکی بیند واگر بیند که سوزن در دست و جامه تمام دوخت دلیل هر شغلی که پیش گیرد تمام کند واگر بیند که جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که عیش وی فراخ گردد و مال تمام از پیش یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیراهنی از بهر خود بدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال ساز کار بود واگر بیند که شلواری بدوخت و نیفه آن تمام نکرد دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود واگر بیند که قبای بدوخت دلیل که بنجدی مشغول گردد واگر بیند که جامه عیال میدوخت دلیل که بگفتگوی عیال درمانده شود واگر بیند که از بهر جامه شکسته میبافت دلیل که عیال از جای بجای تحویل کند واگر بیند که از بهر عیال خود جامه ابریشمین دوخت دلیل که غمگین گردد و تهمت گناهی اندوه یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درزی در خواب کسی بود که کالای پراگنده بدست وی جمع شود و باصلاح آید **دود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دود در خواب پادشاه ستمگر بود واگر بیند که از جانب مشرق یا مغرب دودی عظیم بود دلیل که مردم آنجا یا از دست پادشاه جور و ستم کشند واگر بیند که دود در عالم برخاسته بود و آتش زبانه میزد دلیل که فتنه در عالم افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود دود بود دلیل که آن موضع را از حق سبحانه و تعالی بیم بود واگر بیند که از خانه یا از دهان وی دود می آید دلیل که پادشاه ظالم او را مضرت یا مصادره کند و مال وی بزور بستاند **دوزخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دوزخ بود و بیرون نیامد دلیل که عاصی و بدکردار باشد توبه باید کردن واگر دوزخ را دید و از آن گزندی بوی نرسید دلیل که در رنج و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یابد واگر بیند که در دوزخ مقیم بود و ندانست که کی آنجا رفت دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود واگر بیند که طعام و شراب اهل دوزخ میخورد و در آتش میسوخت دلیل که در دنیا کردار بد کند و در آخرت وبال بود واگر بیند که فرشته از سوی پیشانی او را بگرفت و در دوزخ انداخت دلیل که بیننده خواب را علامت بدبختی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در دوزخ بیند دلیل که بر گناه کردن دلیر بود واگر بیند که از زقوم و حمیم خورد دلیل که بعلمی باطل مجهول مشغول گردد واگر بیند که شمشیر برکشید و در دوزخ رفت دلیل که سخن فحش و منکر گوید واگر بیند که در دوزخ چیزی میخورد دلیل که مال یتیم و ربا خورد واگر بیند که نزدیک دوزخ آتش می افروخت دلیل که کاری صعب او را پیش آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که او را کشان بدوزخ میبردند دلیل که عاقبتش بکفر کشد قوله تعالی يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ واگر بیند که بدوزخ رفت و بیرون آمد دلیل که از گناهی که کرده باشد توبه کند واگر بیند که او را در دوزخ میبردند و فریاد نمیتوانست کرد دلیل که بر کفر بود قوله تعالی قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ واگر بیند که بانگ از دوزخ می شنید دلیل که هیبت و سیاست پادشاه بدو رسد واگر بیند که نزدیک دوزخ قرار گرفت دلیل که جهان

دوختن جامه

دود

دوزخ

بروی تنگ شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دوزخ درخواب بر شش وجه بود یکی خشم حق تعالی دوم مبتلای گناه سوم جور سلطان
چهارم ... ششم مصیبت ورنج **دوشاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوشاب درخواب مال ونعمت بود ولیکن بسیار
واگر بیند که دوشاب میخورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل گردد واگر بیند که دوشاب می ساخت دلیل که کاری
کند که از ان خیر ومنفعت یابد واگر بیند که دوشاب در دهان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که دوشاب سپیده وپاکیزه میخورد دلیل که او را فرزندی خوب صورت آید **دوش** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید دوش درخواب زینت مرد بود واگر بیند که دوش راست او ضعیف شد یا شکسته بود تاویلش بخلاف این
بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوش وی قوی ودرست بود دلیل که امانتی درگردن وی بود ومال یابد از جائی که
امید ندارد **دوشیزگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوشیزگی زنی بنکاح بسته دلیل که مال حرام یابد
اگر زنی دوشیزه نباشد ودرخواب بیند که دوشیزه است دلیل بر ستر وعفت وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر مردی بیند که دوشیزگی بستد دلیل که در امسال زن خواهد یا کنیزکی خرد **دوغ** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید خوردن دوغ درخواب غم واندوه بود وخوردنش بیماری ومعبران گویند که خوردن دوغ درخواب مال حرام
بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده اند واگر بیند که دوغ بکسی داده دلیل که آنکس غمناک گردد **دکان** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد واگر بیند که دکان را خراب کرد دلیل
که زن را طلاق دهد واگر بیند که دکان بیفتاد دلیل که زنش بمیرد واگر بیند که برضای خداوند دکان دار بر دکان نشست
دلیل که بعیال مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان درخواب بر شش وجه بود یکی زن دوم عیش
سوم عز وجاه چهارم نکوئی پنجم بلندی ششم چون دکان نو بود مرتبت باشد **دوک** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید دوک درخواب دلیل بر دختر بود واگر مردی بیند که دوکی فرا گرفت ودر وی دو مهره دوک بود دلیل
که دختر بشوهر دهد واگر بیند که دوک وی بشکست دلیل که دختر یا خواهر بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید دوک
درخواب مردی مسافر بود اگر زنی بیند که دوکی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مردی مسافر را شوی کند واگر
بیند که مهرهٔ از دوک وی بیفتاد دلیل که مهرش از شوهر بریده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوک
میرشت دلیل که اندوهگین شود واگر این خواب زن بیند دلیل که بغیم گردد ونیز گویند که دوک دلاله بود **دولاب**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دولاب درخواب خزانه بود وخانه پر نعمت وآبادان اگر بیند که دولابی میساخت اگر از
اهل آن بود دلیل که خزانه از دخانهٔ او بسازند یا از اهل آن باشد که خزانهٔ خود بسازد واگر بیند که پادشاهی یا بزرگی
وی را دولابی داد دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بدو سپارد واگر بیند که از دولاب آب میخورد یا جمع میکرد دلیل که از
خزانه دار او را منفعت رسد **دلو** کرمانی رحمة الله علیه گوید دلو درخواب مردی بود که مالها ناشناخته بیرون آورد واگر
بیند که دلو پر آب کرد یا بدلو آب میکشید دلیل که بقدر آن مال برنج وسختی بدست آرد واگر بیند که دلو پر آب صافی داشت
یا کسی بوی داد دلیل که او را مالی آسان بدست آید واگر بیند که بدلو آب از جوی برمیگرفت دلیل که بقدر آن مال یابد

دوشاب
دوش
دوشیزگی
دوغ
دکان
دوک
دولاب
دلو

وآن مال بمکر وحیلت بدست آرد واگر بیند که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل که مال بچیزی خرج کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
اگر بیند که دلوی بزرگ داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی مالدار دوستی کند وازوی منفعت یابد **دوات**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دواتی داشت یا کسی بوی داد دلیل که با کسی از خویشان خویش خصومت کند واگر
بیند که بدوات می نبشت دلیل که بدی از وی بکفایت رسد واگر بیند که دوات بشکست یا بدزدیدند یا ضایع شد دلیل
که زن بیوه بکراهیت بخواهد واگر بیند که بقلم سیاهی در دوات میکرد دلیل که اورا فرزندی نرینه بشود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که دوات زرین بود دلیل که متفکر شود واگر بیند که دوات سیمین بود دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خرد
اگر بیند که دوات او برنجین بود دلیل که منفعت یابد واگر دوات آهنین بود دلیل که در کارها قوت یابد واگر دوات مسین بود
دلیل که چیزی کمتر بوی رسد **دویدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که میدوید یا ستور میدوانید
دلیل که بسفر رود وهر چند دویدن او بلندتر بود سفرش دورتر بود واگر بیند که بر اسپ پالانی سوار بود ومیدوانید دلیل
که با عیال بسفر رود ومال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دویدن بر کسی سبق بگرفت دلیل که بحرص مال از وی
سبق گیرد واگر بیند که در دویدن مانده شد وآرام گرفت دلیل که دنیا را ترک گیرد وفارغ گردد **دیبا** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید دیبا در خواب خیر وصلاح این جهانی بود واگر زنان بینند بهتر بود واگر مردی بیند که قبای دیبا در پرنیان پوشیده بود
وغزا کرد دلیل که عز وجاه یابد در دین ودنیا مغربی علیه الرحمة گوید اگر زنی بیند که جبه ولباچه اطلس سبز پوشیده بود دلیل که آن زن
دین دارد وبا دیانت بود واگر بیند که اطلس سفید پوشیده بود دلیل بر پارسائی او کند واگر اطلس کبود بود دلیل که اورا مصیبت
رسد واگر بیند که اطلس سیاه بود دلیل که اندوهگین گردد ودیبا باف در خواب مردی مسافر بود باصلاح دنیا وفساد دین
وتاویل پرنیان چون تاویل دیبا بود **دیگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیگ در خواب زن بود ومعبران گویند
که دیگ کدخدای خانه بود واگر بخواب بیند که دیگ فرا گرفت یا کسی بوی داد وبر آتش نهاد وخوردنی می پخت دلیل که بسبب
کاری از پادشاه مال ومنفعت بدو رسد واگر بیند که دیگ مسین یا دیگ سنگین داشت دلیل که بقدر وقیمت دیگ فایده
یابد واگر دیگ سفالین بود دلیل که کاری کند که بدان کار از مهتر خانه چیزی بوی رسد واگر دیگ بر آتش نهاد ودر وی
هیچ طعام نبود دلیل که مردی را بکاری بدارد که در آن کار اورا کراهیت باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیگ در خواب
کدخدای خانه یا کدبانو بود واگر بیند که در دیگ گوشت وخوردنی بود دلیل که روزی بی رنج بوی رسد واگر بیند که دیگ
وی بشکست دلیل که کدخدا وکدبانو هر دو بمیرند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیگ در خواب بر پنج وجه بود یکی
کدخدای خانه دوم کدبانو سوم رئیس چهارم خادم پنجم موکل بر حوائج **دیگدان** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید دیگدان در خواب بر دو وجه بود یکی کدخدا دوم کدبانو اگر بخواب بیند که دیگدانی فرا گرفت یا کسی بوی داد
دلیل که کدبانوی بخانه آورد واگر زنی بیند که دیگ[illegible] بشکست دلیل که خدای خانه بمیرد مغربی رح گوید دیگدان
کدخدای خانه بود یا مردی قوی حال که از کسی نه اندیشد **دینار** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند در دست دینار داشت
که بعدد بیش از چهار بود دلیل که اورا کراهیت رسد یا سخنی شنود که وی را دشوار آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

دوات
دویدن
دیبا
دیگ
دیگدان
دینار

اگر پنج عدد درم باشد دلیل که کاری پسندیده و نیکو کند و اگر باوی یک دینار بود یا هزار دینار دلیل که علمی اختیار کند که او را مال
حاصل آید لیکن عدد وی باید که جفت بود و اگر بیند که دینار بکسی داد یا ضایع شد دلیل که از جهت فرزند او را مصیبت
رسد و اگر بیند که دینارهای بسیار داشت دلیل که رنجی بوی رسد و معبران گویند که دینارها در خواب امانتها بود
گذاردنی قوله تعالی وَمِنْهُمْ مَّنْ اِنْ تَأْمَنْهُ بِدِيْنَارٍ لَّا يُؤَدِّهٖٓ اِلَيْكَ اگر در کف دست خود پنج دینار بیند دلیل که پنج
نماز فریضه بجای آورد و اگر بیند که دینارهای بسیار داشت و بجای محکم نهاد دلیل که امانت مسلمانان نگهدارد و اگر بیند
که دینارها قسمت کرد دلیل که میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یک دینار
یافت دلیل که بروی قباله نویسند از بهر امانتی که بدو سپارند و بسیار بود که در خواب دینار یابد و در بیداری هم دینار
یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که دینار در خواب دیدن دین بود و راه راست مادام که بدان دینار صورت نقش
کرده باشد و اگر بیند که دینار داشت و یکرویش نام خدای عزوجل بود و بر روی دیگر صورت اگر بیند که صاحب خواب
مسلمان بود دلیل که مرتد شود و اگر کافر بود مسلمان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دینار در خواب بر پنج نماز بود
اگر بیند که بعدد جفت بود دلیل که دین پاک و علم با منفعت بود و اگر بیند که بعدد طاق بود تاویلش بخلاف این بود و حافظ

دیه

معبر رحمة الله علیه گوید دینار در خواب زن و فرزند و کنیزک بود و دینار بسیار دلیل بر مالی بود که برنج و خصومت
بدست آرد **دیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در دیهی بود و نام آن دیه نداند دلیل خیر و نیکی
بود و اگر نام آن دیه داند دلیل بر بدی باشد و اگر بیند که از دیه بیرون آمد دلیل بر نکوئی باشد و اگر بیند که
در دیه رحلت دلیل بر بدی باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که از شهری بدیهی آبادان شد
که در وی نعمت بود دلیل بر خیر و برکت و عز و اقبال کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و ادبار بود و اگر بخواب
بیند که در دیهی گمشده بود دلیل بر خیر بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی دیهی مجهول بوی داد یا

دیوار

بخرید یا عمارت کرد دلیل که بقدر عمارت دیه خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف این بود دلیل که مضرت یابد **دیوار**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که دیوار حال بیننده خواب باشد و اگر بیند که دیوار محکم و نیکو بود دلیل بر نیکوئی حال
او بود در دنیا . و اگر بیند که دیوار کهنه بود و خراب میکرد دلیل که مال یابد و اگر بیند که دیوار نو بود و خراب میکرد
دلیل بر غم و اندوه بود بقدر خرابی دیوار و اگر بیند که دیوار سست و تنگ بود دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بیند
که بر دیوار برپای بود دلیل که حالش مستقیم باشد و اگر بیند که دیوار آویخته بود دلیل بر پراگندگی احوال و زوال عیش وی
بود و اگر بیند که دیوار بیفتاد دلیل که از معیشت و صنعت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیوار شهر یا دیوار
مسجد جامع بیفتاد دلیل که والی آن شهر هلاک شود و اگر بیند که بدست خود دیوار از گل و خشت کرد بقول جعفر صادق
رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر از گچ و آجر بود دلیل بر تباهی حال او بود در دین و اگر دیوار از آهک و سنگ بود

دیو

دلیل که بدنیا فریفته شود و طالب آخرت نباشد **دیو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیو در خواب دشمنی بزرگ باشد
فریبنده و مکار و اگر بیند که دیو او را وسوسه کرد دلیل که از کارهای ناصواب توبه باید کردن تا دشمن را بروی ظفر

نباشد قوله تعالی اِنَّ الَّذِیْنَ اتَّقَوْا اِذَا مَسَّهُمْ طٰٓئِفٌ مِّنَ الشَّیْطٰنِ تَذَکَّرُوْا فَاِذَا هُمْ مُّبْصِرُوْنَ واگر بیند که با دیو
جنگ کردی و او را غلبه کرد دلیل که دین وی درست باشد و اگر خلاف این بود دلیل که از ضعف دین باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
دیو را خرم بیند دلیل که بهوا و شهوت مشغول گردد و اگر دیو را غمگین بیند دلیل که بعبادت و صلاح دین مشغول گردد و اگر بیند
که دیو جامه از تن وی بکشد اگر عامل بود دلیل که از عمل معزول گردد و اگر این خواب دهقانی بیند دلیل که او را مضرت رسد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیو از پی او فرار شد دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که او بدست دیو اسیر شد و او را
برد دلیل که برسوائی مشهور گردد و اگر بیند که با دیو صحبت کرد دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود و اگر بیند که با دیو گفتگو میکرد
دلیل که با دشمن باصلاح یکی شود و از حق تعالی جل و علا مراد ایشان بدهد قوله تعالی اِنَّمَا النَّجْوٰی مِنَ الشَّیْطٰنِ لِیَحْزُنَ الَّذِیْنَ
اٰمَنُوْا وَلَیْسَ بِضَآرِّهِمْ شَیْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که با دیو طعام و شراب
بخورد دلیل که براه فسق و فساد درآید و بطاعت دیو کند و اگر بخلاف این بیند دلیل براه خیر و صلاح باشد و قانع راه
دین بود و اگر بیند که دیو را بگرفت یا در شکم دیو در رفت دلیل که از راه فساد دور شود و توبه کند و بطاعت مشغول
گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیو در خواب بر شش وجه بود یکی دیدار دشمن دوم فساد سوم شهوت و معصیت
و هوای نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم از اهل خیر و صلاح دوری جستن ششم چیزهای حرام **دیوانگی**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیوانگی در خواب مال حرام بود بر بیننده خواب بقدر دیوانگی کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که دیوانه بود دلیل که بحرام افتد و ربا خورد قوله تعالی اَلَّذِیْنَ یَاْکُلُوْنَ الرِّبٰوا لَا یَقُوْمُوْنَ اِلَّا کَمَا یَقُوْمُ
الَّذِیْ یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با دیوانه هم صحبت بود دلیل که با مردم
رباخوار مفسد مصاحب گردد و او را ملامت و بدنامی حاصل گردد

حرف الذال - ذکر

دانیال علیه السلام
گوید قضیب در خواب فرزندی مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب بیند که او را دو قضیب بود دلیل که او را فرزند بود
و هم بزرگی میان مردم یابد و اگر بیند که قضیب وی بریده شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیند که قضیب وی خود ببرید
دلیل که فرزندش نباشد و اگر بیند که قضیب وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
بزرگی قضیب دلیل بر بسیاری فرزند و نام آوری بود و کوچکی قضیب بخلاف این بود و اگر بیند که قضیب وی چون قضیبهای
دیگر مانند شاخها پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزندزادگان باشد و اگر بیند که از قضیب وی ماهی بیرون آمد
دلیل که او را دختری آید از زنی که آن زن از کنار دریای مشرق باشد و اگر بیند که از قضیب وی گربه بیرون آمد دلیل که او را
فرزندی دزد و راهزن پدید آید و اگر بیند که از قضیب او مرغی بیرون آمد تاویلش از جوهر آن مرغ باشد و اگر بیند که از
قضیب او موشی بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید که در روی خیر نباشد اگر بیند که از قضیب او ماری بیرون
آمد دلیل که او را فرزندی آید که او را دشمن باشد و اگر بیند که از قضیب او کژدم بیرون آمد همین تاویل را دارد و اگر بیند
که از قضیب او کژدم و مور بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید دون همت و فرومایه و ضعیف ترکیب بود و اگر بیند که
از قضیب او نان بیرون آمد دلیل که فرزند و عیال او گرسنه و تنگدست شوند و اگر بیند که از قضیب او گنج بیرون آمد

دلیل کہ کسی پنہانی عیال او را دوست میدارد و اگر بیند کہ از قضیب او ریم بیرون آمد تا دلیش بخلاف این بود و اگر بیند کہ از قضیب
او منی بیرون آمد دلیل کہ او را بقدر آن مال وخواستہ باشد و اگر بیند کہ خون بیرون آمد دلیل کہ با زن حائض جماع کند و اگر بیند
کہ از قضیب او آتش بیرون آمد و نیمہ بطرف مشرق رفت و نیمہ بطرف مغرب دلیل کہ او را فرزندی آید کہ پادشاہی مشرق و مغرب
کند و اگر بیند کہ از قضیب او سرگین بیرون آمد دلیل کہ میلش بلواطت بود و اگر بیند کہ قضیب وی بر خاست و سخت شد
دلیل کہ بخت و اقبال او قوی گردد و اگر بیند کہ قضیب وی سخت و دراز شد دلیل کہ او را فرزندان بسیار شود و اگر بیند
کہ پیراہن قضیب وی پر بار ستہ بود دلیل کہ نامش درماند یا رمشهور گردد و حرمت و جاہش بیفزاید و اگر بیند کہ بدست
خود خایہ بیرون کشید و باز بجای خود نہاد دلیل کہ فرزندش بمیرد و او را فرزندی دیگر آید و اگر بیند کہ قضیب خود در دہان
کسی نہاد و وی مکید دلیل کہ از وی بدان کس منفعت رسد و اگر بیند کہ بر قضیبش موی رستہ بود دلیل کہ بجہت فرزند شادمان
گردد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ قضیب از وی جدا شد دلیل کہ فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و حرکت قضیب
در خواب دلیل بر قوت و فراخی نعمت کند و اگر بیند کہ قضیب وی بشگافت و خون روان شد دلیل بر زیان مال و مرگ
فرزند بود و اگر بیند کہ قضیبش آماس گرفت دلیل کہ مالش زیادت شود و اگر بیند کہ گرہی بر قضیب وی زدند دلیل بر تباہی
حشم وی بود و اگر بیند کہ قضیب در میان بستہ بود دلیل کہ گواہی کہ دارد ندہد و اگر بیند کہ زنی قضیب داشت اگر
آن زن آبستن بود دلیل کہ پسری آرد ولیکن بمیرد و اگر آبستن نبود دلیل کہ آبستن گردد و اگر بیند کہ قضیب او باریک
بود ہمین تاویل دارد و اگر بیند کہ قضیب وی برخی بریدہ بود دلیل کہ فرزندش بمیرد یا مال و جاہ وی کم شود و اگر بیند
کہ از سوراخ قضیب وی مروارید یا جواہری بیرون آمد دلیل کہ او را فرزندی عالم و پارسا آید جعفر صادق رضی اللہ عنہ
گوید دیدن قضیب در خواب بر ہفت وجہ بود یکی فرزند دوم اہل خانہ سوم مال چہارم عمر پنجم بزرگی ششم
طلب حاجت ہفتم جاہ و حرمت و نیکوئی حال

رازیانہ

حرف الراء — رازیانہ

ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ
گوید رازیانہ در خواب در وقت وبیوقت غم و اندوہ بود و خوردنش مضرت باشد و اگر بیند کہ در زمینی کہ ملک او بود
رازیانہ بسیار بود دلیل کہ در غم و اندوہ گرفتار شود

راسو

راسو ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید راسو در خواب دزد بود و اگر
بیند کہ راسو بگرفت یا بکشت دلیل کہ دزد را بگیرد و بر وی ظفر یابد و اگر بیند کہ گوشت راسو میخورد یا چیزی از اندام وی
در دست داشت دلیل کہ مال دزدیدہ از دزد بستاند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ راسو او را بگرفت و بگزید
دلیل کہ بیمار گردد و عاقبت شفا یابد و اگر بیند کہ با راسو جنگ میکرد و بر وی غالب آمد دلیل کہ بر دزد چیرہ گردد و او را
قہر کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید راسو در خواب دیدن بر سہ وجہ بود یکی دزد دوم غم و اندوہ سوم بیماری

ران

ران ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید ران در خواب قوت خویشان وی باشد و اگر بخواب بیند کہ ران او بشکست یا
بیفتاد دلیل کہ وی از خویشان جدا شود و تن ضعیف گردد و بغربت ہلاک شود و اگر بیند کہ ران کسی ببرید آنکس را
ہمین تاویل باشد کرمانی علیہ الرحمۃ گوید ران راست دلیل بر خویشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خویشان مادری
کند و اگر بیند کہ ران وی باریک شد دلیل کہ کار خویشان وی ضعیف شود و اگر بیند کہ ران وی بریدہ شد دلیل کہ از خویشان

جدائی جوید و اگر بیند که ران وی بشکست دلیل که از مهتری بزوال و خواری بدو رسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود
دلیل که مال خویشان وی ضایع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رانهایش بر لیسمان بسته بود دلیل که از خویشان جدا
نشود و بپیوستگی بنکاح کند و اگر بیند که گوشت ران خود میخورد دلیل که بقدر آن مال خویشان بخورد **حکایت**
چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمة الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که رانم را سوراخ شده بود و بر وی موی رسته
بود و بکسی گفتم که موی ران من تبراش ابن سیرین رحمة الله علیه گفت که تو وامی داری و از خویشان تو کسی وام ترا بگذارد و هم ازآنگاه
کسی از خویشان آنشخص پیدا آمد و دویست دینار وام بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه
بود یکی اهل بیت دوم دوستانی که برایشان اعتماد باشد سوم مال چهارم خشم **راه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راه
بخواب دیدن دلیل دین و استقامت بود و جستن راستی در راه دین و اگر بیند که در شاه راه همیرفت دلیل که براه
دین بود و اگر بیند که گروهی را براه راست رهبری میکرد دلیل که قومی را براه راست و صلاح دین رهبری کند و راه
نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین یا در کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که دزدان
کالای او را از راه ببردند دلیل که بقدر آنچه بردند غرامت کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده می شد دلیل
که حق خود بدشواری از کسی بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست براه کج برد دلیل که بمعصیتی مشغول گردد و از راه صواب
دور شود و اگر بیند که بشب تاریک میرفت و راه بر وی مشکل بود و گمان آن داشت که راه راست است دلیل که استقامت
و راه است یابد و اگر راههای بیند و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت با مردمان بددین
دارد و اگر بیند که راه بر وی مشکل شده نداند که کجا میرود و بقول پیغامبر صلی الله علیه و آله وسلم جانب دست راست
گرفت دلیل که راه حق بر وی پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست یکسو میرفت دلیل که بر دشمن مکر و حیلت
سازد و اگر بیند که براه راست میرفت و از برای حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بمحالات
مشغول شود بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت و زنی پیش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و بیکسو رفت
دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدنیا فریفته شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و نباتهای
نیکو دلیل بر نیکوئی و پاکدینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده بگمان میرفت دلیل که در دین بدعت آورد یا در
کار خود سرگشته شود قوله تعالی اِنَّ هٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ و اگر بیند که کسی را از راه ببرد دلیل که بر فساد در دین
وی بود وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید راه راست در خواب مسلمانی بود و راه کج بخلاف این بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن راه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا دوم رامش سوم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم آسانی و رحمت
راهزن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راهزن در خواب مردی بود که با مردم جنگ کند و اگر بیند
که راهزن مال وی بستد دلیل که با مردی بپیوندد که او را عزیز و گرامی کند و از وی فایده یابد بقدر آنچه راهزن برده باشد
و اگر بیند که راهزنان بر وی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند بردن دلیل که اگر بیمار شود شفا یابد کرمانی علیه الرحمة
گوید اگر بیند که راهزنان از وی چیزی بدزدیدند دلیل که آن راهزن با وی دروغ گوید و اگر بیند که راهزنان کلاه او را

بر رند دلیل که بمصیبتی آلوده گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راهزنی کرد و کالای کسی را برد دلیل که اناس با وی خشم گیرد
واگر خود راه زد و کالای کسی را برد دلیل که آنکس بیمار گردد و شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راهزنی در خواب بر سه وجه
بود یکی جنگ دوم خصومت دوام و دروغ گفتن سوم تباهی عیش و بیماری **ربها** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید ربها در خواب دیدن آنچه خوش طعم و خوشبوی بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر مضرت
و رنج و اندوه بود و همچنین رب در خواب چون شیرین بود دلیل بر کار خیر و منفعت بود و چون ترش بود تاویلش بخلاف این
بود **رباب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رباب در خواب دلیل بر سخن باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر بخواب
بیند که رباب میزد دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را مدح و ستایش به دروغ کند و اگر بیند که در پیش وی
رباب میزدند دلیل که سخن باطل رضا دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رباب چنگ و چغانه و نای بود
این جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که رباب بشکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ توبه کند و اگر بیمار
بیند که رباب میزد دلیل که بمیرد یا بیماری بر وی سخت شود **رخسار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رخسار بخواب
روشنائی بود و شرف مردم باشد و اگر بخواب بیند که رخساره او سرخ بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم
روشنائی گردد و اگر بیند که رخساره سیاه و زرد گشته بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
رخساره در خواب آرایش مردم و کدخدائی بود و اگر رخساره چینی بیند دلیل که نقصان کدخدائی بود و اگر بخلاف این
بود دلیل نیکی کدخدائی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکوئی حال و شادی مردم بود
و زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند **رز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل بر زنی کریمه
نیکوکار بود و اگر بیند که رزی داشت که درختان سبز و پاکیزه بود در هنگام وی دلیل که زنی نیکوکار بزنی کند و از وی
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که درختان رز را هیچ برگ نبود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند بر گیاهی رز زرد گشته
بود دلیل که بیمار شود و اگر ملک او نبود تاویلش بخداوند رز کرده جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سه وجه
بود یکی زن کریمه نیکوکار دوم منفعت سوم رنج و اندوه و اگر رز را خراب بیند دلیل بر بدی حال خداوند رز بود **رستخیز**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت آمده و صد قیامت برخواست دلیل که حق تعالی جل و علا در آن دیار عدل
بگسترانند و اگر پادشاه آن دیار ظالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بر ایشان فرستد و اگر مظلوم باشد دلیل که ایشان را
بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خدا تعالی استاده اند دلیل که خشم خدا تعالی بر ایشان
فرستد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخاست دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت و اندوه
باشد دلیل که خلاصی یابد و اگر بیند که علامتی از علامتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا یاجوج
یا دجال علیهم اللعنه پیدا شدند تاویلش اینکه توبه کند و حق تعالی باز گردد و اگر بیند که بشمار گاه رفت نشان غفلت
باشد قوله تعالی اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ و اگر بیند که با وی شمار کردند
دلیل که او را ازیانی رسد قوله تعالی فحاسبناها حسابا شدیدا وعذبناها عذابا نکرا و اگر بیند

که کردار وی میکشیدند ونیکی او زیادت برآمد دلیل که سرانجام او نیکو شود قوله تعالی فمن ثقلت موازینه فاولئک هم
المفلحون واگر بیند که بدی وی زیادت شد دلیل که جایش در دوزخ باشد قوله تعالی فاولئک الذین خسروا
انفسهم بما کانوا الآیه واگر بیند که نامه کردار بدو دادند و بدست راست بگرفت دلیل که بدست راست رود وامید است
ودر راه دین راست باشد قوله تعالی وانزلنا معهم الکتاب والمیزان واگر بیند که نامه کردار را بدو دادند وگفتند
که این را بخوان چون از اهل صلاح بود دلیل که کارش نیکو گردد واگر از اهل فساد بود کارش در خطر باشد قوله تعالی اقرأ
کتابک وکفی بنفسک الیوم علیک حسیبا واگر خود را بر صراط دید دلیل که براه راست باشد واگر بیند
که بر صراط نتوانست گذشت دلیل که بر راه خطا بود و توبه باید کردن تا حق سبحانه وتعالی از وی خوشنود گردد **رسن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید رسن در خواب عهد وپیمان بود واگر بیند که دست در رسن زده بود واز هوا معلق آویخته بود دلیل که بقدر بلندی رسن
منزلت یابد واگر بیند که رسن در دست او بماند واو بیفتاد دلیل که از قدر ومنزلت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که رسنی از آسمان آویخته بود واو دست دران زده بود دلیل که پیمانی بود میان او وحق تعالی چنانکه مثلا اگر بیمار بود وگوید
اگر خدای تعالی مرا شفا بخشد چنین کنم واگر بیند که بر رسن بر پای ایستاده بود دلیل کند که آن پیمان بود که با وی حق سبحانه و
تعالی کرده باشد واگر بیند که دست در رسن زده بود دلیل که دست در دین زده باشد قوله تعالی واعتصموا بحبل الله
جمیعا بعضی از معبران گویند که رسن پیمان بود که با حق سبحانه وتعالی کرده باشند وهم با خلق خدای واگر بیند که رسن در گردن
وی کرده بودند دلیل پیمانی که با کسی کرده باشد ودر گذاردن وی تاخیر میکند واگر بیند که شعبده بازی میکرد دلیل که در
اعتقادش خلل بود واگر بیند که از بام یا از جائی بلند خود را برسن فرو هشت دلیل که بترک مقصود وحاجتی که دارد بگوید
از ترس جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن رسن در خواب بر چهار وجه بود یکی عهد وپیمان دوم دین سوم امانت
چهارم روائی حاجت **رضوان** بدانکه رضوان دربان بهشت باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند
که رضوان بخواب دید دلیل که از عذاب ایمن گردد واگر بیند که رضوان در بهشت ایستاده بود دلیل که از دنیا برود بعضی
معبران گویند که رضوان در خواب دلیل خزینه دار سلطان بود که بوی صحبت افتد زیرا که رضوان خازن بهشت است
اگر بیند که او را رضوان یاقوت وگوهر ومروارید داد دلیل که او را فرزندی آید دانا وعالم چنانکه نامش بعلم مشهور گردد
رفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از شهر خود میرفت وندانست که کجا میرود دلیل که بیچاره وسرگشته
گردد واگر زن وفرزندان همراه داشت دلیل که مجموع سرگشته وحیران گردند اگر بیند که مانند اشتری میرفت دلیل
که سعادت دنیا یابد واگر بیند که مانند دودی میرفت دلیل که تاویلش بد باشد واگر بیند که مانند کژدم میرفت تاویلش همین
بود واگر مانند مرغان شکاری میرفت دلیل بر خیر ونیکی بود واگر مانند کسی که از تاریکی بود و بروشنائی میرفت دلیل
که از راه باطل براه حق گراید واگر از خرابی بآبادانی میرفت دلیل که از تنگی بفراخی رسد واگر بیند که از آبادانی
بخرابی میرفت دلیل بخلاف این بود واگر بیند که بجایگاهی بد در رفت بد بود واگر بجایگاهی نیک میرفت دلیل که
او را خیر ونیکی بود **رفو کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رفو کردن در خواب جامه را ودیگر

چیزها را دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بیند که جامه یا مقنعه خود را رفو کرد دلیل که او را با کسی از خویشان خصومت افتد یا با دوستی که در وی خیر نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه خود را رفو میکرد و نتوانست دلیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و رفوگر در خواب خداوند جنگ و خصومت بود و بهبد کار خود را باصلاح آرد و از خصومت بر هد **رقص کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید پای کوفتن در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معبران گویند که بیمار بود و بعضی گویند که مرد از زندان خلاصی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید رقص کردن در خواب زنان را رسوائی بود و مردان را مصیبت اما صوفیان را و کسانیکه رقص بسیار کنند ایشان را غم و اندوه نبود و رقاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رقص کردن در خواب غم و مصیبت بود **رگ کشادن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را رگ کشادند دلیل که از دوستی سخنی شنود و یا مالش تلف شود و اگر بیند که رگ کشاد و خون از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان او را زحمتی رسد و اگر بیند که خون اندک بود دلیل که اندک زحمت باشد و بقدر خون زحمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عالمی او را رگ زد و خون بسیار آمد و در جائی کرد دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسماعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ از دست راست کشاد دلیل زیادتی مال رخواسته بود و اگر از دست چپ کشاد دلیل بر زیادتی مال دوستان بود و اگر بیند که معروفی او را رگ کشاد اگر زنش آبستن نبود دلیل که آبستن شود و اگر آبستن بود دلیل که دختر آرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل که او را سخنی حق گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید رگ زدن در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی کشادن کار دوم سفر سوم خصومت چهارم از جهت مال انبازی کردن و اگر بیند که رگ زد و خون بیرون نیامد دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که خون بیرون آمد چنانکه در تن خون نماند دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که بجراحتی خون آلوده گشت دلیل که چیزی بوی رسد و معبران گویند که رگ زدن در خواب اگر بیننده خواب مستور بود دلیل بر خرمی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و فساد کند **رگها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رگها در تن دلیل بر اهل بیت و خویشان بود و اگر بیند که رگی را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه خورند و هر رگی که معین است که بکی تعلق دارد بر رگهای پیشانی دلیل بر مهتران کند و رگهای دست و بازو دلیل بر فرزندان و رگهای شکم دلیل بر خویشان مادر و رگهای پشت دلیل بر خویشان پدر کند و رگهای سرین و ران دلیل بر اهل بیت و زن و دوستان و رگهای ساق دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که رگها بکشاد و به پهنا رود بریده شد یا خشک شد دلیل که از خویشان وی یکی که بدان تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معبران گویند که غمی و اندوهی بخویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رگ زد دلیل که از خویشان خود سخنی درشت شنود و بعضی گویند که بقدر آن خون که از وی رفته باشد مال یکی از خویشان خود تلف کند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که رگ قیفال بکشاد دلیل که کار وی بسته گردد و اگر بیند که رگ باسلیق کشاد همین

تاویل دارد و چون سایل گوید که از رگ من خون می آمد دلیل که هر که باشد مال یابد و اگر گوید از دست من خون برفت
دلیل که او را زیانی رسد و معبر باید که در لفظ گوینده خواب نگاه کند و تعبیر بموجب لفظ او کند و اگر بیند که رگ او
تهی و کبود بود دلیل که او را اندوهی رسد **رکاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که رکاب
از زین جدا بود دلیل بر فرزند یا غلام بود و اگر رکاب با زین بود دلیل فرزندی بود که در وی هیچ خیانت نباشد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رکاب او زرین بود دلیل که فرزندی خویشتن بین و متکبر آورد و اگر بیند که
رکاب سیمین بود دلیل که فرزند بمال دنیا فریفته شود و اگر بیند که رکاب سیمین بود یا برنجین دلیل بر فرزند دون همت
بود و اگر رکاب آهنی بود دلیل که بقدر روشنی و پاکی او راقوت در کار دنیا بود و اگر رکاب او چوبین بود دلیل که فرزند
او را بدرای و فرومایه بود و در رکاب بدار در خواب نیکو بود زیرا که او بهتران نزدیکست **رنگها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
رنگ سفید بخواب دیدن در جامه و غیر آن دلیل بر پاکی دین او بود و رنگ سرخ مردان را کراهیت و رنج بود و زنان را نیک
بود و رنگ سبز زنان را و مردان را نیک باشد در دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد مگر کسانیکه پوشند و رنگ کبود زنان را
و مردان را نیک نباشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید رنگ سبز و سفید دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس
اهل بهشت است **روباه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روباه در خواب مردی فریبنده باشد یا زن یا کنیزک
دروغ گو اگر بیند که روباه در بر او بود دلیل که او را با مردی خصومت افتد و اگر بیند که روباه بگریخت
دلیل که از پریان ترسنده شود و اگر بیند که با روباه بازی میکرد دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف
بود کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که روباهی شانه میکرد دلیل که بر کسی حیلت کند و او را بفریبد و اگر بیند که روباهی
پیش او چاپلوسی میکرد دلیل که غریبی با او مکر و حیلت کند و پوست روباه مالی بود که بحیلت بدست آرد و شیر روباه بخواب
خوردن دلیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و بعضی از معبران گویند که شیر
روباه خوردن دلیل بر بیماری بود و یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید روباه در خواب دیدن زن دروغ گو
باشد و اگر بیند که روباه بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی فریبنده دروغ زن خواهد و اگر بیند که روباهی در خانه وی
آمد قرار گرفت دلیل که زنی خواهد که دوست دار او بود و اگر بیند که روباه از وی بگریخت دلیل که دام دار او بگریزد **رود**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رود بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بیند که در رود بزرگ صافی شد دلیل که با مردی
بزرگ یا دیانت پیوندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از رود بیرون آمد دلیل که از بلا و غم رسته گردد و
اگر بیند که در رودی بزرگ رفت و آبش تیره بود دلیل که با مردی بزرگ ستمگر پیوندد و اگر بیند که در آن رود
غرق شد دلیل که نا مرگ از آن رستگاری یابد و انیال علیه السلام گوید رود بزرگ وزیر بود و اگر بیند که رود بزرگ
خشک شد دلیل که وزیر معزول گردد و اگر آب رود زیادت بیند دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رود تیره بیند
دلیل که مال حرام یابد و اگر آب تلخ بود دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رود گنده بیند دلیل که بیمار گردد و اگر آب
رود سرد و خوش بود دلیل که از وزیر نواخت یابد و اگر بیند که در جوی خون بود و بیرفت دلیل که در ان

رکاب

رنگها

روباه

رود

خونریزش بسیار شود واگر بیند که آب رود سفید وخوش بود دلیل که مردم عام ثنائی وزیر گویند واگر بیند که آب رود بر زمین فرو رفت
و هیچ نماند دلیل بر عقوبت باشد در آن دیار قوله تعالی قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین
واگر بیند که آب رود خود را بشست دلیل که از شر پادشاه و وزیر ایمن گردد واگر بیند که زیر آب غوطه میخورد دلیل که از
راز وزیر آگاه شود واگر بیند که جامهٔ خود را بشست دلیل که او را واهل بیت او را از پادشاه و وزیر ایمنی بود واگر بیند که در رود
میرفت و جامه آلوده گشت دلیل که از قبل بازارگانی غم خورد واگر رود دجله بخواب بیند بقول کرمانی رحمة الله
علیه خلیفه بود و رود جیحون پادشاه خراسان بود و رود سیحون پادشاه هند بود و فرات پادشاه شام بود
وبعضی گویند پادشاه روم بود و رود نیل پادشاه مصر بود و رود کر پادشاه ارمنه بود و آب خوردن و
شستن خود را دران خیر و منفعت بود و بقدر آن آب از آن پادشاه چیزی بوی رسد که خورده باشد واگر خود را
در رود می از شب بیند دلیل که در فتنه افتد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن رود در خواب بر هفت وجه بود یکی
حج دوم بندگی سوم پادشاهی چهارم تجارت پنجم مال ششم ریاست هفتم ظفر و علم **رودبار** وادی را
گویند اگر بیند که در رودباری شد دلیل که در غمی و اندوهی گرفتار شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر از رودباری
بیرون آمد دلیل که از غم و اندوه بیرون آید کرمانی رحمة الله علیه گوید رودبار در خواب حج اسلام بود قوله تعالی بواد
غیر ذی زرع عند بیتک المحرم مغربی رحمة الله علیه گوید رودبار در خواب دلیل بر گفتن شعر بود والشعراء یتبعهم
الغاوون الم تر انهم فی کل واد یهیمون **روده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که روده را گرفت و بخورد
دلیل که از خویشان خیر و منفعت بیند واگر بیند که رودهای وی از درون پیدا شد دلیل که فرزندی از خویشان وی بهتر گردد واگر
بیند که روده کسی میخورد دلیل که بقدر آن مال کسی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید آشکارا شدن رودگان در خواب مال نهاده بود
که پیدا گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رودها از دهانش بیرون آمد دلیل که مرگ بر فرزندانش بود واگر بیند که روده
کسی بیرون آورد دلیل که بقدر آن مال نهان کرده کسی را بیابد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید روده در خواب بر شش وجه بود
یکی مال حرام دوم سخنهای ناخوش سوم دشنام چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن خویش **روزها** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روز آدینه بود و روز شنبه بود دلیل که کاری شروع کند و پندارد که در آن کار خیر است و در آن
شر بود واگر بیند که روز شنبه بود و روز آدینه بود بخلاف آن بود واگر بیند که شب است و روز باشد دلیل بر نیکی باشد واگر بیند که روز
شنبه بود دلیل که دوست جهودان باشد واگر یکشنبه بخواب بیند دلیل که دوست ترسایان باشد واگر شنبه را آدینه پندارد دلیل
که هواخواه اهل نعمت و توانگر باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید بهترین روزها روز آدینه بود و روز دوشنبه و روز پنجشنبه بعد
از آدینه و روز هر چند روشن تر و صافی تر باشد بهتر بود **روزه داشتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که روزه میداشت و تسبیح و تهلیل و قرآن میخواند دلیل که از گناه و حرام توبه کند واگر بیند که روزه داشت و غیبت
مردم میکرد و یا فحش میگفت دلیل که او طاعت بر پا میکند و در راه دین صادق نیست کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که ماه روزه بود دلیل بر گرانی و تنگی طعام بود و بعضی گویند که دلیل بر درستی دین بود و از غم فرج یافتن باشد و گذاردن ماه صیام

رودبار
روده
روزها
روزه داشتن

که چون در ماه رمضان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید روزه داشتن در خواب بر ده وجه بود یکی بزرگی دوم ریاست
سوم تن درستی چهارم مرتبت پنجم توبه ششم ظفر هفتم نعمت هشتم حج نهم غزا دهم بسیار اما روزه کشادن بعذر شرعی
دلیل بر نیک مردی و روزی حلال بود و چون روزه بقصد کشاید دلیل
که در سفر بلا کشد یا بیمار گردد و اگر بیند که دو ماه روزه داشت دلیل که از گناه توبه کند و اگر بیند که روزه تطوع میداشت
دلیل که از بیماری ایمن گردد و اگر بیند که یکسال تمامی و پیاپی روزه داشت دلیل که حج بگذارد و اگر بخواب بیند که روزه عاشوره
داشت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **روستا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجهول
دید دلیل بر خیر بود و اگر در جایگاهی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر بخواب بیند که از روستا بشهرستان رفت
انشاء الله تعالی از فتنه و عذاب ایمن گردد و کارش بنظام شود و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت تاویل آن بخلاف این
بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در روستائی ملک او بود یا کسی بوی داده بود دلیل که بقدر آن آبادانی روستا
خیر و نیکی بوی رسد و اگر روستا خراب بیند تاویلش بخلاف این بود **روشنائی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روشنائی
در خواب دین هدی بود اگر بیند که روشنائی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که کسی را علم دین بیاموزد و راه راست
نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بددینی بود قوله تعالی اَللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَی
النُّوْرِ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روشنائی بسینه او افتاده بود دلیل که پارسا و بادین بود قوله تعالی
اَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ فَهُوَ عَلٰی نُوْرٍ مِّنْ رَّبِّهٖ اگر بخواب بیند که پیراهن وی روشنائی بود دلیل
بر خیر و عافیت بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن روشنائی در خواب بر چهار وجه بود یکی دین هدی دوم
علم سوم راه راست چهارم اعتقاد پاک **روغن** دانیال علیه السلام گوید روغن در خواب مال و نعمت بود و بعضی گویند
که میراث باشد و اگر بخواب بیند که روغن گاو داشت و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و میان مردم
عزیز شود و اگر روغن گوسپند بیند همین تاویل دارد اما روغن گاو بهتر از روغن دنبه و روغن بادام و روغن کنجد
مال و نعمت بود و روغن های دیگر را نمایه چون روغن بلسان و روغن بنفشه و روغن زیتون دلیل که جمله منفعت بود
از دهقان و روغن زیتون منفعت باشد از عرب و روغن نرگس منفعت باشد از روستا ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که همه تن وی بروغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر میمالید دلیل
بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبوئی بود چون بنفشه و یاسمین دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغنها چون خوش
بود دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و گنده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن
زیت در خواب مال و نعمت بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن میمالید دلیل که با وی مکر و حیلت سازد
مغربی رحمة الله علیه گوید روغن در خواب بر خود مالیدن دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند
که بروغن سینه چرب میکند دلیل که سوگند بدروغ خورد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید روغنها همه تاویل بد بود
مگر روغن زیت که بخوردن دلیل مال و بمالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه او بروغن آلوده شد دلیل که اندوه

کین گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید روغن خوش بخواب بر شش وجه بود یکی زن خوبروی دوم کنیزک سوم ثنای نیکو چهارم
منفعت پنجم سخنهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن گندیده دلیل بر سه وجه بود یکی زن روسپی دوم فسق سیوم سخنهای

روناس

زشت **روناس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روناس درخواب دیدن دلیل بر آرایش دنیا بود و خوردنش دلیل
بر سفرت و رنج بود و اگر بیند که جامه خود بروناس سرخ کرد دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد و راه دین فروگذارد

روی

روی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بجمال ترازانکه هست دلیل که شرف و منزلت او
زیاده گردد و اگر روی خود زشت و ناخوش بیند منزلتش کم گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر گونه روی خود
سرخ و پاکیزه بیند دلیل که روشناس گردد و اگر بیند که گونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود ق
أَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و اگر بیند که گونه روی او سفید شد دلیل قوت
بیمار گردد و اگر گونه روی سیاه بود دلیل که درمیان خلق رسوا گردد و اگر بیند که با سیاهی روی جامه سفید پوشیده بود دلیل
که او را دختری آید قوله تعالی وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ اگر بیند که با سیاهی
روی او گرد آلوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که رویش خون آلوده بود یا زرد آب از رویش می آمد و او را بروی
جراحت نبود دلیل که زیان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بر تباهی حال وی بود و اگر بیند که بیش
روی او خال بود دلیل که وام دار شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب بیند و نیکو بیند در آب یا در آئینه یا کسی
او را بگوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر زشت بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که روی سرخ بود
دلیل که او را با کسی مناظره افتد و خشم فرو خورد و اگر روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی
خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه بود و مخاطره کفر بود قوله تعالی وَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ
إِيمَانِكُمْ و اگر بر روی خود جراحتی بیند دلیل که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار و کدخدائی
وی خلل افتد و اگر خود را دوروی بیند دلیل منافق بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن روی در خواب بر هشت وجه بود
یکی شرف و بزرگی دوم خواری و حقارت سیوم نظام کارها چهارم دین و دیانت پنجم اندوه و رسوائی ششم دوام

ریحان

هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت **ریحان** اگر بیند که ریحان سبز و خوشبوی بود دلیل بر فرزند بود و کندن ریحان از
زمین دلیل گریستن و اندوه بود ابن سیرین رح گوید اگر ریحان در جایگاه خود بیند دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند دانیال
گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند و توفیق بکار خیر یابد جعفر صادق رض گوید دیدن
ریحان بخواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم کنیزک سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیک اگر بیند که
که در سرائی یا باغ او ریحان بود دلیل بر خیر منفعت کند مغربی رحمة الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت خود بغایت نیکو بود

ریسمان

ریسمان درخواب سفر بود و اگر بیند که از ابریشم یا موی ریسمان میرشت چنانکه زنان ریسمان ریسند دلیل که کاری حلال کند و اگر
ریسمان بجولاهه برد تا جامه بافد دلیل که تدبیر کاری باشد که او را از آن خصومت بود کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که زنی
مانند موی ریسمان از ابریشم یا موی می رشت دلیل که او را غایبی از سفر بیاید و اگر بیند که بوقت رشتن

ریسمان گسسته شد دلیل که غایبش در سفر دیر بماند واگر بیند که ریسمان بسیار داشت دلیل که عمرش دراز بود و بقدر ریسمان خیر و منفعت
از خویشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریسمان درخواب بر پنج وجه بود یکی سفر دوم مزد کار سوم عمر دراز چهارم منفعت
بسیار پنجم حاجت و کسب حلال **ریواس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریواس بخواب اندوه بود بقدر خوردن آن اگر
بیند که ریواس بینداخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد واگر بیند که ریواس شیرین بود دلیل که مضرت کمتر بود والله اعلم
ریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریش درخواب آرایش مردم و کدخدائی او باشد و در خبر آمده است که حق سبحانه
وتعالی را فرشته ایست که تسبیح او اینست سُبْحَانَ مَنْ زَیَّنَ الرِّجَالَ بِاللُّحِیِّ وَالنِّسَاءَ بِالذَّوَائِبِ یعنی
پاکست آن خدائیکه بیاراست مردان را بریش و زنان را بگیسو واگر بیند که ریش او دراز شد دلیل که کارکدخدائی او ساخته
گردد اما چون بدرازی از ناف گذشته باشد دلیل غم و اندوه بود واگر بیند که ریش خود را بناخن بیاراست دلیل که
کدخدائی خود را بیار بیند واگر بیند که ریش خود را خضاب کرد دلیل که حال خود را بمردمان نماید و نیو شد واگر بیند که ریش
خود بر زمین میکشید دلیل که اجلش نزدیک بود واگر بیند که ریش او بریده بود دلیل که زیان مال و خواست و جاه او بود واگر
ریش او سپید گشته بود دلیل که بردباری و آهستگی او زیادت شود لیکن غمگین شود واگر بیند که ریش بدندان می برید دلیل
که اهل بیت و یرا زیان رسد واگر بیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او را از مرگ مفاجات بیم باشد و مال و
آبرویش برود واگر بیند که ریش را شانه کرد و بخور و گلاب برو ریخت دلیل که شغلی کند که مردم شکر کنند مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریش او دراز شد چنانکه بر زیر ناف بود دلیل که مال یابد واگر بیند که دست بر ریش فرا گرفت
و پارهٔ ریش بدست او بماند و آنرا بینداخت دلیل که مال از دستش برود واگر بیند که پارهٔ ریش در چیزی نهاد و نگاهداشت
دلیل که مال نگاهدارد واگر بیند که ریش او کوچک و کوتاه بود اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود واگر غمگین بود
دلیل که بیغم گردد واگر بیند که ریش او بر زمین افتاده بود دلیل که بمیرد واگر بیند که ریش او کنده شد دلیل که حرمتش
بیکبار برود واگر بیند که موی سفید از ریش خود بر کند دلیل که او مخالفت سنت پیغامبر صلی الله علیه و آله وسلم
باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را در حرم بموسم حج سر تراشیدند اگر وام دارد دلیل که وامش
گذارده شود و از غم خلاصی یابد واگر بیند که سر و ریش را بیکبار بسترد دلیل که حرمت و آبروی او بیکبار برود واگر بیند
که بی سببی اندک اندک ریش او می افتاد و نقصان در وی ظاهر شد دلیل که از رنج و سختی فرج یابد واگر بیند که ریش
وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در حرمتش نقصان شود واگر زنی بیند که او را ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند
که از آن رسوا گردد واگر مردی بیند که او را ریش برآمد دلیل که او را هرگز فرزند نیاید واگر فرزند آید محتشم و قوی گردد
واگر کودکی نابالغ خود را با ریش بیند دلیل که در غم و اندوه افتد واگر بیند که ریش کسی بگرفت و میکشید دلیل
که آنکس مال و میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید ریش درخواب بر ده وجه بود یکی بیع دوم
عز و جاه سوم مرتبت چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکوئی هفتم ترویج هشتم مال نهم فرزند دهم گرامی
شدن قوله تعالی وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِيْٓ اٰدَمَ اما ریش ستردن بخواب حاجیان را و زندانیان را نکو باشد

ریواس

ریش

ریگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریگ در خواب دلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بیند که در میان ریگ می شد دلیل که از
بهر کسب بشغلی مشغول گردد بقدر کم و بیش و اگر بیند که ریگ میخورد یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریگ در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سیوم منفعت چهارم رفعت
لیکن با رنج ریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی ریشی بود و در آن ریم جمع
شده بود دلیل که بقدر آن ریم او را مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بیند
که ریم از تن وی بیرون آمد و باز بجای بنشست دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بخواب بیند که ریم مکید و بخورد دلیل که مال حرام خورد و فی الجمله جمع شدن ریم در اندام دلیل جمع مال بود و ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از تن وی ریم می آمد دلیل که بقدر آن مال او نقصان شود و ریم در تن جمع شود دلیل که مال
بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جمله اندامهای ریش بود دلیل که غم و اندوه بود ریم ابن سیرین رح گوید ریم در خواب
مال بود بر خداوند خواب اگر بیند که از تن او ریم می آمد دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او بیرون آمد و باز
بجای خود بیرفت دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریم می مکید و بخورد
و ریم و سیم و آهن و غیره دلیل بر غم و اندوه بود ریوند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریوند بسیار داشت
دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از بهر علاجی ریوند خورد و از آن تندرستی حاصل شد دلیل بر صحت و تندرستی
و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر رنج و بیماری بود والله اعلم

حرف الزاء

زن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر زنی بخواب بیند که او را دختری بود یا دختری داشت دلیل که چیزی بو
رسد و از خویشان خرم شود و اگر بیند که مردی پسری زاد و او را از نش آبستن بود دلیل که او را دختری آید و اگر بیند
که دختری زاد دلیل که او را پسری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زن پادشاهی بیند که دختری بزاد او را دلیل
که شوهرش گنجی یابد و اگر بیند که پسری بزاد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که دختری بزاد دلیل که غمگین شود و اگر
بیند که پسری بزاد دلیل که کارش خوب شود و اگر دختر دوشیزه بیند که دختری بزاد دلیل که تاویل آن زن دارد جعفر
صادق رضی الله عنه فرماید اگر کسی بخواب بیند که پسری بزاد و هم در آن روز با وی سخن گفت دلیل بر مرگ بیننده
بود و اگر بیند که دختری بزاد دلیل که فرزندی از نسل وی آید که مهتر قوم گردد زاغ ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زاغ در خواب مردی فاسق بد دین و دروغ زن بود و اگر بیند که زاغی را بگرفت دلیل که بکسی بد دین
پیوندد که وصفت او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بیند که زاغی را بکشت دلیل که در آنجا دزدان
و فاسدان و فاسقان گرد آیند و اگر بیند که زاغی شکار کرد دلیل که از جائی بباطل مال یابد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر زاغ را بخواب بیند کنیزک هندی تاویل آن باشد و زاغهای بسیار در خواب دیدن لشکر بود و اگر بیند که
زاغی را پوست برکند دلیل که با زنی غریب زنا کند و اگر بیند که زاغی را بکشت دلیل که اهل بیت او را مضرت
رسد و اگر بیند که زاغهای بسیار در هوا می آمدند و میگذشتند دلیل که در آن دیار لشکری پدید آید بعد ر

آن زاغها مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که زاغ قندز و هر دو در شلوار بودند دلیل که با کنیزک فساد کند و اگر بیند
که با زاغی مجامعت میکرد دلیل که مردی دزد را بند کند **زاغها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید از جمله زاغها زاغ سبز بهتر
بود و دیگر زاغ سپید و زاغ زرد بیماری بود و زاغ سیاه مصیبت بود و خوردن زاغ دلیل بر مرگ بود و در رنگ جامه
و غیره بدین تاویل باشد و در دیدن زاغ هیچ منفعت نبود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زاغ در خواب بر چهار
وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیماری سیوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زنان **ژاله** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند در شهری یا در مقامی ژاله میبارید دلیل که مردم آن شهر را از پادشاه رنج رسد و اگر بیند که باران یا رعد یا برق و
یا ژاله بود دلیل که در انجا قحط و تنگی و مضرت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید ژاله با باران بخواب دیدن دلیل بر نعمت و فراخی
و ایمنی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ژاله در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی بلا دوم خصومت سیوم لشکر
چهارم قحط پنجم بیماری **زلو** جانوریست که در آب پیدا شد بپارسی او را دیوچه گویند ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید زلو در خواب دیدن دشمن طماع بود و اگر بیند که زلو خون از اندام می مکید دلیل که دشمن بر وی چیره
گردد بقدر خونی که خورده باشد از مال وے نقصان شود و اگر بیند زلو در گلوی وی شد دلیل که دشمن
از درون خانه با وی مجالست کند و اگر بیند که زلو از اندام خود جدا کرد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه
گوید زلو عیالی باشد که مال دیگران خورد و اگر بیند که زلو بسیار جمع شدند و خون وی را می مکیدند دلیل که مال وی
نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زلو بر اندام وی بود و خون می مکید دلیل که از
دشمن او را مضرت رسد **زانو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اصل زانو در خواب معیشت بیننده خواب بود و اگر
بیند که زانوی او قوی و بزرگ بود دلیل که کار وی قوی گردد و عیش بر وی فراخ شود و اگر بیند که بزانو براه میرفت دلیل که
کار او ضعیف گردد و معیشت بر وی تنگ شود و اگر بیند که چشمه زانوی وی ضعیف یا شکسته بود دلیل که کار وی تباه گردد و اگر
بیند که چشمه زانوی او افتاده دلیل که مایه که دارد از دست او برود کرمانی رحمة الله علیه گوید زانو در خواب کسب معیشت مردم
بود و اگر بیند که زانوی وی سخت و قوی گشت دلیل که کسب و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانوی او ضعیف
بود دلیل که کسب و معیشت وی ضعیف شود و منقطع گردد مغربی رحمة الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه رنج و عنا باشد
و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زانو بیند تاویلش چنین بود که یاد کردیم **زباد** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که زباد با خود داشت یا کسے بوی داد دلیل که با ادب و فرهنگ بود و مردمان مدح و ثنای او میگویند
و اگر بیند که از ان زباد بوی خوش می آمد دلیل که مردمان نکوهش وی کنند و اگر بیند که از ان زباد هیچ بوی نیامد دلیل
که با کسی نیکوئی کند که از وی هیچ منت ندارد و اگر بیند که زباده میخورد دلیل که فرزندان وی با ادب و فرهنگ باشند جعفر
صادق رضی الله عنه فرماید زباد در خواب بر چهار وجه بود یکی ادب دوم فرهنگ سیوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده
زبان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبانش بریده شد و ناقص گشت بی آنکه با کسے خصومت داشت و بوقت
حجت زبانش بسته شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که زبانش در طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زبانش بوقت حجت

زیادت شود و بر خصم روان گردد و ظفر یابد و اگر بیند که زبان وی دراز شد نه بجنگ دلیل که سخن گفتن دراز شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که او را دو زبان بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بیند که زبان خود برید
و قصداً سخن نگوید دلیل که از گفتن باطل توبه کند و اگر بیند که بر زبانش خطا رفت دلیل که سخنی گوید که حق سبحانه و تعالی
جل و علا در آن راضی نباشد و اگر بیند که کسے زبان در دهان وی نهاد دلیل که او را از کسی قوتی و حجتی باشد در سخن و
اگر بیند که زبان کسی می مکید دلیل که از آنکس علم و دانش حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبانش گنگ شده بود
دلیل بر فساد دین و دنیای وی بود و اگر بیند که زبان درویشی ببرید دلیل که چیزی بدرویش دهد و اگر بیند که زبان زنی
ببرید دلیل که بستر ش کند و رازش آشکارا کند و اگر بیند که زبانش بکام گرفته بود دلیل که وام دار شود و دانیال علیه السلام
گوید اگر بیند که زبان وی قوی و سطبر شد دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبانش ریش گشت دلیل که بر کسے بهتانی بندد
یا دروغ گوید و اگر بیند که بر زبان وی موی بر آمده بود دلیل که از سبب گفتارش در بلائی افتد و اگر بیند که زبان او
آماسیده بود دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبان وی آماسیده
بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که زبان نداشت دلیل که از همه شغلها فرو ماند و اگر کسے بیند که سر زبان
نداشت و بریده بود چنانکه سخن نتوانست گفت دلیل که شغل وی بدست وکیل بر آید و اگر بیند که زبانش خشک
شده بود دلیل که در تاویل بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود یکی حکمت دوم
ریاست سوم ترجمان چهارم حاجت پنجم وکیل ششم یا رو سخن گفتن در زبانها و حرف سین یا دخواهیم کرد **زبرجد**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زبرجد در خواب دیدن دلیل بر خیر و عافیت کند و اگر بیند که زبرجد بسیار داشت
دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که زبرجد از وی ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود
جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زبرجد در خواب بر سه وجه بود یکی خرمی دوم مال سوم منفعت **زبور** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسے بخواب بیند که زبور میخواند دلیل که بخداوند تبارک و تعالی باز گردد و بکار خیر رغبت نماید و اگر
بیند که زبور را بظاهر میخواند دلیل که زهد و خیرات بریا و نفاق کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبور می نوشت دلیل که
بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخواند دلیل که کار و کردار او نیکو گردد **زجر** فال گرفتن بآنگ
مرغان بود و اگر بیند که بآنگ مرغان فال میگرفت تاویلش غرور و باطل دنیا باشد و در خواب و بیداری از راه تاویل نکوهیده بود ابن سیرین
رح گوید اگر بیند که بآنگ مرغان فال میگرفت دلیل که بباطل دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رح گوید اگر کسی بآنگ مرغان فال
میگرد و اگر فرد باشد دلیل که نیکو بود و اگر لعبد زوج باشد دلیل که بیمار گردد و شفا یابد **زخم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که بر تن زخم داشت و اثر خون پیدا نبود دلیل که بر زخم زننده ظفر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او
خون روان بود و اندام او آلوده شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که اندامش آلوده نگشت دلیل که زننده او را بگناهی
یا تهمتی متهم گرداند و اگر بیند که زخم خورد و تن او بخون آلوده گشت بقول کرمانی رحمة الله علیه که در مال وی نقصان افتد
جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زخم در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دوم خیر سوم منفعت

سیوم نقصان مال **زدن** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را تازیانه زدند چنانکه اثر زدن پدید آمد یا او را بستون بستند
و چندان زدند که خون از وی بیرون آمد تا و لیش بد باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے بخواب بیند که او را تازیانه
زدند دلیل که مالی حرام بحاصل او آید خاصه چون بیند که از اندامش خون آمد و اندام خون آلوده گشت و اگر خستگی بر تن وی
پیدا شد دلیل که بقدر آن از هر کسے فایده یابد و بعضے از معبران گویند که جامه نو پوشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که تازیانه بر پشت وی زدند و خون بیرون آمد دلیل که آنکس مال حرام یابد و اگر بیند که بر پشت خود تازیانه دید و
ندانست که او را که زد دلیل که شغل دین و دنیای وی نیکو باشد و اگر بیند که تازیانه بر کسے زد چندانکه تازیانه پاره
پاره گشت دلیل که اهل خاندان وی پراگنده کردند و اگر بیند که کسے او را تازیانه بیشمار زد دلیل که او را غمی رسد
و اگر کسے در خواب او را تازیانه زد دلیل که غمگین شود بسبب مردی بد دین و منافق و اگر بیند که محتسب او را بدره
بزد دلیل که سلطان او را عمل دهد و کارش نیکو گردد و اگر بیند که کسے او را بکلوخ زد دلیل که از آنکس منفعت یابد و اگر بیند
که کلوخی بر پشت وی زدند دلیل که کسے او را فضیحت کند و اگر بیند که طپانچه بر روی می بزد دلیل که از کسے سخنے
زشت شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده او را بزد دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته
باز یابد و اگر بیند که مرده بود و او را میزدند دلیل که قوت دین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن در خواب
بر شش وجه بود یکے منفعت دوم مجادله سیوم روشن شدن کار مشکل چهارم سفر پنجم شرف و بزرگی
ششم مال حرام **زر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زر بخواب دیدن مردان را دلیل غم و اندوه بود و زنان را نیکی
و پسندیدگی باشد و اگر بیند که زر یافت یا کسے بوی داد دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که زر یا سیم میگداخت دلیل که در زبان مردم افتد و اگر بیند که زر میفروخت و میخرید دلیل که او را غمی و
اندوهی رسد و اگر بیند که زر بخزانه برد دلیل که مال یابد و اگر بیند که زر میخورد دلیل که بقدر آن مال بر عیال
خرج کند مغربی رحمة الله علیه گوید زر دینه در خواب مردان را بد بود اگر کسے زر و سیم بیکجا بهم یابد دلیل که عز و جاه یابد و اگر
کان سیم بیند دلیل که دختر بزرگی خواهد و گویند زر بخواب مردی باشد دروغ زن و اگر بیند که پیش زرگرے نشست
و با وی معاملت میکرد دلیل که او را با دروغگوی سروکار افتد **زرد آلو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زرد آلو بوقت
خود چون شیرین بود و هر زرد آلوئی که خورده باشد دلیل که دیناری حاصل کند و اگر زرد آلو ترش بود دلیل بیمارے
و غم بود و بعضے معبران گویند که زرد آلو بخواب دیدن کنیزک بود یا مال کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که استخوان او شکست
و تلخ بود دلیل که اندوهی بوے رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زرد آلو بوقت بیماری بود و بیوقت و ترش غم و
اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد **زرد دیها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زرد دیها در خواب دیدن بیماری بود
از میوه ها خورد و جاجها **زرشک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زرشک در خواب غم و اندوه بود و خوردن آن
همچنین و اگر بیند که زرشک از درخت جمع میکرد دلیل که او را با مردی بخیل خصومت افتد **زرنیخ** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که زرنیخ میخورد دلیل بر بیماری و هلاک بود و اگر بیند که زرنیخ فروخت یا بکسے داد دلیل که

زدن
زر
زرد آلو
زرد دیها
زرشک
زرنیخ

از بیماری ایمن گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زرنیخ یافت دلیل که مال بسیار بدست آرد و به بیماری بخورد و اگر بیند که
زرنیخ در جای جمع کرد دلیل که در سفر بیمار گردد **زره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زره پوشیده بود دلیل که از دشمن
ایمن گردد و اگر بیند که زره ضائع شد دلیل که دشمن بروی چیره گردد و اگر بیند که کسی زرهی بوے داد و او پوشید دلیل که
با او قهر کند یا قهر کردن دشمن با وی یار گردد و مدد و نصرت وی خواهد و بعضے معبران گویند که زره حصن دین است کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که زره داشت دلیل که او را و اهل او را ایمنے بود از شر دشمنان و اگر بیند که زره با سلاح پوشیده
بود دلیل که از شر عامه و منافق ایمن گردد حضرت جعفر صادق رضی الله تعالے عنه فرماید زره در خواب دیدن بر شش
وجه بود یکی ایمنی از دشمن دوم حصن دین سوم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم نیکوئی و زره گر در خواب مردی بود
که مردان را ادب آموزد **زعفران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے بخواب بیند که زعفران داشت دلیل که مردم را
مدح و ثنا گوید و اگر بیند که زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زعفران
ناکوفته بود که بوی داد دلیل که زنے توانگر خواهد و اگر بیند که زعفران بخروار داشت و میخورد دلیل که او را
مال و نعمت حاصل گردد **زعن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زعن در خواب دلیل بر پادشاه متواضع کند و اگر
بیند که زعن مطیع او گشت دلیل که او را اعلامتی باشد و به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آبستن بیند دلیل که
پسری آورد که مقرب پادشاه گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زعن از دست بپرید اگر زنش آبستن بود
دلیل که فرزند مرده آورد یا از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زعن در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن
دوم بزرگواری سیوم فرزند چهارم مال **زفت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زفت در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند
که زفت داشت یا کسی بوی داد دلیل که در رنج و اندوه گرفتار آید و اگر بیند که زفت میخورد دلیل که غم و اندیشه او را بهر
عیال باشد و اگر بیند که زفت را بفروخت یا بکسے داد یا از خانه بیرون افگند دلیل که از غم و اندوه رستگاری یابد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زفت در جراحت نهاد و درست شد دلیل که از کسے خیر و راحت بیند و اگر بیند که جامه وی بزفت
آلوده گشت دلیل که از وی کاری آید که او را از ان زشتی و بدنامی حاصل آید **زکوة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که زکوة مال میداد دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیند که زکوة فطر میداد دلیل که نماز و روزه و تسبیح زیاده کند و رستگاری
یابد و اگر وام دارد گذارده شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمنی دارد بروی ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
زکوة مال میداد دلیل که مال او در حصن او آید و بلا از وی دفع شود بقول حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حَصِّنُوا
اَموَالَكُم بِالزَّكوةِ یعنے حصن سازید مالهای خود را بزکوة مال دادن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال میداد
دلیل بر فزون شدن مال باشد قوله تعالی وَمَآ اٰتَيْتُمْ مِّنْ زَكوةٍ تُرِيْدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ
هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب بر هشت وجه بود یکی بشارت دوم خیر و برکت
سیوم روشن شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی هشتم ظفر یافتن بر دشمن
زنگار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر بیند که زنگار از کسے بستد دلیل

کہ بقدر آن مال حرام حاصل کند واگر بیند کہ زنگار بر آتش نہاد و آتش نیک افروخت دلیل کہ با پادشاہ معاملت کند واز وی فایدہ یابد
کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید زنگار در خواب دلیل بر مال وخواستہ بود واگر بیند کہ جامہ یا اندامش بزنگار شد دلیل کہ اورا از
سلطان مضرت رسد واگر بیند کہ زنگار میخورد دلیل کہ مال حرام خورد در سرانجام اورا از پادشاہ غم واندوہ رسد **زکام**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ اورا علت زکام بود دلیل کہ چند روز بیمار شود وہرچند کہ زکام بیشتر بود بیماری بیشتر
بود کرمانی علیہ الرحمۃ گوید اگر بیند کہ اورا زکام بود دلیل کہ بر کسے خشم گیرد وزود صلح کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ زکام
در خواب بر سہ وجہ بود یکی بیماری اندک دوم خشم گرفتن سیوم منفعت یافتن **زلابیہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید
زلابیہ در خواب دلیل بر کوشش بیرون از اندازہ و یافتن مال بسیار وشادی بود واگر بیند کہ زلابیہ داشت دلیل کہ بقدر آن
اورا مال حاصل آید واگر بیند کہ اندک زلابیہ بوی داد یا در دہان وی نہاد دلیل کہ از کسے سخن خوش شنود مغربی رحمۃ اللہ علیہ
گوید اگر بیند کہ زلابیہ زعفران میخورد دلیل کہ بقدر آن مال یابد واگر بیند کہ با زعفران میخورد دلیل بیماری بود **زلزلہ**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زمین می جنبید دلیل کہ مردم آن دیار را از پادشاہ رنج وملامت رسد بقدر جنبیدن
زمین ومعبران گویند کہ آفت بمردم رسد ودر آن دیار بیماری افتد واگر بیند کہ زمین بر گردید وزیر وبالا شد دلیل کہ در آن دیار
فتنہ وبلا افتد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زمین آہستہ جنبید ویک نیمہ فرو رفت دلیل کہ در آن دیار پادشاہی آید واہل آن دیار
را عذاب کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن زلزلہ در خواب وخسف زمین فرو شدن محنت وبلای عظیم از قبل پادشاہ
بود قولہ تعالی فَخَسَفْنَا بِہٖ وَبِدَارِہِ الْاَرْضَ بہمہ حال زلزلہ در خواب دلیل بر عقوبت وملامت بود با اہل آن دیار **زمرد**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زمرد در خواب دلیل بر فرزند وبرادر باشد یا مال حلال اگر بیند کہ زمرد داشت یا کسے بوی داد
دلیل کہ اورا فرزندی آید یا برادری کہ ازو منفعت یابد واگر بیند کہ زمرد وی ضایع شد دلیل کہ فرزندش بمیرد یا مال او تلف شود
کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید زمرد در خواب دیدن دلیل بر مذہب ودین پاک بود وہر زیادت ونقصانی کہ در زمرد بود تاویل آن
بمذہب پاک او بازگردد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید زمرد بخواب دیدن سخن نیکو بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید زمرد در خواب بر پنج
وجہ بود یکی فرزند دوم برادر سیوم مال حلال چہارم کنیزک پنجم غلام نیکو وہرچند کہ زمرد نیکوتر باشد این دلیلہا کہ گفتہ شد بہتر بود
زمستان ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زمستان در خواب پادشاہ بود اگر بخواب بیند کہ زمستان بود چنانکہ مردمان
را ازان مضرت میرسید دلیل کہ اہل آن دیار را از پادشاہ مضرت رسد واگر بیند کہ زمستان بود وہوا سرد بود وکسی را مضرت
نمیرسد وکسی را زیانی نمیداشت دلیل کہ مردم آن دیار را از پادشاہ خیر ومنفعت یابند وزمستان در خواب بوقت خود دیدن
دلیل نصرت وظفر باشد **زمین** دانیال علیہ السلام گوید زمین در خواب زن بود واگر بیند کہ زمینی داشت فراخ ونیک
وبزرگ خاک پاک دلیل کہ اورا زنی باشد بستر وصلاح چنانکہ میان اقربا اورا فضل ومنزلت باشد بقدر بزرگی وفراخی زمین
اگر بیند کہ در آن زمین سبزہ ونبات مجہول بود وداند کہ ازان اوست دلیل کہ آنکس دیندار ومسلمان باشد وسبزہ در خواب اسلام
بود وابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در زمین سبزہ ونبات بود وجائی معروف بود دلیل کہ اورا فضل ودیانت باشد
واگر در زمین بنائی نہاد وعمارتی کرد دلیل کہ اورا فضل دین ودنیا باشد وسرانجام ثواب راہ آخرت یابد واگر بیند کہ اورا

میان صحرا زمینی بود مانند بیابان و آن زمین را نشناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بیند که زمین میکند و بخورد دلیل که بقدر خوردن خاک مال یابد و اگر بیند که در زمینی فرو رفت بی آنکه چاهی یا مغاکی در انجا بود و در انجا ناپدید شد دلیل که بمیرد و اگر بیند که زمین را مانند چاه و سردابه میکند دلیل که در اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بیند که در زمینی فراخ بود و بر وی تنگ شد و میرفت در انجا دلیل که در انجا از کاری نیک بکاری مجهول افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که زمین با وی سخن گفت و بخیر و صلاح او را مژده داد دلیل که در دنیا نیکی بسیار کند و بعد از وفات او را بنیکی یاد کنند و اگر بیند که زمین او را فراخ و بزرگ شد دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بیند که زمین می پیمود دلیل که بسفر رود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین از بهر کشت میشگافت دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و از قبل زن منفعت یابد و اگر بیند که زمین خویش را آبادان میکرد دلیل که کارش آباد آن و نیکو گردد و اگر زمین را خراب بیند تاویلش بخلاف این بود و او را با کسی خصومت افتد و اگر خود را در زمین کشته بیند دلیل که او را با کسی انبازی بود یا زنی را بنکاح در آورد و اگر بیند که آبی آمد و زمین را غرقه کرد و آن کشته را تباه کرد دلیل که از پادشاهی ملامت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین را در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیوم مال چهارم ولایت **زنان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زن جوان در خواب شادی بود و زن پیر دنیا و شغل اینجهانی و نیز دیدن زنان در خواب بقدر خوبی و جمال و فربهی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بیند زنی باشد معروف و زن فربه و معروف فراخی روزی بود زن زشت و لاغر قحط و تنگی بود و زنان شادمان و آراسته مراد اینجهانی بود و پیره زن چرکین دلیل بر نامرادی و بدحالی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که او را قضیب بود همچون مردان دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند بر قوم و خاندان بزرگ و سرور گردد و اگر زنی جوان بیند که پیر شده بود دلیل بر خیر و صلاح دین و دنیا کند و اگر زنی بیند که قضیب داشت و مجامعت کرد دلیل که حرمت و بزرگی او کم شود و اگر بیند که زنی که جامهٔ مردانه پوشیده بود اگر آن زن مستوره بود دلیل که خیر و صلاح بود و اگر مفسده بود دلیل بر شر و فساد بود مغربی رحمة الله علیه گوید دوستی زنان در خواب اهل دنیا را زیادتی مال بود و اهل صلاح را علم و زن غریب را تاویل بهتر از زن آشنا باشد و اگر بیند که بر زن وی کسی دست درازی کرد دلیل که اهل آن زن توانگر شود و اگر بیند که زن وی بفساد نزدیک بیگانه رفت دلیل که بسری آورد و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنان در خواب بر شش وجه بود یکی شادی دوم دنیا سیوم شغل اینجهانی چهارم فراخی نعمت پنجم قحط ششم توانگری **زنار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زناری در دست داشت دلیل که در دین ضعیف بود و اگر بیند که زنار بر میان بسته بود و اگر بیننده مستور نبود دلیل که کافر شود و اگر بیننده مستور بود داد انصاف از خصم بستاند و اگر بیند که زنار ببرید و بیرون انداخت دلیل که از کار بد توبه کند و بخدای تعالی بازگردد و راه صلاح اختیار کند **زنبور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنبور در خواب مردی دون و سفله بود و اگر بیند که زنبور او را بگزید دلیل که از مردی دون او را رنجی رسد و اگر بیند که زنبور بسیار بر وی جمع شدند دلیل که میان مردم دون گرفتار گردد خاصه چون زنبور او را بگزید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنبور گزید دلیل که او را با زنان دون و سخن چین کار افتد و اگر بیند که زنبور را بکشت دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که از هوا زنبوران بسیار بقیاس گرد آمده بودند دلیل که در آن دیار لشکری رسد

جعفر صادق رضی الله عنه گوید زنبور در خواب بر شش وجه بود یکی غوغا دوم مرد دون سوم لشکر چهارم ملخ پنجم دشمن ششم
فرزندان **زنبیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنبیل در خواب زن بود یا کنیزک و اگر بیند که زنبیلی داشت دلیل که
او را خادمی حاصل شود و بعضی گویند که زنبیل مال و نعمت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنبیل در خواب بر هشت
وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت **زنجبیل**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنجبیل در خواب دلیل بر غم و اندوه و خوردن آن مضرت و زیان و بعضی معبران گویند زنجبیل
در خواب دلیل بر حکمت و گفتگوی کند و دیدن و خوردن زنجبیل در خواب دلیل بی نفعی بود **زنجیر** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زنجیر در خواب معصیت و گناه بود و اگر بیند که زنجیر شکست و بینداخت دلیل از گناه توبه کند و بخدای تعالی باز گردد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنجیر در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از حرام نیندیشد و اگر بیند که زنجیر
که در پایها داشت دلیل که در خانهای مردم معصیت کند و دیدن زنجیر در خواب مردی عاصی و گنهگار بود **زنخ** در خواب
مهتر خانه بود و خداوند عقل بسیار و اگر بیند که زنخ او بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه خوار گردد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که کسی با زنخ بر زنخ او میزد دلیل که مهتر خاندان با وی سخن گوید که از آن رنجور شود و اگر بیند که از زنخ وی خون
بیرون شد دلیل که بقدر آن از مهتران خاندان او را زیان رسد و بعضی از معبران گویند که در کسب کارش نقصان افتد **زندان**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زندان بود و اهل زندان هرگز ندیده بود دلیل بر هلاک وی بود و اگر زندان معروف
بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که زندان بر پای داشت دلیل که بر عملی که دارد دیر بماند و در غم و فکر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیننده خواب مستور نباشد از شغلهای دنیی و را غم و اندوه رسد و اگر بیند که مردی با پای خود بسیر رفت دلیل که کار بسته او بگشاید
جعفر صادق رضی الله عنه گوید زندان در خواب دیدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیکو بود و قوله تعالی
قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه و چون زندان مجهول بود گور باشد و غم و اندوه بود چنانکه مهتر یوسف علیه
السلام فرمود السجن قبر الاحیاء و منزل البلوی و تجربة الاصدقاء و شماتة الاعداء یعنی زندان بخواب گور
زندگانست و منزل بلاست و آزمایش کردن دوستانست و خرم کردن دشمنانست اگر بیند که در زندان شد و زود بیرون آمد دلیل که مراد تمام
بیابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زندان در خواب گور بود **زنگله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگله در خواب جنگ و خصومت
بود و اگر بیند که زنگله داشت دلیل که با کسی جنگ کند و اگر بیند که کسی آشنا زنگله زرین یا سیمین بوی داد دلیل که با توانگری
خصومت کند و اگر بیند که زنگله سیمین بود یا برنجین دلیل که وی را با کسی عام خصومت افتد **زنهار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در زنهار نگریست و پنداشت که هرگز موی نبود دلیل که کار بروی بسته شود و اگر بیند که بر زنهار وی رنجی بود یا دردی دلیل
که بقدر رنج او را زحمت رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زنهار در خواب بر دو وجه بود یکی زن دوم مال و هر
زیادت و نقصان که در زهار بود تاویل آن بر زن و مال باز گردد **زهر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زهر در خواب خوردن
مال حرام بود یا خون باطل و ناحق ریزد و اگر بیند که از خوردن زهر تن وی آماس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن وی زهر آلوده بود دلیل که در کاری که بود سخت حریص بود و بعضی از معبران گویند که سخنی

گوید و بران اقدام نماید واگر بیند که تن او را از زهر گزندی رسید یا آماس داشت دلیل که بقدر آماس او را غم و اندوه رسد واگر بیند
که زهر خورد دلیل که از کسی خشم فرو خورد **زهره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زهره مردم میخورد دلیل که
خشم فرو خورد واگر بیند که زهره چهارپایی میخورد دلیل که بدخوئی و خشمناک شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
تن وی بزهره مردمان آلوده گشت دلیل که آزار مردمان جوید واگر بیند که تن وی بزهره چهارپایان آلوده گشت دلیل که مال
حرام بپوشد واگر بیند که تن وی بزهره ددان آلوده گشت دلیل که صحبت با کسی دارد که بدخوی و ناساز کار بود **زوبین**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زوبین در دست داشت و چیزی دیگر غیر زوبین با وی نبود دلیل
که او را فرزندی آید واگر بیند که با زوبین سلاحهای دیگر داشت دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن
ظفر یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زوبین انداخت دلیل که کسی را سخن بد گوید واگر بیند که بزوبین کسی را مجروح
گردانید دلیل که بر کسی بهتان نهد **زیتون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیتون در خواب غم و اندوه بود
اگر بیند که زیتون داشت یا کسی بوی داد و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن
زیتون در خواب دلیل خیر و برکت باشد واگر بیند که روغن زیت می پالود و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زیتون تلخ بود و با نان میخورد دلیل که او را منفعت بسختی حاصل شود **زیره باج**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره باج در خواب چون ترش نباشد و میل بشیرینی دارد دلیل بر خیر و منفعت باشد
و چون میل بترشی دارد دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود دلیل بر بیماری بود و بعضی از معبران گویند که خوردن
زیره باج در خواب دلیل بر مصیبت و غم و اندوه بود **زیلو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیلو در خواب چون گسترده
باشد دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند زیلو دراز باشد بهتر بود و چون زیلو پیچیده باشد دلیل بر نقصان
عمر کند واگر بیند که بر زیلوی کوچک نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد دلیل که عیش و روزی فراخ شود
واگر زیلو بدست خود بپیچید و در کنج خانه نهاد دلیل که عز و دولت خود را تباه کند واگر بیند که زیلو بر پشت نهاد دلیل که
امانت مردم بر گردن وی باشد واگر بیند که زیلو پیچیده و بکسی دیگر داد دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که زیلوی سبز داشت و پاکیزه بود دلیل که نعمت بروی فراخ گردد واگر بیند که زیلوئی کهنه و دریده
بود دلیل که عیش بروی دشوار شود واگر بیند که زیلوئی مجهول افگنده بود دلیل که انچه در دست دارد از دست او
برود واگر بیند که زیلوی نو بوی دادند و در خانه بگسترد دلیل که دولت و اقبال یابد و عمرش دراز گردد حضرت جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید دیدن زیلو در خواب بر شش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیوم روزی فراخ چهارم
عز و دولت پنجم دشواری عیش ششم گناه **زیره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره در خواب چون بسیار بیند
دلیل منفعت دین و دنیای وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زیره در خواب چون اندک بیند منفعت
کمتر بود **زین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زین بخواب چون بر پشت چهارپای نباشد زن بود واگر بیند
که بر پشت چهارپای بود دلیل که حکم نیک و بد آن بر راکب باشد واگر بیند که زینی بخرید یا کسی بوی داد دلیل